



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی

دریای خزر

از ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.

تألیف

قربانعلی کناررودی

عضو هیئت علمی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سندپژوهی



۱۵۷۶

پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی دریای خزر از ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.

قربانعلی کناررودی

سندپژوهی



NATIONAL LIBRARY & ARCHIVES OF IRAN

Historical and Documentary Background of Legal Regime of the Caspian Sea from 1228AH/1813AD. until 1319/1940

Ghorbanali Kenarroudi

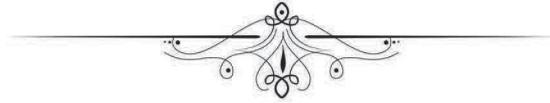
دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان، سال‌ها تحت حاکمیت مشترک دو کشور ایران و شوروی بود. با تحولات سیاسی ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی سوسپالیستی در سال ۱۹۹۱ م. کشورهای جدیدی در سواحل دریای خزر تشکیل و حاکمیت مشترک دوگانه ایران و شوروی به حاکمیت مشترک ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، ازبایجان تغییر یافت و تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر مطرح شد. تا پیش از این تاریخ تمامی قراردادهای و معاهدات به صورت دوجانبه و بدون دخالت کشور سوم تعیین می‌شد. اسناد و مدارک گویای این حقیقت است که به‌طور رسمی از قرارداد گلستان در ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا پیمان بازرگانی و بحریمایی در ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م. تعیین و تدوین سه رژیم حقوقی در زمینه دریانوردی و کشتیرانی، تجارت و امور گمرکی، ماهیگیری و شیلات، مورد توجه و توافق دو کشور بوده است.



انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۵۷۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی دریای خزر

از ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.

تألیف

قربانعلی کنارودی

(عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

معاونت پژوهش و منابع دیجیتال

پژوهشکده اسناد

تابستان ۱۴۰۰

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی ایران

سرشناسه	:	کناررودی، قربانعلی، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور	:	پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی دریای خزر از ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م. / تألیف قربانعلی کناررودی.
مشخصات نشر	:	تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۱۵ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست	:	انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ ۱۵۷۶.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۴۴۶-۶۲۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	حقوق دریاها -- دریای خزر، منطقه
موضوع	:	Law of the sea -- Caspian Sea Region
موضوع	:	دریای خزر
موضوع	:	Caspian Sea
موضوع	:	دریای خزر، منطقه -- تاریخ
موضوع	:	Caspian Sea Region -- History
شاسه افزوده	:	سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده اسناد
رده بندی کنگره	:	DSR۲۱۶۰
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۲۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۴۳۵۶۴۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیبا



انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران؛ شماره ۱۵۷۶

عنوان: پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی دریای خزر از ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.

تألیف: قربانعلی کناررودی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران)

ویراستار: آرزو تجلی

نمایه ساز: صدف نعیمی

صفحه آرا: شیوا باقری

طراح جلد: محمد قدیمی

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

(معاونت پژوهش و منابع دیجیتال)

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / چاپ اول ۱۴۰۰

چاپ و صحافی: نگاه نو

بهای: ۹۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۶-۶۲۶-۷

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی، دفتر فروش: ۸۱۶۲۳۲۷۷

نمایر: ۸۱۶۲۳۳۰۱ فروشگاه مجازی: <http://bookshop.nlai.ir> پست الکترونیک انتشارات: publication@nlai.ir

سامانه انتشارات: <http://publish.nlai.ir>



فهرست مطالب

۹	سخن ناشر
۱۱	پیشگفتار
	فصل نخست: کلیات و وضعیت طبیعی و جغرافیایی دریای خزر
۲۱	۱. تاریخچه دریای خزر
۲۲	۲. خلیج‌های دریای خزر
۲۴	۳. بندرهای مهم دریای خزر
۲۷	۴. حوضه‌های آبریز دریای خزر
۲۹	۵. جزایر دریای خزر
	فصل دوم: اهمیت دریای خزر
۳۳	۱. مقدمه
۳۳	۲. اهمیت ژئوپلیتیک
۳۵	۳. اهمیت اقتصادی
۳۵	۳-۱. منابع نفت و گاز
۳۶	۳-۲. شیلات و محیط‌زیست
۳۶	۳-۳. گردشگری
	فصل سوم: روابط ایران و روسیه از صفویه تا فتحعلی شاه قاجار (۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.)
۴۱	۱. اقوام ساکن در اطراف دریای خزر

- ۴۴ ۲. روابط ایران و روسیه در عصر صفویه
- ۴۸ ۳. عهدنامه سن پترزبورگ
- ۴۹ ۴. روسیه و عثمانی در ایران
- ۵۲ ۵. ظهور نادر و بازپس‌گیری نواحی اشغالی
- ۵۵ ۶. عهدنامه رشت (۱۱۴۵ ق. / ۱۷۳۲ م.) و عهدنامه گنجه (۱۱۴۸ ق. / ۱۷۳۵ م.)
- ۵۹ ۷. مسئله گرجستان و آغاز جنگ‌های ایران و روسیه

فصل چهارم: رژیم حقوقی دریای خزر

- ۶۵ ۱. درآمدی بر رژیم حقوقی دریای خزر
- ۶۶ ۱-۱. معاهدات و موافقت‌نامه‌ها
- ۶۷ ۱-۱-۱. معاهدات گلستان و ترکمانچای
- ۶۸ ۲-۱-۱. عهدنامه مؤدت و دوستی ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / ۱۲۹۹ ق.
- ۶۹ ۳-۱-۱. موافقت‌نامه شیلات و ماهیگیری ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م.
- ۶۹ ۴-۱-۱. عهدنامه اقامت، تجارت و بحریمایی ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م.
- ۷۰ ۵-۱-۱. معاهده بازرگانی و بحریمایی ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.
- ۷۲ ۲. رژیم حقوقی کشتی‌رانی
- ۷۲ ۱-۲. نیروی دریایی ایران در خزر
- ۷۴ ۲-۲. رژیم حقوقی کشتی‌رانی
- ۸۱ ۳. رژیم حقوقی شیلات و ماهیگیری
- ۸۱ ۱-۳. شیلات شمال ایران
- ۸۳ ۲-۳. امتیاز شیلات
- ۸۵ ۳-۳. لیانازوف و شیلات شمال
- ۸۸ ۴-۳. وانیتسف و قرارداد شیلات شمال
- ۹۰ ۵-۳. عهدنامه مؤدت و شیلات
- ۹۱ ۶-۳. قرارداد شیلات ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م.
- ۹۶ ۷-۳. آیین‌نامه و نظامنامه صید صیادان سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۸ م.
- ۹۸ ۸-۳. نظامنامه صید صیادان آزاد در آب‌های امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی (۱۳۱۷ ش.)

۱۰۳	۴. رژیم حقوقی تجارت و گمرک
۱۰۳	۴-۱. تجارت در عهد قاجار
۱۰۴	۴-۱-۱. موانع تجارت
۱۰۶	۴-۱-۲. سیاست تجاری روسیه
۱۰۷	۴-۱-۳. تجارتخانه‌های ایرانی
۱۰۹	۴-۱-۴. تجارتخانه‌های روسی
۱۱۰	۴-۱-۵. تجارت داخلی
۱۱۲	۴-۱-۶. تجارت و تأثیر آن بر صنعت
۱۱۴	۴-۱-۷. فعالیت روس‌ها در شهرهای تجاری تبریز، رشت، مشهد
۱۱۶	۴-۱-۸. تجارت خارجی
۱۱۹	۴-۲. گمرک در دوره قاجار
۱۲۰	۴-۲-۱. شیوه کار گمرک در ایران
۱۲۱	۴-۲-۲. گمرک و بازرگانان
۱۲۳	۴-۲-۳. گمرک و روسیه (تعرفه ۵ درصدی)
۱۲۴	۴-۲-۴. تعرفه جدید ۱۹۰۳ م.
۱۲۶	۴-۲-۵. وضعیت راه‌ها
۱۲۸	۴-۲-۶. راه‌های ارتباطی
۱۳۰	۴-۲-۷. حمل‌ونقل روسیه
۱۳۳	۴-۲-۸. حمل‌ونقل دریایی و روس‌ها
۱۳۵	۴-۳. تعیین رژیم حقوق تجاری و گمرکی
۱۴۲	۴-۴. بحران تجاری و پیدایش نهضت اقتصاد

۱۵۳	سخن پایانی
۱۵۹	فهرست منابع
۱۶۹	پیوست‌ها
۱۷۱	۱. سواد عهدنامه گلستان ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م.
۱۷۳	۲. سواد عهدنامه ترکمانچای ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.
۱۷۵	۳. سواد عهدنامه تجارتی پیوست عهدنامه ترکمانچای ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.

۴. سواد قرارداد بین ایران و وانیتسُف تاجر روسیه ۱۲۹۸ ش./ ۱۹۲۰ م. ۱۷۶

۵. قرارداد بازرگانی و بحریمایی بین ایران و اتحاد شوروی سوسیالیستی ۱۳۱۹ ش./ ۱۹۴۰ م. ۱۸۶

۲۰۵

نمایه

سخن ناشر

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، چاپ و نشر آثار علمی و تخصصی را بر عهده دارد که عمدتاً مورد نیاز و استفاده کتابخانه‌ها، آرشیوها، مراکز اسنادی، و نیز مراکز آموزشی و پژوهشی است.

خطمشی انتشارات سازمان در این زمینه، ارائه الگوی نشر کتابخانه‌ای و آرشیوی از طریق چاپ و انتشار منابع علمی - پژوهشی و عرضه مطلوب آثار حرفه‌ای و تخصصی در حوزه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی (کتابداری و اطلاع‌رسانی) و مطالعات و پژوهش‌های آرشیوی و اسنادی مانند منابع مرجع، سرعنوان‌های موضوعی، رده‌ها، استانداردها، اصطلاحنامه‌ها، مستندها، دستنامه‌ها، فهرست‌ها و فهرستگان‌ها، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، تاریخ شفاهی؛ همچنین احیا و چاپ منابع نفیس و نادر از جمله اسناد تاریخی، نسخه‌های خطی، نشریات قدیمی و آثار بین‌رشته‌ای مرتبط و وابسته به این حوزه‌ها در انواع قالب‌ها و محمل‌های چاپی و الکترونیکی است.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران امیدوار است با یاری پروردگار و همراهی اصحاب قلم و اندیشه، در جهت پاسداشت و اشاعه دستاوردهای علمی و فرهنگی ایران‌زمین، با توش و توانی روزافزون گام بردارد.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران

بیشگفتار

دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان است و در عرف بین‌المللی با عنوان دریای بسته شناخته می‌شود. این دریاچه تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تحت حاکمیت مشترک ایران و اتحاد جماهیر شوروی بود و این دو کشور مشکلات فی‌مابین را با معاهدات و قراردادهای متعدد رفع می‌کردند. با تغییرات و تحولات سیاسی و جغرافیایی در اثر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای جدیدی در سواحل دریای خزر تشکیل و حاکمیت مشترک دوگانه ایران و اتحاد جماهیر شوروی به حاکمیت مشترک پنج‌گانه ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، و آذربایجان تغییر یافت.

تدوین و تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از نظر تاریخی سه دوره متمایز دارد: دوره روسیه تزاری، دوران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، و دوران پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱. پژوهش حاضر با مطالعه اسناد و مدارک تلاش می‌کند اطلاعات مستندی درباره پیشینه تاریخی رژیم حقوقی دریای خزر از زمان قرارداد گلستان (۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م.) تا قرارداد بازرگانی و بحریمایی (۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰) بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی ارائه دهد. این تلاش برای ارائه طریق در مسئله رژیم حقوقی دریای خزر، در کنار منابع مختلف حقوق بین‌الملل از قبیل اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل، معاهدات و موافقت‌نامه‌های موجود، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل، رویه‌های قضایی، و دکترین‌ها و نظرات علمای حقوق مفید خواهد بود.

تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیدایش کشورهای تازه استقلال یافته‌ای چون قزاقستان، آذربایجان، و ترکمنستان در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ مطرح شد. پیش از این تاریخ هرگونه قرارداد و پیمانی به صورت دوجانبه و بدون دخالت کشور سوم، بین روسیه و ایران، تعیین و امضا می‌شد. در سابقه تاریخی این دو کشور، تعداد بی‌شماری

قرارداد و پیمان و معاهده مشترک با عناوین متعدد تجاری، گمرکی، مرزی، کشتی‌رانی، و شیلات و ماهیگیری وجود دارد.

عمده‌ترین منابع حقوقی جهت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر که در مذاکرات دیپلماتیک مبنای گفت‌وگوهای نمایندگان حقوقی و سیاسی کشورهای ساحلی قرار دارد، همین قراردادها و توافقات است. بیشتر این قراردادها و معاهدات و نامه‌های پیوست و تکمیلی قبل و بعد از امضای قراردادها - که در مراکز اسنادی دولتی موجود است - بیش از هر چیز به سه رژیم حقوقی مشخص پرداخته‌اند: (۱) دریانوردی و کشتی‌رانی، (۲) تجارت و امور گمرکی، و (۳) ماهیگیری و شیلات.

تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر بر اساس عهدنامه مؤدت ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و قرارداد بحرپیمایی و بازرگانی ۲۵ مارس ۱۹۴۰ بود. بر اساس این معاهدات دریای خزر متعلق به ایران و اتحاد جماهیر شوروی بوده و تنها یک منطقه انحصاری ۱۰ مایلی برای ماهیگیری برای دو طرف در نظر گرفته شده است. اعلام استقلال جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی و افزایش کشورهای ساحلی دریای خزر از دو به پنج، موجب شد که رژیم حقوقی دریای خزر موضوع مذاکرات و بحث‌های مختلف قرار گیرد؛ ولی به دلیل وجود ذخایر نفت و گاز و تحت‌تأثیر ملاحظات اقتصادی و سیاسی و بعضاً دخالت کشورهای غیرمحلی از جمله ایالات متحده آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی، کشورهای ساحلی هنوز نتوانسته‌اند در خصوص رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر به اجماع برسند.

از سال ۱۹۹۲ دولت‌های آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان، با توجه به تغییرات به وجود آمده در اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را که در کنفرانس آلماتی قزاقستان تأیید کرده و مبنای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر قرار داده بودند، فاقد اعتبار قانونی دانسته و تعیین دوباره رژیم حقوقی دریای خزر را درخواست کردند.

از آنجاکه تعیین هرگونه رژیم حقوقی جدید مستلزم توافق همه کشورهای ساحلی است، طبق اصل تساوی حقوقی بهره‌برداری از دریای خزر، تا زمان تعیین رژیم جدید، همه کشورهای در انجام فعالیت‌های خود در دریای خزر حقوق مساوی داشته و هیچ‌یک حق انحصاری نخواهند داشت. همچنین بر اساس اصل جانشینی دولت‌ها، دریای خزر به‌عنوان ملک مشترک به جمهوری اسلامی و کشورهای جدید روسیه، آذربایجان، قزاقستان، و ترکمنستان تعلق خواهد داشت. با توجه به موقعیت و اهمیت دریای خزر و نقش مهم آن در منطقه و روابط کشورها، بررسی رژیم حقوقی آن بر اساس سوابق تاریخی مانند اسناد و معاهدات، و ارجاع

به آرای کشورهای ساحلی با مبانی حقوقی، ضروری به نظر می‌رسد. مسائل مربوط به این دریا به موقعیت استراتژیک، منابع موجود در آن، و منافع حیاتی کشورهای ساحلی آن بستگی دارد. دستیابی به ثبات منطقه‌ای و صلح پایدار که در آن، دولت‌ها به منافع قانونی یکدیگر و استانداردهای بین‌المللی حاکم بر روابط با یکدیگر احترام بگذارند، مستلزم حل این مشکلات است.

مشکلات و مسائل رژیم حقوقی دریای خزر تنها به یک کشور اختصاص ندارد و از لحاظ سیاسی و امنیتی، اقتصادی، و فرهنگی برای همه کشورهای ساحلی حائز اهمیت است. از این رو اهداف این اثر عبارت است از: بررسی و تحلیل پیشینه تاریخی دریای خزر، همسایگان، قراردادهای، نحوه بهره‌برداری از امکانات دریا، سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌های روسیه و ایران، و شناخت بهتر رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر تا سال ۱۹۴۰ و چالش‌های مربوط به آن. پرسش اساسی در این نوشتار این است که دریای خزر از ابتدای سال ۱۲۲۸ ق. ۱۸۱۳ م. تا ۱۳۱۹ ش/ ۱۹۴۰ از چه رژیم حقوقی‌ای پیروی می‌کرده و رژیم حقوقی آن در سال‌های گذشته چه کاستی‌هایی داشته که پس از فروپاشی اتحاد شوروی به یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل سیاسی و حقوقی بین کشورهای همسایه تبدیل شده است؟

فرضیه مطرح‌شده این است که مبنای رژیم حقوقی دریای خزر پیمان‌ها و قراردادهای مورد توافق و امضاشده بین ایران و روسیه بود؛ اما از سال ۱۹۹۱ و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رعایت این رژیم حقوقی با مقاومت‌هایی همراه شد. پیدایش این مقاومت‌ها دلایل متعددی دارد نظیر پیدایی کشورهای مستقل، منابع اقتصادی دریای خزر از جمله نفت و گاز، مطامع دولت‌های غیرمحملی و مداخلات آنها، و حفظ امنیت منطقه از سوی کشورهای همسایه به‌ویژه روسیه و ایران. آثار و نوشته‌های متعددی را می‌توان یافت که در سال‌های اخیر به این مسئله پرداخته‌اند، اما تاکنون جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و اسناد تاریخی مربوط به این موضوع در یک مجموعه صورت نگرفته است. لذا این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر اسناد تاریخی موجود و قابل دسترسی، ابعاد مختلف این چالش منطقه‌ای را بررسی و تحلیل کند. با توجه به مطالعات انجام‌شده می‌توان سابقه مطالعات و تحقیقات صورت‌گرفته در این دوره زمانی را به چند بخش تقسیم کرد. بخش عمده‌ای از منابع مطالعاتی کتاب‌های تاریخی نوشته‌شده در دوره قاجار و بخش دیگر، کتاب‌ها و تحقیقات منتشرشده در زمان‌های متأخر است. این دست از منابع صرفاً به تاریخ روابط ایران و روسیه پرداخته و تحولات بین دو کشور را در ابعاد سیاسی و اقتصادی بررسی کرده‌اند. این منابع درباره رژیم حقوقی مترتب بر

دریای خزر و حقوق ایران در این دریا به ذکر اشارات مختصری بسنده کرده و به جزئیات نپرداخته‌اند. خاطرات و شرح احوال رجال سیاسی و نظامی ایران و انتشار قراردادها و معاهدات بین ایران و روسیه و مصوبات مجلس ایران، از دیگر منابع در دسترس است. این نوع آثار، با خوانش اسناد و پرده‌افکنی از ناگفته‌ها و نانوشته‌ها، نکات ارزنده‌ای را درباره رژیم حقوقی دریای خزر آشکار کرده‌اند، اما به دلیل پراکندگی موضوعی، در پژوهش‌های مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. فروپاشی اتحاد شوروی و درخواست تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر از سوی کشورهای تازه استقلال یافته و ادعاهای جدید آنان، موجب شد تا نویسندگان و پژوهشگران مسائل مربوط به دریای خزر و قفقاز، مراکز مطالعات سیاسی و اقتصادی، و مجامع دانشگاهی ایران، کتاب‌ها و مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی درباره رژیم حقوقی دریای خزر تهیه کنند. با نگاهی به عناوین تحقیقات و مقالات و پایان‌نامه‌های نگارش شده، معلوم می‌شود که فصل مشترک و دغدغه اصلی همه آنان رژیم حقوقی دریای خزر و اثبات حاکمیت کشور ایران بر دریای خزر و تعیین میزان برخورداری از رژیم حقوقی آن بر مبنای اصول حقوقی بین‌المللی و عرفی، کنوانسیون‌ها، و معاهدات است.

بخش دیگر این تحقیقات و مقالات، به بررسی نظرات و پیشنهادهای مطرح شده از سوی کشورهای ساحلی در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و سهم‌خواهی هریک از کشورها از منابع بستر و زیربستر آن، به‌ویژه منابع هیدروکربنی نفت و گاز، که برای کشورهای ساحلی اهمیت زیادی دارد و مسائل سیاسی و امنیتی و نظامی، و روابط بین کشورها پرداخته است.

پژوهش حاضر بر اساس روش تحقیق توصیفی و تحلیل تاریخی استوار است. بر مبنای این روش، ابتدا وضعیت دریای خزر و اهمیت آن با ذکر جزئیات توصیفی، سپس پیشینه تاریخی و اسنادی مناسبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران و روسیه از پیش از صفویه تا پایان پهلوی اول تحلیل و ارزیابی شده است. در تحلیل مناسبات دو کشور از روش‌های جامعه‌شناسی تاریخی و رویکردهای اقتصادی نیز کمک گرفته شده است. گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی است.

برخی اصطلاحات به کار رفته در این پژوهش که نیاز به تعریف دارند عبارت‌اند از:

- رژیم حقوقی: رژیم در لغت به معنای «نظام قواعد و مقررات، و نظام حقوقی و قانونی» است (آقایی، ۱۳۸۵، ص ۹۶۵). رژیم حقوقی در مفهوم ساده به معنی حق بهره‌برداری مشترک کشورهای ذی‌نفع در یک منطقه است.

- آب‌های داخلی: شامل رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در یک کشور محصور است و نیز آب‌هایی

- که در قسمت خشکی خط مبدأ دریای سرزمینی واقع شده‌اند (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۱۶۷).
- دریای سرزمینی: هر دولتی حق دارد عرض دریای سرزمینی خود را تا وسعتی معادل ۶ الی ۱۲ مایل دریایی از خط مبدأ تعیین کند. این منطقه از خط مبدأ آب‌های داخلی شروع و تا آب‌های آزاد را شامل می‌شود. دریای سرزمینی در اطراف سرزمین خشکی دولت ساحلی و اطراف جزایر متعلق به آن امتداد دارد (سون^۱ و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۶۰).
 - دریای آزاد: مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی دولت‌ها جزو دریای آزاد محسوب و بهره‌برداری از آن برای همه کشورهای آزاد تلقی می‌شود. در کنوانسیون ۱۹۵۸، دریای آزاد به معنی تمام بخش‌های دریایی است که جزو دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی یک کشور نیست (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰ و ۲۰۷).
 - حقوق دریاها: مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر آب‌ها، بستر دریاها، زیربستر دریاها، و فضای مافوق دریاست. استخراج منابع از فلات قاره و نیز پیشرفت امکانات فنی برای استخراج منابع طبیعی از اعماق دریاها، ماهیگیری، و حق عبور و مرور دولت‌های ساحلی و دولت‌های محصور در خشکی از مباحث مهم حقوق دریاها به شمار می‌رود (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱).
 - دریای بسته: دریایی که از هیچ راه طبیعی به دریاهای آزاد وصل نباشد.
 - مالکیت مشترک یا کندومینیوم^۲: در مفهوم عام، اشتراک و اتحاد بین کشورهای در رابطه با یک پهنه سرزمینی است؛ و در حقوق بین‌الملل عبارت است از صلاحیت بر یک سرزمین به‌طور مشترک توسط دو یا چند دولت. ترتیب و شرایط این نوع مالکیت به وسیله نظام حقوقی ای که اقتدار بر این سرزمین را بین چند دولت تقسیم می‌کند تعیین می‌شود. صلاحیت اداره سرزمین ممکن است به‌طور هم‌زمان یا به نوبت باشد (بلدسو^۳، بوسچک^۴، ۱۳۷۵، ص ۵۱).
 - مشاع: به حق مالکیت چند مالک در جزء جزء لاینفک یک ملک واحد که تقسیم نشده است گفته می‌شود. در اصطلاح حقوقی داخلی معادل کندومینیوم (مالکیت مشترک) است (ناظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۵).
 - عهدنامه: سند و نوشته‌ای که در آن موضوعی یا قراردادی در صحنه بین‌المللی ضبط شده باشد. عهدنامه، معادل مقاله‌نامه است (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۲۷).
 - موافقت‌نامه: اسناد دوجانبه بین کشورهای که توسط قوه مجریه در زمینه‌های مختلف

1. Sohn
2. Condominium
3. Bledso
4. Boeize

اقتصادی، تجاری، فرهنگی، و علمی منعقد می‌شود. سند حاکی از توافق و قراردادهای دو یا چند کشور است (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۳۴).

• حقوق گمرکی: حقوقی است که طبق تعرفه گمرکی وضع شده و هنگام ورود یا خروج از قلمرو گمرکی به اجناس تعلق می‌گیرد. حقوق گمرکی مصوب مجلس است و تغییرات در جهت افزایش آن در قالب سود بازرگانی و توسط دولت انجام می‌شود (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۱۷).

• ژئوپلیتیک: مطالعه روابط اعم از همکاری یا رقابت بین قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار قرار می‌دهد و یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۱).

• رویه قضایی: در معنی عام، به معنی مجموع آرای قضایی است. در معنای خاص، جایی به کار می‌رود که محاکم یا دسته‌ای از آن‌ها در باب مسئله‌ای حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله آنقدر تکرار شود که بتوان گفت هرگاه آن محاکم با دعوایی روبه‌رو شوند همان تصمیم را خواهند گرفت (مقتدر، ۱۳۷۳، ص ۲۹).

این کتاب، در چهار فصل تدوین شده است. فصل نخست به کلیات پژوهش اختصاص دارد. در این فصل آشنا کردن مخاطبان با دریای خزر و مسائل جغرافیایی آن و بنادر و خلیج‌ها و جزایر این دریا و حوضه‌های آبریز آن مورد توجه بوده است.

در فصل دوم اهمیت و اعتبار دریای خزر در ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و شیلات و محیط‌زیست آن مورد توجه بوده است. از آنجاکه تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر همواره بر اساس اهمیت اقتصادی به‌ویژه منابع نفت و گاز و مسائل سیاسی و امنیتی آن مطرح است، پرداختن به این مسئله لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

فصل سوم به روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه اختصاص دارد. آشنایی با پیشینه روابط ایران و روسیه و ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی آن و چگونگی نفوذ روسیه در آب‌های دریای خزر از اهداف این فصل است. این فصل به پی بردن به تلاش‌ها و اهداف روسیه تزاری در نزدیک شدن به مناطق جنوبی و اهمیت دستیابی به دریای خزر برای این کشور کمک می‌کند. روابط ایران و روسیه در عصر قاجار و آغاز جنگ‌های بین دو کشور و عقد معاهدات معروف گلستان و ترکمنچای از دیگر موضوعاتی است که در این فصل بررسی می‌شود. اهمیت این فصل به دلیل رسمی شدن تعیین رژیم حقوقی دریای خزر برای نخستین بار بین دو کشور ایران و روسیه تزاری است.

فصل چهارم به طرح رژیم حقوقی دریای خزر و برخی معاهدات و موافقت‌نامه‌های مرتبط

به رژیم حقوقی بین دو کشور ایران و روسیه، کشتی‌رانی و رژیم حقوقی کشتی‌رانی در دریای خزر، شیلات و رژیم حقوقی شیلات و ماهیگیری، تعیین مناطق ماهیگیری انحصاری، رژیم حقوقی تجارت و گمرک بین ایران و روسیه با رویکرد به اسناد و مدارک موجود، حمل‌ونقل و ترانزیت، محیط‌زیست، وضعیت نظامی و نظایر آنها، و مشاع و مشترک بودن دریای خزر بین دو کشور ایران و شوروی از منظر حقوقی اختصاص یافته است. اهمیت مطالب در این است که در تمامی این قراردادها و معاهدات دو جانبه بین ایران و روسیه تزاری و بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، موارد فوق از ارکان اساسی و مهم در روابط دو کشور بوده‌اند و هنوز از منابع جدید نفت و گاز و سایر منابع کانی در زیربستر دریای خزر سخنی در میان نیست.

حاصل پژوهش در «سخن پایانی» آمده و گویای این مطلب است که در سابقه تاریخی و اسنادی دریای خزر، تعیین رژیم حقوقی و چگونگی بهره‌برداری از کشتی‌رانی، شیلات و ماهیگیری، و تجارت و بازرگانی و امور گمرکی مورد توجه دو کشور ایران و روسیه بوده و به‌طور رسمی از سال‌های ۱۸۱۳ تا ۱۹۴۰ معاهدات و قراردادهای متعددی جهت تعیین این رژیم به امضای دو طرف رسیده است. اما در بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی یا همان منابع نفت و گاز تا سال ۱۹۴۰ که مورد نظر این پژوهش بوده، هیچ سند و مدرکی رد و بدل نشده است. از سوی دیگر، در تمامی قراردادهای بین دو کشور، اصل تساوی و مشاع بودن مورد توجه بوده و اجرا شده است. علاوه بر این، در تمامی قراردادها، هیچ‌گاه تقسیم‌بندی یا تحدید حدود در دریای خزر صورت نگرفته است و همواره دریای خزر به صورت مشترک و مشاع به‌عنوان دریای متعلق به دو کشور ایران و روسیه شناسایی و پذیرفته شده است.

در پایان بر نگارنده بایسته است از مسئولین و همکاران محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در معاونت پژوهش و معاونت اسناد ملی و به‌ویژه پژوهشکده اسناد که در مراحل انجام این پژوهش از سر لطف یاری‌رسان بوده‌اند و همچنین از همراهی و همکاری اداره انتشارات سازمان جهت چاپ و نشر آن صمیمانه و متواضعانه تقدیر و تشکر نماید. از محققان و علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی و سیاسی و تحولات رژیم حقوقی دریای خزر تقاضا دارد از بیان دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خود جهت بهبود این پژوهش دریغ نورزند.

قربانعلی کناررودی

۱۳۹۹

● فصل نخست

■ کلیات و وضعیت طبیعی و جغرافیایی دریای خزر

۱. تاریخچه دریای خزر

همان‌گونه که در مورد بسیاری دیگر از عوارض جغرافیایی جهان رایج است برای این دریا نیز نام‌های متفاوتی در زمان‌های گوناگون استفاده شده است. رایج‌ترین اسم در زبان فارسی برای این دریاچه «دریای خزر» است. به دلیل قدمت این دریا و سکونت در اطراف آن، در طول تاریخ، به این دریا حدود هفتاد نام داده‌اند که با هیچ‌یک از دریاهای جهان قابل قیاس نیست. قدیمی‌ترین نام دریای خزر که در اوستای ایرانی آمده است «زرایا واروکشا» به معنی آبگیر وسیع است. قدیمی‌ترین توصیف از آن نیز در منابع تاریخی و جغرافیایی یونانی آمده است. هرودوت معتقد بود این دریا به دریاهای دیگر متصل نیست. استرابون این دریا را خلیجی از اقیانوس منجمد شمالی می‌دانست. پلوتارک آن را در پیوند با دریای آزوف، و بطلمیوس در سده دوم میلادی این دریا را جدا و مستقل از سایر دریاها ذکر می‌کند (تکمیل همایون، ۱۳۸۰، ص ۱۰). نام‌های دریای کاسپی و کاسپین، برگرفته از نام اقوام ساکن در جنوب و جنوب‌غربی دریای شمال ایران است. آنان از قدیمی‌ترین ساکنان اطراف دریای خزر بودند که پیش از مهاجرت آریاها به سرزمین ایران روزگار می‌گذراندند. محل اقامت آنان از سواحل رود ارس و کورا تا نواحی جنوب غربی و جنوب دریای خزر بود (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ص ۴۰۸). به همین منظور در زبان انگلیسی از عبارت Caspian sea برای معرفی این دریا استفاده می‌شود. از آنجاکه در بخشنامه دولتی سال ۱۳۸۱ دولت جمهوری اسلامی ایران، نام رسمی دریای شمال ایران در مکاتبات فارسی «دریای خزر» و در مکاتبات خارجی «Caspian» آمده است در این پژوهش از عبارت «دریای خزر» استفاده شده است.

دریای خزر، در گذشته، بخشی از اقیانوس بزرگ تتیس بود که از شرق به اقیانوس هند، از غرب به اقیانوس اطلس، و از سوی شمال از طریق دشت سیبری به اقیانوس منجمد شمالی

متصل بود (دمیرچی‌لو، ۱۳۸۷، ص ۲۳). در اثر تحولات زمین‌شناسی در حدود سه میلیون سال پیش دریاها و دریاچه‌های متعددی به وجود آمد. دریاچه خزر با وسعتی حدود ۴۶۳/۲۴۴ کیلومتر مربع بزرگ‌ترین و یکی از نادرترین دریاچه‌های کره زمین است که از دریای سیاه جدا شده و به‌علت بزرگی وسعت، آن را دریا می‌نامند (پورکاظمی، ۱۳۸۶، ص ۲). طول آن از شمال به جنوب تقریباً ۱۲۶۰ تا ۱۲۸۰ کیلومتر و حداکثر عرض آن از شرق به غرب ۵۵۴ کیلومتر است. حجم آب آن بین ۷۶ تا ۷۸ هزار کیلومتر مکعب و حداکثر عمق دریای خزر ۱۰۲۵ متر است که در مناطق جنوبی آن است (زون، ۱۳۸۴، ص ۴). در حالی که برخی منابع، متوسط عمق دریای خزر را ۱۸۰ متر و عمیق‌ترین نقطه آن را ۹۸۰ متر در مجاورت سواحل ایران می‌دانند (آقایی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). سطح آب دریای خزر به‌علت تغییرات آب رودخانه ولگا نوسانات متناوب و فصلی دارد. سطح فعلی آب آن ۲۸ متر از سطح آب‌های بین‌المللی پایین‌تر است (بدیعی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۱). درجه شوری آب این دریا با دریاچه‌های آزاد قابل‌قیاس نیست و در نواحی مختلف آن متفاوت است. برای مثال در مصب رود ولگا از ۳ در هزار، در جنوب شرقی ۱۳ در هزار، و در خلیج قره‌بغاز بیش از ۳۰۰ در هزار می‌رسد.

۲. خلیج‌های دریای خزر

از نظر بریدگی‌ها و خلیج‌ها علاوه بر تعداد، برخی از آنها مانند خلیج قره‌بغاز، کمسومولتس، منقشلاق، کراسنودسک، قیزل‌آغاج، آقراخان، و گیزلار وسعت بسیاری دارند (زون، ۱۳۸۴، ص ۶). این خلیج‌ها ویژگی‌های گوناگونی دارند که در نوسان سطح دریای خزر نیز بسیار مؤثرند. خلیج‌های واقع در سواحل ترکمنستان، به‌دلیل گرمای محیط، در تبخیر و کاهش سطح آب دریای خزر سهم بیشتری دارند. همچنین غلظت زیاد آب سبب نابودی ماهیان زیادی می‌شود که وارد این خلیج‌ها می‌شوند. از سوی دیگر در این خلیج‌ها، به‌علت عمق کم، امکان تأسیس بندر وجود ندارد. خلیج‌های نواحی غربی و جنوبی دریای خزر به‌علت بارندگی‌های زیاد و ورود آب رودخانه‌های فراوان، شوری آب کمتری دارند و محل مناسبی برای ماهیان و تکثیر آنان می‌باشند. همچنین این بخش از سواحل دریای خزر به‌علت عمق مناسب، مکان خوبی برای توسعه تأسیسات بندری است. برخی از این خلیج‌ها عبارت‌اند از:

- خلیج انزلی: این خلیج در جنوب دریای خزر واقع است که به‌وسیله دو شاخه باریک و کم ارتفاع از دریا جدا می‌شود. در شاخه غربی، بندر انزلی؛ و در شاخه شرقی توقفگاه گازبان قرار دارد. در این خلیج جزایر متعددی وجود دارد که بزرگ‌ترین آنها «میان‌پشته» یا «میان‌محل»

است. از دیگر جزایر این خلیج می‌توان به قلم‌گوده، نوور، گلوگاه، و تراب‌گوده اشاره کرد. در بیشتر این جزایر پوشش گیاهی نیزار دیده می‌شود و ماهیگیران در آن زندگی می‌کنند. در بخش درونی خلیج انزلی، خلیج‌های کوچک‌تری وجود دارند که مهم‌ترین آنها کپورچال و بهنمیر است. در بخش شمالی آن شبه‌جزیره‌های انزلی و غازیان قرار دارند (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

• **خلیج گرگان:** این خلیج در جنوب شرقی دریای خزر قرار دارد. پهنای تنگه‌ای که این خلیج را به دریای خزر پیوند می‌دهد ۳ هزار و ۲۰۰ متر و طول خلیج ۱۷ کیلومتر است. در گذشته، جزایر آشوراده بزرگ و میانه و کوچک در این خلیج قرار داشتند که امروزه به‌دلیل کاهش سطح آب دریا این سه جزیره به هم پیوسته و یک شبه‌جزیره بزرگ به‌طول ۸۰ و پهنای ۱۰ تا ۱۵ کیلومتر را تشکیل داده‌اند (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۵۷). در اطراف خلیج گرگان بنادر مهمی قرار داشتند که به‌تدریج به‌علت کاهش سطح آب دریا از حالت بندری خارج شدند و قابلیت کشتی‌رانی خود را از دست دادند. شهرهای بهشهر و بندرگز در گذشته نه‌چندان دور از بنادر مهم خلیج گرگان بودند و کالاهای بازرگانی خزر و گرگان و شاهرود و همچنین مسافران این نواحی را با کشتی به روسیه و برعکس حمل می‌کردند (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

• **خلیج حسینقلی:** این خلیج در نواحی شرقی دریای خزر و در جنوب چکشلر و ترکمنستان قرار دارد و رود اترک به آن می‌ریزد. این خلیج به‌غازان‌قلی نیز معروف است. امروزه به‌دلیل پایین رفتن سطح آب دریای خزر چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

• **خلیج قره‌بغاگل:** این خلیج در بخش مرکزی ساحل شرقی دریای خزر به پهنای حدود ۱۸ هزار کیلومتر مربع در بیابان‌های ترکمنستان واقع شده است. هیچ رودی به این خلیج وارد نمی‌شود و به‌علت تبخیر زیاد، آب آن به‌صورت مصنوعی از دریا تأمین می‌شود (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۵۴).

• **خلیج قزل‌آقاج:** در سواحل غربی دریای خزر بین سالیان و لنکران قرار گرفته است و شاخه‌ای از رود «کورا» نیز وارد آن می‌شود.

• **خلیج آقراخان:** در سواحل غربی دریای خزر در نزدیکی شهر کیزلر واقع شده است و رود اترک به آن وارد می‌شود.

• **خلیج بالخان:** از بخش شمال شرقی خلیج کراسنودسک جدا شده و در خشکی پیش رفته است. کوه‌های بالخان ترکمنستان در شرق آن قرار گرفته است. در گذشته رود آمودریا (جیحون) به این خلیج می‌ریخته است.

- کراسنودسک: در ساحل شرقی دریای خزر و در جنوب خلیج قره‌بغاز گل قرار گرفته است. بندر مهم و استراتژیک کراسنودسک در ساحل شمالی آن قرار دارد.
- کمسومولتس: در بخش شمال شرقی دریای خزر قرار دارد. شوری زیاد آب این خلیج و تبخیر و کاهش سطح آب آن معروف است. نام دیگر این خلیج «کایداک» است (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۵۷).

۳. بندرهای مهم دریای خزر

در طول تاریخ پر فرازونشیب مناطق شمالی و جنوبی دریای خزر، بنادر و لنگرگاه‌های متعددی به‌منظور صید و صیادی و تجارت و حمل‌ونقل بار و مسافر در حاشیه این دریا ایجاد شد. برخی از آنها در سال‌های گذشته همچنان رونق و اعتبار خود را حفظ کردند و امروزه از بنادر مهم و استراتژیک کشورهای ساحلی دریای خزر هستند و بعضی نیز اعتبار خود را از دست داده و دیگر نام و نشانی از آنها باقی نمانده است و یا آنکه تنها مورد استفاده محلی و صید و صیادی بومی و منطقه‌ای قرار می‌گیرند. مهم‌ترین بنادر غیرایرانی دریای خزر عبارت‌اند از:

- آستاراخان (حاجی طرخان یا هشترخان): این بندر در دلتای رود ولگا (اتل) قرار دارد. بندر آستاراخان، مهم‌ترین بندر بازرگانی و مرکز صید و صنعت صیادی فدراسیون روسیه در دریای خزر است. کارخانه‌های مهمی چون تعمیر کشتی، کنسروسازی، چرم‌سازی، و روغن‌کشی در این بندر وجود دارد. یک رشته راه‌آهن این بندر را به راه‌آهن سراسری و سایر نقاط روسیه متصل می‌کند. نفت، ماهی، پنبه، پوست و پشم، چوب، گندم، فلزات، قماش، و قند و شکر از انواع کالاهایی است که از این بندر به سایر نقاط و از جمله ایران وارد می‌شود.

- بادکوبه (باکو): این بندر مرکز جمهوری آذربایجان (اران)، در ساحل جنوبی شبه‌جزیره آیشوران واقع است. بادکوبه از عمده‌ترین بندرهای دریای خزر و یکی از مناطق مهم نفتی دریای خزر است.

- دربند: این بندر عمده‌ترین بندر جمهوری داغستان است. دربند در ساحل غربی دریای خزر، میان بادکوبه و ماهاج قلعه (مرکز داغستان) قرار گرفته و یکی از امتیازات مهم آن عبور راه‌آهن سراسری روسیه از آن است.

- آکساندرووسک: مهم‌ترین بندر بازرگانی جمهوری قزاقستان است. اهمیت آن بیشتر در صید ماهی است.

- کراسنودسک: در جمهوری ترکمنستان قرار دارد و از بندرهای مهم سواحل شرقی

دریای خزر است. نفت و مواد نفتی، گندم، و چوب و تخته‌آلات از این بندر به سایر مناطق حمل می‌شود. صادرات عمده این بندر پنبه تصفیه‌شده و نمک است.

• گوریو: بندری در شمال دریای خزر است که در مصب رود «اوران» و در قلمرو جمهوری قزاقستان واقع شده و از مراکز مهم بازرگانی اغنام و احشام است و دارای مؤسسات شیلاتی دارد.

مهم‌ترین بنادر ایرانی دریای خزر عبارت‌اند از:

• بندر آستارا: این بندر نقش فعالی در تجارت ایران و روسیه در سده نوزدهم میلادی داشت. از اهمیت آن همین بس که حلقه اتصال گیلان و آذربایجان و روسیه به حساب می‌آمده است. صادرات کالاهای آذربایجان و اردبیل به روسیه از این بندر صورت می‌گرفت و دارای سی انبار نفت بود که نشان از رونق تجارت نفت باکو و ایران در این سال‌ها داشت. سالانه پنجاه کشتی از باکو و حاجی‌طرخان به این بندر می‌آمدند که بیشتر بار آن آهن‌آلات بود (ملگونوف^۱، عزالدوله، ۱۳۶۳، ص ۲۱۲).

• بندر انزلی: بندر انزلی به دلیل نزدیکی با رشت به‌عنوان یک مرکز تجاری و کشاورزی به‌ویژه تولید و تجارت ابریشم و مواد خام دیگر بسیار مورد توجه بوده است. این بندر نیز مانند سایر بنادر ایران در دریای خزر فاقد امکانات مناسب بود. در گزارش یک سیاح ناشناخته روسی چنین آمده است: عمق کم آب در سواحل و سنگ‌هایی که نزدیک به سطح آب قرار گرفته‌اند مانع ورود کشتی‌های بخار بزرگ به این بندر می‌شود و کرجی‌ها و کشتی‌های کوچک باید تا مسافتی در درون دریا رفته و کالاهای و مسافرین را به ساحل حمل کنند. کشتی‌های بخار هفته‌ای یکبار در تابستان و در زمستان هر پانزده روز یک بار از بادکوبه به انزلی می‌آیند و این یکی از موانعی است که در مقابل حمل‌ونقل کالا در بندر انزلی وجود دارد (گزارش ایران ... از سیاح ناشناخته روس، ۱۳۶۳، ص ۵۷). اما برخی انزلی و رشت را یکی از بهترین بنادر جهت حمل‌ونقل کالا برای تهران و مناطق ساحلی خزر در عصر قاجار می‌دانند (انتنر^۲، ۱۳۶۹، ص ۲۳). در میان بنادر شمالی ایران، بندر انزلی از مهم‌ترین بندرهای دریای خزر است. این بندر نقش مهمی در روابط بازرگانی و زندگی اقتصادی ایران و روسیه و سایر کشورهای منطقه دارد. مؤسسات شیلاتی این بندر که در جنوب شبه‌جزیره غازیان و در مرداب انزلی واقع شده از مهم‌ترین مؤسسات شیلاتی ایران است (بریمانی، ۱۳۵۶، ص ۵۲-۶۰).

• بندر مشهدسر: مهم‌ترین بندر تجاری مازندران، بارفروش (بابل) بود. بنابر نوشته‌های

1. Melgunov

2. Entner

فریزر و دیگران بارفروش در سده نوزدهم بندر فعالی بوده و کشتی‌های روسی زیادی به این بندر رفت و آمد می‌کردند. اما با رشد تجارت ابریشم گیلان، بندر انزلی جای آن را گرفت و بارفروش رونق تجاری خود را از دست داد (جهان‌آرا، ۱۳۹۰، ص ۸۷). در همین زمان جمعیت بندر بارفروش را ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر برآورد کرده‌اند و موقعیت آن را به مراتب بدتر از انزلی توصیف می‌کنند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۳۶). در نیمه دوم سده نوزده میلادی سالانه دویست کشتی کوچک و بزرگ جنس و مسافر به این بندر می‌آوردند و محصولات مازندران از جمله خشکبار و برنج و ابریشم را به باکو و حاجی‌طرخان می‌بردند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۸۷). روس‌ها در این مناطق نماینده کنسولی داشتند و بر کارهای تجاری‌شان در دریای خزر نظارت می‌کردند. در کنار رودخانه بابل کشتی‌های روسی متعلق به کمپانی‌های قفقاز - مرکوری در مسیر خط ساحلی خود در دریای خزر توقف می‌کردند به و تجارت و صادرات کالا، به‌خصوص به بندر حاجی‌طرخان، می‌پرداختند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۰).

• بندرگز: جمعیت این بندر را در عصر قاجار حدود ۲۵ هزار نفر دانسته‌اند. ارتباط آن با دیگر بنادر و انبارهای داخل کشور از طریق راه مال‌رو بوده است (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۳۹). این بندر از جمله بنداری بود که در نیمه پایانی سده نوزدهم بنا شد و از همان ابتدا نیمی از اسکله بندر در درون آب قرار گرفت؛ زیرا به‌دلیل کمی عمق ساحل، مال‌التجاره‌ها و مسافری را نمی‌توانستند در ساحل پیاده کنند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۲۱۴).

• بندر استرآباد: مهم‌ترین صادرات استرآباد چوب گردو و روغن کنجد بود که از این بندر به استاراخان (حاجی‌طرخان) روسیه حمل می‌شد. همچنین کالاهای دیگری مانند آهن، ظروف مسین و چینی، قلیان، پنبه، روناس، مویز، قیسی، آلو بخارا، مغز بادام، خرما، و پشم هر ساله به کنار بندرگز آورده می‌شد. عمده تجارت آنجا در دست کمپانی روسی بود (ملگونوف، عزالدوله، ۱۳۶۳، ص ۱۳۴).

بنادر شمال ایران یکی از مسیرهای مهم تجاری ایران و روسیه محسوب می‌شود. روس‌ها سه نقطه تجاری با ایران داشتند که یکی در شمال غرب ایران (خط آهن قفقاز - جلفا)، دیگری در شمال شرق ایران (خط کراسنودسک) قرار داشت، و مسیر سوم دریای خزر بود. بنابراین روس‌ها، ایالات شمالی ایران را که از غنی‌ترین ایالات ایران محسوب می‌شدند به‌عنوان منبعی جهت تأمین مواد خام و بازار فروش محصولات موردنیاز خود در نظر گرفته و راه خزر - ولگا را واسطه بازرگانی با اروپا قرار دادند (جهان‌آرا، ۱۳۹۰، ص ۷۶). به‌دنبال آن و با ایجاد کنسولگری

در رشت، اهمیت این مناطق نمایان تر شد. از آنجاکه کوتاه‌ترین راه قفقاز به پایتخت ایران از این منطقه بود، همیشه یک کارگزار روسی برای مراقبت منافع تجارتی روسیه و تبعه متعدد آن که اغلب قفقازی و تاتار و ارمنی و گرجی بودند، در شمال ایران حضور داشت (نیکیتین، بی‌تا، ص ۲۱۴). بیشتر محصولات که از این بنادر صادر می‌شد شامل خشکبار، پارچه‌های پشمی، انواع پوست، و ابریشم به روسیه بود؛ و در مقابل آهن آلات، قند و شکر، پارچه، چای، ابزار آلات ماهیگیری، کاغذ، و نفت وارد می‌شد. محصولات از طریق کشتی‌های روسی از بنادر باکو و حاجی‌طرخان به سواحل و بنادر جنوبی دریای خزر صادر و وارد می‌شدند. این محصولات از شهرهای مختلف جنوب و مرکز ایران به این بنادر حمل و از آنجا به سمت روسیه بارگیری می‌شدند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۲۱۴).

۴. حوضه‌های آبریز دریای خزر

حوضه آبریز دریای خزر بسیار پهناور است و بیش از ۱۵۰ رودخانه و رگه آبی وارد آن می‌شود. مساحتی حدود ۲۵۶ هزار کیلومتر مربع از این حوضه آبریز در خاک ایران قرار دارد. مهم‌ترین حوضه‌های آبریز دریای خزر عبارت‌اند از:

۱. حوضه آبریز ایران: شامل رودهای اترک، گرگان، قره‌سو، نکا، تجن، تالار، بابل، هراز، چالوس، چشمه‌کیله، پل رود، شلمان رود، لنگرود (چمخاله)، سفیدرود، پسیخان، ماسوله، کرگان‌رود، آستارا، و ارس است که در قلمرو ایران قرار دارند. ارس^۱ به طول ۹۱۵ کیلومتر از کوه هزاربر که در جنوب ارزروم در خاک ترکیه سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر ارمنستان، آذربایجان، و ایران و تشکیل خطمرزی بین این دو کشور وارد دریای خزر می‌شود. این رود از منطقه «دوله‌لو» تا «قره‌نی»، مرز دولتی ایران است. رود ارس قابلیت کشتی‌رانی نداشته و آب آن به مصارف کشاورزی می‌رسد.

• گرگان‌رود بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رودخانه دائمی ناحیه غربی استان گیلان در شهرستان تالش است. این رودخانه سه سرشاخه اصلی به نام‌های آق اولر، وزنه‌سر، و رزه چای دارد که شاخه‌های اصلی و میانی آن از ارتفاع سه هزار متری کوه‌های تالش در امتداد البرز غربی سرچشمه می‌گیرند و در ارتفاع ۳۵۰ متری، به شاخه شمالی می‌پیوندند. این رود پس از عبور از میان شهر تالش در شش کیلومتری شرق این شهر و در روستای قروق به دریای خزر می‌ریزد. در ماه‌های خرداد تا مهر تا حدودی کم‌آب می‌شود، اما زیستگاه انواع ماهی از جمله ماهی سفید و ماهی آزاد است.

• سفیدرود یکی از پرآب‌ترین رودهای این حوضه است که از کوه‌های چهل‌چشمه در کردستان سرچشمه گرفته و به دریای خزر می‌ریزد. طول سفید رود ۸۷۰ کیلومتر است و به‌واسطهٔ وسعت زیاد حوضهٔ آن در تمام مدت سال آب دارد. این رود از نظر صید انواع ماهی به‌ویژه ماهیان خاویاری (تاس ماهیان) اهمیتی فوق‌العاده دارد. اهمیت سفیدرود در کشاورزی و زراعت برنج بی‌نظیر است.

• اترک دیگر رود مهمی است که به دریای خزر می‌ریزد. طول این رود پانصد کیلومتر است که از کوه‌های هزارمسجد در شمال خراسان سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر وارد خلیج حسینقلی می‌شود. این رود از منطقهٔ چات به بعد سرحد ایران و جمهوری ترکمنستان است.

• رود گرگان از کوه‌های آلاداغ در نزدیکی بجنورد سرچشمه گرفته و در منطقهٔ خواجه‌نفس واقع در پنج کیلومتری شمال دهنهٔ خلیج گرگان به دریای خزر می‌ریزد. این رود از نظر صید و صیادی اهمیت بسیار زیادی دارد.

• رود قره‌سو (سیاه آب) به طول هشتاد کیلومتر از کوه‌های گرگان سرچشمه گرفته و پس از طی مسیر به خلیج گرگان می‌ریزد. این رودخانه نیز از نظر صید اهمیت زیادی دارد.

• رود نکا از رودهای مهم دیگری است که از ارتفاعات شاه‌کوه سرچشمه گرفته و در منطقهٔ گهرباران ساری به دریای خزر می‌ریزد. در این رودخانه انواع ماهی مانند تاس ماهی، ماهی سفید، کلمه، و کپور صید می‌شود.

۲. حوضهٔ آبریز جمهوری آذربایجان (اران)

• رودخانهٔ کُور یا کوروش که پس از تلاقی با رود ارس در نزدیکی شهر صابرآباد به دریای خزر می‌ریزد، رودخانهٔ کوروش بزرگ‌ترین رودخانهٔ قفقاز است.

• رودخانهٔ «سمور» در مرز اران و داغستان است.

۳. حوضهٔ آبریز داغستان

• رودخانهٔ سمور (مرز داغستان با اران) به دریای خزر می‌ریزد. این رودخانه اهمیت کشاورزی بسیاری دارد و تمامی آن به مصارف کشاورزی می‌رسد.

۴. حوضهٔ آبریز فدراسیون روسیه

• رود ولگا مهم‌ترین و پرآب‌ترین رودی است که به دریای خزر می‌ریزد. ولگا بزرگ‌ترین

رود روسیه و اروپاست. برخی معتقدند ۷۵ الی ۸۰ درصد آب دریای خزر را این رودخانه تأمین می‌کند. سرچشمه آن ارتفاعات والدائیک واقع در استان تورسک روسیه است. طول رود ولگا ۳۵۸۷ کیلومتر است و ۳۵۵۰ کیلومتر آن قابلیت کشتی‌رانی دارد. سیصد رود به ولگا می‌ریزد. اهمیت اقتصادی ولگا بسیار زیاد است زیرا بیشتر مناطق اروپایی روسیه را از شمال به جنوب به یکدیگر وصل کرده است. همچنین در صید ماهی و تأسیسات شیلاتی و حمل‌ونقل نیز دارای اهمیت بسیاری دارد.

۵. حوضه آبریز جمهوری قزاقستان

• رود امبا^۱: در جمهوری قزاقستان واقع شده و از کوه‌های موگوجار سرچشمه می‌گیرد و در ایام پربابی پس از عبور از نواحی شرقی به سمت شمال‌غربی به دریای خزر می‌ریزد. این رود در ایام کم‌آبی در مرداب‌ها فرو رفته و خشک می‌شود. طول این رود ۵۸۷ کیلومتر است و قابل کشتی‌رانی نیست.

• رود اورال: این رود از جلگه‌های غربی رشته‌کوه‌های اورال جنوبی سرچشمه گرفته و پس از عبور از نواحی اورال و استان ولگای میانه و شهر اورسک^۲ داخل قزاقستان شده و با قطع کوه‌های اورال به سمت جنوب سرازیر می‌شود و از سوی شمال به دریای خزر می‌ریزد. این رود ۱۸۰۸ کیلومتر طول دارد و قابلیت کشتی‌رانی آن کم است (بریمانی، ۱۳۵۴، ص ۲۵-۳۷).

۵. جزایر دریای خزر

دریای خزر چندین جزیره دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

• جزیره آشوراده که در دهانه خلیج گرگان واقع شده است. در گذشته با نام‌های جزیره بزرگ، میانه، و کوچک نام‌گذاری شده بود. امروزه این سه جزیره به دلیل کاهش سطح آب دریای خزر به یکدیگر پیوسته و یکی شده‌اند. این جزیره و همچنین خلیج گرگان را «نیهم‌مردان» نیز گفته‌اند (وثوق‌زمانی، ۱۳۶۴، ص ۲۶-۲۸).

• جزیره چتیربخ بوگورنی در جنوب دلتای رود ولگا قرار گرفته و یک کیلومتر طول و حدود ۷۵۰ متر عرض دارد. این جزیره را به فارسی چهارتپه می‌گویند.

• جزیره چچن در شمال خلیج آقراخان و در بخش غربی و جنوبی جزیره چتیربخ بوگورنی قرار دارد. جزیره چچن در ۲۰ کیلومتری شرق کراینوفکا به طول ۱۹ کیلومتر و عرض حداکثر

1. Emba

2. Orske

۹ کیلومتر روبه‌روی یک پرتگاه صخره‌ای در ساحل غربی دریای خزر واقع شده است. دریای پیرامون جزیرهٔ چچن معمولاً بین ماه‌های ژانویه و مارس یخ می‌بندد. جزایر مجاور آن جزیره‌های لوپاتین، بازار، پریگونکی، پیچوژونوک، و یایچنی هستند. پرندگان زیادی به‌ویژه مرغان دریایی در جزیرهٔ چچن زندگی می‌کنند.

- جزیرهٔ چلکن با مساحت پانصد کیلومتر مربع در جنوب غربی شبه‌جزیرهٔ دارجا و در شرق دریای خزر قرار دارد. این جزیره به ترکمنستان تعلق دارد و شن‌زار و بدون پوشش گیاهی است. امروزه در اثر کاهش سطح آب دریای خزر به خشکی پیوسته و به شبه‌جزیره تبدیل شده است.
- جزایر دووانی و ژیلوی به‌همراه جزایر کوچک «نارگین» و «بول» در جنوب بندر باکو که در بخش غربی و شرقی آن قرار دارند. نام‌های دیگر جزیرهٔ ژیلوی «شیلوی» و «آرتیم» است.
- جزیره کولای در نزدیکی شبه‌جزیرهٔ مانقشلاق قرار دارد. تمامی سطح آن پوشیده از شن و گل است. طول آن ۳۲ کیلومتر و عرض آن حدود ۲ کیلومتر است (افشار سیستانی، ۱۳۸۶، ص ۶۲).

● فصل دوم

■ اهمیت دریای خزر

۱. مقدمه

دریای خزر و منابع غنی آن یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد اقتصادی برای ساکنان آن سواحل بوده است. ماهیان، مرغان، پرندگان مهاجر، و غذاهای دریایی یکی از منابعی است که حاشیه‌نشینان خزر از طریق آن کسب درآمد می‌کرده‌اند. این منطقه دریایی علاوه بر شیلات، از منظر حمل‌ونقل کالا و مسافر، و جهانگردی و گردشگری مورد توجه بوده است. همچنین منبعی بسیار غنی از نفت و گاز است (علی‌یف، ۲۰۱۴، ص ۲۷). امکان تأمین و انتقال نفت و گاز به بازارهای جهانی از طریق آن در توسعه اقتصادی و تثبیت وضع سیاسی جمهوری‌های تازه‌استقلال یافته و کاهش میزان وابستگی آنها به روسیه نقش مهمی دارد. از سوی دیگر، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، قدرت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا و چین و حتی ترکیه و اسرائیل، به‌منظور دستیابی به اهداف سیاسی و راهبردی خود به این منطقه توجه بیشتری یافته‌اند (مستقیمی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲؛ کامران و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

۲. اهمیت ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک به‌معنی درک واقعیت‌های محیط طبیعی با هدف دستیابی به قدرت است، به‌شکلی که بتوان در بالاترین سطح در تعاملات جهانی وارد شد و منافع و حیات ملی را حفظ کرد (عزتی، ۱۳۸۲، ص ۷). در تعریفی دیگر، مناطق ژئوپلیتیک، کانون‌های رقابتی‌ای هستند که به‌واسطه داشتن منابع انرژی و معدنی، قرار داشتن بر سر مسیرهای مواصلاتی (ژئواستراتژیکی)، و دسترسی به بازارهای

بین‌المللی موردتوجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته و به محل رقابت آنها برای دستیابی به منافع سیاسی و اقتصادی تبدیل شده‌اند (احمدی‌پور، حسینی سادات‌محلّه، میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳).

موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئوپلیتیک دریای خزر وضعیتی منحصر به آن بخشیده است، به نحوی که برخی این دریا را قلب ژئوپلیتیک جهان می‌دانند. این منطقه از دیرباز به دلیل جایگاه جغرافیای سیاسی و اقتصادی در چهارراهی واقع شده که اروپا، خاورمیانه و قفقاز، و آسیای مرکزی را به هم متصل می‌کند (مینایی، ۱۳۸۶، ص ۱۵). وجود این دریا موجب سختی عبور اقوام مهاجم و بادیه‌نشین به اروپا می‌شد و از این جهت نیز همواره موردتوجه کشورهای اروپایی بوده است.

در سده‌های اخیر دولت‌های روسیه و ایران با درک اهمیت این دریا تلاش کردند راه‌های داخلی خود را به سمت سواحل آن هدایت کنند؛ نظیر اقدام دولت صفویه در دوره شاه‌عباس اول که برای دستیابی به اهداف اقتصادی در ایالات شمالی، به‌خصوص مازندران، شبکه راه‌های ارتباطی معروف به راه شاه‌عباسی و امکانات بین‌راهی را توسعه داد و دستور کوچ اجباری گرجی‌ها و ارمنه را در ۱۰۲۳ ق. برای کشت و تولید ابریشم صادر کرد (هیلنبراند^۱، ۱۳۸۴، ص ۴۶۳؛ پری^۲، ۱۹۷۵، ص ۲۰۷). تأسیس و گسترش شهرهای اشرف‌البلاد و فرح‌آباد با ترکیب جمعیتی مسلمان و مسیحی و یهودی، از اقوام ایرانی و ارمنی و گرجی، شاهد مستندی بر اهمیت اقتصادی و سیاسی این منطقه بود (دل‌واله، ۱۳۴۸، ص ۴۴۳).

امنیت یکی از مهم‌ترین مسائل دولت‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای، و جهانی است و توجه به مناطق استراتژیک و ویژگی‌های ژئوپلیتیک از اولویت‌های اساسی سیاستمداران می‌باشد. تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشور ایران، به دلیل همسایگی با یک قطب سیاسی و مهم بین‌المللی، اهمیت زیادی در تقسیم‌بندی دوگانه جهانی داشت. با فروپاشی شوروی و ظهور دولت‌های جدید در حاشیه دریای خزر، از اهمیت ایران در معادلات قدرت بین آمریکا و اتحاد شوروی کاسته شد. این تحول حتی موجب تهدید استقلال و تمامیت ارضی ایران شد. بعضی از دلایل کاهش اهمیت ایران در مبادلات سیاسی منطقه و تحول موقعیت این کشور عبارت است از: تغییر سیاست ارضی روس‌ها از توجه به آب‌های گرم

1. Hiltenbrand

2. Perry

جنوب به آب‌های سرد شمال به دلیل پیشرفت تکنولوژی دریایی، تقسیم اتحاد جماهیر شوروی به جمهوری‌های کوچک و ضعیف، تحول ایدئولوژیک اتحاد شوروی و توجه بیشتر به اقتصاد، انتقال پایگاه‌های نظامی و شنود آمریکا از خاک ایران به جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته، کشف منابع نفت و گاز در دریای خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، و نیاز به مسیر ترانزیت مناسب.

از سوی دیگر، ایران در بلوک‌بندی‌های سیاسی بین شرق و غرب و همچنین در پیمان‌های منطقه‌ای، در جلوگیری از نفوذ کمونیسم موقعیت برجسته‌ای داشت که بعد از فروپاشی برای مدتی این موقعیت سست شد. اما از آنجا که کشورهای حاشیه دریای خزر به واسطه موقعیت جغرافیایی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد، جهت فعالیت در اقتصاد بین‌المللی به دنبال یک مکمل خارجی هستند، ایران دوباره مورد توجه قرار گرفته است.

۳. اهمیت اقتصادی

۳-۱. منابع نفت و گاز

در صد سال اخیر اهمیت اقتصادی منطقه خزر بیش از هر چیز به موقعیت جغرافیایی و ذخایر انرژی آن مربوط می‌شد (خانی، کریمی‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۵) و وجود این منابع و ذخایر انرژی بر اهمیت ژئوپلیتیک آن افزوده است (کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۱ و ۲۷). استخراج مواد نفتی در دریای خزر سابقه‌ای طولانی دارد و حوزه‌های نفتی آذربایجان یکی از قدیمی‌ترین حوزه‌های نفتی در دنیاست که از سال ۱۸۷۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و با تهیه تقریباً نیمی از نفت تولیدی جهان یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی محسوب می‌شود. بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۳، ذخایر نفت دریای خزر به ترتیب ۳ و ۴ درصد ذخایر تأییدشده در جهان است. بر همین اساس، دریای خزر و مناطق اطراف آن، بعد از خلیج فارس و سیبری، سومین منطقه نفتی جهان لقب گرفته است (اطاعت، نصرتی، ۱۳۸۸، ص ۵). ذخایر تأییدشده گاز طبیعی آن نیز ۲۳۲ تریلیون مترمکعب برآورد شده است. ذخایر نفت بیشتر در جمهوری‌های قزاقستان و آذربایجان، و ذخایر گاز در جمهوری ترکمنستان قرار دارد. این ذخایر برای کشورهای فوق اهمیت بسزایی دارد (پژومان، ۱۳۸۴، ص ۷۰-۷۲).

مؤسسه وودمکنزی ذخایر حوزه نفتی دریای خزر را ۶۵ میلیارد بشکه برآورد کرده است (احمدی، میررضوی، ۱۳۸۳، ص ۷۰). اتمام ذخایر نفتی در خارج از خلیج فارس در آینده‌ای نزدیک و رشد اقتصادی کشورهای جهان به‌خصوص کشورهای شرق و جنوب‌شرقی آسیا که تقاضای انرژی را بالا می‌برد، آنها را برای دستیابی به منابع نفت و گاز خزر مصمم کرده است. این امر یکی از عوامل مهم توجه و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تقسیم و تعیین رژیم حقوقی دریای خزر است.

۳-۲. شیلات و محیط زیست

دریای خزر با داشتن حوضه‌های آبریز فراوان و آب‌های ورودی، رسوب‌های فراوانی را به درون خود راه می‌دهد. این رسوب‌ها محیطی مناسب برای افزایش پلانکتون‌های گیاهی و جانوری، نرم‌تنان، سخت‌پوستان، و ماهیان به‌وجود می‌آورد. فراوانی این بی‌مهرگان و مهره‌داران کوچک سبب شده است این دریا چراگاه مناسبی برای خوراک و افزایش و رشد ماهیان بزرگ خاویاری باشد. تقریباً ۳۰ درصد ماهی استروژن و ۹۵ درصد خاویار سیاه جهان در دریای خزر تولید می‌شود. در این دریا ۷۲۷ گونه جانوری از ۳۷۴ جنس زندگی می‌کنند که ۷ درصد این گونه‌های جانوری فقط در این دریا یافت می‌شود. تاکنون ۱۰۰ گونه ماهی، ۱۳۹۴ گونه بی‌مهره، ۵ گونه گیاه آلی، و یک گونه پستاندار دریایی در آن شناسایی شده است (پژومان، ۱۳۸۴، ص ۷۲). صید سالانه پانصد تا ششصد هزار تن ماهی در آب‌های خزر غنی بودن این دریا را نشان می‌دهد. بیش از ۹۰ درصد صید ماهی‌های خاویاری در دریای خزر صورت می‌گیرد که این مقدار میلیون‌ها دلار برای کشورهای ساحلی خزر سود دارد.

۳-۳. گردشگری

گردشگری و جهانگردی یکی از مهم‌ترین نیروهای محرک توسعه اقتصادی است و دولت‌ها آن را وسیله‌ای برای کسب درآمد و تحصیل ارز، توزیع ثروت، و ارتقای سطح زندگی مردم می‌دانند (محلای، ۱۳۷۷، ص ۲۱۵). گردشگری انواع مختلفی دارد نظیر گردشگری انبوه، گردشگری فام (فرهنگی، اکوتوریسم، ماجراجویانه)، گردشگری عادی، و گردشگری طبیعت‌گرا. از این میان،

گردشگری طبیعت‌گرا به‌صورت ویژه بر جاذبه‌های طبیعی و پناه بردن در آغوش طبیعت و لذت بردن از آن تأکید دارد.

یکی از انواع گردشگری طبیعت‌گرا گردشگری ساحلی است. منظور از گردشگری ساحلی فعالیت‌های تفریحی در نواحی ساحلی و آب‌های نزدیک ساحل است. سواحل با دارا بودن آب و سرگرمی‌های آبی، پوشش گیاهی، زمین‌شناسی و خاک، اقلیم، و صنعت مربوط به محصولات غذایی و تأسیسات مربوط به اسکان و محصولات دریایی و کشتی‌رانی و محصولات گردشگری فرصت مناسبی را جهت جذب گردشگر فراهم می‌آورند. سواحل دریا جهت استفاده گردشگران به چهار بخش تقسیم می‌شود:

- منطقه آب‌های ساحلی^۱: این منطقه دریایی-اکولوژیکی نزدیک ساحل است و از فلات قاره شروع می‌شود و تا ساحل ادامه دارد. این منطقه مناسب‌ترین نقطه برای ماهیگیری است و غالباً صخره‌ها و ستون‌های سنگی جالب‌توجی دارد.
- منطقه ساحل^۲: شامل محدوده‌ای از دریا و از خشکی است، و به‌خصوص اگر گسترده و شنی باشد برای بازی‌ها و ورزش‌های آبی گروهی مناسب است؛
- منطقه پهنه‌کرانه‌ای^۳: این منطقه به ناحیه پشت منطقه ساحل اطلاق می‌شود و برای تفریحات دریایی و چادر زدن و گردش بیرون شهر مناسب است. هتل‌ها و مشاغل دیگر در این محدوده مستقر می‌شوند. چشم‌انداز مهم این منطقه منظره دریاست؛

- منطقه پس‌کرانه^۴: اراضی پشت مناطق ساحلی را در بر می‌گیرد و شرایط مناسبی برای فعالیت‌های تفریحی دارد (امین‌بیدختی، شریفی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶-۱۲۷).
- در اهمیت گردشگری کشورهای حاشیه دریای خزر همین بس که به موهبت آب‌وهوای مناسب جاذبه‌های گردشگری متنوع و زیبایی دارد و از این امتیاز درآمد سرشاری کسب کرد. سواحل جنوبی دریای خزر نیز به‌واسطه موقعیت آب‌وهوایی معتدل و نزدیکی به کوه و جنگل، محیطی مفرح و مناسب برای گردشگران فراهم کرده است و به‌راحتی می‌تواند پذیرای مسافران و گردشگران داخلی و خارجی در

1. Neritic
 2. Beach
 3. Shoreland
 4. Vicinage

تمامی فصول سال باشد. سواحل دریای خزر در گردشگری ایران موقعیتی خاص دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از ایرانیان حتی از جنوبی‌ترین نقاط ایران هم برای دیدن جاذبه‌های شمالی کشور به ساحل این دریا سفر می‌کنند. اما اعتبار این دریا و موقعیت جغرافیایی خاص آن سبب شده است تا در مقطعی از تاریخ ایران یعنی از صفویه تا پایان قاجاریه، جهانگردان خارجی از مرزهای شمالی کشور روانه ایران شوند. جهانگردانی که از کشورهای غربی به شرق جهان سفر می‌کردند در مسیر خود به دریای خزر می‌رسیدند و برای عبور از این دریا چاره‌ای جز عبور با کشتی از عرض دریا و سواحل آن نداشتند.

بسیاری از جهانگردان در مسیر حرکت خود از غرب به شرق، بخشی از حاشیه دریای خزر را طی کرده و پس از آن در جنوب رشته‌کوه البرز به حرکت ادامه می‌دادند. مسیری که برای این کار طی می‌شد از باکو به بندرانزلی بود. مسافران در انزلی پیاده می‌شدند و حدود سی کیلومتر را با کالسکه طی می‌کردند تا به رشت برسند که حدود سه ساعت و نیم زمان نیاز داشت. گاهی هم بعضی از گردشگران در انزلی می‌ماندند تا از جاذبه‌های آن بهره‌مند شوند. تالاب انزلی و زیبایی‌هایش، وفور پرنده‌هایی که گردشگران را برای شکار وسوسه می‌کرد، حتی برای گردشگر غربی که از اقلیمی مشابه می‌آمد تازگی داشت. پس از انزلی، رشت دروازه ورود به ایران از این مسیر بود. مسافران از رشت راهی قزوین می‌شدند تا با گذر از جنوب رشته‌کوه البرز به تهران برسند یا مسیر خود را به سمت دماوند و بارفروش (بابل) و مشهد سر (بابلسر) تغییر دهند.

مسیر عبور گردشگران از رشت تا بابلسر پر از توقف‌های پیش‌بینی نشده بود که جذابیت سفر را برای گردشگران بیشتر می‌کرد. ورود گردشگران خارجی از انزلی، تجارت را در انزلی و رشت و حتی قزوین توسعه داد. برخی از آنها چنان باهوش بودند که به سرعت به نیازسنجی و امکان‌سنجی در منطقه می‌پرداختند و همین شد که بسیاری از بنگاه‌های مهم تجاری مانند شیلات، پرورش کرم ابریشم، و حتی مکان‌هایی برای اقامت گردشگران دایر شد.

● فصل سوم

■ روابط ایران و روسیه از صفویه تا فتحعلی شاه قاجار

(۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.)

۱. اقوام ساکن در اطراف دریای خزر

در پیشینه تاریخی دریای خزر و در مقاطع زمانی ۶۵۵ ق. تا ۶۵۱ میلادی و ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان به ترتیب مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، و ساسانیان در ایران قدرت داشتند. در این سالها همواره نقطه ثقل قدرت سیاسی و نظامی ممالک پیرامون دریای خزر در جنوب آن یعنی ایران قرار داشت. این حکومتها به سبب موقعیت بسته دریای خزر و برای رویارویی با اقوام شمالی، هیچگاه از نیروی دریایی و تجهیزات و امکانات متعلق به آن استفاده نکردند. سکاها در سالهای ۶۵۳ تا ۶۲۵ ق.م. برای مدت کوتاهی با غلبه بر مادها توانستند بر این مناطق حاکم شوند (خدادادیان، ۱۳۸۰، ص ۹۶). در برخی مواقع رومیها بر بخشهایی از غرب دریای خزر یعنی نواحی قفقاز و ارمنستان و گرجستان حاکمیت یافتند (گیرشمن، ۱۳۶۶، ص ۱۶۱).

اقوام و قبایل مستقر در نیمه شمالی سواحل دریای خزر از جمله مناطق شرقی و غربی آن، گاهی به صورت جدی و خطرناک برای ایران مزاحمت و دردسر ایجاد می کردند. سکاها یکی از این اقوام مهاجم و جنگجو بودند که از دیرباز در شرق و غرب فلات مرکزی ایران در نواحی آباد و بی دفاع تاخت و تاز می کردند (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۵۳). جدی ترین برخورد بین سکاها و مادها در زمان پادشاهی هووخشتره پادشاه ماد اتفاق افتاد. این پادشاه مشغول محاصره نینوا بود که سکاها از ناحیه قفقاز به قلمرو ماد حمله کردند. در جنگی که در شمال دریایچه ارومیه در گرفت سپاه ماد شکست خورد و مجبور به پذیرش خواسته سکاها شد. سکاها ۲۸ سال در قلمرو مادها تاخت و تاز کردند و مالیات گرفتند تا اینکه در ۶۱۵ ق.م. هووخشتره با توسل به حيله و با جمع کردن سرکردگان و فرماندهان سکایی در یک مهمانی، همه را خلع سلاح کرد و به قتل رساند (هرودوت، ۱۳۶۲، ص ۲۸۰-۳۰۰).

درگیری و تهاجم سکاها در دوره هخامنشی نیز ادامه یافت. معروفترین آن، درگیری

سکاها و اردوکشی داریوش اول در سال ۵۱۳ ق.م. است. در اثر آن، داریوش سکاها را تعقیب کرد و آنان را تا آن سوی رود دانوب در اروپای مرکزی عقب راند. آنان‌ها از دیگر اقوامی بودند که در نواحی شمالی دربند قفقاز، سرزمین‌های وسیعی از سواحل دریای خزر تا رود ولگا را تصاحب کرده بودند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸). این اقوام در سال ۷۲ م. از راه قفقاز و هیرکانی به مناطق تحت تسلط اشکانیان حمله کردند. در اثر این حمله پاکور، برادر بلاش پادشاه اشکانی، ناچار به فرار شد. از سوی دیگر تیرداد، پادشاه اشکانی ارمنستان، به‌سختی توانست خود را از دست آنان نجات دهد (خدادادیان، ۱۳۸۰، ص ۱۹۸).

پس از حل مسئله ارمنستان بین ایران و روم، بر اساس معاهده سال ۶۳ میلادی، آنان‌ها با کمک اقوام ایبری (گرجی) به ارمنستان و آذربایجان حمله کردند و بلاش، پادشاه اشکانی، از وسپازیان، قیصر وقت روم، درخواست کمک کرد ولی او نپذیرفت. سرانجام ایرانی‌ها در سال ۷۷ م. توانستند آنان‌ها و گرجی‌ها را از سرزمین‌های ایران بیرون کنند.

در سال ۱۳۶ م. گروه دیگری از آنان‌ها به نواحی اران و آذربایجان حمله کردند و از ارمنستان و کاپادوکیه نیز گذشتند. بلاش اشکانی به‌تنهایی قادر به جلوگیری از هجوم آنان نشد. در نهایت با کمک فرمانروای کاپادوکیه تهاجم آنان‌ها متوقف شد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ص ۱۱۳-۱۱۶). حمله آنان‌ها در دوره ساسانی همچنان ادامه داشت. خسرو انوشیروان پس از غلبه بر آنان قلعه سرحدی دربند (باب‌الابواب) را تقویت و سربازان جدیدی در آن محل جایگزین کرد (کریستین‌سن، ۱۳۶۷، ص ۲۳۵).

از دیگر قوام ساکن در نواحی جنوبی استان خوارزم در شرق دریای خزر و شمال شرقی ایران خوارزمیان بودند. حملات و تاخت‌وتازهای آنان در دوره ساسانی با نبردهای شاپور ساسانی و پیروزی‌های او متوقف شد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲، ص ۲۲۷).

خزرها قوم دیگری بودند که در نواحی میان قفقاز و ولگا حاکمیت یافتند و از قرن هفتم تا دهم میلادی در نواحی شمالی دریای سیاه و بیابان‌ها و جنگل‌های مجاور رود دنیپر می‌تاختند. آنان در ابتدا زیرسلطه هون‌ها و سپس ترک‌ها بودند (کستلر، ۱۳۶۱، ص ۲۲) و به تدریج قدرتمند و از سلطه ترک‌ها خارج شدند. نخستین برخورد بین خزرها و ساسانیان در نواحی قفقاز و در جریان تهاجم آنان به دربند و گرجستان اتفاق افتاد. در این نبردها خزرها از جانب ترک‌ها و رومی‌ها حمایت می‌شدند. در دوره خسرو انوشیروان خطوط دفاعی دربند و دیواره سنگی آن درهم شکسته شد و نیروهای خزر و ترک به قفقاز وارد شدند (رضا، ۱۳۶۵، ص ۱۶۵).

در سده‌های نخستین اسلامی امپراتوری قدرتمند خزرها در قفقاز تشکیل شد. آنان با

سایر اقوام تجارت و دادوستد داشتند و اقتصاد خود را تقویت کردند. همچنین جهت به دست آوردن غنایم بیشتر اجازه حمله به سواحل دریای خزر را به روس‌ها و وایکینگ‌ها می‌دادند. سهم قابل توجهی از غنایم به دست آمده این اقوام به خاقان خزر تعلق داشت. در دوران فرمانروایی سلجوقیان و سپس مغول‌ها تمامی نواحی اطراف دریای خزر، از سیحون تا مدیترانه، تحت حاکمیت مطلق آنان درآمد و اهمیت و امنیت یافت (هرمیداس باوند، ۱۳۸۰، ص ۸).

قوم دیگری که در شمال دریای خزر زندگی می‌کرد قوم روس بود. مورخان اسلامی در آثار خود از روس‌ها و نحوه زندگی و تهاجم آنها به سرزمین‌های دیگر از جمله ایران یاد کرده‌اند. این قوم در سده‌های نخست اسلامی با برهم زدن آرامش ساکنان اطراف دریای خزر با حکام سواحل جنوبی این دریا درگیر شدند. نخستین تهاجم آنان به این سواحل در آغاز قرن سوم هجری در زمان حکومت حسن بن زید علوی حاکم طبرستان بود. آنها کشتی‌های متعدد و دریانوردانی ماهر و ورزیده داشتند. شرح این تهاجم را مسعودی به تفصیل آورده است. روس‌ها با کشتی‌های فراوان از طریق دریا به سمت نواحی گیل و دیلم و طبرستان و آسکون و دیار نفت و آذربایجان حمله کردند؛ خون‌های زیادی ریختند و زنان و کودکان را به اسارت گرفتند و اموال بیشماری را به غارت بردند (مسعودی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱-۱۸۲). سال هجوم روس‌ها را اواخر ۳۳۳ و اوایل ۳۳۴ قمری می‌دانند (کسروی، ۱۳۸۴، ص ۷۶). یکی از تاریخنگاران محلی مازندران، تجاوز روس‌ها به نواحی جنوبی دریای خزر و نقش حسن بن زید علوی در سرکوبی آنها را با تفصیل بیشتری آورده است (ابن‌اسفندیار، ۱۳۲۰، ص ۲۶۶).

روس‌ها در اثر اختلاف و دودستگی بین شاهزادگان، به مدت ۲۵۰ سال تحت سلطه مغول‌ها بودند. فرزندان و نوادگان چنگیز در این مدت فرهنگ مغولی را در بین روس‌ها ترویج دادند. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه در زمان حکومت ایوان سوم توانستند خود را به تدریج از سیطره مغول‌ها خارج سازند و با شکست آنها و تصرف شهر «سرای»، پایتخت مغول‌ها، خود را به سواحل دریای خزر نزدیک کنند (نوایی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۲).

ایوان سوم نیز توانست با سید احمدخان، به نتیجه قطعی برسد؛ ولی در زمان جانشین او، ایوان چهارم، به سال ۹۰۲ ق. / ۱۵۰۲ م. شخصی به نام منگلی‌گرای، از متحدان ایوان چهارم، شهر سرای را تصرف و به حکومت مغول‌ها پایان داد. ایوان چهارم در ۹۵۹ ق. / ۱۵۵۲ م. شهر غازان (کازان) را تصرف کرد. به این ترتیب دسترسی روس‌ها به آسیای مرکزی و قفقاز و ایران از طریق رود ولگا و دریای خزر میسر شد. با تصرف شهر بندری آستاراخان (هشترخان یا حاجی‌طرخان) در سال ۹۶۱ ق. / ۱۵۵۴ م. روس‌ها به طور کامل بر نواحی شمالی دریای خزر

مسلط شدند (نوابی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳؛ کالیستف و دیگران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۱۳). با تأسیس سلسلهٔ رومانف در سال ۱۶۱۳ م. روسیه جان تازه‌ای گرفت. ظهور خاندان رومانف در روسیه با حکومت صفویه در ایران هم‌زمان بود.

۲. روابط ایران و روسیه در عصر صفویه

روابط سیاسی و اقتصادی ایران و روسیه در عصر صفوی به‌طور جدی در اواسط سلطنت شاه تهماسب اول شروع شد. تزار ایوان چهارم، بعد از بیرون راندن مغول‌ها و یکپارچه‌سازی مناطق روسیه و تأسیس سلسلهٔ رومانف و فتح شهر آستاراخان و رسیدن به سواحل دریای خزر، چشم به مناطق داغستان و شمال قفقاز و قسمت شرقی گرجستان دوخته و آن نواحی را تهدید کرد. حکام داغستان روس‌ها را شکست داده و مانع پیشروی آنها شدند. تزار، آنتونی جینکینسون، رئیس شرکت «مسکوی» و عضو کمپانی تجارتی انگلیس در مسکو را که از سوی ملکه الیزابت اول مأموریت داشت تا روابط تجاری انگلستان با ایران را تقویت نماید، به دربار صفویه فرستاد. این نماینده با همراهانش به دربار شاه تهماسب رسیده و نامه و هدایایی را تقدیم کردند و پیشنهادهای خود را به اطلاع شاه صفوی رساندند. از آنجاکه شاه تهماسب بر سر مسائل سیاسی با عثمانی درگیر بود و همچنین به‌علت تعصب مذهبی علاقه‌ای به عیسویان نداشت، به پیشنهادهای نمایندگان انگلیس و روسیه توجهی نکرد و نمایندگان مزبور بدون حصول نتیجه ایران را ترک کردند (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۸-۹). تنها نتیجهٔ این مسافرت، به حرکت درآمدن کشتی تجاری جینکینسون در آب‌های میان ایران و روسیه بود که به‌طور غیرمستقیم مقدمات برقراری روابط سیاسی و اقتصادی بین دو کشور ایران و روسیه را فراهم کرد (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۳۹). همچنین او توانست مقدمات سفر هیئت تجاری دیگری را به ایران فراهم کند. در سفر بعدی، شرکت مسکوی موفق شد فرمانی از شاه تهماسب بگیرد که به‌موجب آن کارگزاران شرکت می‌توانستند بدون دادن عوارض، کالاهای خود را به ایران وارد و ابریشم خام را از آنجا صادر کنند، اما به‌دلیل رقابت شدید تجار عثمانی و ارمنی و ونیزی با یکدیگر، انگلیسی‌ها نتوانستند در زمینهٔ تجارت با ایران موفقیت چندانی به دست آورند (طاهری، ۱۳۴۹، ص ۴۸). پس از مرگ شاه تهماسب، در ایام سلطنت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده، به‌علت ضعف سلطنت ایران، روس‌ها شروع به مداخله در امور داخلی گرجستان کردند. این اقدام حکومت روسیه به اعزام سفیری از جانب ایران به مسکو و اعتراض رسمی حکومت ایران منجر شد. با روی کار آمدن شاه عباس اول و اقدامات او، گرجستان کاملاً مطیع ایران شد. روابط

ایران و روسیه تا مدتی صلح آمیز بود تا اینکه قزاق‌های روسی در مسیر شرق گرجستان شروع به ساخت استحکامات نظامی کردند.

شاه عباس سریع واکنش نشان داد و سربازان ایرانی به پادگان‌های روسیه حمله کردند و قزاق‌ها مجبور به فرار شدند (Farrokh, 2011, p 71) و با این اقدام سریع نیروهای ایرانی مداخله‌ای از جانب روس‌ها صورت نگرفت.

هم‌زمان با روی کار آمدن شاه عباس دوم، در نتیجه اختلافاتی که بین تهمورث‌خان و رستم‌خان اول بر سر حکومت وجود داشت، دست‌اندازی روس‌ها به نواحی گرجستان دوباره شروع شد. تزار روسیه، الکساندر رومانف، هیئتی مرکب از دو مأمور و هشتصد نفر تاجر ارمنی و روسی به ایران فرستاد. دربار ایران پس از مدتی متوجه شد که نمایندگی سیاسی این عده پوششی برای تجارت و خریدوفروش در این کشور است و دستور داد فوراً خاک ایران را ترک کنند. این عمل حکومت ایران موجب کدورت دولت روسیه و تعرض قوای آن به نواحی و سواحل دریای خزر شد (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۹).

تزار برای جبران تحقیر و توهینی که نسبت به نمایندگان او صورت گرفته بود قزاق‌های جنوب روسیه را مأمور حمله به مرزهای ایران کرد و استنکارازین^۱ با چهل کشتی جنگی به مناطقی از شمال ایران حمله کرد. دولت ایران با مقابله به‌موقع مهاجمین را متواری کرد ولی خسارت‌های بسیاری به مناطق وارد شد (Farrokh, 2011, p 71). در اثر این تهاجم فرح‌آباد در مازندران به آتش کشیده شد و جزیره آشوراده تا مدتی در اشغال مهاجمین قزاق روس باقی ماند (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۴۲).

گرجستان همچنان مطیع ایران بود و با وجود شروع تعرضات روس‌ها به این حدود، رستم‌خان اول به نام شاه ایران به دفاع می‌پرداخت. پیش‌تر و در بدو جلوس شاه عباس دوم، تهمورث‌خان به قصد بیرون کردن رستم‌خان به گرجستان حمله کرد ولی رستم‌خان قبل از رسیدن کمک شاه عباس دوم، او را مغلوب و متواری نمود. تهمورث‌خان به روسیه گریخت و در آنجا روس‌ها را برای حمله به گرجستان تشویق کرد. در سال ۱۰۶۳ ق. / ۱۶۵۳ م. تهمورث‌خان به کمک روس‌ها به حدود داغستان آمده و چند قلعه در آن حوالی برای خود ساخت. حکام گرجستان و داغستان و شروان این قلاع را خراب کردند و تهمورث‌خان ناچار به روسیه برگشت تا آنکه در سال ۱۰۷۱ ق. / ۱۶۶۰ م. جهت عذرخواهی به دربار ایران آمد و شاه عباس دوم ابتدا او را بخشید ولی با خودداری از پذیرش اسلام در استرآباد زندانی شد و در سال ۱۰۷۳ ق. /

۱۶۶۳ م. در همان شهر درگذشت (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۶۹۷).

با روی کار آمدن پترکبیر در روسیه سیاست گسترش به سمت جنوب در دستور کار قرار گرفت. او که خیال داشت از راه ایران به خلیج فارس و هندوستان دست یابد، ابتدا از طریق مسالمت درآمده و در سال ۱۱۲۰ ق / ۱۷۰۸ م. یک نفر ارمنی را که اسرائیل اوری^۱ نام داشت، در عهد شاه سلطان حسین به اصفهان فرستاد. اسرائیل اوری بعد از داشتن مشاغلی در ارتش فرانسه و ایتالیا وارد قشون لئوپولد اول در آلمان شد و به درجه افسری رسید و چون مرد دسیسه کاری بود در محافل سیاسی و در دربار اتریش نیز راه یافته و به مناسبت دانستن اغلب زبان‌های معمول در شرق (فارسی، عربی، و ترکی) مأموریت یافته بود که به استانبول رفته از دربار عثمانی درباره پذیرش قرارداد صلح (قرارداد کارلوویتز) که اتریش و متحدینش و نیز لهستان پیشنهاد می‌کنند کسب خبر کند. اوری، هم‌زمان به خدمت تزار روسیه درآمد و در ارتش آن کشور درجه سرهنگی یافت و تزار او را به مأموریتی به استانبول فرستاد. او مأموریت خود را به‌خوبی انجام داد و در قبال این مأموریت از پتر خواست که او را به‌عنوان سفیر به ایران بفرستد. غرض وی این بود که با استفاده از معافیت از پرداخت حقوق گمرکی که شامل حال نمایندگان سیاسی می‌شد، کالای فراوانی به ایران برده و بفروشد. اوری پیش از حرکت به ایران به وین رفت و با سابقه خدمتی که در آن کشور داشت از امپراتور اتریش نامه‌ای برای شاه سلطان حسین گرفت و از آنجا به رم رفت و با زبان‌بازی از پاپ هم نامه‌ای گرفت و آنگاه با عده زیادی از ارامنه و روس‌ها وارد شماخی شد. حضور وی در اصفهان با توجه به کثرت همراهان و سخنانش در مجالس عمومی در شماخی درباره تبار خود که به پادشاهان ارمنستان می‌رسد و از حقوق خود دست برنخواهد داشت، موجب بیم و هراس شاه ایران شد.

مبلغان کاتولیک ساکن ایران نیز نگران بودند که مبدا اوری تصمیم به اخراج ایشان گرفته باشد. بازرگانان اروپایی مقیم اصفهان و تبریز نیز وحشت داشتند از اینکه مبدا روسیه خواهان توسعه روابط تجاری با ایران و در نتیجه کاهش فعالیت‌های بازرگانی اروپا شود. آنها به شاه صفوی فشار می‌آوردند که از پذیرش سفیر ارمنی دولت روسیه خودداری کند، زیرا شایع شده بود که ارامنه از قدیم گفته بودند که روزی با کمک روس‌ها کشورشان دوباره استقلال خواهد یافت. آنچه بر این وحشت می‌افزود تبلیغات میشل نماینده دولت فرانسه بود که برای حفظ جان و حمایت از آزادی مبلغان مذهبی در کارهای دینی و همچنین برای بسط تجارت فرانسه با دولت ایران قراردادی منعقد کرده بود. میشل به وزرای دولت ایران تلقین کرده بود که از ترکیب

حروف نام سفیر روسیه جمله «او پادشاه خواهد بود» به دست می‌آید. در این میان، میرویس افغانی هم در ایجاد وحشت و پراکندن شایعات هراس‌انگیز بی‌اثر نبود (نوایی، ۱۳۶۳، ص ۵۴). عده‌ای هفتصد نفری از بازرگانان روسی برای فرار از پرداخت حقوق گمرکی از این فرصت استفاده کرده و با هیئت اعزامی سفارت و تحت‌عنوان مأموران سیاسی به ایران آمدند. با این حال شاه سلطان‌حسین به سفیر روسیه اجازه داد که به اصفهان بیاید و وقتی وی به اصفهان رسید همه فهمیدند که شایعات بی‌اساس بوده و آوری اعتبارنامه‌های سیاسی درست و مهمی دارد ولی بیشتر به جهت تجارت و نه برای امور سیاست آمده است. شاه سلطان‌حسین سفیر و همراهانش را به گرمی پذیرفت و حاضر به دادن امتیازات تجاری به تجار روس شد. اسرائیل آوری موفق شد رضایت شاه ایران را در ایجاد روابط تجاری و حمل‌انواع مال‌التجاره ایران، به‌خصوص ابریشم، از راه روسیه جلب کند. او پس از مدتی اقامت در اصفهان به روسیه بازگشت و چند سال بعد در حاجی‌طرخان درگذشت (سایکس، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۱۰).

هفت سال بعد، پتر، سفیری دیگر به نام آرتمی ولینسکی به ایران فرستاد و از تعرضاتی که در حدود بخارا به تجار روس وارد آمده بود شکایت و تقاضای غرامت کرد. میزان خسارات ناشی از تاخت‌وتاز لژی‌ها به یکی از بازرگانان روسی به نام پورنیف ارزشی بالغ بر دویست هزار کرون داشت (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۴۴). پیش از آن، حکومت ایران از ساخت استحکامات نظامی توسط روس‌ها در خیوه ابراز نگرانی می‌کرد اما با قتل بکوویچ، فرمانده روسی، و شکست در نبرد خیوه، رفتار ایرانی‌ها تغییر کرده و سفیر روسیه را پذیرفتند و عهدنامه‌ای تجاری با روس‌ها امضا کردند (جمالزاده، ۱۳۷۲، ص ۴۳). طبق این قرارداد بازرگانان روسی اجازه یافتند که در سراسر ایران تجارت و هر مقدار ابریشم نیاز دارند خریداری کنند، و در مقابل دولت ایران متعهد شد از اتباع روسیه در خاک کشور خود محافظت کند (لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰). برخی نیز برخلاف این مطلب معتقدند که چون رفتار این سفیر بسیار مستبدانه و از روی غرور بود و حکومت ایران نیز اوضاع مناسبی نداشت مذاکرات او ثمری نداشت و سفیر مزبور باناراحتی از ایران برگشت و همین امر بهانه‌ای برای مداخله در امور ایران به دست پتر داد. البته ناگفته نماند که تجارت ابریشم گیلان از علل اصلی حمله پتر به ایران بود (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۴۴؛ تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۱۱). وی ابتدا با هدف جنگ بعد به بهانه یاری رساندن به او، و سپس به اسم طرفداری از شاه تهماسب دوم در حدود سال ۱۱۳۴ ق. / ۱۷۲۲ م. به قفقاز حمله و سواحل دریای خزر از دربند تا استراباد را تصرف کرد.

۳. عهدنامه سن پترزبورگ

شاه تهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۵ ق. / ۱۷۲۲-۱۷۳۲ م.)، برای بیرون کردن افغانه و تحصیل تاج و تخت از دست رفته در سال ۱۱۳۵ ق. / ۱۷۲۳ م. وزیر خود اسماعیل بیگ اعتمادالدوله را به سفارت انتخاب کرد و به روسیه فرستاد (گراتوسکی و دیگران، ۱۳۵۹، ص ۲۸۶). اسماعیل بیگ با اُستمان، نماینده تزار، معاهده‌ای بست و رسماً دربند و باکو و سواحل جنوبی دریای خزر، و ایالات گیلان و مازندران و استرآباد را در ازای کمک روس‌ها علیه افغان‌ها به روسیه واگذار کرد. این قرارداد که یک مقدمه و پنج ماده داشت چنان یک طرفه بود که اسماعیل بیگ از شدت شرمساری به ایران برگشت و تا پایان عمر یعنی تا بیست سال بعد از امضای آن قرارداد، به صورت تحت‌الحمایه دولت روسیه در استراخان ماند و از تزار مستمری گرفت (نویسی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۶؛ لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶). البته پتر از این قرارداد کمال استفاده را برد و حتی قبل از انعقاد قرارداد بسیاری از نواحی غرب و جنوب دریای خزر را تصرف نظامی کرده بود. با این عمل پای روسیه در این حدود بازتر شد. این وضعیت تا تشکیل دولت نادری ادامه یافت (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۷۰۲).

پتر برای اینکه قرارداد را به تأیید شاه تهماسب دوم برساند به یکی از شاهزادگان روسی به نام بوریس مشرسکی^۱ مأموریت داد تا به ایران آمده و آن را به تصویب نهایی شاه برساند. هم‌زمان، بر اساس ماده دوم قرارداد که «تهماسب ایالات ساحلی را الی‌الابد به روس‌ها واگذار کرده»، لواشف روس را به حکومت گیلان منصوب کرد. یک سال بعد دولت روسیه در راستای این قرارداد عهدنامه‌ای با عثمانی امضا کرده و بر اساس آن ولایات شیروان، داغستان، آذربایجان، گیلان، و مازندران به روس‌ها واگذار شد و تبریز و همدان و کرمانشاه و نواحی مجاور آن به اشغال عثمانی در آمد (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۱۲). شاه تهماسب زیر بار عهدنامه تحمیلی روس‌ها نرفت و یک سال بعد (۱۱۳۷ ق. / ۱۷۲۴ م.) که نماینده دیگر روس‌ها به نام اورامف به دیدن شاه رفت، همچنان از پذیرش عهدنامه خودداری کرد (نویسی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۷). البته برخی معتقدند شاه تهماسب دوم چندان هم بی‌میل نبود تا آن ایالات را به‌طور موقت به روس‌ها واگذار کند تا هم از دستیابی عثمانی به دریای خزر جلوگیری کند و هم با استمداد از روس‌ها، افغان‌ها را از ایران بیرون براند. اما با شنیدن اینکه اسماعیل بیگ بی‌اجازه او با واگذاری ایالات ایران به‌طور الی‌الابد موافقت کرده خشمگین شد و پیامی به سرهنگ شیپوف فرستاد، با این مضمون که ما دیگر نیازمند کمک روسیه نیستیم و هرچه زودتر تشریف‌تان را ببرید (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۵).

۴. روسیه و عثمانی در ایران

پتر کبیر از زمان شاه سلطان حسین در فکر تصرف بلاد شمالی ایران بود و در سال ۱۷۲۷ ق. / ۱۷۱۵ م. آرتمی ولینسکی را جهت سفارت و کسب خبر به دربار ایران فرستاد. این مأمور سیاسی در اصل برای انعقاد عهدنامه تجاری به ایران آمده بود. او قصد داشت کاری کند تا ابریشم بازرگانان ارمنی ایران، به جای عثمانی، از راه روسیه به اروپا برسد. هدف دیگر او کسب اطلاعات کامل و دقیق درباره منابع و اوضاع خطوط ارتباطی ایران و رودخانه‌های ایران بود. در گزارش ولینسکی به دولت روسیه آمده است: «... اکنون در ایران کمتر جایی است که در حال سرکشی نباشد ... دولت ایران به هیچ‌رو توان از میان بردن آنها را ندارد ... و هنگام این کار به‌ویژه امروز است که دستگاه سلطنت ایران رو به زوال دارد، زیرا اگر پادشاه دیگری بر سر کار آید و به این کالبد ناتوان جانی بدهد وضع دیگرگون خواهد شد». در فاصله کوتاهی بعد از این گزارش آشوب و ناآرامی در ایران بالا گرفت و نیروهای محمود افغان اصفهان را محاصره کردند.

پتر که درگیر جنگ با سوئد بود پیمان صلح نیشناد را در اوت ۱۷۲۱ با سوئد امضا کرد و خیالش از جانب جبهه اروپا آسوده شد (لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۸-۱۶۰). اگرچه جنگ با سوئد روسیه را از حمله گسترده به ایران باز داشت اما ناتوانی ایران به اندازه‌ای بود که روسیه تنها با چند فوج سرباز توانست بخش بزرگی از آن را ضمیمه خاک خود کند. او با شنیدن خبر شکست سپاه صفوی و سقوط اصفهان، فرمان گردآوری سپاه را صادر کرد و با ارتشی مرکب از چهل هزار سرباز در تابستان ۱۱۳۴ ق. / ۱۷۲۲ م. از کنار دره ولگا به دریند حمله کرد و آنجا را در اختیار گرفت و تا داغستان پیش آمد. این نیرو در سرحد داغستان به نیروهای سواره‌نظام ژنرال وترانی که از راه خشکی فرستاده شده بود ملحق شد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۳). لشکریان پتر در حاجی‌طرخان (هشترخان - آستراخان)، در هجدهم ژوئن ۱۷۲۲ سوار کشتی شدند. ناوگان او شامل ۲۷۴ کشتی بود که زیر نظر دریاسالار اپرکسین^۱ اداره می‌شد. قوای روسیه شامل ۲۲ هزار پیاده‌نظام (تقریباً تمام آنها در جنگ با سوئد شرکت کرده بودند)، بیست هزار قزاق (بیشتر دره ترک)، ۲۲ هزار قلموق، سی هزار تاتار، و پنج هزار ملوان بود. قبل از حرکت این ناوگان ۹ هزار سرباز سوار و عده‌ای قزاق، به فرماندهی ژنرال وترانی، از راه خشکی فرستاده شده بودند (لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰). وترانی با مخالفت دولت عثمانی مواجه شد و چون نمی‌خواست بر سر تصرف داغستان با این دولت جنگ شود به روسیه برگشت (پیرنیا،

اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۷۰۷). در همین زمان بود که خبر کناره‌گیری شاه سلطان حسین از سلطنت و واگذاری تاج و تخت به محمود افغان به قزوین رسید. تهماسب میرزا که در این شهر اقامت داشت با شنیدن این خبر خود را شاه تهماسب دوم و پادشاه قانونی ایران خواند و به نام خود سکه ضرب کرد. محمود افغان یکی از سران سپاه خود به نام امان‌الله‌خان را در پی شاه تهماسب دوم به قزوین فرستاد. شاه تهماسب که توان مقابله نداشت به تبریز عقب‌نشینی کرد و مورد استقبال مردم این شهر قرار گرفت (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۴). چندی بعد در ژانویه ۱۷۲۳ سپاه دیگری از افغان‌ها به فرماندهی زبردست‌خان رشت را در محاصره گرفت. حکمران گیلان که توان مقاومت و مقابله با ایشان را در خود نمی‌دید از پتربکیر که هنوز در آستراخان بود کمک خواست (نوایی، ۱۳۸۳، ص ۷۹). پتر موقع را برای دخالت در ایران مناسب دانسته و ابتدا باب‌مذاکره با محمود افغان را در پیش گرفت و سیمون آورامف^۱ کنسول روسیه در رشت را به اصفهان فرستاد. او بابت خسارات مالی و جانی وارد شده به اتباع روسیه از سوی لژگی‌های داغستان، و غارت کاروان‌های روسی توسط خان‌خویه از محمود افغان درخواست غرامت کرد (لاکه‌هارت، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹). محمود افغان در پاسخ درخواست آورامف گفت بهتر است تزار خود حمایت از اتباع روسیه را در قفقاز و ترکستان بر عهده گیرد (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۳). این پاسخ دلخواه تزار روسیه بود و آورامف به شتاب به قفقاز برگشت تا تزار را در حمله به ایران تشویق کند (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

پتر، در ظاهر برای یاری شاه تهماسب دوم ولی در حقیقت برای تصرف ولایات ساحلی دریای خزر از دربند تا خزر و استرآباد، در ژوئن ۱۷۲۳ / ۱۱۳۵ ق. سربازانش را به فرماندهی سرهنگ شیپوف با چند کشتی به فرماندهی سویمونف^۲ به انزلی فرستاد. آنها پس از ورود به انزلی، رشت و نقاط مهم گیلان از جمله لاهیجان را به تصرف خود درآوردند (نوایی، ۱۳۸۳، ص ۷۹؛ جمالزاده، ۱۳۷۲، ص ۱۷۹). سپاه دیگری به فرماندهی سرگرد مانوشکین باکو را اشغال کرد و به این ترتیب بخش بزرگی از ایالات شمالی ایران به دست روس‌ها افتاد.

برخی، هدف پتر را علاوه بر استفاده از ضعف دولت ایران، جلوگیری از نفوذ دولت عثمانی به دریای خزر عنوان می‌کنند (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۳). دولت عثمانی نیز در پی اختلال امور ایران و به بهانه حمایت از جماعت سنی‌مذهب به گرجستان حمله و شهرهای شماخی و تفلیس را تصرف کرد و بار دیگر قفقاز میدان رقابت بین آن دولت و روسیه شد. عاقبت، دو دولت، قسمت شمال و مغرب ایران را میان خود تقسیم کردند و قرار گذاشتند که ایالات

1. Simon Avramov

2. Soimonov

ساحلی خزر سهم روسیه، و آذربایجان و کرمانشاهان و همدان از آن عثمانی باشد. در نتیجه این تقسیم، عثمانی‌ها تبریز را محاصره کردند ولی اهالی آنجا مردانه جنگیدند و ترکان عثمانی از عهده تصرف آنجا برنیامدند (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۷۰۷؛ نوایی، ۱۳۸۳، ص ۷۷). پتر برای اینکه ایران را در فشار قرار دهد به دولت عثمانی که به آذربایجان حمله کرده بود پیشنهاد صلح کرد و مارکی دو بوناک، سفیر فرانسه در استانبول را واسطه قرار داد. در پیمانی که در ژوئن ۱۷۲۴ بین سفیر روسیه و ابراهیم بیگ صدراعظم عثمانی، به امضا رسید گرجستان و سراسر ارمنستان و ایروان و بخش غربی آذربایجان و تبریز، دریاچه ارومیه، و ایالات کردستان و کرمانشاهان به عثمانی واگذار شد؛ و نواحی رود ارس و کناره‌های دریای خزر، دربند، باکو، داغستان، و بخش شمالی شیروان و ایالات گیلان و مازندران و استرآباد به روسیه تعلق گرفت (نوایی، ۱۳۸۳، ص ۷۸؛ مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۰). پس از این توافق دولت روسیه جهت تحکیم مواضع خود و مقابله با نیروهای مقاومت محلی در انزلی و رشت، سرگرد مانوشکین را با نیروی کمکی از باکو به گیلان فرستاد. روس‌ها در سال ۱۷۲۵ م. نیروهای ایرانی را که تعداد آنها بالغ بر بیست هزار نفر بودند در نزدیکی رشت شکست دادند و لاهیجان را هم تصرف کردند (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۶).

دولت عثمانی، به‌موجب عهدنامه‌ای که با پتر امضا کرده بود، مالک گرجستان و ایالات غربی ایران شده بود؛ اما تصرف این نقاط به‌علت مخالفت سرحدداران و مردم ایران و همچنین وجود اشرف افغان سنی‌مذهب امر آسانی نبود. با وجود این نیروهای عثمانی در سال‌های ۱۱۳۵ تا ۱۱۳۷ ق. تفلیس، همدان، و تبریز را اشغال کردند.

اشرف افغان اقدام سلطان عثمانی در اتحاد با یک پادشاه عیسوی را بر ضد خود تلقی می‌کرد (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۳). سلطان عثمانی برای برهم زدن نقشه اشرف چند فتوا از علمای سنت گرفت دایر بر اینکه با وجود او پیشوا و پادشاه دیگری در بلاد اسلام حق ادعای امامت و سلطنت ندارد. او با این استظهار به ایران حمله کرد و تا نزدیک اصفهان نیز جلو رفت. اما سپاهیان عثمانی در جنگ با اشرف، از نبرد با سنی‌مذهبان افغان خودداری کردند. اشرف در سال ۱۱۴۰ ق. / ۱۷۲۷ م. با سلطان عثمانی صلح نمود و با وجود فتحی که نصیب او شده بود از جمیع ولایات ایران غربی چشم پوشید و سلطان عثمانی را بر خود امیرالمؤمنین شناخت و به همین قناعت کرد که سلطان عثمانی او را پادشاه ایران بشناسد (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۷۰۸؛ هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

۵. ظهور نادر و بازپس‌گیری نواحی اشغالی

شاه تهماسب دوم پس از نشستن بر جای پدر به جمع‌آوری سپاهیان در قفقاز اقدام کرد. سپس به تهران آمد و در آنجا رئیس ایل قاجار قوانلو یعنی فتحعلیخان را از استرآباد به یاری خود خواست. او با شنیدن حرکت اشرف افغان به سوی تهران، به مازندران رفت و پس از پیوستن فتحعلیخان قاجار به اردوی او، رئیس قاجاریه را به‌عنوان نیابت سلطنت و امیرالامرای خود انتخاب و به قصد تسخیر خراسان عازم مشهد شد (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۷۰۸).

در سال ۱۱۳۹ ق. / ۱۷۲۷ م. یکی از سرداران پرتوان و بااستعداد ایرانی به نام نادرقلی بیگ افشار به شاه تهماسب دوم پیوست. شاه تهماسب او را به والیگری خراسان منصوب کرد. نادر پس از چندی اراده خود را به شاه بی‌اراده تحمیل و او را متقاعد کرد تا فتحعلیخان قاجار را که رقیب اصلی نادر بود، در هنگام حرکت به سمت خراسان به قتل برساند (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۵). در فاصله سال‌های ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۱ ق. نادر موفق به شکست ملک محمود سیستانی شد و مشهد را تصرف کرد و به‌دنبال آن افغانان ابدالی را شکست داد. به این ترتیب نادر توانست سرتاسر خراسان را تصرف کند. او در سال ۱۱۴۰ ق. / ۱۷۲۸ م. نماینده‌ای به روسیه فرستاده و خواهان بازپس‌گیری گیلان شد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۶۷).

پیروزی‌های نادر در خراسان و مازندران، اشرف افغان را نگران کرد. در ابتدا او با سی هزار سپاهی به سوی خراسان رهسپار شد، اما در سال ۱۱۴۱ ق. / اکتبر ۱۷۲۹ نزدیک دامغان به‌سختی از نادر شکست خورد. شکست افغان‌ها در محلی به نام مهمان‌دوست اتفاق افتاد (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶). هم‌زمان، اشرف به فکر کنار آمدن با روس‌ها افتاد و هیئتی مرکب از چهار افغانی به نام‌های صیدال‌خان، میرزا محمداسماعیل، عمرسلطان، و حاجی ابراهیم به رشت فرستاد. آنها در ۲۵ رجب ۱۱۴۱ / ژانویه ۱۷۲۹ با سرتیپ لواشف قراردادی امضا کردند که طبق آن تمامی سرزمین‌های اشغالی توسط روس‌ها را برای همیشه به روسیه واگذار می‌کرد. به دیگر سخن، قرارداد سن پترزبورگ که پیش‌تر توسط اسماعیل‌بیگ امضا شده بود، مجدداً به رسمیت شناخته شد. روس‌ها نیز متعهد شدند به اشرف و اقدامات او در ایران کاری نداشته باشند. این اقدام اشرف افغان موجب نارضایتی دولت عثمانی و عدم حمایت از او شد (نویسی، ۱۳۸۳، ص ۳۷؛ تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۲۶۴).

از طرف دیگر نادر از فرصت پیش‌آمده بهره گرفت و ضمن تعقیب افغانان غلزائی شکست‌خورده و فراری به سوی اصفهان تاخت و در ۱۱۴۱ ق. / ۲۹ نوامبر ۱۷۲۹ یک بار دیگر در نزدیکی مورچه‌خورت اصفهان، آنها را شکست داد. اشرف با ارتش خود اصفهان را ترک

کرد ولی پیش از بیرون رفتن کشتار دیگری در شهر راه انداخت و شهر را به باد تاراج داد و شاه سلطان حسین را اعدام کرد (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۷). نادر به اصفهان وارد شد و شاه تهماسب دوم را به تخت نشاند و تعقیب افغانان فراری را در فارس ادامه داد و در ابتدای سال ۱۷۳۰ در نبردی نزدیک استخر آنها را تارومار و شیراز را تصرف کرد. اشرف به بلوچستان گریخت و در ۱۱۴۲ ق. / ۱۷۳۰ م. به دست یکی از خان‌های بلوچ کشته شد (مینورسکی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۹). به این ترتیب پس از هفت سال جنگ و خونریزی فتنه افغان‌ها خاتمه یافت. شاه تهماسب دوم در ۱۱۴۱ ق. / ۱۷۲۹ م. بر خوردارخان را به سفارت استانبول فرستاد تا خبر پیروزی‌های خود را بدهد و از سلطان عثمانی ترک سرزمین‌های اشغالی را درخواست نماید. اما پاسخی از دولت عثمانی داده نشد. در سال ۱۱۴۱ ق. / ۱۷۳۰ م. نادر دست به حمله علیه ترکان عثمانی زد و همدان، کرمانشاه، اردبیل، و تبریز را آزاد کرد. البته در این ایام فرمانده ارتش روسیه در ماوراء قفقاز، ژنرال لواشف، به ارتش نادر کمک کرد. نادر دوباره به سرکوبی قیام افغانان ابدالی در خراسان سرگرم شد. شاه تهماسب دوم که از پیروزی‌های نادر و قدرت روزافزون او به هراس افتاده بود، برای اینکه خودی نشان دهد، بر آن شد تا با ترک‌ها وارد نبرد گردد، اما شکست خورد و چیزی نمانده بود اسیر آنان شود. در سال ۱۱۴۲ ق. / ۱۷۳۱ م. تهماسب دوم با ترکان عثمانی پیمان صلحی امضا کرد که به موجب آن سرزمین‌های شمال رود ارس به دولت عثمانی و ۹ بخش از استان کرمانشاه به عنوان خرج سفره به احمدپاشا والی بغداد واگذار شد. این اقدام شاه تهماسب دوم موجب شد که نادر در ۱۱۴۵ ق. / ۱۷۳۲ م. او را از سلطنت خلع و کودک هشت‌ماهه وی را با نام شاه عباس سوم به پادشاهی دولت صفوی نصب کند و خود با لقب وکیل‌الدوله زمام امور را در دست گیرد (هوشنگ‌مه‌دوی، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

گیلان و دیگر ایالت‌های کناره دریای خزر که در اشغال روس‌ها بود، در اثر جنگ ویران شده بود و نه تنها سودی برای روس‌ها نداشتند بلکه هزینه‌های گزافی را برای آن دولت پدید آوردند. علاوه بر اشغال روس‌ها، برخی حوادث مانند ورود افغان‌ها و نبرد آنها با روس‌ها در گیلان، و قیام زینل‌خان در لاهیجان و نبرد او و طرفدارانش با روس‌ها و هواداران شاه تهماسب دوم، زدوخوردهای مختصر بین روس‌ها و افغان‌ها در گیلان هم در این ویرانی و خرابی تأثیرگذار بود. تنها نبرد واقعی میان افغان‌ها و روس‌ها در محلی میان رودسر و دهکده تمبجان در اواخر سال ۱۷۲۷ م. روی داد. فرمانده افغان‌ها محمد صیدال‌خان یکی از امرای لشکر اشرف افغان بود و قوایی که ژنرال لواشف از رشت برای مقابله با افغان‌ها فرستاده بود تحت فرماندهی سرگرد اورلف بود. در جنگی که روی داد محمدصیدال‌خان مجروح شد و رو به گریز نهاد و

گیلان را تخلیه کرد. چند روزی بعد از این جنگ، ژنرال لوشف به سمت قزوین حرکت کرد که در دست افغان‌ها بود. در نزدیکی قزوین اطلاع یافت که افغان‌ها حاضر به مذاکره‌اند و در نتیجه، جنگ متارکه شد. علت تغییر روش افغان‌ها این بود که تهماسب و طرفدارانش به مخالفت با آنها برخاسته بودند. متارکه جنگ به صورت عهدنامه صلحی در آمد که ژنرال لوشف و محمدصیدال‌خان در ۲۴ فوریه ۱۷۲۹ در رشت آن را امضا کردند. در این عهدنامه تصریح شد که صلح برقرار گردد و سفیرانی بین دو طرف مبادله شود، جنگ و اختلاف میان اتباع دو کشور پایان پذیرد، به پناهندگان اجازه بازگشت به کشور خود داده شود، تجارت بلا مانع انجام گیرد (البته به استثنای پرداخت مالیات معمول)، و روس‌ها حق داشته باشند در آن قسمت از ایران که در دست افغانه است ساکن شوند و انبار و دکان دایر کنند و کاروان‌هایی که به هند می‌روند از این کشور بگذرند. این قرارداد در زمان پتر دوم امضا شد (نوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۵-۲۴۹) ولی به علت وقایع مهمی که در ایران روی داد اجرا نشد.

یکی از شورش‌هایی که باعث در دسر شاه تهماسب دوم و به خصوص روسیه و عثمانی شد به وسیله قلندری به نام زینل بن ابراهیم از اهالی لاهیجان برپا شد. این درویش خود را اسماعیل میرزا، یکی از فرزندان شاه سلطان حسین، معرفی کرد و مانند دیگر مدعیان سلطنت صفوی می‌گفت که قبل از کشته شدن همه شاهزادگان به دست محمود افغان از اصفهان گریخته است. او با این ادعا عده‌ای از مردم کوه‌نشین دیلم را به خود نزدیک کرد و بعد از مبارزه با طرفداران تهماسب دوم، با قوای روسیه در گیلان جنگ کرد. روس‌ها، زینل را به منطقه تحت نفوذ عثمانی در آذربایجان عقب راندند و او در آنجا پیروزی‌هایی به دست آورد. ظاهراً زینل توانست یکی از ترک‌های یاغی به نام عبدالرزاق و جمعی از طوایف شاهسون و شقاقی را با خود همراه کند و به تعقیب عثمانی‌ها بپردازد. او در تابستان ۱۷۲۸ م. پادگان ترک‌های عثمانی در اردبیل را دو هفته محاصره کرد، ولی عاقبت ترک‌ها پیروز شدند و زینل را دستگیر کرده و کشتند (لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸).

پس از درگذشت پتر کبیر در ۱۷۲۵ م. دولت روس دیگر علاقه‌ای به ماوراء قفقاز از خود نشان نمی‌داد. آنها از پیروزی‌های نادر در ایران و در برابر عثمانی خشنود بودند و کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به او می‌کردند. اما نادر در نخستین گام پس از دستیابی به قدرت و نیابت سلطنت، سفیری به نام احمدخان تفنگچی‌باشی را به دربار روسیه فرستاد تا ضمن اعلام سلطنت شاه عباس سوم خروج نیروهای روسیه از ایالات تحت اشغال درخواست کند. همچنین دولت روسیه باید از عبور تاتارها و ازبک‌ها از خاک این کشور برای حمله به ایران جلوگیری

می‌کرد. ملکه آنا، برادرزادهٔ صلح‌جوی پتر که به تاج‌وتخت رسیده بود، با تشخیص وضعیت تغییریافتهٔ ایران، با پذیرفتن سفیر ایران و هدایای نادر، در نامه‌ای دوستانه، اشغال شهرهای ایران را به‌منظور جلوگیری از دستیابی عثمانی به آب‌های دریای خزر و ایجاد مزاحمت برای این کشور دانست و ژنرال لواشف و سفیری به نام بارون شافیروف را برای گفت‌وگو با نادر معرفی کرد (تکمیل‌همایون، ۱۳۸۰، ص ۶۸).

۶. عهدنامهٔ رشت (۱۱۴۵ ق. / ۱۷۳۲) و عهدنامهٔ گنجه (۱۱۴۸ ق. / ۱۷۳۵ م.)

در ۱۲ رجب ۱۱۴۴ / ۲۱ ژانویهٔ ۱۷۳۲، در پی مرگ‌ومیر فراوان سربازان روس در گیلان و افزایش توان نظامی نادر در سرکوبی مخالفان داخلی و شکست عثمانی‌ها، پیمانی با یک مقدمه و هشت ماده میان نمایندهٔ روسیه، یان شافیروف؛ و نمایندهٔ ایران، میرزا محمدمستوفی، در رشت منعقد شد. به‌موجب عهدنامهٔ رشت روس‌ها از مازندران و استرآباد و گیلان خارج شدند، اما قرار شد تا هنگام حضور نیروهای عثمانی در ارمنستان و گرجستان و دیگر مناطق قفقاز، نیروهای روسیه در مناطق متصرفی قفقاز باقی بمانند. همچنین توافق شد بازرگانان دو کشور ضمن داشتن حق تجارت آزادانه از پرداخت عوارض و گمرکی معاف باشند و دو کشور به دربارهای یکدیگر سفیر مقیم ارسال کنند (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۱۲؛ لاکهارت، ۱۳۸۳، ص ۲۸۹).

سه سال بعد، پس از درگیری و اختلاف شدید بین روسیه و عثمانی، نادر با استفاده از فرصت ایجاد شده، روسیه را تهدید کرد چنانچه از قفقاز خارج نشود به عثمانی خواهد پیوست. کشور روسیه ناچار در ۱۱۴۸ ق. / ۲۱ فوریهٔ ۱۷۳۵ م. معاهدهٔ گنجه را امضا کرد و تمامی سرزمین‌های بالای ارس موسوم به قفقاز را به ایران برگرداند. در مقابل، دولت ایران پذیرفت اتحاد خود با روسیه را محترم شمرده و شهرهای دربند و باکو را در اختیار دشمنان روسیه قرار ندهد. از نکات مهم این قرارداد اجازهٔ ورود و خروج به اتباع و کشتی‌های روسیه و ایران در همهٔ لنگرگاه‌ها و باراندازها و تمامی سواحل ایران و روسیه بود. امضای این عهدنامه نخستین اقدام مشترک دو کشور در تعیین رژیم حقوقی برای دریای خزر بوده است. همچنین دو طرف متعهد شدند بدون مشورت با یکدیگر با عثمانی وارد مذاکره نشوند و در صورت جنگ بین ایران و عثمانی جهت بازپس‌گیری ایالات ایرانی، دولت روسیه از ایران حمایت کند. این عهدنامه به امضای شاهزاده سرگئی گالیتسین سفیر روسیه در ایران رسید و در کمتر از چهارده روز روس‌ها از باکو خارج شدند و دو ماه بعد شهر دربند را تسلیم ایران کردند (هوشنگ‌مه‌دوی، ۱۳۸۶، ص ۶۹). به این ترتیب نادر به تسلط روس‌های تزاری بر مناطق غربی و جنوبی دریای خزر پایان

داد. نظر به اهمیت تاریخی این عهدنامه متن کامل آن به شرح زیر آورده می‌شود:

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

سپاس خدای را که دوستی در میان ملتین را برای آرایش جهان برقرار ساخته و موافقت بین آنان را برای آرامش همیشگی دولتین فراهم آورده و درود ابدی بر پیامبری که با نوشته خود از خداوند مسیح پسر مریم خبر داده است. به او پناه می‌بریم و از او آمرزش التماس داریم. چنانکه بر همه آشکار است از چند سال پیش دولت ایران (فارس) از تاخت و تاز لشکر دشمن لگد کوب و ویران شده بود و یاغیان در آنجا بیدادگری بسیار کرده بودند و از هر سوی مزاحمت فراهم آورده بودند و بدخواهان از هر طریق می‌کوشیدند با ظلم و بیداد خویش وسایل انقراض کامل آن را فراهم آورند و ابواب نعمت را بر روی مردم ببندند، اما خداوند قادر که به قدرت خویش همه را مشمول عنایت خود قرار داده و مردم ایران را نیز از فیوضات نعم خویش برخوردار کرده مرا نیز از لطف عمیم خویش بهره‌مند ساخته است. بدینگونه که با لشکر فراوان از شهر مشهد پایتخت خراسان برای قلع و قمع دشمنان برخاستم و به اهتمام من شهر اصفهان و نواحی دیگر از لوٹ وجود دشمنان پاک شد هر چند دشمنان می‌خواستند دوستی دیرین و استوار و تباه نشدنی فی مابین امپراتوری روسیه و دولت ایران را از میان ببرند و بدعت‌های نادرست پدید آورند که گویی امپراتور روسیه ولایاتی را که از ایران گرفته است مانند نواحی دیگر می‌خواهد در تصرف خویش نگاه دارد و به وسیله این تهمتها خواستار دشمنی در میان دولتین بودند، اما بر همه واضح و مخصوصاً بر اهالی ایران مبرهن است که چرا امپراتور بزرگ اعلیحضرت پطر اول - که خدایش بیامرزد - شهرها و ولایات ایران را متصرف شده و تا مدتی در تصرف خود داشته است، اما پس از چندی که موقع را مناسب دید، برای اثبات حسن نیت و دوستی صمیمانه خود و رفع دروغهایی که به ناروا در میان بود بلکه تنها برای اظهار دوستی حقیقی گیلان و ولایات آبادان دیگر را که از خزانه روسیه اداره می‌شد بی‌آنکه اجباری در میان باشد به دولت ایران واگذار نمود و بدینگونه برای تأمین منافع مشترک دولتین علیتین و برای آنکه دوستی حقیقی فی مابین همیشه برقرار باشد و در آینده نیز هر چه بیشتر توسعه یابد، طرفین برای گوشمال دادن دشمنان و استوار کردن پیوند دوستی با یکدیگر عهد کردند و بدین منظور کنیاز سرگی گالیتسین رایزن مخصوص والا مقام، نماینده مختار صاحب نشان درجه دوم (آنا) که اکنون در ایران است به فرمان عالی و با داشتن اختیارات تام از جانب امپراتریس بزرگ روسیه درباره قرارهای مختلف این عهدنامه موافقت کرد و اتحاد همیشگی

در میان دولتین برقرار آمد و امید است که این عهدنامه الی‌الابد از هر خللی مصون ماند. مقدمه: بر اثر توافقی طرفین، در عهدنامه‌ای که در رشت منعقد شده چون مقرر گردیده بود که شهرهای دیگر باقی مانده در تصرف روسیه مانند باکو و دربند نیز به ایران مسترد شود اینک به واسطه حسن نیت دولت روسیه نسبت به دولت ایران و برای تجدید مراتب محبت و وداد دیرین و اظهار این نکته که دولت روسیه هرگز نمی‌خواسته قسمتی از خاک ایران را در دست خود نگاهدارد امپراتریس روسیه با الطاف شاهانه قصد دارد پیش از رسیدن موعد، شهرهای باکو و دربند را با همه توابع و لواحق آن مانند سابق به دولت ایران مسترد دارد و به محض حصول فرصت مناسب لشکریان روسیه را از این مناطق بیرون برد. علیهذا چنین مقرر شده است که شهر باکو و توابع و لواحق آن در ظرف دو هفته و شهر دربند با توابع و لواحق آن تا سرحد در ظرف دو ماه پس از عقد این قرارداد- و چنانچه فرصت پیش آید زودتر- از نیروی نظامی دولت روس تخلیه گردد و داغستان و نواحی دیگر که جزو شمخال و اوسمی هستند کمافی‌السابق در تحت تصرف دولت ایران درآید. بر این اساس چنین مقرر می‌گردد:

۱. در برابر این محبت و یک‌جهتی امپراتور روسیه، دولت ایران متعهد می‌شود که همواره اتحاد و یگانگی خود را با امپراتوری روسیه محترم شمارد و دوستان روسیه را جداً دوستان خود و دشمنان آن دولت را دشمنان خویش انگارد و هرگاه دولتی قصد دشمنی با یکی از دو دربار فلک مدار کند، این هر دو دربار با آن دشمن به جنگ برخیزند و در هر موردیاری و یاور هم باشند و شهرهای باکو و دربند به هیچ وجه به دشمن مشترک واگذار نشود بلکه سعی بر آن باشد که در تحت تسلط دولت ایران بماند و اگر بعضی از اهالی این شهرها که در تحت تابعیت و خدمت امپراتریس بزرگ روسیه و امپراتوری روسیه بوده اکنون بر اثر وفاداری بخواهند باز به جانب ایران آیند، دولت ایران آنان را نیازارد و سوابق آنان را دلیل بی وفایی به کشور ایران نداند. امید است که صومعه نصارای گرجی در دربند همچنان در مقررات و آداب خود آزاد بماند و دولت و مردم ایران آن را ویران نکنند بلکه اجازه دهند که پیروان مسیح در آنجا بنا بر آداب مذهب مسیح به عبادت پردازند و هیچ کس برای کارکنان آن که از روحانی و خدمه بیش از شش تن نیستند- مزاحمتی فراهم نکند و ستمی بر آنها روا ندارد.

۲. نفع ایرانیان در این است که این صومعه با این تصمیم مفیدی که اکنون گرفته می‌شود، در کوتاه کردن دست دشمنان اهتمام ورزد تا به خواست خداوند دشمنان دولت ایران و دشمنان خود را براندازند و به حال سابق بازگردند و نیز امپراتوری روسیه نشان دهند که کما فی‌السابق خطری از جانب ایشان متوجه نیست. دولت ایران خواهد کوشید به هرگونه که هست جنگی

را که در برابر دشمنان آغاز شده است با اهتمام و سعی فوق‌العاده دنبال کند تا از ایشان انتقام بگیرد و همه ولایات، نه تنها ولایات کنونی، بلکه ولایاتی را که قبلاً از دولت ایران جدا کرده و گرفته‌اند به ایران برگرداند و تا همه آنها مانند گذشته به دولت ایران باز پس داده نشده است پیمان آشتی نبندد و به سزای نیرنگی که ترکان زدند آن جنگ را در درون کشور خود همچنان دنبال کند و تا همگی که همه سرزمینهای ایران مجدداً به ایران تعلق نیافته دست از جنگ نکشد، زیرا سود دولت ایران چنین است.

۳. طرفین تعهد می‌کنند که پیش از مذاکره با یکدیگر به هیچ وجه با ترکان به مذاکره نپردازند و اگر کار به جنگ کشید یا باب عالی به طیب خاطر همه ولایات مغضوبه را به ایران مسترد نمود و صلح با این دولت را به همان شیوه گذشته برقرار نمود، دولت ایران تعهد می‌کند که دولت امپراتوری روسیه را نیز در این مصالحه شریک بدانند. بدینگونه که دولت ایران با دولت روسیه قراری دارد که طبق آن موظف است کلیه دشمنان روسیه را دشمن خود بشناسد و با تمام کسانی که بخواهند با امپراتوری روسیه وارد جنگ شوند خود را در حال جنگ بدانند و مصالحه را با این توضیح برقرار کند و اگر روزی کار امپراتوری روسیه و باب عالی نیز در آتیه به مذاکره و امضای عهدنامه بکشد، در آن حال هم به طریقی که توضیح داده شده است، دولت ایران را نیز در آن دخیل خواهد کرد. از عهدنامه رشت که میان دولتین علیتین منعقد شده بجز موادی که پیش از این به موقع اجرا درآمده باید این ماده نیز از این پس جزء مواد آن قرارداد شمرده شود و کلمه به کلمه جزء آن باشد و با این قرارداد اتحاد همیشگی تجدید و استوار می‌گردد و این قرارداد همیشه معتبر خواهد بود.

چون منافع طرفین ایجاب می‌نماید که تجارت بین‌الائتین برقرار و بر اساس متینی استوار گردد و اتباع طرفین هیچ‌گونه اشکالی در ارسال کالا نداشته باشند، لذا دولت ایران تعهد می‌کند که از این پس با بازرگانان روسی بر طبق مقررات عهدنامه رشت وارد داد و ستد شود و به اتباع روس و کشتیه‌هایشان اجازه دهد که در همه لنگرگاهها و باراندازها و سواحل پهلو گیرند و کالای خود را در هر کجا که خواهند تخلیه کنند و در هر جا که خواهند انبار کنند و به هر جا که خواهند ببرند و کسی مزاحم تجارت ایشان نشود و بر آنان ستم روا ندارد و اگر احکامی مغایر با مفاد عهدنامه رشت به شهرهایی که مقرر بازرگانان روسی است ارسال شده ملغی بدانند و بر طبق آن رفتار نکنند و در این زمینه احکامی دیگر فرستند و مقرر دارند که مفاد عهدنامه رشت همه‌جا عملی گردد و به همان ترتیب که دولت روسیه طبق مواد عهدنامه رشت با اتباع و بازرگانان ایران رفتار خواهند کرد، با اتباع ایران در امپراتوری روسیه نیز به

همانگونه رفتار کنند که اتباع دولت دوست رفتار خواهند نمود. برای آنکه فایده این عهدنامه عامتر باشد، امپراتریس بزرگ روسیه لطفاً کنسولی مأمور رشت خواهند کرد که بزودی از دربار عالی روسیه با اعتبارنامه‌های لازم امپراتوری گسیل خواهد شد و از جانب ایران موردپذیرایی قرار خواهد گرفت و فرمان درباره وی صدور خواهد یافت. بدین سبب و برای ادامه دوستی میان طرفین، امپراتریس روسیه پیش از هر وظیفه دیگر بنابر عدالت‌پروری خود و به پاس نمایندگی که این بنده درگاه داشت فرمان داد تا نه تنها اسیران این طرف را که در حال حاضر در اسارت هستند به میرزا کاظم نماینده مختار ایران مسترد دارند بلکه در سراسر کشور روسیه نیز اسیران را از هر طرفی برای بازگرداندن به ایران بیاورند و به همین ترتیب همه اتباع و ساکنان امپراتوری روسیه را هر قدر و در هر کجا که باشند به روسیه بازگردانند و در این باب در سراسر ایران فرمان صادر شود و اما کسانی که از این پس از طرفین به کشور دیگری بروند باید طرفین آنان را دستگیر کنند و به طرف مقابل مسترد دارند.

این بنده درگاه عالیجاه با نماینده مختار مذکور که از دربارهای عالی خود اختیار داریم در مواد این عهدنامه موافقت کردیم و برای آنکه تا ابد آن را تأیید کرده باشیم قرارداد به مهر اعلیحضرت شاه ظل الله موشح و به نماینده عالی‌مقام مذکور تسلیم شده است و در مدت پنج ماه پس از امضای این عهدنامه به تصویب خواهد رسید و همه مواد آن به اجرا گذاشته خواهد شد و به امضای مسئولین دیگر خواهد رسید و به حضور امپراتریس بزرگ روسیه فرستاده خواهد شد و این بنده درگاه متعهد می‌شود آن را برساند.

برای اطمینان از این عهدنامه اتحاد مقرر شده است که در دو نسخه مطابق یکدیگر تهیه شود و هر دو نسخه به مهر برسد و مبادله گردد» (نوابی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴-۲۵۷).

۷. مسئله گرجستان و آغاز جنگ‌های ایران و روسیه

نخستین رویارویی ایران و روسیه در دوره قاجار به سال‌های آغازین قدرت‌یابی آقا محمدخان مربوط می‌شود که چندین کشتی روسی با فرماندهی گراف وینوویچ^۱ در سواحل دریای خزر در ناحیه استرآباد لنگر انداختند. آنان در سواحل و بنادر انزلی، بارفروش، ساری، آمل، اشرف، و فرح آباد نیرو پیاده کرده و به شناسایی و نقشه‌برداری و ثبت‌وضبط معابر و عمارت‌ها و قصرها، کوه‌ها و جنگل‌ها و دشت‌ها، و انواع موجودات زنده پرداختند (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، ص ۱۷۲-۱۷۴). آقا محمدخان که به نیت روس‌ها برده پی بود در فرمانی به فتحعلی‌خان،

1. Grafе Vinowitch

برادرزاده‌اش، دستور توقیف آنها را صادر کرد. فتحعلی‌خان نیز حاجی محمدآقا عمرانلو را مأمور توقیف روس‌ها کرد. او نیز با زیرکی ابتدا روس‌ها را به مهمانی دعوت و سپس همه را دستگیر کرد و به آقامحمدخان سپرد. آقامحمدخان نیز پس از مدتی به منظور هشدار به روس‌ها، همه آنها را به روسیه فرستاد (تکمیل‌همایون، ۱۳۸۰، ص ۷۳-۷۴)

یکی از رویدادهای مهم در زمان شکل‌گیری دولت قاجار در ایران مسئله گرجستان و پیوستن این منطقه از خاک ایران به روسیه تزاری است. آراکلی (هراکلیوس)، والی گرجستان، در اقدامی سیاسی و غیرمنتظره به منظور حفظ سلطنت خویش در ۱۲۰۸ ق. / ۲۴ ژوئیه ۱۷۸۳ م. معاهده سرّی اتحاد تعرضی و تدافعی با دولت روسیه را امضا و خود را تحت‌حمایت این کشور قرار داد. امپراتریس روسیه کاترین دوم نیز از فرصت پیش‌آمده نهایت استفاده را کرد و پیشنهاد آراکلی را پذیرفت. در عهدنامه‌ای که بین کاترین و آراکلی منعقد شد، گرجستان تحت‌حمایت رسمی کشور روسیه قرار گرفت و دولت روسیه متعهد شد که از سلطنت آراکلی و جانشینانش حمایت کند. این اقدام والی گرجستان موجب دو دوره جنگ بین ایران و روسیه شد و آثار و پیامدهای بسیاری بر کشور ایران و منطقه داشت. آقا محمدخان با شنیدن این خبر ضمن ارسال نامه‌ای تهدیدآمیز به آراکلی، دستور لشکرکشی به گرجستان را صادر کرد. در سال ۱۲۰۹ ق. / ۱۷۹۴ م. روس‌ها هنگام غیبت آقامحمدخان و درگیری او در نواحی خراسان، برای کمک به گرجستان به قفقاز حمله نظامی کرده و شهرهای دربند و باکو و طالش و گنجه را تصرف و با عبور از رود ارس در دشت مغان اردو زدند. این حمله و پیشروی روس‌ها نتیجه‌ای در بر نداشت، زیرا در همان ایام کاترین درگذشت و جانشین او نیروهای نظامی را فراخواند (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۱۷؛ نوازی، ۱۳۶۹، ص ۴۵).

علاقه و توجه روس‌ها به نواحی قفقاز هیچ‌گاه از بین نرفت. آنها همواره مشی سیاسی خود را که نزدیکی به مرزهای ایران و دسترسی به آب‌های آزاد بود، در مناسبات خود با ایران دنبال کردند و با عناوین تأسیس کارخانه و بنگاه‌های تجاری با کشتی‌های خود به سواحل و بنادر ایران نزدیک شدند. سیاست روس‌ها جهت نزدیکی و نفوذ به ایران، در ابتدا با توسعه تجارت و بازرگانی آغاز شد. برنامه آنان این بود که ابتدا کالاهای ایرانی را از طریق بنگاه‌های تجاری خود به مبالغی گران خریداری کرده و کالاهای خود را با قیمت ارزان‌تری بفروشند. به این ترتیب نظر تجار ایرانی را به خود جلب و موقعیت خود را در نواحی شمالی ایران مستحکم کرده و مقدمات نفوذ سیاسی دولت روسیه در ایران را فراهم سازند (تاجبخش، ۱۳۳۷، ص ۲۱). در این میان سیاست روسیه که بر مبنای دستیابی به آب‌های آزاد قرار داشت، همچنان

در جریان بود. آنها برای نیل به این مقصود چاره‌ای جز تصرف خاک قفقاز نداشتند، اما کوچک‌ترین تعرض به این نقاط به منافع ایران لطمه می‌زد و دولت ایران را وادار به مقابله می‌کرد. گرگین‌خان که از ۱۲۰۶ ق. / ۱۷۹۱ م. جانشین آراکلی شده بود، از تزار روسیه برای اجرای نقشه‌های خود در مقابله با سایر رقبای منطقه‌ای مبالغ زیادی پول قرض کرد و متعهد شد که در صورت عدم بازپرداخت به موقوع، شهر تفلیس را به دولت روسیه واگذار کند. در نتیجه، در سال ۱۲۱۵ ق. / ۱۸۰۰ م. شهر تفلیس به اشغال قوای روسیه درآمد و ژنرال سیسیانف به حکومت گرجستان منصوب شد. گرگین‌خان مجبور به امضای معاهده‌ای شد که در اثر آن خود و جانشینانش به نفع امپراتور روسیه از حکومت گرجستان چشم‌پوشی نمودند. در ۱۸ ژانویه ۱۸۰۱ م. تزار پل اول، با صدور فرمانی رسماً گرجستان را به خاک روسیه ملحق و در سال ۱۲۱۸ ق. / ۱۸۰۳ م. ژنرال سیسیانف را مأمور تصرف قفقاز کرد (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۴۶). تزار تصور نمی‌کرد که این عمل موجب جنگ‌های طولانی بین ایران و روسیه شود. با تصرف تفلیس، مرکز گرجستان، و فرار تهمورث‌خان، فرزند گرگین به ایران و پناهنده شدن او، دوره جدیدی در مناسبات بین ایران و روسیه آغاز شد. پیشرفت مداوم قوای روسی در تصرف گرجستان و دیگر نواحی قفقاز موجب اعتراض شدید ایران شد، ولی روس‌ها توجهی نکرده و به بهانه اینکه حکومت گنجه در زمان آراکلی مالیات خود را به حکومت گرجستان پرداخت می‌کرده شهر گنجه را محاصره کردند. حاکم گنجه فرمان روس‌ها را نپذیرفت و در نتیجه روس‌ها در سال ۱۲۱۸ ق. / ۱۸۰۳ م. این شهر را هم ضمیمه خاک خود کردند. با تصرف گنجه، فتحعلی شاه قاجار، ولیعهد خود عباس میرزا را مأمور جمع‌آوری و تجهیز نیرو کرد و خود نیز به قصد نزدیکی به مناطق عملیاتی تهران را ترک گفت. در اثر مقاومت و فشار نیروهای ایرانی، روس‌ها مجبور به تخلیه مناطق متصرفی شده و به باکو عقب‌نشینی کردند. اما ارتش روسیه، پس از تجدید قوا، ایرانیان را شکست داد و عقب‌راند. طی سال‌های ۱۸۰۹ و ۱۸۱۰ م. ژنرال تورماسوف، فرمانده نیروهای مقیم قفقاز، بارها از عباس میرزا درخواست کرد تا جهت برقراری صلح نماینده‌ای به سن پترزبورگ اعزام کند، اما دولت انگلیس که منافع خود در آسیا را در خطر می‌دید با تمایلات صلح‌خواهانه مقامات ایرانی مخالفت و با وعده و وعید مالی و نظامی دولت ایران را به ادامه جنگ و تصرف مناطق از دست‌رفته تشویق و ترغیب می‌کرد. با امضای پیمان اتحاد بین روسیه و انگلیس در سال ۱۲۲۷ ق. / ۱۸۱۲ م. به منظور مقابله با تهدیدهای فرانسه، دولت انگلیس از حمایت و ترغیب ایران در ادامه جنگ با روسیه دست برداشت و با بیرون بردن کارشناسان نظامی خود نیروهای ایرانی را متحمل شکست، و پذیرش صلح، و انعقاد قرارداد

گلستان نمود (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۴۶-۴۷).

با کشته شدن سیسیانف، ژنرال گدویچ جانشین او شد. گدویچ به دنبال تعقیب خواسته‌های دولت روسیه و برای پرهیز از جنگ و تلفات نظامی، نامه‌نگاری با دولتمردان ایرانی را آغاز کرد. از متن نامه گدویچ به عباس میرزا چنین بر می‌آید که سیاست روسیه در تصرف نواحی قفقاز بسیار جدی است. گدویچ به‌طور صریح در نامه خود به عباس میرزا نوشت که به صلاح دولت ایران است که قسمتی از خاک خود را که همان نواحی قفقاز باشد به روسیه واگذار و رودخانه‌های کورا و ارس را سرحد طبیعی دو کشور بشناسد (مسلمانان قبادی، ۱۳۸۷، ص ۴۸۰). سرانجام با موافقت دولت ایران جنگ ده‌ساله بین ایران و روسیه در ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م. با انعقاد معاهده صلحی در منطقه گلستان از توابع قره‌باغ به پایان رسید و نمایندگان دو دولت ایران و روسیه متن معاهده امضاشده را در شهر تفلیس مبادله کردند. این معاهده در یک مقدمه و یازده فصل تنظیم شد و در آن برای اولین بار و به‌طور آشکار درباره حقوق دریای خزر سخن به میان آمد (ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸).

مرگ تزار الکساندر در اول دسامبر ۱۸۲۵ و حمایت انگلیس از ادعاهای دولت ایران بر مناطق از دست‌رفته و هیجانات مسلمانان نسبت به ظلم و ستم روس‌ها بر مردم مسلمان در مناطق اشغالی، فتوای جهاد مراجع مذهبی علیه اشغالگران روسی را به همراه داشت و تردیدهای دولت ایران در حمله به مناطق از دست‌رفته را به یقین تبدیل کرد. در نتیجه عباس میرزا نیروهای تحت‌امر خود را به‌سوی مناطق اشغالی قفقاز به حرکت درآورد و در همان ابتدا پیروزی‌های مهمی نیز کسب کرد. چندی بعد، نیروهای روسیه با تجدیدقوا و آمادگی بیشتر، جنگ را به نفع خود برگرداندند و با شکست نیروهای ایرانی در منطقه شکور از توابع گنجه، ایروان را تصرف کردند. در سال ۱۲۴۲ ق. / ۱۸۲۷ م. نیروهای روسیه به فرماندهی ژنرال ایوان پاسکویچ با عبور از مرزهای ایران شهر تبریز را اشغال کردند (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۴۹-۵۰).

دولت انگلیس که از پیشروی سریع نیروهای روسیه در خاک ایران و نزدیک شدن به مناطق تحت‌تسلط آن کشور نگران شده بود، تلاش خود را به‌منظور صلح و انعقاد معاهده‌ای دیگر آغاز کرد. در نتیجه، جنگ دوم ایران و روسیه در دهم فوریه ۱۸۲۸ با امضای معاهده‌ای شانزده فصلی و مقابله‌نامه‌ای نه فصلی در ارتباط با مسائل اقتصادی و حقوقی بین دو کشور ایران و روسیه به پایان رسید. بر اساس فصل دوم معاهده جدید که در منطقه ترکمنچای امضا شد، تعهدات ناشی از عهدنامه گلستان باطل و معاهدات جدیدی برقرار شد (ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸).

● فصل چهارم

■ رژیم حقوقی دریای خزر

۱. درآمدی بر رژیم حقوقی دریای خزر

دریای خزر دارای ویژگی‌های خاصی است و در تعیین رژیم حقوقی آن باید سابقه تاریخی و ویژگی‌های خاص آن در نظر گرفته شود. پیش از هر چیزی باید گفت که در ادبیات سیاسی و حقوقی و همچنین عرف محلی در مورد خزر هم از واژه دریا و هم از واژه دریاچه استفاده می‌شود. این دو واژه علاوه بر معنای لغوی، محتوا و مفهوم علمی، سیاسی، و بار حقوقی دارند. در فرهنگ‌نامه‌ها «دریا» به یک واحد جغرافیایی اطلاق می‌شود که با اقیانوس متصل باشد. «دریاچه» نیز یک واحد جغرافیایی است که در اثر جمع شدن آب در نقاط معینی از پستی‌های زمین به وجود می‌آید و به اقیانوس متصل نیست. از سوی دیگر سطح آب دریاها، به واسطه ارتباط با اقیانوس، در سطح یکسانی با اقیانوس قرار می‌گیرد؛ ولی به علت عوامل طبیعی و مسدود بودن دریاچه‌ها، سطح آب آنها یا بالاتر و یا پایین‌تر از سطح آب اقیانوس‌ها است. از این رو اگر خزر دریا بود باید سطح آب آن با سطح آب اقیانوس‌ها برابری کند و هیچ اختلاف سطحی نداشته باشد، در حالی که سطح آب دریای خزر تقریباً ۲۸ متر پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد است. مهم‌ترین نکته در تحلیل وضعیت دریای خزر توجه به همین مفهوم است.

از آنجا که در اسناد حقوقی دولتی و بین‌المللی دریاچه بودن خزر رسماً منعکس و پذیرفته شده است، کنوانسیون حقوق دریاها در مورد آن جاری نیست (احمدی‌پور، ۱۳۷۹، ص ۴۲)؛ زیرا مطابق ماده ۱۲۲ از فصل ۹ کنوانسیون حقوق دریاها، سال ۱۹۸۲، اگر دریایی میان چند کشور قرار گرفته باشد، در صورتی مشمول ضوابط کنوانسیون خواهد شد که دارای یک آبراه طبیعی - حتی یک رودخانه - به دریای آزاد یا اقیانوس باشد. دریاچه خزر از طریق کانال احدائی بر روی رودخانه ولگا به آب‌های آزاد راه پیدا کرده است، اما به دلیل دست‌ساز و غیرطبیعی بودن آن، مورد قبول حقوق‌دانان نبوده و نیست و قوانین مربوط به دریاها بسته و نیمه‌بسته که در

کنونسیون ۱۹۸۲ آمده در مورد آن قابل اعمال نخواهد بود. بنابراین توصیف آن به عنوان دریا در ادبیات حقوقی صرفاً به دلیل گستردگی و وسعت آن است و به مفهوم قابلیت اعمال حقوق دریاها نمی‌باشد (دمیرچی‌لو، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

از سوی دیگر در سطح بین‌المللی مجموعه قواعد خاص جداگانه‌ای که توسط یک سازمان بین‌المللی برای دریاچه‌های بسته ایجاد شده باشد وجود ندارد و تنها مقررات و اصول کلی حقوقی بر نحوه کنترل و مسائل مختلف این دریاچه‌ها حاکم است. کنوانسیون تحدید حدود مناطق اقتصادی و انحصاری بین دولت‌هایی که سواحل آنها مجاور یا مقابل یکدیگر قرار دارند، اعلام می‌دارد که تحدید حدود این مناطق، با توافق طرفین، بر اساس حقوق بین‌الملل تعیین خواهد شد و چنانچه قرارداد امضاشده‌ای میان دولت‌ها وجود داشته باشد تعیین حدود با توجه به مقررات موجود در قراردادها صورت خواهد گرفت.

ماده ۸۳ کنوانسیون ۱۹۸۲، مقررات مشابهی را برای تعیین حدود فلات قاره بین کشورهای مجاور یا مقابل یکدیگر دارند بیان می‌کند. بر اساس این ماده هرگونه فعالیت و رفت‌وآمد در این آب‌ها به حسن نیت و جلب رضایت کشورهای ساحلی بستگی دارد و کشورهای ساحلی باید تلاش کنند تا با دعوت از کشورهای ذی‌نفع و علاقه‌مند و سازمان‌های بین‌المللی موجبات ترقی و بهبود و شرایط دریاها را فراهم کنند (یزدانی، ۱۳۷۵، ص ۹۴).

۱-۱. معاهدات و موافقتنامه‌ها

معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی از منابع مهم حقوق بین‌الملل هستند که در حل مسائل بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تا به حال رژیم حقوقی دریای خزر به وسیله قراردادهای عهدنامه‌های منعقدشده بین دو دولت ایران و اتحاد شوروی تعیین شده و دو قرارداد مهم ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ همچنان به عنوان اصول پذیرفته شده و مورد قبول دو کشور برای تعیین رژیم حقوقی به کار می‌رود. از آغاز مناسبات سیاسی و اقتصادی و در قراردادهای عهدنامه‌های منعقدشده بین دو دولت هیچ‌گاه به اصطلاحات موجود امروزی در مطالعات حقوق دریاها یا کنوانسیون‌های دریایی اشاره‌ای نشده است. از سوی دیگر از آنجاکه دریای خزر از نظر جغرافیای سیاسی و امنیتی، تاریخی، توان اقتصادی، و اکوسیستم ویژگی‌های منحصر به فردی دارد کنوانسیون‌های عام بین‌المللی و رویه‌های قضایی مربوط به دریاچه‌ها و دریاها نمی‌تواند به حل مشکل رژیم حقوقی آن کمک کند. لذا ضروری است در مذاکرات دیپلماتیک و تدوین مقررات نظام حقوقی

جدید به معاهدات و موافقتنامه‌های پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی توجه شود (صفری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵).

مهم‌ترین معاهدات و قراردادهای بین ایران و روسیه، از سده هجدهم تا سال‌های پایانی سده بیست و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ به امضا رسید. در تقسیم‌بندی تاریخی انعقاد قراردادهای، اولین گروه معاهدات در سده هجده شامل معاهدات ۱۷۲۳ م. سن‌پترزبورگ، ۱۷۲۹ م. رشت، و ۱۷۳۵ م. گنجه است که بیشتر به تحدید مرزهای زمینی و اجازه توقف و رفت‌وآمد کشتی‌ها و عبور و مرور کالاهای تجاری، و ممنوعیت غارت کشتی‌های آسیب‌دیده توجه داشت. دومین گروه، شامل عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای در سال‌های ۱۸۱۳ و ۱۸۲۸ م. و معاهدات مرزی ۱۸۸۱ و ۱۸۹۳ م. است. این معاهدات نیز در شرایط نابرابری بر دولت ایران تحمیل شد و بیش از هر چیز به مسائل مرزی و تعیین حدود آن و چگونگی روابط تجاری و بازرگانی و رد و بدل کردن اسرا و رفت‌وآمد اتباع دو کشور و سفرها و کنسول‌ها می‌پرداخت. سومین گروه معاهدات در قرن بیستم منعقد شد که شامل قراردادهای ۱۹۲۱، ۱۹۲۷، ۱۹۳۵، و ۱۹۴۰ م. است. در این معاهدات که پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. و در شرایط انقلابی بین ایران و رهبران انقلاب و کمیسرها و نمایندگان مربوط به امضا رسید، قراردادهای زمان روسیه تزاری به‌طور یک‌جانبه لغو و سرفصل‌های جدیدی مطرح شد، مانند حمایت از مخالفان انقلاب، اخراج اتباع خارجی به بهانه مداخله در امور اتحاد شوروی، و مسائل بازرگانی و شیلات (آقایی، ۱۳۸۴، ص ۱۵). در این میان، دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م. همچنان اعتبار خود را حفظ کرده‌اند (ناظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳). در ادامه برخی از این معاهدات و قراردادهای بررسی می‌شود.

۱-۱-۱. معاهدات گلستان و ترکمنچای

این دو معاهده از جمله قراردادهایی هستند که در پی دو دوره جنگ بین ایران و روسیه امضا شده است. به دنبال شکست ایران در جنگ با قوای روسیه و اشغال شهرهای مهم کشور و به‌منظور جلوگیری از پیشروی روس‌ها به داخل ایران، معاهده گلستان بین نماینده ایران و روسیه در دهکده‌ای به همین نام در مرز آذربایجان امضا شد. از آنجا که تا پیش از تصویب عهدنامه گلستان در سال ۱۲۲۸ ق/ ۱۸۱۳ م. دولت‌های ایران و روسیه هیچ سند حقوقی‌ای درباره نحوه استفاده از دریای خزر امضا نکرده بودند، تاریخ امضای عهدنامه گلستان را می‌توان سرآغاز پیشینه تاریخی و اسنادی رژیم حقوقی دریای خزر محسوب کرد. به‌موجب معاهده

گلستان، مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ م. ایران از ایجاد نیروی دریایی در دریای خزر محروم شد و این حق در انحصار روسیه تزاری قرار گرفت. این معاهده تجار روسی را از پرداخت هرگونه مالیات معاف کرد. موارد فوق در ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ در معاهده ترکمنچای مجدداً تأکید شد و تا انقلاب بلشویک‌ها در روسیه ادامه پیدا کرد. با تشکیل جمهوری سوسیالیست فدراتیو روسیه شوروی و تغییراتی که در سیاست خارجی دولت انقلابی ایجاد شد، جمهوری روسیه شوروی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ عهدنامه مودت و دوستی را با دولت ایران منعقد و طی آن تمامی قراردادهای سابق روسیه تزاری را ملغی اعلام کرد (ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸).

۱-۲. عهدنامه مودت و دوستی ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / ۱۲۹۹ ق.

در اهمیت عهدنامه مودت ۱۹۲۱ همین بس که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سه جهت‌گیری عمده درباره رژیم حقوقی دریای خزر، نسبت به پذیرش یا اعتبار آن به وجود آمد. گروه اول معتقدند رژیم حقوقی دریای خزر بر پایه معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و بر بستر مناسبات تاریخی شکل گرفته و همچنان دارای اعتبار است. گروه دوم، ضمن پذیرش رژیم حقوقی دریای خزر مبتنی بر معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، با توجه به تحولات جدید در منطقه، آن را به شکل جدیدی قابل تکمیل و تدوین می‌دانند. گروه سوم، رژیم حقوقی برخاسته از معاهدات مزبور را با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با شرایط جدید قابل تطبیق ندانسته و با توجه به تغییرات بنیادین در اوضاع و احوال منطقه معتقدند که باید رژیم حقوقی دریای خزر از نو تعریف و تبیین شود (مولایی، ۱۳۸۰، ص ۱۵).

ماده اول عهدنامه مودت ۱۹۲۱ قبل از هر چیز ترتیبات معاهده صلح ترکمنچای که حقوق ایرانیان را پایمال و ایران را از داشتن نیروی دریایی و حق کشتی‌رانی در دریای خزر محروم کرده بود، فسخ و به طور مساوی به ایران و روسیه حق کشتی‌رانی داد. در این عهدنامه به صراحت دریای خزر به عنوان دریای بسته و فقط متعلق به ایران و شوروی معرفی شده است (دونایووا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶). البته حق کشتی‌رانی شامل کلیه کشتی‌ها اعم از سفاین جنگی و کشتی‌های بازرگانی است. در فصل ششم و هفتم عهدنامه فوق از اهمیت حفظ امنیت دولت انقلابی شوروی بحث می‌شود. در قسمتی از فصل ششم آمده است: «هرگاه دولت ثالثی از سواحل دولت ایران جهت قصد هجوم به روسیه استفاده نماید، دولت روسیه این حق را دارد که نیروهایش را به طرف ایران گسیل دارد». در فصل هفتم نیز قید شده است: «اگر در میان خدمه کشتی‌های متعلق به ایران اتباع دولت ثالثی اهداف خصمانه‌ای را علیه دولت روسیه دنبال کنند،

دولت روسیه محق خواهد بود که اخراج این افراد را از دولت ایران بخواهد» (دونایووا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷).

روی هم‌رفته درباره این عهدنامه دو دیدگاه کاملاً متفاوت مطرح است: برخی با نگاهی مثبت به آن نگرسته و معتقدند که این معاهده مطلوب‌ترین قراردادی بود که در آن شرایط بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شد؛ و بعضی دیگر معتقدند این معاهده آزادی عمل سیاسی ایران در منطقه را محدود کرد و از آنجاکه دولت شوروی اجازه دخالت مسلحانه داشت امنیت ملی کشور را نیز به مخاطره افکند (صادقیان، ۱۳۸۶، ۵۱).

۱-۳. موافقت‌نامه شیلات و ماهیگیری ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م.

این موافقتنامه که در خصوص شیلات و ماهیگیری است در اول اکتبر ۱۹۲۷ در مسکو به امضای وزیر خارجه ایران و معاون کمیسر ملی امور خارجه روسیه شوروی رسید. موافقتنامه فوق بر اساس ماده ۱۴ عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ منعقد شده است. موافقتنامه ۱۹۲۷ به تأسیس یک شرکت مشترک صنعتی - بازرگانی، از سوی دو کشور، به منظور بهره‌برداری شیلات و ماهیگیری در رودخانه‌ها و مناطق دریایی متعلق به ایران در دریای خزر منجر شد. به موجب آن سهام شرکت فوق و همچنین درآمد ناخالص حاصل از آن به‌طور مساوی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی تقسیم می‌شود (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰/۸۵۰۲). در ماده ۱۴ موافقتنامه ۱۹۲۷ مدت زمان تعیین شده برای امتیاز بهره‌برداری شرکت از منابع آبی ایران، یک دوره ۲۵ ساله در نظر گرفته شد که تمدید آن مشروط به رضایت دولت ایران است. این موافقتنامه، بعد از انقضای این دوره در سال ۱۹۵۳ و عدم تمدید آن از سوی دولت ایران، از درجه اعتبار ساقط شد (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰/۸۵۰۲).

۱-۴. عهدنامه اقامت، تجارت، و بحریمایی ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵ م.

این معاهده مشتمل بر هجده ماده و یک پروتکل نهایی بین باقر کاظمی وزیر امور خارجه، و مظفر اعلم رئیس کل تجارت ایران؛ و اس. چرنیخ سفیر فوق‌العاده و نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی، و مشتاک نماینده تجارته اتحاد شوروی به امضا رسید. از نکات مهم این معاهده در نظر گرفتن آزادی کشتی‌رانی برابر برای دولت‌های طرفین است. در بند ۴ ماده ۱۵ یک منطقه ۱۰ مایلی دریایی برای اهداف ماهیگیری اختصاص داده شد، اما مرز رسمی دریایی در آن تعیین نشد. در این ماده آمده است: «... هر یک از اعضای طرف قرارداد به کشتی‌هایی

که پرچم خودشان را به اهتزاز درآورده حق ماهیگیری در آب‌های ساحلی خودشان را تا محدوده ۱۰ مایلی محفوظ می‌دانند». در ماده ۱۴ این معاهده قید شده است حق کشتی‌رانی در دریای خزر برای دول غیرساحلی وجود ندارد: «اعضای طرف قرارداد موافقت دارند در همسویی با اصولی که در معاهده مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و ایران تنظیم شده، تنها باید در سرتاسر منطقه دریای خزر کشتی‌های متعلق به اتحاد جماهیر شوروی یا ایران حرکت کنند».

بند اول ماده ۱۵ معاهده مذکور نوعی رژیم رفتاری برابر در ارتباط با کشتی‌های بازرگانی یک عضو در بنادر طرف دیگر ایجاد می‌کند. چنانچه در پاراگراف اول ماده ۱۵ آمده است: «کشتی‌های تجاری، در حالی که پرچم یک عضو طرف پیمان را در دریای خزر به اهتزاز درآورده است، وقتی که وارد بنادر طرف دیگر می‌شود یا در آنجا قرار دارد یا در حال ترک آنجاست، در تمام این ملاحظات، باید شبیه کشتی‌های ملی طرف دیگر رفتار گردد». معاهده ۱۹۳۵ می‌پذیرد که حقوق کابوتاژ در انحصار هر دولت است، اما طرفین موافقت کردند به کشتی‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی، براساس پرچم‌های‌شان، حقوق کابوتاژ دیگر مناطق ساحلی به‌طور رسمی واگذار شود و نهایت در بند ۳ معاهده آمده است: «تجارت ساحلی باید برای کشتی‌های ملی محفوظ باشد ... مورد توافق قرار گرفت که هر کدام از اعضای طرف قرارداد باید به کشتی‌هایی که تحت پرچم عضو دیگر حرکت می‌کند، حق تجارت ساحلی را در خصوص حمل مسافر و کالا اعطا نمایند» (ساکما، سند ۱۰۸۹۳/۱۰۲۴۰).

۱-۱-۵. معاهده بازرگانی و بحر پیمایی ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.

معاهده بازرگانی و بحرپیمایی ۱۳۱۹ ش. / ۲۵ مارس ۱۹۴۰ بین مظفر اعلم وزیر امور خارجه، و صادق وثیقی نماینده وزارت بازرگانی ایران؛ و ماتوی فیلیمونو سفیر اتحاد جماهیر شوروی، و پتر ایوانوویچ الکسیوف نماینده بازرگانی شوروی در تهران منعقد و کلیه معاهدات و موافقتنامه‌هایی را که از سال ۱۹۲۱ بین دو دولت ایران و شوروی منعقد شده بود، به‌طور گسترده بسط داد. همان‌گونه که در عنوان معاهده آمده بخشی از آن مربوط به توافق دو کشور درباره تجارت و بازرگانی و امور گمرکی و بخش مهم دیگر آن مربوط به موافقت دو کشور به امور مربوط به کشتی‌رانی و ماهیگیری در دریای خزر است. بند ۴ ماده ۱۲ این معاهده به همان منطقه ده مایلی اشاره دارد که در معاهده ۱۹۳۵ برای ماهیگیری تعیین شده بود. در ماده ۱۳ دو کشور ساحلی ایران و شوروی موافقت کردند: «در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق

به ایران و اتحاد جماهیر شوروی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل‌ونقل دولتی یکی از طرفین معاهدتین که زیر پرچم ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سیر می‌نمایند، نمی‌توانند وجود داشته باشد» (ساکما، سند ۸۲۹۹/۲۴۰).

پس از انعقاد معاهده ۱۹۴۰، در همان روز و طی نامه‌ای که به معاهده مذکور ضمیمه شد، طرفین، دریای خزر را دریای ایران و اتحاد جماهیر شوروی نامیدند و توافق کردند که «نظر به اینکه دریای خزر که طرفین معاهدتین آن را دریای ایران و اتحاد جماهیر شوروی می‌دانند، دولتین اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا اتباع کشور ثالث که در کشتی‌های طرفین معاهدتین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت هستند از خدمت و توقف خود در کشتی‌ها و بنادر برای مقاصدی که خارج از حدود وظایف خدمتی محوله به آنها باشد استفاده نمایند» (ساکما، سند ۸۲۹۹/۲۴۰؛ دونایووا، ۱۳۷۷، ص ۱۱۷).

در تمامی قراردادها و معاهدات بین دو کشور هیچ‌گاه واژه مشاع یا مشترک (کندومینیوم) موردنظر حقوقدانان نظام‌های حقوقی به کار نرفته است و فقط از عنوان دریای ایران و شوروی استفاده شده است. بنابراین می‌توان گفت دریای خزر محیطی مشاع و مشترک و «فقط» متعلق به ایران و شوروی است که هیچ نوع تقسیمی در آن صورت نگرفته و سهم مجزایی برای دو کشور مذکور در دریای خزر به وجود نیامده است (ناظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۶).

نکته مهم دیگر در رژیم حقوقی دریای خزر این است که در قراردادها و موافقتنامه‌های بین دو کشور بر سر دریای خزر، هیچ‌گاه از سهم دو کشور در بهره‌برداری از زیربستر دریا و چگونگی مالکیت بر منابع و ذخایر هیدروکربنی (نفت و گاز)، حتی منابع زیستی آن در خارج از منطقه ۱۰ مایلی دریا سخنی گفته نشده است (کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۲). به نظر می‌رسد ساکت بودن معاهدات در مورد بهره‌برداری از این منابع به این دلیل است که در آن زمان امکان استخراج و بهره‌برداری از کف و بستر دریاها وجود نداشت و تکنولوژی آن زمان اجازه چنین فعالیت‌هایی را نمی‌داد و در نتیجه تنها حقوق منظور شده در این معاهدات در زمینه ماهیگیری، کشتی‌رانی، و تسهیلاتی برای بازرگانی و امور گمرکی بوده است (ناظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹).

لازم به توضیح است که در حقوق بین‌الملل ساختار مشاع و مشترک (کندومینیوم) مستلزم داشتن دو شرط اساسی است. شرط نخست، نص صریح در قرارداد و توافقنامه است که طرفین به صورت مکتوب منظور خود را نسبت به کندومینیوم قید کنند؛ در حالی که در قراردادهای ایران و شوروی چنین چیزی به صراحت نیامده و مشاهده نمی‌شود. شرط دوم، حقوق مساوی

است. با بررسی متن قراردادها و موافقتنامه‌ها معلوم می‌شود که این حقوق مساوی تنها در امر ماهیگیری و کشتی‌رانی و تجارت و بازرگانی منظور شده است، اما دربارهٔ اکتشاف و استخراج از منابع بستر و زیربستر دریای خزر کاملاً ساکت مانده است (ناظمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷-۲۳۸). همچنین بر اساس کلیهٔ اسناد امضا شده بین دو کشور تاکنون برای دریای خزر هیچ‌گونه مرزی ترسیم نشده و هیچ سندی مبنی بر تقسیم آن وجود ندارد. از آنجاکه تقسیمات اداری و داخلی کشورها نمی‌تواند ملاک و معیار قوانین بین‌المللی باشد و تعیین مرز نیز نمی‌تواند یکجانبه و بدون موافقت کشور متقابل صورت گیرد، استناد برخی کشورهای ساحلی دریای خزر طبق اصول اولیهٔ حقوق و سیاست فاقد اعتبار خواهد بود (کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

۲. رژیم حقوقی کشتی‌رانی

۲-۱. نیروی دریایی ایران در خزر

دریای خزر به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجاری شرق به غرب و ایالات خوش‌آب‌وهوا و ثروتمند و غنی از نظر تولید ابریشم و کشاورزی و صیادی، همواره مورد توجه تجار و بازرگانان بوده و یکی از مهم‌ترین راه‌های تجاری با روسیه و غرب محسوب می‌شده است. از قرن سیزدهم میلادی تلاش‌های متعددی از سوی تجار ونیزی و ژنوایی جهت رونق دادن به این مسیر دریایی صورت گرفت. در قرن شانزدهم میلادی و در عصر صفوی شرکت تجاری انگلیسی مسکوی تلاش زیادی کرد تا تجارت دریایی دریای خزر را احیا کند. بر اساس گزارش پیترو دل‌واله در عصر شاه عباس اول، کشتی‌های دورهٔ صفوی بزرگ نبود و با بادبان‌های کوچک خود تنها قادر به کشتی‌رانی ساحل‌به‌ساحل بودند. قایق‌های مزبور با پاروهای پهن، سکان نامتعادل، بادبان‌های کهنه و وصله‌دار، بدون قطب‌نما، و نقشه در دریا رفت و آمد می‌کردند (دل‌واله، ۱۳۴۸، ص ۱۶۹-۱۸۰). فعالیت منظم کشتی‌رانی در دریای خزر در اوایل قرن هجدهم در دوران حکومت پترکبیر آغاز و اولین کشتی بخار در سال ۱۲۶۲ ق. / ۱۸۴۶ م. در دریای خزر ظاهر شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳؛ سرنا، ۱۳۶۲، ص ۳۳). اطلاعات رسمی ما دربارهٔ نیروی دریایی در دریای خزر به زمان نادرشاه افشار برمی‌گردد. نادرشاه به اهمیت نیروی دریایی جهت پیشبرد اهداف خود واقف بود، به‌ویژه زمانی که در نبرد با لژی‌ها در داغستان قفقاز شکست خورد و مجبور به عقب‌نشینی به طرف شهر دربند شد. او دریافت که اگر با کشتی به او آذوقه نرسد تمام سربازان خسته و گرسنه از بین می‌روند (نویسی، ۱۳۸۴، ص ۵۶۵-۵۶۸). از این رو در صدد تهیهٔ ناوگان جنگی و بازرگانی در دریای خزر برآمد. البته این مطلب نافی وجود و حضور

صیادان و تجار و بازرگانان ایرانی و روسی و کشتی‌رانی آنان در تاریخ دریای خزر نبوده و نیست. نادر در گام اول از کالوشکین، سفیر روسیه که خبر جلوس الیزابت پتروونا را آورده بود، درخواست کرد که چندین کشتی به رسم عاریت در اختیار دولت ایران قرار دهد اما دولت روسیه که از اهداف نادر در دریای خزر بیمناک بود از این امر طفره رفت. نادر که مصمم به تأسیس نیروی دریایی در شمال بود از یک ملوان انگلیسی فعال و کارکشته به نام جان التون که در امور دریانوردی با روس‌ها همکاری داشت، دعوت به همکاری کرد (میرفندرسکی، ۲۰۰۱، ص ۲۵). التون در تابستان ۱۷۴۲ م. با یک فروند کشتی از بندر غازان روسیه به همراه عده‌ای از ملوانان روسی و انگلیسی به فرماندهی سروان وودروف به بندر انزلی آمد. مرکز استقرار نیروی دریایی ایران در دریای خزر ساحل شهر لنگرود بود (Farrokh, 2011, p 97). جان التون با حمایت نادرشاه به ساختن کشتی برای ایران پرداخت و در اثر این خدمات از سوی دولت ایران لقب جمال‌بیگ گرفت. چندی بعد، التون با سمت دریایی‌گی یعنی فرمانده نیروی دریایی به استخدام رسمی حکومت ایران درآمد. در اثر تلاش‌های او کشتی‌های متعددی توسط ملاحان روسی و هندی و انگلیسی ساخته شد و در آب‌های ساحلی با پرچم ایران به حرکت در آمدند (نوابی، ۱۳۸۴، ص ۵۶۵-۵۶۸).

اقدام نادر موجب احساس خطر روس‌ها در از دست دادن منافع خود در دریای خزر شد، لذا با کارشکنی و توقیف کالاهایی که برای التون فرستاده می‌شد مانع ادامه اقدامات وی شدند. تحت فشار روس‌ها نماینده‌ای به نام جوناس هانوی از جانب شرکتی انگلیسی در پترزبورگ به ایران فرستاده شد تا از همکاری التون با ایران جلوگیری کند، زیرا ادامه درگیری و مخالفت‌های روس‌ها برای بازرگانان انگلیسی در دریای خزر موجب خسارات فراوانی بود. با مرگ نادرشاه در سال ۱۱۶۰ ق. اقدامات او در ایرانی کردن دریای خزر ناتمام ماند (آذری، ۱۳۸۶، ص ۳۷). در دوره زندیه، روسیه تزاری به دنبال درگیری ایران و عثمانی بر سر منطقه بصره، از فرصت استفاده و شهر دربند قفقاز را اشغال کرد تا از آنجا به عثمانی حمله کند. کریم‌خان زند با ارسال فرمانی به فتحعلی‌خان قبه‌ای، از بزرگان آن ناحیه خواست تا روس‌ها را از قفقاز بیرون کند. نامه‌ای با همان مضمون به حاکم رشت فرستاد و او را به حمله و تعقیب روس‌ها فراخواند. در اثر تلاش‌های این دو حاکم محلی، سربازان روسی که بالغ بر چهل هزار نفر بودند شکست خورده و بازگشتند. پس از این پیروزی فرمان حکومت شیروان و نواحی اطراف آن به نام فتحعلی‌خان قبه‌ای صادر شد (نوابی، ۱۳۸۴، ص ۵۶۸).

با روی کار آمدن الکساندر اول در روسیه سیاست تهاجمی کاترین بزرگ در قفقاز احیا شد.

اقدامات الکساندر باعث شعله‌ور شدن جنگ‌های روسیه و ایران در سال‌های ۱۸۰۴-۱۸۱۳ شد. در ژوئن ۱۸۰۵ نیروهای روسی وارد انزلی شدند اما با مقاومت میرزا موسی، والی گیلان مواجه شده و شکست خوردند. با طولانی شدن جنگ، روند جنگ به نفع روسیه تغییر کرد و منجر به عقد معاهده گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ شد (میرفندرسکی، ۲۰۰۱، ص ۲۵).

۲-۲. رژیم حقوقی کشتی‌رانی

یکی از موارد مهم در رژیم حقوقی دریای خزر، حقوق کشتی‌رانی و شیوه حضور کشتی‌های تجاری و مسافری و کشتی‌های جنگی و فعالیت‌های نظامی است. برای اولین بار و به‌صراحت در سند پیشنهادی تورماسف به رومیانتسف، صدراعظم روسیه، در ۲۶ می ۱۸۱۰، نوعی رژیم حقوقی برای کشتی‌رانی در دریای خزر در نظر گرفته شد. در این سند که به‌عنوان پیش‌نویس قرارداد گلستان نیز می‌توان از آن یاد کرد چنین آمده است: «مفاد پیشنهادی دوازده اصل دارد که اصل یازدهم آن در خصوص کشتی‌رانی در دریای خزر است.

بر اساس اصل یازدهم کشتی‌های روسی که جهت تجارت در دریای خزر گشت می‌زنند مثل قبل اجازه دارند به ساحل‌های ایرانی در حالت طوفان یا هرگونه اتفاق تصادفی که صورت می‌گیرد رجوع کنند و حکومت ایران از طرف خود برای کشتی‌های نظامی روسیه علاوه دوستی را در اختیار گذارد و مسلماً به کشتی‌های تجاری ایران اجازه داده می‌شود به ساحل‌های روسیه رجوع کنند و به آنها هم در صورت ضرورت همچو علائمی در اختیارشان گذاشته می‌شود» (مسلمانیان قبادی، ۱۳۸۷، ص ۵۳۵). در ۳۰ دسامبر ۱۸۱۳ راتیشف، یکی از اعضای تیم مذاکره با ایران، به صدر اعظم روسیه رومیانتسف می‌نویسد: «علیحضرت از ماده پنجم عهدنامه صلح که نسخه اصل آن در گزارش مورخه چهاردهم اکتبر من تقدیم حضورتان گردیده است امیر مهربان مطالعه فرمودید که پرچم نظامی روسیه تنها پرچم حاکم در دریای خزر شناخته شده است. اینجانب خود را خیلی خوشبخت می‌دانم که این مسئله را که امنیت زمین‌های ساحلی و تجارت ما را از جانب دریا برای همیشه تأمین می‌نماید ... توانستم مطابق میل مقدس علیحضرت امپراتور و خواهش حضرتعالی به موفقیت رسانم» (مسلمانیان قبادی، ۱۳۸۷، ص ۵۷۵-۵۷۶).

در گزارش دیگری به تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۸۱۳، یکی از مقامات ارشد روسیه به تزار الکساندر اول می‌نویسد: «بر اساس عهدنامه، ایران تمامی خان‌نشین‌ها و ولایات-چه فتح‌شده توسط سلاح و چه داوطلبانه به‌تبعیت روسیه در آمده- را به حاکمیت ابدی و ارثی علیحضرت امپراتور

بزرگ واگذار می‌کند. حق مالکیت در دریای خزر نیز در اختیار پرچم نظامی اعلیحضرت امپراتور قرار گرفته و منافع زیاد دیگری عاید روسیه گشته است» (مسلمانیان قبادی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۶). مفاد و محتوای نامه‌های دولتمردان روسیه، با اندک تغییری در ادبیات آن، چندی بعد در اصل پنجم قرارداد صلح گلستان گنجانده شد و به تصویب نمایندگان سیاسی دولت ایران و روسیه رسید. بنابر اصل پنجم عهدنامه گلستان «کشتی‌های دولت روسیه که برای معاملات بر روی دریای خزر تردد می‌نمایند، به دستور سابق، مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها بشود.

کشتی‌های جانب ایران هم به دستور سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند و به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد. کشتی‌های عسکریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتی‌های جنگی دولت روسیه با علم و بیدق در دریای خزر بوده‌اند حال نیز محض دوستی اذن داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولت‌های دیگر سوای دولت روس کشتی‌های جنگی در دریای خزر نداشته باشد» (طباطبایی مجد، ۱۳۷۳، ص ۸۰؛ ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸).

از نکات مهم و اساسی در این عهدنامه، علاوه بر اعطای حق رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری روسیه در تمامی سواحل و بنادر ایران، این است که دریای خزر تنها به روی ناوهای جنگی روسیه باز شد و حق مداخله در امور داخلی ایران به بهانه حمایت و مساعدت به ولیعهد به روسیه داده شد (حسام‌معزی، ۱۳۲۴، ص ۳۴۵). در عهدنامه ترکمنچای نیز علاوه بر واگذاری ایالات نخجوان، ایروان، طالش، قره باغ، و شوره‌گل؛ دوباره در فصل هشتم، بر عبور و مرور کشتی‌های تجاری روسیه در سواحل و بنادر ایران تأکید شد و دریای خزر منحصراً در اختیار ناوهای جنگی روسیه قرار گرفت و دولت ایران مجدداً از حق کشتی‌رانی جنگی در آب‌های خزر محروم شد (ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸؛ نوازی، ۱۳۶۹، ص ۵۱). فصل هشتم عهدنامه ترکمنچای که در پنجم شعبان ۱۲۴۳/ دهم فوریه ۱۸۲۸ تصویب شد به این شرح است:

«سفاین تجارتی روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر به طول سواحل آن سیر کرده به کناره‌های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتی‌های تجاری ایران را استحقاق خواهد بود که به‌قرار سابق در بحر خزر سیر کرده به سواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست

کشتی به همان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت. در باب سفاین حربیه که علم‌های عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفرد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند لهذا همین حق مخصوص کمافی‌السابق امروز به اطمینان به ایشان وارد می‌شود به‌نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگری نمی‌تواند در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد» (ساکما، آلبوم بیوتات ۱۵۸، سند ۲۹۵/۸۰۳۸؛ طباطبایی‌مجد، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱-۱۳۲).

با امضای این عهدنامه، دولت روسیه به آب‌های دریای سیاه و دریای خزر دست یافت و به بخشی از آرمان خود نزدیک شد. سال‌ها بعد، در زمان صدارت آقاخان نوری، باز بر این مسئله تأکید شد که عبور و مرور کشتی‌های جنگی در آب‌های سواحل ایران طبق عهدنامه ترکمنچای ممنوع است و تنها کشتی‌های تجاری از این حق بهره‌مند هستند (قاضیها، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

بعد از امضای این عهدنامه کشتی‌رانی در دریای خزر از سوی تجار و بازرگانان ایرانی سرعت بیشتری گرفت. روزنامه وقایع/تفاهیه، در ذکر واقعات مهم خود، بارها از تردد کشتی‌های تجاری بین بنادر ایران و روسیه در سال‌های ۱۲۶۷ ق. / ۱۸۵۰ م. تا ۱۲۷۶ ق. / ۱۸۶۰ م. سخن به میان آورده که نشانه رونق رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری در دریای خزر است. بارها اتفاق افتاد که در یک روز و در اثر هوای طوفانی چندین کشتی غرق شدند. از تعداد کشتی‌های در حال رفت‌وآمد در دریای خزر اطلاعات دقیق و روشنی وجود ندارد.

از آمار کشتی‌های طوفان‌زده و غرق شده که در روزنامه‌ها منعکس شده است و گزارش‌های رسمی حکومتی از سوی گمرکات و بنادر می‌توان آمار نسبتاً دقیقی از تعداد کشتی‌ها و رونق رفت‌وآمد کشتی در دریای خزر ارائه داد. برای نمونه روزنامه وقایع اتفاهیه در شرح وقایع روزانه پنجشنبه ۱۸ شعبان ۱۲۷۲ از غرق شدن سه کشتی در اثر بارندگی شدید و طوفان دریایی در ایام عید در سواحل مازندران خبر می‌دهد (روزنامه وقایع/تفاهیه، ۱۲۷۲، شماره ۲۷۳، ص ۴). در همین روزنامه در ذکر وقایع پنجشنبه ششم رمضان ۱۲۷۶ چنین آمده است: «از قراری که در روزنامه آنجا نوشته بودند این اوقات در دریا طوفان و تلاطم بسیار پیدا شده است. از جمله چهار فروند کشتی که از بادکوبه بانزلی می‌آمده بواسطه کولاک دریا در لنگرگاه ایستاده بکنار نتوانسته بود بیاید. بعد از اندک آسایشی حرکت می‌نماید تلاطم دریا یکمرتبه بنوعی زیاد می‌شود که عملجات کشتی با تبر طناب‌های لنگرها را بریده و کشتی‌ها بی‌اختیار ناخدا هر یک به طرفی رفته و می‌شکستند و اغلب اموال و نفوس موجوده در کشتی غرق می‌شود ... در همین روز چهار کشتی از مال اهالی انزلی که ماهی بار کرده به مازندران می‌بردند غرق و مفقود شده است» (روزنامه وقایع/تفاهیه، ۱۲۷۶، شماره ۴۶۳، ص ۴).

در ۲۴ صفر ۱۳۰۶/۳۰ اکتبر ۱۸۸۸، با فشارهای دولت انگلستان، ناصرالدین شاه فرمان آزادی کشتی‌رانی را در رود کارون صادر کرد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۱۶۶؛ روزنامه/ایران، ۱۳۰۶، شماره ۶۷۷). روس‌ها از همان ابتدا شروع به مخالفت کرده و حتی دولت ایران را تحت فشارسیاسی قرار دادند. آنها معتقد بودند که این امتیاز و فرمان شاه منافع روس‌ها در منطقه را به خطر خواهد انداخت. سرانجام با مذاکراتی که بین نمایندگان دو کشور به عمل آمد، ناصرالدین شاه ناچار شد برای اجرای عزم خود برای سفر به فرنگستان نظر روس‌ها را بپذیرد و آزادی کشتی‌رانی در مرداب انزلی و رودخانه‌های سواحل دریای خزر و اختیار به دولت روسیه جهت ساخت راه‌آهن و مواردی دیگر از این قبیل را قبول کند (قاضی‌ها، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵). در سال‌های پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و توسط دولت انقلابی شوروی سوسیالیستی حق برابر کشتی‌رانی آزاد در فصول هفتم و یازدهم معاهده دوستی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در تاریخ ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ شناسایی شد (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۵؛ حسام‌معزی، ۱۳۲۴، ص ۴۳۳). دولت شوروی موفق شد اجازه اخراج عناصر ایرانی مخالف با رژیم کمونیستی را از کشتی‌هایی که در دریای خزر رفت و آمد می‌کردند بگیرد و در برابر آن، دولت ایران توانست موافقت شوروی با ایجاد نیروی دریایی در بحر خزر را -که در پیمان‌های قبلی با آن مخالفت شده بود- به دست آورد (لنچافسکی، ۱۳۵۲، ص ۷۱). این حق و حقوق ایران در دریای خزر در جوابیهٔ چیچرین نمایندهٔ اتحاد شوروی به اعتراض ایران نسبت به اشغال انزلی توسط قوای این کشور برای بار دیگر تأیید و تأکید شد. در این جوابیه چنین آمده است:

«از وقایع اتفاقیه در انزلی دولت شوروی روسیه فقط وقتی اطلاع حاصل نمود که حوادث مزبور خاتمه یافته بود. از طرف دولت سویت احتراماً اظهار می‌دارم که به دسته قشون شوروی امر شده است که همین که احتیاج نظامی مرتفع گردید و آزادی و صیانت کشتی‌رانی در بحر خزر با موافقت‌نامه و با اظهارات ما که در یادداشت ۵ تیر ۱۲۹۸ ذکر شده است خاک ایران را تخلیه نماید؛ یعنی مطابق مواد ۳ و ۷ که مدلول آن به قرار زیر است:

ماده ۳- بحر خزر برای کشتی‌رانی زیر بیرق ایران آزاد اعلان شده است؛ ماده ۷- دولت سویت حاضر است با ایران در تحویل مؤسسات تجارتي روسیه در انزلی با ملت آزاد ایران قرارداد ببندد» (منشورگرگانی، ۱۳۲۶، ص ۵۹؛ ساکما، سند ۳۶۰/۷۶۵۰).

این دستاورد مهم در عهدنامهٔ اقامت، تجارت، و بحریمایی بین دو دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در چهارم شهریور ۱۳۱۴/۲۷ اوت ۱۹۳۵ به‌طور مفصل در مفاد ۱۴، ۱۵، ۱۶، و ۱۷ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. متن مفاد یاد شده در عهدنامهٔ مزبور به شرح زیر است:

«ماده چهاردهم- طرفین متعاهدین بر طبق اصولی که در عهدنامه مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین جمهوری متحده سوسیالیستی شوروی روسیه و ایران اعلام گردیده است موافقت دارند که در تمامی بحر خزر کشتی‌ها جز کشتی‌های متعلق به ایران یا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و مؤسسات تجارتی و حمل‌ونقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که با پرچم اتحاد جماهیر شوروی یا پرچم ایران سیر می‌نمایند نمی‌توانند وجود داشته باشند و نیز موافقت حاصل شده است که هریک از طرفین متعاهدین در مستخدمین کشتی‌ها فقط از اتباع خود انتخاب نمایند.

ماده پانزدهم-

۱- به کشتی‌های تجارتی که با پرچم یکی از طرفین متعاهدین در بحر خزر سیر می‌نمایند در بنادر طرف متعاهد دیگر چه در حین ورود و چه در مدت توقف و چه در موقع خروج از هر حیث مثل کشتی‌های خود آن کشور رفتار می‌شود.

۲- از کشتی‌های مزبور غیر از آنچه قانوناً برای کشتی‌های کشوری وضع گردیده است آن هم با همان شرایط و با همان معافیت‌ها عوارض بندری دیگری اخذ نخواهد گردید در مورد اخذ عوارض فوق اشیاء مذکور ذیل مال‌التجاره وارد و صادر منظور و محسوب نخواهد شد.

الف- اسباب شخصی مسافرین که جزو محمولات کشتی نباشد- مقصود از اسباب شخصی علاوه بر بسته‌های کوچک دستی کلیه اشیایی می‌باشد که به موجب قبض به‌عنوان اسباب شخص حمل می‌شود.

ب- سوخت و آذوقه برای مستخدمین و مسافرین کشتی و اشیاء و لوازم برای کشتی به مقدار لازم برای تمامی مدت سیر مگر اینکه اشیاء مزبور را از کشتی خارج کنند که در بندر بماند.

ت- محمولاتی که در نتیجه صدمه وارده به کشتی و یا در مواقع توقف اتفاقی در بندر از کشتی خارج شده و مجدداً برای اینکه به بندر مقصد حمل گردد به کشتی گذارده شوند.

ث- محمولاتی که از یک کشتی به کشتی دیگر نقل می‌شود تا اینکه حمل آنها در دریا ادامه داده شود.

ج- محمولاتی که در کشتی‌هایی حمل می‌شود که ظرفیت آنها کمتر از سه و نیم تن است.

۳- کاپوتاژ (حمل‌ونقل محلی کالا و مسافر به‌وسیله کشتی‌ها از یک ساحل به ساحل دیگر همان کشور) فقط به کشتی‌های داخلی اختصاص دارد ولی معهداً موافقت حاصل شده است که هریک از طرفین متعاهدین به کشتی‌هایی که تحت پرچم طرف متعاهد دیگر سیر می‌نمایند حق کاپوتاژ برای حمل‌ونقل مسافر و بار در بحر خزر بدهند.

۴- با وجود مقررات فوق‌الذکر هریک از طرفین متعاهدین صید ماهی را در آب‌های ساحلی خود تا حدود ده مایل بحری به سفاین خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که واردات ماهی‌های صیدشده از طرف کارکنان کشتی‌هایی که تحت پرچم او سیر می‌نمایند از مزایای خاصی بهره‌مند سازند.

۵- کشتی‌هایی که در دریاهای غیر از بحر خزر در تحت پرچم یکی از طرفین متعاهدین سیر می‌نمایند در آب‌های ساحلی و در بنادر اطراف متعاهد دیگر نسبت به شرایط کشتی‌رانی از همان حقوق و مزایایی که در این مورد به کشتی‌های دولت کامله‌الوداد اعطا می‌گردد بهره‌مند می‌شوند.

ماده شانزدهم- طرفین متعاهدین موافقت می‌نمایند که راجع به اقدامات صحی که باید نسبت به کشتی‌های دولت هر یک از طرفین در بنادر متعاهد دیگر در بحر خزر به عمل آید مقررات صحی بین‌المللی که در پاریس در ۲۶ ژوئن ۱۹۲۶ امضا شده با رعایت قیودی که هریک از دولتین در موقع امضا قرارداد مزبور گفته‌اند مجری گردد.

ماده هفدهم- تصدیقنامه‌های ظرفیت کشتی که از طرف مقامات صالحه دولتین متعاهدین به کشتی تحت پرچم ایران و جماهیر شوروی که در بحر خزر ایاب و ذهاب می‌کنند داده می‌شود و از طرف هریک از دولتین متعاهدین به دولت متعاهد دیگر اعلام می‌گردد و در بنادر دولتین رسمیت خواهد داشت و کشتی که دارای تصدیقنامه‌های مزبوره هستند در ثانی در بنادر طرف متعاهد دیگر موردتفتیش واقع نخواهد شد و نیز در بنادر طرفین متعاهدین در بحر خزر تصدیقنامه‌هایی که راجع به قابلیت سیر کشتی‌رانی و میزان نشست کشتی در آب سایر اسناد فنی کشتی‌رانی دیگر که از طرف مقامات صالحه مذکوره فوق به کشتی داده می‌شود متقابل به رسمیت شناخته خواهد شد» (ساکما، سند ۱۰۸۹۳/۱۰۲۴۰).

در پروتکل پایانی این عهدنامه دو دولت ایران و اتحاد شوروی موافقت خود را در موارد زیر اعلام کردند:

«الف- اتباع ممالک ثالثی که تبعه یکی از طرفین متعاهدین شده باشند و همچنین اتباع دولت سابق روسیه که تابعیت شوروی را تحصیل ننموده باشند جزو اتباعی که در ماده ۱۵ ذکر شده است محسوب نمی‌شود.

ب- مقررات بند ۴ ماده ۱۵ به‌هیچ‌وجه به مقررات قرارداد راجع به استفاده از شیلات سواحل جنوبی بحر خزر که در اول اکتبر ۱۹۲۷ بین طرفین امضا شده و همچنین به عملیات صیادی ایران رسماً لطمه وارد نمی‌آورد.

ج- دو دولت ایران و شوروی متعهد شدند بر طبق رسومات بین‌المللی و قوانین و نظامات محلی هیچ‌گونه مانعی برای توقف کارکنان کشتی‌های یکی از طرفین در بنادر طرف دیگر در موقع توقف کشتی‌ها در بنادر و لنگرگاه‌ها ایجاد نکنند و همچنین از انجام بعضی اقدامات جهت تهیه ملزومات و آذوقه لازم برای کارکنان کشتی‌ها و مسافرین ممانعتی به عمل نیاورند» (ساکما، سند ۱۰۸۹۳/۱/۲۴۰، پروتکل اختتامیه الحاقی ۲۷ اوت ۱۹۳۵).

در تکمیل عهدنامه اقامت، تجارت، و بحریمایی ۱۳۱۴ ش. / ۱۹۳۵، چرنیخ، سفیرکبیر اتحاد جماهیر شوروی، در نامه‌ای به وزیر امور خارجه ایران دریای خزر را دریای ایران و شوروی دانست. متن نامه بدین شرح است:

«نظر به اینکه بحر خزر که دولتین آن را یک دریای ایرانی و شوروی محسوب می‌دارند برای طرفین اهمیت خاصی دارد. لذا مقرر است که دولتین اقدامات لازمه بعمل آورند تا اتباع ممالک ثالثی که در بنادر دریای مزبور در خدمت آنها می‌باشند توقف خود را در این بنادر مصروف به مقاصدی نمایند که از حدود مشاغل محوله به آنجا تجاوز نمایند. با تقدیم ا. س. چرنیخ» (ساکما، سند ۱۰۸۹۳/۱/۲۴۰، مراسلات پیوست عهدنامه ۱۹۳۵).

از آنجاکه عهدنامه ۱۹۳۵ برای مدت سه سال منعقد شده بود، در ۲۵ مارس ۱۹۴۰ دو دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی با تغییراتی اندک عهدنامه مزبور را تمدید و تصویب کردند. این قرارداد مبتنی بر اصل برابری رفتار بین کشتی‌های حامل پرچم طرفین است. در ماده ۱۲ قرارداد ۱۹۴۰ آمده است: «طرفین معاهدتین بر طبق اصولی که در ماده ۱۳ مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری متحده سوسیالیستی شوروی روسیه اعلام کرده است موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل‌ونقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می‌نمایند نمی‌توانند وجود داشته باشند» (حسام‌معزی، ۱۳۲۶، ص ۴۴۹).

بنابراین با توجه به متن قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۳۵ و ۱۹۴۰ شرایط پذیرش و رفت‌وآمد کشتی‌ها در بنادر طرفین یکسان بوده و عوارض بندری و معافیت‌های احتمالی به‌صورت یکسان اخذ و اعمال خواهد شد (کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۹-۳۰). بر اساس ماده ۱۵ بند ۳ معاهده ۱۹۳۵ و ماده ۱۲ بند ۳ موافقت‌نامه ۱۹۴۰، حقوق کابوتاژ در انحصار هر دو دولت است. اعضای دو طرف پیمان همچنین موافقت کردند که به کشتی‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی بر اساس پرچم‌های‌شان حقوق کابوتاژ دیگر مناطق ساحلی ایشان به‌طور رسمی واگذار شود (پیوست ۵).

البته این قراردادها خالی از ایراد و اشکال نبودند. ایراداتی که از سوی برخی کارشناسان نسبت به معاهدات مربوط به کشتی‌رانی وارد شده شامل سه مورد است. ایراد نخست، تفکیک نشدن کشتی‌های تجاری و ناوهای جنگی و تسری آزادی کشتی‌رانی بدون هیچ‌گونه محدودیتی به هر دو نوع کشتی است. ایراد دوم، اعمال این اصل در تمامی پهنه آبی دریای خزر از جمله آب‌های نزدیک به سواحل و بنادر است و آزادی آمدورفت و بدون محدودیت ناوهای جنگی خطرات بسیاری برای امنیت و استقلال سیاسی دولت‌ها در پی خواهد داشت (قدیری معصوم و زارع گاریزی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۷). ایراد سوم در اصل تساوی حقوق به‌عنوان رکن مهم در حقوق طرفین در زمینه کشتی‌رانی است که در معاهده ۱۹۴۰ لحاظ نشده است؛ بدین معنی که تعداد زیاد کشتی‌های تجاری اتحاد شوروی در دریای خزر و نابرابری فاحش آن در مقایسه با ناوگان ایران و وجود بنادر مهم و متعدد در ساحل ایران، و وجود تنها چند بندر کوچک در سواحل خزری اتحاد شوروی باعث می‌شد که این تسهیلات در عمل صرفاً به نفع اتحاد جماهیر شوروی باشد (کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۰).

۳. رژیم حقوقی شیلات و ماهیگیری

۳-۱. شیلات شمال ایران

تا پیش از تشکیل حکومت قاجاریه اسناد و مدارک زیادی درباره وضعیت شیلات شمال ایران وجود ندارد. تنها برخی منابع تاریخی هستند که از فعالیت‌های صید و صیادی و بهره‌برداری از منابع دریایی خزر در ادوار گذشته خبر می‌دهند. در این منابع نیز به هیچ نظام خاص و مدونی درباره نحوه صید آبزیان و قوانین مربوط به آن اشاره‌ای نشده است. بی‌توجهی و بی‌علاقگی دولتمردان ایرانی به تجارت و بهره‌برداری از شیلات دریای خزر و علاقه و سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران و ماهیگیران روسیه موجب شد تا در دوره قاجاریه بازار اجاره دادن سواحل و رودخانه‌های منتهی به دریای خزر رواج چشمگیری پیدا کند. به‌طور رسمی، بهره‌برداری تجاری از منابع شیلاتی در بخش جنوبی دریای خزر با اعطای امتیاز بهره‌برداری در قبال اجاره‌بهای سالانه از ۱۲۵۶ ق. / ۱۸۴۰ م. در زمان سلطنت محمدشاه قاجار آغاز شد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۷۸). از این زمان تا سال ۱۹۲۱ نظام اجاره‌ای تنها نظام شناخته‌شده برای فعالیت‌های شیلاتی در دریای خزر به شمار می‌رفت. در سال ۱۹۲۷ دولت‌های وقت ایران و اتحاد جماهیر شوروی در پیمانی موافقت خود را با تأسیس شرکت مختلط صیادی در سواحل جنوبی دریای خزر اعلام کردند. به‌دنبال تحولاتی که در داخل ایران و در دوره نخست‌وزیری مصدق صورت گرفت

شیلات شمال در سال ۱۳۳۲ ش. ملی و با عنوان کلی «شیلات ایران» نام‌گذاری شد. تعیین حقوق مربوط به بهره‌برداری از موجودات زنده دریای خزر و سابقه حقوق ماهیگیری در دریای خزر به سال‌های ۱۷۳۲ تا ۱۷۳۵ م. برمی‌گردد. روس‌ها در اثر آشفتگی‌های سیاسی در اواخر صفویه و به دنبال گسترش مرزهای خود، دریای خزر و سواحل جنوبی آن را یکسره در قلمرو روسیه قرار دادند. این امر ادامه داشت تا اینکه نادرشاه افشار استمرار حضور آنان در متصرفات ساحلی ایران را ناکام کرد. با بازگشت اقتدار ایران در این دوران و امضای دو قرارداد مهم و اثرگذار رشت به تاریخ دهم رجب ۱۱۴۴ / ۲۱ ژانویه ۱۷۳۲، و قرارداد گنجه به سال ۱۱۴۸ ق. / ۱۰ مارس ۱۷۳۵، روس‌ها متصرفات خود در سواحل دریای خزر را تسلیم کرده و نیروهای خود را بیرون بردند (خوداکف، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳-۱۵۶؛ کامران و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در سال ۱۲۹۳ ق. ناصرالدین‌شاه، به پاس خدمات میرزا حسین‌خان، اجازه صید و بهره‌برداری از شیلات شمال را به وی داد. میرزا حسین‌خان نیز تمامی آن را به روس‌ها اجاره داد (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۴۳۲). در سال ۱۲۹۷ ق. سپهسالار موردغضب ناصرالدین‌شاه قرار گرفت و عزل شد و به موجب فرمانی شیلات شمال نیز از او سلب اختیار و به کامران میرزا نایب‌السلطنه واگذار شد. در سال ۱۳۰۰ ق. قرارداد شیلات بین کامران میرزا نایب‌السلطنه و میرزا سعیدخان وزیر امور خارجه، و استپان لیانازوف تبعه روسیه در ۸ ماده منعقد شد. به موجب این قرارداد امتیاز بهره‌برداری شیلات و صیادی از رودخانه آستارا تا اترک به مدت شش سال به لیانازوف روس واگذار شد. این قرارداد در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۱۱ ش. تمدید شد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۰۲). آبریان دریای خزر از لحاظ تنوع گونه‌ها و ارزش اقتصادی اهمیت بسیاری دارند. فعالیت صیادان ایرانی به صورت سنتی و در نزدیکی سواحل انجام می‌گرفت و در عوض، صید ماهی در انحصار ناوگان‌های صیادی روسیه بود. اتحاد جماهیر شوروی در زمان انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ کوشید تا به نحوی این برتری را در معاهده لحاظ کند. البته ناگفته نماند که هنوز معاهده ۱۹۲۱ تصویب نشده بود که کمیسیون مرکب از ایران و شوروی در ۱۱ فوریه ۱۹۲۲ تشکیل شد و دولت ایران حق انحصاری صید در بندر انزلی و حسن کیاده را به مدت یک سال به مقامات اتحاد شوروی واگذار کرد (میرفندرسکی، ۲۰۰۱، ۱۲۶).

در بند ۴ ماده ۱۲ معاهده ۱۹۴۰ نیز مجدداً مبادرت به ایجاد منطقه انحصاری صید در مجاورت سواحل هریک از طرفین نموده و صید ماهی در سایر بخش‌های دریای خزر برای هر دو کشور به عنوان مناطق مشاع محسوب شد. بهره‌برداری از منابع زیربستر دریا نیز به علت نداشتن تکنولوژی لازم تا زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مطرح نبود و این معاهدات

ترتیباتی را در این خصوص پیش‌بینی نکرده بودند و تنها به تعیین مقرراتی درباره بهره‌برداری از منابع جاندار دریای خزر اکتفا کردند.

۳-۲. امتیاز شیلات

تا پیش از عهدنامه ترکمنچای، شیلات ایالات شمالی ایران به صورت محلی اداره می‌شد و حاکمان محلی اجاره‌دار شیلات بودند؛ اما با استیلای روس‌ها بر نواحی شمال، امور شیلات به اجاره آنها درآمد. روس‌ها بیشتر به صید ماهی‌هایی چون اوزون‌برون به منظور بهره‌برداری از خاویار آن علاقه داشتند. وفور این نوع ماهی در نزدیکی سواحل جنوبی دریای خزر موجب شد تا دولتمردان ایران شیلات شمال را به روس‌ها اجاره دهند تا از این ماهی‌ها برای استخراج خاویار استفاده کنند (اورسل، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰). علاوه بر آن، روس‌ها اهداف سیاسی خود را نیز دنبال می‌کردند. در این بین صیادان ایرانی نیز نه از ماهیگیری به صورت تخصصی چیزی می‌دانستند و نه از امکانات حمل‌ونقل بهره‌ای داشتند. بی‌توجهی دولت‌های وقت در مورد شیلات نیز در این امر بدون تأثیر نبود (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۷۶). در مقابل، دولت روسیه از اتباع خود و مستأجرین شیلات حمایت شایان توجهی می‌کرد و مدیریت و تخصص در مسائل شیلات باعث اختیار داری آنها در شیلات شد. در برابر تلاش‌های روس‌ها، برخی ایرانی‌ها نیز به مقابله با آنها پرداختند. میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه، در نامه‌ای که به حکام ولایات شمال می‌نویسد که حمایت خود را از شیلات شمال و در اختیار گرفتن آن از سوی ایرانیان صریحاً اعلام می‌کند. با وجود این تلاش‌ها، افزایش تعداد مستأجرین شیلات و مشکلاتی که در تعیین مدت اجاره وجود داشت، موجب شد که نتوانند به موفقیتی دست یابند و از دخل و تصرف روس‌ها ممانعت کنند. سرانجام میرزا آقاسی، در نامه‌ای به دالگورکی، ضمن اعلام موافقت محمدشاه با اجاره شیلات آستارا - اترک به شخص او، از وی خواست از اختلالاتی که مستأجرین در امر شیلات به وجود آورده‌اند جلوگیری کند (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۷۸).

مستأجرینی چون کفتانیکوف شیلات کرگان‌رود را به مدت هفت‌سال در اجاره داشتند و پس از تمام شدن مدت اجاره نمی‌خواستند آن را پس بدهند. از آنجاکه مستأجرین روسی در نقاط مختلف تحت حمایت دولت روسیه بودند تلاش می‌کردند پس از تمام شدن مدت اجاره به دولت ایران اجازه دخالت در تعیین میزان و مدت اجاره را ندهند. این عمل مستأجرین روسی باعث اعتراض حاج میرزا آقاسی شد و اعلام کرد که دولت قصد دارد شیلات را به فرد دیگری اجاره دهد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ جهان‌آرا، ۱۳۹۰، ص ۱۵).

تا زمانی که اتباع روسیه از حمایت دولت خود بهره‌مند نبودند، تجارت آنها سودی نداشت؛ اما بعد از حمایت دولت روسیه از تجار صیادی و مستأجرین شیلات، سود فراوانی بردند. هر وقت میان دولت ایران با مستأجرین اختلافی به وجود می‌آمد، روس‌ها دخالت و از اتباع خود به‌شدت پشتیبانی می‌کردند. در یکی از موارد اختلافی بین دولت ایران با میرزا ابوطالب، تبعه روسیه، به دخالت وزیرمختار آن کشور انجامید. وزیرمختار روسیه در نامه‌ای به وزیر امور خارجه میرزا مسعودخان، این دخالت را وظیفه ذاتی سفیر دانسته و می‌نویسد: «... آنجناب نوشته است که بندگان اقدس شهریاری تعجب می‌فرمایند که دوستدار دخیل امری می‌شود که بدوستدار رجوعی ندارد و جواب این است که دوستدار نیز زیاده از حد متحیر است که بندگان جایز نمی‌دانند که دوستدار دخل و تصرفی در امر نمایند که خیر و شر رعیت دولت بهیبه روسیه در آن آشکارا دخیل باشد. آیا دوستدار لازم نیست که به مقتضای وظیفه وزیرمختار دولت بهیبه روسیه حامی حق و حقوق رعایای خود باشد ... ایشان معترفند که آقای میرصادق دریایی، شیلات را به حاجی میرزا ابوطالب‌خان واگذار نموده است که حاج مشارالیه تنها صیادی نماید ... چگونه دولت علیه ایران می‌تواند عذر آورد» (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۸۰).

در دوره صدارت امیرکبیر به وضع شیلات توجه بیشتر و از دخالت نمایندگان کنسولی روسیه تزاری جلوگیری شد. شیلات ایران در مدت کوتاه صدارت امیرکبیر نیمه‌مستقل شد. امیرکبیر، شیلات را ابتدا به مدت چهار سال به ابراهیم‌خان دریاییگی تبعه ایران اجاره داد. موضوع اجاره دادن شیلات به میرزا ابراهیم‌خان مورد اعتراض وزیرمختار روسیه واقع شد. روس‌ها به حق خود بر شیلات بر اساس معاهده ترکمنچای اصرار داشتند. با وجود کارشکنی روس‌ها، شیلات به ایرانی‌ها واگذار شد (شیخ‌نوری، ۱۳۸۹، ص ۴۲۳). ابراهیم‌خان دریاییگی موظف شد در پایان سال مقدار اجاره قرارداد را بپردازد در غیر آن، قرارداد فسخ می‌شد. در این بین گاهی روس‌ها و ترکمن‌ها، به تحریک دریاییگی روس، در بحر خزر دخالت‌های خودسرانه می‌کردند. به همین منظور دولت به حکام شمالی دستور داد که از دخالت‌های دیگران در امر شیلات جلوگیری کنند (آدمیت، ۱۳۷۸، ص ۴۰۹). دلیل فسخ قرارداد با دریاییگی، ندادن به موقع حق اجاره بود. از سوی دیگر خویشاوندان روسی میرزا ابراهیم در روسیه نیز ادعاهای مالی نسبت به قرارداد داشتند. این موضوع وسیله‌ای برای دخالت مأمورین روسیه تزاری در امر شیلات می‌شد. مجموع این علل موجب شد که امیرکبیر فسخ قرارداد را به نفع شیلات بداند. لذا به محض اینکه میرزا ابراهیم دریاییگی در پرداخت قسط دیوانی تأخیر کرد امیر اجاره‌نامه را فسخ کرد و شیلات را به میرزا اسمعیل و محمدولی بیگ نامی از تبعه ایران اجاره داد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۸۹).

مورد دخالت‌های روس‌ها در شیلات و همراه شدن آنها با مستأجرین به اعتراض پرداخت. او به دالگورکی چنین نوشت: «حاجی عباس نامی ساکن استرآباد که از جانب میرزا ابراهیم‌خان دریابگی مباشر امور شیلات استرآباد است عریضه‌ای خدمت اولیای دولت قاهره نوشته است که در این اوقات دو نفر از رعایای بهیه روس با چند فروند کشتی وارد استرآباد شده مداخله در امر شیلات می‌نمایند ... این افراد که به‌طور غیرمنصفانه ماهی از طایفه ترکمن‌ها خریداری می‌نمایند ... این‌طور رفتار خلاف قاعده و حساب است» (آدمیت، ۱۳۷۸، ص ۴۱۱). اما در سال‌های ۱۲۷۵ ق/ ۱۸۵۸ میرزا ابراهیم‌خان با تعهد پرداخت ۵۵۰۰ تومان در سال توانست صیدگاه انزلی و اطراف آن را از عمیدالملک حاکم گیلان (حک، دوره اول ۱۲۷۲-۱۲۷۶ ق.) اجاره کند (یوسفدهی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴؛ حسنی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

پیش از واگذاری شیلات به لیانازوف‌ها، افرادی چون سوجایف، میرزا ابوطالب، و قریوسف اجاره‌داران شیلات و موردحمایت روس‌ها بودند (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۷۸). مستأجرین شیلات با حمایت دولت در ایالات شمالی به صید ماهی‌های حلال و حرام می‌پرداختند. در گزارشی از مقدار صید صیادان روسیه چنین آمده است: «مقدار صید ماهی در ساری بیست هزار پود ماهی شور و شش هزار پود ماهی خاویار و در منطقه استرآباد پانزده هزار پود ماهی شور و هزار پود خاویار و در بندرگز و آشوراده بیست هزار پود ماهی شور و ۴۵ هزار پود خاویار بوده است. همچنین ماهی‌گیران روسی را هزار نفر بیان داشته و آنها را تنها مشتریان خاویار می‌داند» (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۲۰۱).

مستأجرین روسی حتی تا کناره رود ارس پیش رفتند و تجارت شیلات این مناطق را نیز در دست خود گرفتند. تاجر روسی سرکیس آقایف در نامه‌ای از وزارت خارجه، اجاره این مناطق را خواستار شده و قصدش را رونق و آبادانی عنوان می‌کند: «استدعا آن که در صورت قبول استدعا، محض مرحمت سفارشنامه مبارکه در این باب به وزارت جلیله امور خارجه مرقوم و اجاره هم از بندگان حضرت مستطاب عالی شرف صدور یابد که به موعده معلوم و مبلغ معروض، به عهده اجاره این کمترین محول و واگذار فرمایند که هم آنجا را به حلیه آباد در آورد» (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۲۲۵).

۳-۳. لیانازوف‌ها و شیلات شمال

تا پیش از صدارت میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار، شیلات شمال را افراد متعدد ایرانی و روسی در اجاره خود داشتند. بعد از وزارت سپهسالار به‌تدریج قدرت لیانازوف‌ها در شیلات

ایران نمایان شد. سپهسالار در اجاره‌نامه‌ای رسمی و قانونی ابتدا شیلات شمال را از طرف ناصرالدین‌شاه به مدت ده سال و با مبلغ ۳۱ هزار تومان اجاره کرد. متن آن به این شرح است: «... تمامی کل شیلات و صید انواع ماهی بحر خزر را چه در گیلان و چه مازندران و تنکابن و رودخانه‌های مخصوصه و مرداب و غیره آنچه متعلق به دولت علیه ایران است به اجاره صحیحه شرعیه متصله غیر منفکه در سالی سی‌ویک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم و وزیر امور خارجه واگذار فرمودیم که همه‌ساله سالی هجده هزار تومان موجب خود را از مبلغ مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده هزار تومان باقی را که خالص از وجه اجاره می‌ماند کارسازی دارد» (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۹۵؛ جهان‌آرا، ۱۳۹۰، ص ۱۹). پس از آن برای پایان دادن به وضع نابسامان شیلات و رهایی از اختلافات و اعتراضات پس از واگذاری امتیاز رویتر شیلات شمال را به روس‌ها اجاره داد. به نظر می‌رسید واگذاری شیلات به مستأجرین روسی تاحدی به‌جهت بهبودی روابط روسیه و ایران بوده است. سپهسالار، پس از اجاره کردن شیلات از ناصرالدین‌شاه، آن را به یک تبعه روسیه از بزرگانان حاجی طرخان به نام استپان مارتینوویچ لیانازوف اجاره داد. این قرارداد آغازی برای حضور و نفوذ لیانازوف در شیلات ایران و صنایع وابسته به آن شد. مدتی بعد، میان سپهسالار و لیانازوف بر سر تأخیر در پرداخت مال‌الاجاره اختلاف پیش آمد و مأموران ایرانی به دستور سپهسالار و با اطلاع سفارت روسیه اسباب و ادوات صیادی لیانازوف را توقیف کردند. این اختلاف بعد از مذاکراتی بین ملیک بیگلرف و کیل و شریک لیانازوف و سپهسالار در تهران و با میانجیگری روسیه به‌موجب قرارنامه‌ای در تاریخ ۱۸۷۶ به مصالحه کشیده شد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۹۳). پس از رفع اختلافات و امضای مصالحه‌نامه، در ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م. قرارداد جدیدی میان میرزا حسین‌خان سپهسالار و برادران میروبیچ ملیک بیگلروف، لوآراساب ملیک بیگلروف، استپان مارتینوویچ لیانازوف، و الکساندر فونویچ آزاریانس به مدت پنج سال و سالی پنجاه‌هزار تومان حق‌الاجاره منعقد شد (ساکما، سند ۲۴۰/۶۷۷۹؛ ۲۴۰/۵۷۰۹). به‌موجب این قرارداد، روس‌ها، بهره‌برداری از سواحل دریای خزر و رودخانه‌های شمالی را به دست گرفتند (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۲۹۵-۲۹۷). سپهسالار، پس از امضای امتیازنامه شیلات، یک سال بعد از صدارت عزل و به فرمان ناصرالدین‌شاه اجاره‌نامه شیلات نیز به دولت تحویل داده شد. در نامه سپهسالار چنین آمده است: «انتقال‌نامه که به‌قدر قوه سعی نموده‌ام که به‌قاعده قانون نوشته شده باشد و اصل اجاره و مال‌الاجاره و عمل را در آتیه به رضا و رغبت خودم انتقال به ذات مقدس همایون شهنشاهی روحنا فداه نموده و از خود کلیتاً سلب اختیار و اقتدار و تصرف

و مداخله را در امر شیلات و در وجه مال الاجاره نموده‌ام...» و در نامه‌ای دیگر به سفیر روسیه سلب اختیار خود از شیلات و انتقال تمامی حق و حقوق اجاره شیلات را به ناصرالدین شاه اعلام کرد (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵-۲۰۰).

ناصرالدین شاه نیز پس از سلب اختیار کردن سپهسالار از شیلات، آن را به پسرش کامران میرزا نایب‌السلطنه واگذار کرد تا بعد از اتمام اجاره لیانازوف‌ها به‌تنهایی آن را اداره کند. در سال ۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۳ م. قراردادی با ۸ شرط میان کامران میرزا نایب‌السلطنه امیرکبیر و وزیر جنگ، فرمانفرمای تهران و گیلان و مازندران و استرآباد، میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک وزیر امور خارجه، و استپان لیانازوف منعقد شد که مانند قرارداد سپهسالار بود به‌جز حق اختیار صید ماهی پولک‌دار (حلال) که به‌موجب شرط سوم قرارداد سپهسالار برای خودش محفوظ داشته بود. مدت این قرارداد نیز شش سال بود (ساکما، سند ۲۴۰/۵۷۰۹؛ تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۰۱). روس‌ها از نظر حمل‌ونقل و امکانات و دارا بودن وسایل صیادی موفق بودند و لذا در اختلافات میان اتباع روسیه و ایرانیان، به‌دلیل داشتن قدرت برتر و حق کاپیتولاسیون، اشکالاتی را برای ساکنین منطقه به وجود می‌آوردند. لیانازوف‌ها تأسیسات وسیعی را در سراسر سواحل شمال ایجاد کردند که شامل کشتی‌های مجهز، سردخانه، کارگاه‌هایی برای نمک زدن ماهی‌ها، واحدهای مسکونی، انبارها، تأسیسات اداری، راه، و کارخانه برق می‌شد. استفاده لیانازوف‌ها از شیلات دریای خزر تا سال ۱۹۱۴ به ۳۰۰ هزار پود ماهی رسید (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۱۳۶). آنها طی این سال‌ها شعب ماهیگیری متعدد و مؤسسه بزرگی با سرمایه‌گذاری هنگفت در سواحل شمال به وجود آوردند و چون به کارگران ایرانی اعتماد نداشتند همه احتیاجات خود را از روسیه تأمین می‌کردند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴). قراردادهای میان لیانازوف‌ها و قاجارها پس از برکناری سپهسالار و از دوره امین‌السلطان نیز ادامه یافت. در مقابل اعطای امتیاز کشتی‌رانی جنوب که از سوی دولت ایران در سال ۱۸۸۸ به انگلیسی‌ها داده شده بود، روس‌ها به دولت ایران فشار زیادی وارد کردند تا اجاره شیلات شمال را با استپان لیانازوف به مدت ده سال دیگر تمدید نماید. در نهایت، در ۱۳۰۶ ق / ۱۸۸۸، میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله، وزیر امور خارجه، از طرف دولت ایران تمامی شیلات شمال ایران را به مدت ۱۰ سال به لیانازوف روسی در مقابل مبلغ اجاره سالانه ۶۰ هزار تومان واگذار کرد (ساکما، سند ۲۴۰/۵۷۰۹).

در زمان میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان صدراعظم، به سال ۱۳۱۱ ق. / ۱۸۹۳ م. قرارداد اجاره دیگری بین او و استپان لیانازوف امضا شد. به‌موجب این قرارداد مجدداً تمامی شیلات و صیادی شمال ایران از ماهی حلال و حرام به مدت ده سال در ازای پرداخت سالانه مبلغ ۲۵

هزار و نصف امپریال روس برابر با چهارصد و شصت هزار فرانک طلای فرانسوی به لیانازوف واگذار شد (ساکما، سند ۲۴۰/۱۲۰۷۱). بعد از قتل ناصرالدین شاه و به فاصله کمی مرگ استپان لیانازوف، میرزا علی اصغر خان صدراعظم در جمادی الاولی سال ۱۳۱۴ ق. / ۱۸۹۶ م. مجدداً با اضافه کردن ۵ سال دیگر به مدت اجاره شیلات و ۲ هزار امپریال روسی به وجه اجاره، با گئورگی لیانازوف، فرزند استپان لیانازوف، قرارداد جدیدی امضا کرد (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۰۲؛ ساکما، سند ۲۴۰/۱۲۰۷۱).

در هفدهم صفر ۱۳۲۴ / ۱۹۰۶ م. پتر پتروویچ واسکروسنسکی، با حقوق و اختیارات لازم از طرف ورثه استپان لیانازوف با صدراعظم وقت ایران عبدالمجید میرزا عین الدوله اتابک اعظم، درباره چگونگی پرداخت پیش از موعد مساعده وجه اجاره آبهای نواحی شمالی ایران که در آن صید ماهی صورت می‌گیرد قرارداد جدیدی امضا کرد (ساکما، سند ۲۹۷/۳۵۱۴۵).

۳-۴. وائیتسف و قرارداد شیلات شمال

پس از جنگ جهانی اول و انقلاب روسیه و منع خروج پول از آن کشور (ساکما، سند ۲۴۰/۶۸۵۳) ورثه لیانازوف در تهیه مناط طلا با مشکلاتی مواجه شدند. در نتیجه، اجرای تعهدات پذیرفته شده توسط تجارتخانه لیانازوف نیز مختل شد و دولت ایران قرارداد با لیانازوف را معلق نموده و در سال ۱۲۹۸ ش. / ۱۹۱۹ م. قرارداد جدیدی با گریگور پتروویچ وائیتسف تاجر تبعه روسیه امضا کرد. در اثر این قرارداد به مدت ۲۰ سال از تاریخ امضای قرارداد تا سال ۱۳۱۸ ش. / ۱۹۳۸، کلیه آبهای سواحل دریای خزر از رود آستارا تا رود اترک بدون هیچ استثنایی به انضمام رودخانه‌ها و خلیج‌های واقع در سواحل برای صید و صیادی ماهی حلال و حرام به این تاجر روسی واگذار شد (ساکما، سند ۲۴۰/۱۲۰۷۱). اهمیت این قرارداد در این است که از مفاد بیست و هفتگانه آن می‌توان به یک رژیم حقوقی در شیلات دریای خزر به صورت آشکار و رسمی پیش از عهدنامه مودت ۱۹۲۱ و قرارداد شیلات ۱۹۲۷ دست یافت. برخی از موارد مهم قرارداد وائیتسف به این شرح است:

» - ماده اول: مستأجر در رودخانه‌هایی که سالیانه مقدار صید آن کمتر از یک هزار پوپ باشد

حق صیادی ندارد.

- ماده چهارم: مستأجر باید کلیه قیمت و مخارج احداث هر قسم ابنیه و تأسیسات از قبیل پل‌های چوبی برای بارگیری، مخازن ماهی و متعلقات آن، انبارهای آذوقه، یخچال‌ها و کارخانه یخ‌سازی و ابنیه مزده با ماشین آلات آن و سایر ادوات کارخانجات الکتریک و خطوط

تلفن با دستگاه و ملزومات و سیم ... و به‌طور کلی تمام ابنیه و تأسیساتی که برای به کار انداختن عمل صید ماهی لازم می‌باشد ... فراهم نماید.

- ماده ششم: کلیه آلات و ادوات و ماشین‌ها و کشتی‌ها و بارکاسها و کرجی‌ها و تورها و سنگ و چوب‌آلات و سوخت مایع و بالجمله کلیه اشیائی که مستأجر بخواهد برای حوایج عملیات صیادی از خارجه به ایران وارد نماید و متعلق به دارایی عمل صید مستأجر باشد از حقوق گمرکی و هرگونه عوارض معاف خواهد بود.

- ماده نهم (مربوط به اراضی دولتی تحت تصرف مستأجر): کلیه اراضی دولتی که برای مصرف ابنیه و ساختمان‌های لازمه دوایر صیادی ضرورت دارد از طرف دولت علیه ایران مجاناً برای تمام مدت قرارداد به مستأجر واگذار می‌گردد و پس از انقضاء مدت اجاره اراضی مزبور به دولت علیه مسترد می‌شود. اراضی خریداری شده از سوی مستأجر در پایان قرارداد مانند اراضی دولتی بلاعوض متعلق به دولت ایران است.

- ماده دهم: مستأجر متعهد است به اندازه لزوم در انبارهای خود در سواحل مستأجره انواع ماهی و خاویار و غیره برای فروش به اهالی داخله حاضر داشته و بر قیمت عادلانه به فروش برساند.

- ماده یازدهم (برای نخستین بار آمده است): مستأجر حق دارد برای اجرای عملیات و حفاظت سواحل و ادارات خود یک عده کافی مستحفظین به نام قراولان صید از دولت علیه تقاضا نماید. بدیهی است که حقوق مقرر و فوق‌العاده آنها به عهده مشارالیه خواهد بود.

- ماده دوازدهم (یکی از مواد مهم قرارداد وانتیسف): ریختن ماهی‌های ضایع شده و اعضای بی‌مصرف آنها به دریا و رودخانه‌ها غدغن است و مستأجر متعهد است که حتماً آنها را در خارج از محل دوایر و دور از آبادی برده و در زیر خاک مدفون سازد.

- ماده سیزدهم: مستأجر متعهد شد همه‌ساله صید ماهی حلال در رودخانه‌ها را از تاریخ ۱۴ ژون برابر با ۲۴ خرداد الی اول سپتامبر برابر با ۱۰ شهریور و صید ماهی حرام را از ۱۴ ژوئیه برابر با ۲۳ تیر الی اول سپتامبر برابر با ۱۰ شهریور تعطیل نماید.

- ماده چهاردهم (مربوط به حقوق مستأجر): به مستأجر اجازه داده می‌شود که در حدود قانونی خود هرگاه کسی بدون اجازه او اقدام به صید نماید ماهی‌های صیدشده را با آلات صیادی به‌وسیله قراولان صید و یا سایر مأموران محلی ضبط نماید.

- ماده پانزدهم: مستأجر حق دارد برای احتیاجات عمل خود در تمام سواحل و شهرهای آستارا و مشهدسر و قراسو و انزلی و حسن‌کیاده و فیما بین دوایر ماهیگیری خود خطوط تلفن و چراغ

الکترونیک نصب نماید ولی استفاده از این خطوط فقط باید منحصر و محدود به روشنایی و ارتباط مخصوصه صید بوده و به هیچ مصرف دیگری نرسد.

– ماده شانزدهم: اگر چنانچه مستأجر بخواهد با دیگران شریک شده و یا شرکت سهامی تشکیل دهد متعهد است که ثلث سهام آن را در بازار تهران تا شش ماه به معرض فروش درآورد و به سرمایه‌داران داخلی بفروشد.

– ماده هفدهم: در صورتی که مستأجر بخواهد صیادی ماهی حلال سواحل و رودخانه‌های متصرفی خود را اجاره بدهد اتباع داخلی ایران حق تقدم خواهند داشت.

– ماده نوزدهم: صید ماهی با وسایل نامشروع از قبیل استعمال ادویه و ادوات جنگی را ممنوع است.

– همچنین یکی از مفاد مهم قرارداد نحوه‌ی ازدیاد و تکثیر ماهیان است: برای ازدیاد و تکثیر ماهی مستأجر می‌تواند در هر نقطه که صلاح بداند وسایل علمیه و دوایر لازمه را ایجاد نماید. البته مخارج و حقوق معلمین و مخارج آن به عهده مستأجر است» (ساکما، سند ۱۲۰۷۱/۲۴۰).

۳-۵. عهدنامه مودت و شیلات

بعد از انقلاب بلشویکی و پیدایش اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کلیه قراردادهای و امتیازاتی که سابق بر آن دولت تزاری با ایران امضا کرده بود به‌طور یک‌جانبه از سوی دولت انقلابی و جهت حسن‌هم‌جواری و مودت بین دو ملت در سال ۱۹۲۱ لغو شد. تمام امتیازاتی که از سوی دولت شوروی و بر اساس فصل دهم عهدنامه مودت لغو شده بود به ایران مسترد شد؛ ولی امتیاز صید و بهره‌برداری از شیلات شمال همچنان در دست استپان لیانازوف باقی ماند و مورد حمایت دولت شوروی بود. در فصل ۱۴ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ آمده است:

«ضمن تصدیق اهمیتی که شیلات سواحل بحر خزر (قسمت ایرانی آن) برای اعاشه مردم روسیه دارد، دولت ایران می‌پذیرد که پس از آنکه مهلت قانونی تعهدات فعلی آن منقضی گشت قراردادی با اداره ارزاق دولت شوروی منعقد نماید. در حال حاضر هم دولت ایران هیچ‌گونه کوتاهی در مذاکرات پیرامون آن و رساندن مواد شیلات به روسیه نخواهد نمود».

این امتیاز در سال ۱۹۲۵ منقضی و اموال خانواده لیانازوف از سوی دولت شوروی مصادره شد؛ اما از آنجاکه شیلات مذکور قوت غالب مردم روسیه را تأمین می‌کرد و عمق زیاد سواحل ایران امکان خوبی برای تکثیر و پرورش ماهی بود، دولت انقلابی نتوانست از این امتیاز چشم‌پوشی کند و آن را برای خود حفظ کرد (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۷؛ حسام‌معزی، ۱۳۲۴، ص

۴۳۴). نظر به اهمیت شیلات شمال ایران، نمایندگی مختار دولت شوروی با صدور اعلامیه‌ای در روزنامه ستاره ایران به استرداد تمامی قراردادهای پیش از قرارداد مودت ۱۹۲۱ به‌جز امتیاز شیلات اشاره کرد و هرگونه ادعایی از طرف صاحبان امتیاز سابق راجع به ادارات ماهی‌گیری و عملیات و اقدامات شیلاتی را لغو کرد و بی‌اثر دانست (منشورگرگانی، ۱۳۲۶، ص ۱۸۷).

دولت شوروی نه‌تنها امتیاز شیلات را لغو نکرد بلکه در ۸ مهر ۱۳۰۶ / ۱۹۲۷ قراردادی در مسکو با ایران امضا کرد که بر اساس ماده چهارم آن شیلات شمال ایران را ۲۵ سال دیگر در اختیار خود گرفت:

«ماده چهارم- مدت این امتیاز که به کمپانی واگذار می‌شود ۲۵ سال از تاریخ روز اجرای آن خواهد بود و بعد از انقضای مدت بیست‌وپنج سال مزبور تقبلات دولت علیه ایران که ناشی از فصل ۱۴ عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ است خاتمه یافته محسوب خواهد شد. اگر دولت علیه ایران نخواست دوباره امتیاز شیلات مذکور را با کمپانی تجدید نماید کمپانی منحل شده محسوب می‌شود و دارایی آن به غیر از اراضی که دولت علیه ایران بر طبق ماده ۱۷ این قرارداد مجاناً به کمپانی واگذار نموده است به‌طور مساوی مابین طرفین تقسیم خواهد شد و اراضی مذکوره مجدداً در تحت اختیار دولت علیه ایران در خواهد آمد. دولت علیه ایران متعهد می‌شود که امتیاز شیلات مزبور را در صورت عدم تجدید امتیاز کمپانی در ظرف ۲۵ سال بعد به ممالک ثالث و اتباع آنها ندهد. دولت علیه ایران متقبل می‌شود که فقط به‌وسیله ادارات مربوطه خود از شیلات بهره‌برداری نماید و از طرف خود متخصصین دیگری را جز اتباع ایران برای اداره شیلات دعوت ننماید» (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱).

۳-۶. قرارداد شیلات ۱۳۰۶ ش. / ۱۹۲۷ م.

این قرارداد بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۸ مهر ۱۳۰۶ / اول اکتبر ۱۹۲۷ بین وزیر امور خارجه ایران، علیقلی خان انصاری؛ و لومیکسائیلویچ کاراخان، قائم‌مقام کمیسر ملی امور خارجه شوروی، به امضا رسید. مفاد قرارداد به شرح زیر است:

«ماده اول: دولت علیه ایران بر طبق این قرارداد موافقت خود را با شرایط معین در خصوص امتیاز صید و تهیه محصول صید ماهی در سواحل جنوبی دریای خزر در حدود معین در ماده دوم، به شرکت مختلط تجارتي و صنعتی که از سوی دولت علیه ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل می‌شود اعلام می‌نماید.

ماده دوم: حدود شیلات که امتیاز آن به کمپانی واگذار می‌شود همان حدود شیلاتی است که

سابقاً امتیاز آن از طرف دولت علیه ایران به برادران لیانازوف واگذار شده بود. بر اساس این توافق رودخانه‌هایی که در حدود این امتیاز به دریا می‌ریزند و همچنین حدفاصل رودخانه‌های مزبور با آب‌های داخل در موضوع این امتیاز خواهد بود. البته در دهانه‌های رودخانه‌های سفیدرود کمپانی حق خواهد داشت تا محلی که ابنیه صید که سابق بر این به برادران لیانازوف تعلق داشت صید نمایند، در رودخانه بابل نیز در منطقه مشهدسر تا حدود سابق برادران لیانازوف حق صید خواهند داشت و در رودخانه گرگان و شعبه فرعی آن قره‌سو تا حدود برادران لیانازوف حق صید خواهند داشت.

(نکته مهم در این ماده تبصره الحاقی آن است. بر اساس تبصره الحاقی کمپانی مختلط تجاری و صنعتی ایران و شوروی به غیر از مقررات این قرارداد در حوزه صید و حدودی که مطابق با قرارداد معین شده است، محدود به قید دیگری نبوده است).

ماده سوم: این ماده به مسائل مربوط به مقررات صید و قیمت‌گذاری آن می‌پردازد. بر اساس آن تمامی ماهی‌های بی‌فلس (حرام) در حوزه امتیاز متعلق به کمپانی است و صیادان آزاد و صیادان کمپانی بایستی به قیمتی که قبلاً از طرف کمپانی تعیین می‌شود به کمپانی بفروشند، اما درباره ماهی‌های فلس‌دار (حلال) متعلق به صیادان آزاد و صیادان کمپانی خواهد بود و به هر کس که بخواهند می‌توانند بفروشند. همچنین برای جلوگیری از هرگونه اخلال در حوزه امتیاز صید بین کمپانی و صیادان آزاد، مقرر شد که هر سه سال بین دولت ایران و هیئت‌مدیره کمپانی مناطق صید معین شود و کمپانی مختلط نیز متعهد شد که شرایط و ترتیب اجازه صید به صیادان آزاد را در آب‌هایی که کمپانی مستقیماً در آنجا صید می‌نماید سه سال به سه سال تهیه و قبلاً اعلام کند.

ماده چهارم: مدت‌زمان این امتیاز که به کمپانی مزبور واگذار شد ۲۵ سال از تاریخ روز اجرای قرارداد خواهد بود و بعد از انقضای مدت قرارداد چنانچه دولت ایران نخواست امتیاز شیلات را با کمپانی تجدید نماید کمپانی منحل شده محسوب می‌شود و تمامی دارایی آن به غیر از اراضی که دولت ایران به صورت رایگان به کمپانی واگذار کرده بود، به‌طور مساوی مابین طرفین تقسیم خواهد شد. نکته مهم این ماده تعهد دولت ایران است به اینکه در صورت عدم تجدید قرارداد متعهد می‌شود که امتیاز مزبور را به کشور ثالث یا اتباع آنها ندهد و حتی از متخصصین دیگری غیر از اتباع خود برای اداره کردن شیلات استفاده نکند.

ماده پنجم: طرفین ایران و شوروی سهم مساوی یعنی پنجاه درصد در کمپانی خواهند داشت. ماده ششم: در این ماده به چگونگی تشکیل سرمایه لازم برای کمپانی شیلات از سوی ایران

و شوروی و میزان آن پرداخته می‌شود. میزان این سرمایه‌نبایستی از سه میلیون تومان فراتر باشد. نصف این مبلغ از سوی دولت ایران و نصف دیگر را دولت اتحاد شوروی پرداخت خواهند نمود.

ماده هفتم: اگر چنانچه دولت ایران مبلغ سرمایه‌گذاری خود را نپردازد و دولت شوروی با اطلاع قبلی مبلغ مزبور را پرداخت نماید، دولت ایران از تاریخ پرداخت موظف خواهد بود سالی صدی هشت فرع برای مبلغ پرداخت‌شده بپردازد تا سهم ایران در سرمایه مذکور پرداخت شود.

ماده هشتم: درباره حق‌الامتياز سالیانه است که مطابق با قرارداد بایستی به دولت ایران پرداخت گردد. بر اساس این ماده هشتاد هزار تومان در سال از عایدات مطلق کمپانی به دولت ایران از بابت حق امتیاز و صدی پانزده نیز از بقیه عایدات کمپانی بعد از وضع مخارج اداری و بهره‌برداری عایدات خالص کمپانی پرداخت می‌شود.

ماده نهم: تمامی منافع خالص حاصل از فعالیت‌های کمپانی مزبور به‌طور مساوی بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی تقسیم خواهد شد.

ماده دهم: دفتر هیئت‌مدیره کمپانی در تهران و مرکب از شش نفر عضو بوده که سه نفر از اتباع ایرانی و سه نفر از اتباع دولت شوروی انتخاب می‌شوند و تصمیمات و مقررات هیئت‌مدیره با اکثریت آراء اتخاذ می‌شود. یک نفر از اعضای ایرانی هیئت‌مدیره از سوی دولت ایران به ریاست آن انتخاب خواهد شد.

ماده یازدهم: بر اساس این ماده کمپانی غیر از اتباع ایران و شوروی حق استفاده از اتباع دول دیگری را ندارد. تمامی مستخدمین بر اساس دستورالعمل هیئت‌مدیره کمپانی رفتار خواهند نمود. همچنین کمپانی موظف است که اقدامات لازم جهت تربیت متخصص ایرانی شیلات فراهم نماید و تا زمانی که متخصص ایرانی تربیت‌نشده می‌تواند از متخصصین شوروی استفاده نماید. بقیه مستخدمین و عملجات و کارگران کمپانی که محتاج به تخصص نیستند باید تبعه ایران باشند.

ماده دوازدهم: کمپانی مزبور مطیع تمامی قوانین جاریه و تصویب‌نامه‌ها و نظامات مصوب دولت ایران بوده و دولت ایران حق تفتیش و بازرسی در نحوه عملکرد کمپانی را مانند کمپانی‌های داخلی و ایرانی خواهد داشت.

ماده سیزدهم: به‌منظور استفاده از شیلات، دولت اتحاد جماهیر شوروی هر ساله مبلغ پنجاه هزار تومان به دولت ایران پرداخت خواهد کرد. در عوض دولت ایران محصولات صادره از شیلات و هرگونه ادوات صیادی مربوط به شیلات را تا روزی که قرارداد اجرا می‌شود، از پرداخت

حقوق گمرکی و هرگونه عوارض معاف خواهد نمود.

ماده چهاردهم: سال شروع به کار کمپانی اول ماه اکتبر مطابق مهرماه ایرانی است. ماده پانزدهم: کمپانی می‌تواند بلافاصله و پس از تهیه سرمایه لازم برای شروع به کار با اعلام به دولت ایران مشغول بهره‌برداری از شیلات شود.

ماده شانزدهم: دولت ایران و اتحاد شوروی اسباب و ادوات و مواد و لوازم دیگری را که کمپانی برای بهره‌برداری از شیلات لازم خواهد داشت و همچنین هر نوع محصولات شیلات را از کلیه حقوق گمرکی و عوارضی که در ضمن ورود و خروج اخذ می‌شود معاف داشته و حق ترانزیت آزاد و حق کاپوتاژ برای آنها قائل می‌شود، اما در هر صورت اشیاء مذکور از تفتیش گمرکی معاف نمی‌باشند ولی ادارات گمرکی طرفین با اجرای قوانین و مقررات برای تفتیش از فراهم کردن تسهیلات و مساعدت‌های لازم برای صادرات و واردات کمپانی مضایقه نخواهند نمود.

ماده هفدهم: دولت ایران اراضی و مکان‌هایی را که در حوزه امتیازی برای ساختمان شیلات و مؤسسات آن لازم باشد به‌طور رایگان در اختیار کمپانی قرار خواهد داد. اما کمپانی موظف است رضایت خاطر مالکین خصوصی که اراضی آنها مورد استفاده کمپانی قرار می‌گیرد را فراهم کند.

ماده هیجدهم: دولت‌های ایران و اتحاد شوروی هرکدام به‌اندازه و حدود خود مساعدت لازم را در کارهای کمپانی خواهند نمود. مخصوصاً دولت ایران به کمپانی جهت جلوگیری از صید قاقاق در آب‌هایی که در اجاره اوست مساعدت نموده و تلاش خواهد نمود تا ماهی حرام حتماً به کمپانی تحویل داده شود.

ماده نوزدهم: دولت ایران به‌منظور حفظ نظم عمومی موافقت خود را جهت اجرای شرایط این قرارداد و همچنین مساعدت لازم نسبت به محافظت انبارها و تأسیسات شیلات اعلام نمود. ماده بیستم: این قرارداد باید بر اساس قوانین دو کشور ایران و شوروی به تصویب و تأیید برسد.

ماده بیست و یکم: قرارداد حاضر به زبان‌های روسی و فارسی و فرانسه نوشته و امضا شده و هر سه زبان مذکور معتبر شمرده شده در صورت بروز اختلاف در تفسیر متن فرانسه اصل محسوب می‌شود» (ساکما، سند ۲۰۷۳۱/۲؛ ۲۴۰/۲؛ ۲۴۰/۸۵۰۲).

در مکاتبات و صورت‌مجلس پیوست قرارداد ۱۹۲۷ به موارد مهم دیگری نیز پرداخته شده و مورد موافقت دولت ایران و اتحاد شوروی قرار گرفت. از جمله در صورت‌مجلس شماره ۳ چنین آمده است:

«دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلام می‌دارد که تمام حقوق و دعاوی مارتین لیانازوف نسبت به دولت علیه ایران و دعاوی که از دعاوی مذکوره نسبت به مأمورین دولت علیه ایران ایجاد می‌شود به دولت اتحاد شوروی انتقال یافته است به این جهت دولت شوروی به نام خود و به نام مارتین لیانازوف به دولت علیه ایران و دعاوی راجعه به حکمیت که خالی از اعتبار و قوت قانونی شمرده می‌شود حاصل شده است صرف‌نظر می‌نماید. دولت علیه ایران از طرف خود اعلام می‌دارد که از تمام دعاوی دولتی نسبت به شخص مارتین لیانازوف و از هر نوع دعاوی نسبت به دارایی سابق شیلات مشارعلیه که مطابق قرارداد مشارالیه با دولت شوروی در حدود صورت‌مجلس نمره ۲ این قرارداد که مسئله دارایی شیلات را تنظیم می‌نماید انتقال یافته صرف‌نظر می‌نماید» (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰/۸۵۰۲).

در صورت‌مجلس مزبور به نحوه بهره‌برداری از شیلات سواحل جنوبی دریای خزر نیز پرداخته شده است. یکی از موارد مهم در این پیوست موافقت با صید سه نوع ماهی سوف، کپور، و کلمه توسط صیادان آزاد و صیادان کمپانی با شرایط ویژه بود. طبق این صورت‌مجلس، صیادان باید ۶۰ درصد صید این ماهی را باید به قیمت تعیین شده از سوی کمپانی به کمپانی بفروشند و ۴۰ درصد بقیه را مختارند به میل خود به قیمت موردرضایت طرفین، به هر کس که بخواهند - حتی کمپانی - بفروشند. دولت ایران به منظور تفتیش صید ۶۰ درصد و تحویل آن به کمپانی مساعدت لازم را نموده و اگر ۴۰ درصد صید ماهی سوف و کپور و کلمه احتیاجات داخلی ایران را تأمین نکرد کمپانی مزبور اقدام لازم برای رفع احتیاجات بازار داخلی را فراهم سازد. بر اساس این توافق دولت ایران به هیچ مؤسسه دیگری اجازه صدور ماهی و محصولات شیلاتی به خارج از کشور را نخواهد داد (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰/۸۵۰۲، صورت‌مجلس شماره ۴).

علاوه بر موارد فوق، در مکاتبات پیوست قرارداد به نکات مهم دیگری در خصوص رژیم حقوقی شیلات اشاره شده است. از آن جمله است:

۱. ممنوعیت صید به وسیله مواد شیمیایی یا مواد منفجره و امثال آن
۲. تکثیر مصنوعی انواع ماهی به منظور حفظ ذخایر ماهی در دریای خزر
۳. ممنوعیت صید ماهی به مدت یک ماه در سال در تمامی رودخانه‌ها و در رودخانه سفیدرود از منطقه مؤسسات صیادی لیانازوف‌ها به بالا برای تمام سال
۴. تعیین یک منطقه انحصاری ماهیگیری برای هر یک از طرفین به مدت سه سال (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰/۸۵۰۲، مراسله شماره ۱).

پس از امضای قرارداد شیلات و جهت اجرایی شدن مفاد آن، آیین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های متعددی بین کمپانی شیلات ایران و شوروی و دولت ایران نوشته و تصویب شد. نخستین نظامنامه در سال ۱۳۰۷ ش. و در پی شکایات صیادان انزلی مبنی بر لزوم تدوین نظامنامه جهت تعیین حدود صیادی و جلوگیری از صید در مناطق ممنوعه نوشته شد (ساکما، سند ۲۴۰/۴۱۵۶۱). در سال ۱۳۱۱ ش. نظامنامه صید در آب‌های ساحلی دریای خزر و تعیین مناطق صید با کمی اصلاح منتشر شد (ساکما، ۲۴۰/۲۰۰۹؛ ۲۴۰/۲۰۰۸). نظامنامه صید و تعیین و تأمین مناطق صیادان آزاد در شمال کشور در سال ۱۳۱۴ ش. نوشته شد و نظامنامه دیگری مبنی بر تعیین مناطق صید صیادان در آب‌های امتیازی در سال ۱۳۱۵ ش. نوشته و تصویب شد (ساکما، سند ۲۴۰/۱۶۲۳۸؛ ۲۴۰/۱۸۱۲۰). این نظامنامه از لحاظ محتوا کامل‌ترین نظامنامه بود. نظامنامه مربوط به صید و صیادی هر سه سال تجدید می‌شد و آخرین نظامنامه در دوره موردنظر این پژوهش در سال ۱۳۱۷ ش. تصویب و به ادارات مربوط ابلاغ شد (ساکما، سند ۲۴۰/۹۳۸۸۷).

مطابق نظامنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های موجود، صیادی در خارج از مناطق انحصاری ماهیگیری، برای طرفین در دریای خزر آزاد اعلام شد (اسماعیل‌پور، عزتی، ۱۳۸۸، ص ۶۵). نظر به اهمیت نظامنامه صید و تعیین مناطق صید برای صیادان آزاد متن کامل آن برگرفته از روزنامه کوشش در زیر خواهد آمد.

۳-۷. آیین‌نامه و نظامنامه صید سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷ ش. / ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۸ م.

«به‌موجب آیین‌نامه صید سال ۱۳۱۴ ش. مناطق صید برای صیادان آزاد در آب‌های امتیازی کمپانی شیلات ایران و شوروی در سواحل جنوبی بحر خزر از اول اکتبر ۱۹۳۵ لغایت اکتبر ۱۹۳۸ (مهر ۱۳۱۴ لغایت مهر ۱۳۱۷) به شرح زیر تعیین شد:

قسمت اول: صید در مرداب

۱. نقاطی که برای تمام سال صید در آن ممنوع است شامل:

الف: در فضای جلوی مدخل کانال بندر انزلی (پهلوی) در دریا قطعاتی که مرکز آن در وسط‌الرأسین موج‌شکن واقع و شعاع آن معادل دو کیلومتر به طرف شمال، مشرق و مغرب امتداد می‌یابد.

ب: در تمام فضای قسمت ابتدای مرداب از مدخل بندر تا حد انتهایی تنگه‌های سوسر (سوسر روگا) پیر بازار (پیر بازار روگا) کولور (کولور روگا) و (نور روگا) یعنی تا محلی که تنگه‌های

مزبور به مرداب بزرگ متصل می‌شوند. در سایر روگاهها برای صید صیادان آزاد مجاز مانعی نخواهد بود.

ج: در مسیر کشتی‌رو (فارواتر) در داخل مرداب بزرگ (مسیر پیر بازار روگا و سوسر روگا) که به‌وسیله گوی‌های شناور و علامات مشخصه دیگر معین می‌شود.

۲. در قسمت شمال غربی مرداب معروف به کپورچال که حدفاصل آن با مرداب بزرگ عبارت از خط مستقیمی است که رأس شبه‌جزیره ماه روزه را به دماغه جنوب شرقی جزیره نور در انتهای تنگه کولور مقابل آبادی کولور متصل می‌نماید، صید ماهی در تمام سال اکیداً برای صیادان آزاد ممنوع است.

۳. مناطق صید صیادان آزاد در بقیه قسمت‌های مرداب بزرگ و جلوی دهانه رودخانه‌های بزرگ و کوچک که داخل مرداب می‌شوند، توسط کمیسیونی که از نمایندگان دولت و نمایندگان شرکت تشکیل خواهد شد، به‌وسیله نصب علامات مشخصه معین می‌گردد. ضمناً در مدخل جنوب غربی مرداب که خلیج به‌نمیر نامیده می‌شود، فضای مناسبی برای ورود ماهی از بخش مرداب به خلیج مزبور آزاد گذارده می‌شود که صید در آنجا نیز ممنوع بوده و فضای مزبور به‌وسیله مایاک‌کوبی^۱ توسط کمیسیون فوق‌الذکر تعیین خواهد گردید و این ممنوعیت فقط برای فصل صید (یعنی از بیست‌وپنجم شهریور لغایت دهم خرداد سال بعد می‌باشد) و برای بقیه سال صید در نقاط مذکور در این ماده آزاد است به شرط اینکه مسیرهای کشتی در روزهای مذکور در ماده ۳ سد نشود.

۴. در تمام خلیج به‌نمیر صیادان آزاد مجاز می‌توانند در فصل صیادی (یعنی از بیست‌وپنجم شهریور لغایت دهم خرداد سال بعد) به شرطی که هر صیادی بیش از پنج رشته دام چهارده متری که آن را هم باید در یک جهت نصب ننمایند مشغول صید شوند.

قسمت دوم: صید در دریا

صیادان آزاد مجاز می‌توانند در جلو دهانه‌های رودخانه‌های بزرگ و کوچک که در حدود امتیاز داخل دریا می‌شوند از پانزدهم ژوئن تا پانزدهم ژانویه (از بیست و پنجم خرداد تا بیست و پنجم دی) صید نمایند. در سایر اوقات سال در جلوی دهانه‌های مزبور به شرطی اجازه صید دارند که محل صید آنها تا دهانه رودخانه از طرف شمال و مشرق و مغرب سه کیلومتر فاصله داشته باشد.

۱. فانوس دریایی روسی

قسمت سوم: صید در رودخانه‌های داخل در امتیاز

صیادان آزاد مجاز مطابق شرایطی که شرکت وضع نموده می‌توانند در رودخانه‌های زیر صید نمایند.

الف: در سفیدرود (موسی‌چای) از دهانه رودخانه تا نقطه‌ای که در ماده ۲ قرارداد شیلات به تاریخ اول اکتبر ۱۹۲۷ و نامه ۱ ضمیمه آن معین گردید.

ب: در رودخانه بابل از دهانه تا شهر بابل که سابقاً محل تحویل ماهی تجارتخانه لیانازوفها در آنجا بوده است.

ج: در رودخانه گرگان از دهانه رودخانه تا آبادی خواجه‌نفس تا حدودی که تجارتخانه لیانازوفها صید می‌کرده‌اند.

د: در رودخانه قره‌سو در حدود صید تجارتخانه سابق لیانازوفها یعنی تا آبادی سرچوال. از آنجا که مقرر شده بود در پایان هر سه سال آیین‌نامه صید و صیادی دوباره تصویب و اجرایی شود، هیئت‌وزیران در جلسه دوم آبان ۱۳۱۷ بنا به پیشنهاد وزارت دارایی، آیین‌نامه تعیین مناطق صید صیادان آزاد در آب‌های امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی در سواحل جنوبی دریای خزر را برای مدت سه سال، از نهم مهر ۱۳۱۷ الی نهم مهر ۱۳۲۰، با حفظ سابقه صید اهالی آب‌کنار و رعایای اطراف آن که در منطقه کپورچال به صید و صیادی می‌پرداختند، تصویب کردند» (روزنامه کوشش، ۱۹ بهمن ۱۳۱۷، ش ۳۹، ص ۵).

۳-۸. نظامنامه صید صیادان آزاد در آب‌های امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی (۱۳۱۷ ش.)

به‌دنبال تصویب آیین‌نامه تعیین صید صیادان آزاد در آبان ۱۳۱۷، نظامنامه صید صیادان مزبور در مناطق امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی تصویب و ابلاغ شد. به‌موجب این نظامنامه:

«۱. حدود صید صیادان آزاد در آب‌های امتیازی شرکت شیلات ایران و شوروی عبارت از مناطقی است که برای هر سه سال یک مرتبه از طرف کمپانی شیلات با موافقت دولت شاهنشاهی بر طبق بند ج ماده ۳ قرارداد شیلات و به‌موجب نقشه ترسیمی علی‌حده معین و اعلام می‌گردد.

۲. نصب علائم برای تشخیص حدود صید صیادان آزاد توسط مأمورین دولت شاهنشاهی برای هر سه سال با توافق نماینده کمپانی و از روی نقشه ترسیمی به عمل خواهد آمد.

۳. حفاظت سایر قسمت‌های آب‌های امتیازی که برای صید صیادان آزاد ممنوع و یا اساساً

- ممنوع‌الصید است و همچنین مراقبت در عدم‌تخطی صیادان آزاد از حدود خود به‌عهده مأمورینی است که از طرف دولت شاهنشاهی تعیین و معرفی خواهد شد.
۴. صیادان آزاد برای اشتغال به صید در آب‌های امتیازی بایستی جواز رسمی از اداراتی که دولت شاهنشاهی تعیین می‌نماید در دست داشته باشند.
۵. جواز صیادی فقط به اشخاصی باید داده شود که:
- الف: از اهالی بومی آبادیهای نزدیک آب‌های امتیازی باشد.
- ب: در فصل صید شغل او منحصر به صیادی باشد.
- ج: اقلاً سه سال اخیر به شغل صیادی اشتغال داشته و در امر صیادی مهارت داشته باشد.
- د: مستقیماً دارای لتکای صیادی و لوازم صید باشند.
- ه: در حین دریافت جواز کتباً تعهدی بسپارد که کلیه صید ماهی حرام و خاویار ماهی حرام و شصت درصد از صید ماهی‌های سوف و کپور و کلمه صید شده را به کمپانی شیلات ایران و شوروی بفروشد.
- تبصره ۱. اعتبار هر جوازی برای مدت یک سال و شامل یک دستگاه لتکا و پنج رشته دام می‌باشد و در صورتی که صاحب جواز از مقررات این نظامنامه تخلف ننماید جواز او برای سال‌های بعد در اول هر سال تمدید خواهد شد.
- تبصره ۲. قیمت محصول که باید به کمپانی فروخته شود باید بر طبق صورت مجلس نمره ۴ منضمه به قرارداد شیلاتی قبلاً برای دوره‌های معینی از طرف کمپانی معین و اعلام و از طرف کمپانی نقداً پرداخته شود.
- تبصره ۳. هرگاه یکی از صیادان آزاد مجاز فوت نماید حق صید او در صورتی به یکی از وراث او می‌تواند منتقل شود که وراث مزبور حائز شرایط مقرره باشد.
۶. جوازهای صادره بر طبق بند (ه) از ماده ۵ این نظامنامه از طرف اداره‌ای که مأمور این امر است به ناحیه مربوطه کمپانی شیلات باید ارسال شود که پس از ثبت به صاحبان آن داده شود.
۷. جواز صادره باید دارای نکات ذیل باشد.
- اسم و هویت صیاد- محل سکنی- محل صید و عکس صاحب جواز مطابق نمونه ضمیمه
۸. لتکای هر صیاد آزادی بایستی در اداره دولتی که مراقب اجرای این نظامنامه خواهد بود به ثبت رسیده و نمره شود و نمره آن در جای نمایانی نصب گردد. نمره لتکا با نمره جواز صاحبان آن بایستی مطابقت نماید.

۹. نقاطی که برای صید صیادان آزاد تشخیص داده می‌شود از طرف اداره مربوطه با اطلاع کمپانی شیلات برای هر سه سال یک مرتبه با رعایت اینکه حتی‌المقدور نقاط صید اهالی هر آبادی در نزدیکی محل اقامت خودشان باشد تقسیم و محل صیدی که در جواز صیادی صیادان آزاد (مطابق ماده ۷) بایستی معلوم شود عبارت از تقسیمات مزبور خواهد بود.

۱۰. تعیین عده صیادان آزاد در هر نقطه باید به تناسب وسعت مناطق مجاز بوده و عدد آنها برای هر سه سال یک مرتبه با توافق نظر کمپانی شیلات از طرف اراده مربوطه دولتی اعلام شود.

۱۱. صیادان آزاد مکلفند فقط در حدودی که برای صید آنها در جواز معین می‌شود صید نمایند و در صورت تخلفی از حدود خودشان و تجاوز به نقاط ممنوعه متخلف شناخته خواهند شد.

۱۲. در صورت تخلف صیادان آزاد از قبیل صید در مناطق ممنوعه و یا جابجا کردن علامات تحدید حدود و یا از بین بردن آنها و مسدود کردن روگاہ‌ها صورت‌مجلسی در محل وقوع از طرف نماینده کمپانی با حضور نماینده اداره‌ای که برای حفظ و حراست آب‌های امتیازی از طرف دولت معین می‌شود تنظیم و مجازات آنها به شرح ذیل معین و توسط اداره مربوطه دولتی موقع اجرا گذاشته خواهد شد. در دفعه اول توقیف جواز صیادی و لتکا و ادوات صید متخلف برای ده روز و درج مراتب در ظہر ورقه جواز صیادی او در دفعه دوم ایضاً برای یک ماه در دفعه سوم برای تمام دوره صیادی و در صورتی که در سال بعد همان متخلف مجدداً مرتکب خلافی شود جواز صیادی او ضبط و برای همیشه از صید در آب‌های امتیازی محروم خواهد بود.

۱۳. برای تفتیش اجرای بند (ه) از ماده ۵ این نظامنامه از طرف صیادان آزاد در کمپانی شیلات برای هر کدام از صیادان آزاد مجاز کتابچه تنظیم و هر مقدار که ماهی به کمپانی می‌فروشند در آن ثبت و در آخر سال در صورتی که مسلم شود صیادی به تعهد مذکوره در بند (ه) از ماده ۵ این نظامنامه عمل ننموده صیاد مزبور متخلف شناخته شده و از صید ممنوع و جواز او از طرف اداره مربوطه دولتی ضبط خواهد شد.

۱۴. هر دوره صیادی از طرف اداره مربوطه دولتی یک عده مأمورین برای حفاظت آب‌های امتیازی تعیین و به شیلات معرفی می‌شوند که در ادارات مزبوره همیشه حضور داشته و در مواقع گشت و تفتیش مأمورین کمپانی با آنها شرکت و مساعدت لازمه بعمل بیاورند. موضوع تعیین میزان فوق‌العاده مأمورین حفاظت و تأدیہ آن مستقیماً توسط کمپانی به عمل می‌آید و همچنین تهیه وسایل ایاب و ذهاب مأمورین حفاظت به عهده کمپانی خواهد بود.

۱۵. مسئول صید و عملیات هر لتکایی صاحب آن است که دارای جواز رسمی می‌باشد و اگر صیاد آزاد برای کمک خود مزدورانی در لتکای خود داشته باشد مسئولیت عملیات آنها نیز به عهده خود صاحب جواز است و در صورت ارتکاب آنها بامری مخالف شرایط مقررده صاحب لتکا مسئول شناخته خواهد شد.

۱۶. اشخاصی که بدون داشتن جواز رسمی از مقامات مربوطه در آب‌های امتیازی مبادرت به صید نمایند عمل آنها در این مورد عمل خلاف شناخته شده و طبق مقررات کشوری از طرف مقامات صلاحیت دار مورد تعقیب واقع خواهند شد و حاصل صید آنها از طرف مأمورین حفاظت آب‌های امتیازی به نفع کمپانی ضبط و صورت مجلس آن تقدیم مقامات صلاحیت‌دار خواهد گردید.

۱۷. هرگاه صیاد مجازی برخلاف تعهد خود که در بند (هـ) از ماده ۵ این نظامنامه تصریح گردیده آن قسمت از محصول صید خود را که ملزم است به کمپانی شیلات بفروشد به شخص و یا شرکت ثالثی واگذار نماید و جنس مزبور موجود باشد اگر ماهی حرام است باید عیناً و بلاعوض مسترد و به کمپانی شیلات تحویل گردد و چنانچه ماهی حلال (سوف-کپور و کلمه) باشد عیناً به کمپانی تسلیم و قیمت آن مطابق نرخ که قبلاً از طرف کمپانی تعیین و اعلان شده تأدیه گردد. مقررات سه‌گانه ماده ۱۲ این نظامنامه نسبت به متخلفین درباره صیاد متخلف اجرا می‌شود» (ساکما، سند ۲۴۰/۸۰۰۸؛ روزنامه کوشش، ۲۱ بهمن ۱۳۱۷، شماره ۳۰، ص ۵).

مهم‌ترین نکات مورد توجه در نظامنامه‌های صید و صیادی و مباحث مربوط به رژیم حقوقی شیلات و ماهی‌گیری به شرح زیر است:

«۱. توجه جدی به نظارت و برنامه ریزی دقیق جهت فعالیتهای صید و صیادی الف: هرگونه صید و بهره برداری از منابع و ذخایر آبی بایستی با مجوز قانونی از مراکز و ادارات شیلاتی و یا اداراتی که این وظیفه بر عهده آن گذاشته شده است انجام پذیرد. ب: نوع صید و میزان آن و روشهای صید و محدوده و فصولی که به منظور بازسازی ذخایر آبی لازم است باید معلوم باشد.

ج: ساخت هرگونه تأسیسات صیادی، صنعتی، شیلاتی و مسکونی بایستی مطابق با قوانین و مقررات داخلی کشور باشد.

۲. محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها

الف: در وهله اول حمل و استفاده از آلات و ادوات صیادی غیرمجاز، سمی، منفجره و یا

برقی که باعث ضعف، بیماری و یا مرگ و میر آبزیان می‌شود از موارد مهم ممنوعیت صید است. ایجاد هرگونه سد و تأسیسات غیر مجاز بر روی رودخانه‌هایی که در مسیر مهاجرت و تخم‌ریزی و تکثیر طبیعی آبزیان ممنوع است.

ب: در اختیار قراردادن پروانه صید بدون موافقت قبلی شیلات به افراد، انتقال غیرمجاز محصولات صیادی به شناورهای غیرمجاز یا قاچاق به خارج از کشور، صید در مناطق یا فصول ممنوعه و صید گونه‌هایی که صیدشان ممنوع اعلام شده است، نگهداری آلات و ادوات و مواد غیرمجاز، محصولات صید غیرمجاز در شناور بدون کسب اجازه از شیلات و ادارات مربوطه از دیگر موارد ممنوعه است.

۳. جرایم و مجازات‌ها که شامل جزای نقدی و مصادره و تعطیلی موقت و همچنین حبس خواهد بود. مهم‌ترین جرایم به قرار زیر است:

الف: فعالیت صیادی شناورهای خارجی بدون کسب مجوز در آب‌های تحت حاکمیت ایران
ب: فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم

ج: انتقال غیرمجاز محصولات صیادی از شناوری به شناورهای غیر مجاز

د: عرضه و انتقال آبزیان به منظور تکثیر و پرورش بدون داشتن گواهی بهداشتی

و: فروش آلات و ادوات صیادی غیرمجاز

ن: ایجاد سد و تأسیسات غیر مجاز بر روی رودخانه‌هایی که مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبزیان است.

ه: ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماری‌های مسری، تخلیه فاضلاب‌های صنعتی

ی: صید، عمل‌آوری، عرضه، فروش، حمل‌ونقل، نگهداری، واردات و صادرات انواع ماهیان خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات (ساکما، سند ۲۰۰۸/۲۴۰).

۴. مدیریت ذخایر آبزیان در مناطق سه گانه دریا، مرداب، و رودخانه

الف: کلیه ماهی‌گیران به منظور ماهی‌گیری بایستی پروانه صید داشته باشند.

ب: مواردی همچون زمان و مکان صید و همچنین مقدار و گونه‌های صید و روش آن بایستی معلوم و مشخص باشد.

ج: ایجاد مدیریتی کارا در ارتباط با ذخایر آبی

د: جلوگیری از هر اقدامی که به نحوی باعث تخریب و آلودگی محیط زیست آبزیان می‌شود.

و: باطل کردن پروانه‌های صید مؤسسات حقیقی و حقوقی که باعث مشکلات زیست محیطی

برای آبزیان و بهره‌برداری بی‌رویه می‌شوند.

ن: تعیین گونه‌های مناسب برای پرورش و بومی‌سازی ماهیان و دیگر جانوران آبی
ه: مدیریت ذخایر آبزیان بایستی در زمینه‌های تکثیر و اصلاح و تداوم بهره‌برداری باشد.
ی: نظارت بر نحوه واردات و صادرات و ترانزیت تولیدات شیلاتی» (ساکما، سند ۲۴۰/۲۰۰۸).

۴. رژیم حقوقی تجارت و گمرک

۴-۱. تجارت در عهد قاجار

در بررسی تاریخ اقتصادی ایران ضروری است ابتدا دو اصطلاح تاجر و بازرگان را از هم بازشناخت، چراکه بسیاری این دو اصطلاح را به جای یکدیگر استفاده می‌کنند. اصطلاح بازرگان به مردمی گفته می‌شود که به تجارت می‌پردازند، ولی اصطلاح تاجر تنها به گروه عمده‌فروش دلالت دارد؛ و دیگر اینکه تجار برخلاف بازرگانان تشکل صنفی ندارند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۶). تجار عهد قاجار، تنها به رشته خاصی از تجارت مشغول نبوده و برخی از آنها صراف هم می‌کردند. آنها علاوه بر تجارت به سرمایه‌گذاری کالاهای خارجی، گردآوری و صدور مواد خام موردنیاز بازارهای خارجی، و واردات کالاهای صنعتی نیز می‌پرداختند و از مالیات رسمی دولتی معاف بودند (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۲۲۶؛ حاضری، رهبری، ۱۳۸۵، ص ۷۳). عملیات تجارت، به‌استثنای برخی موارد، در دست بازرگانان ایرانی بود. در آمارهای اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم ق. شواهدی از مشارکت تجار در ساخت راه، پل، کاروانسرا، مدرسه، و سایر مراکز تمدنی وجود دارد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۲۸).

بازرگانان و تجار به‌عنوان شهروندان جامعه قاجار نقش مهمی در اقتصاد شهرها داشتند. بسیاری از تجار بزرگ روابط مالی و درهم‌تنیده‌ای با حکام شهری داشتند و آنان را در فعالیت‌های بازرگانی خود شریک و سهیم می‌کردند و از این طریق منافع مشترکی بین تجار بزرگ و سران حکومتی پدید می‌آمد و این امر در مواقعی سبب حمایت حکومت از تجار و تأمین بخشی از نیازهای حکومت از جانب تجار می‌شد. در بعضی مواقع تجارت نه‌تنها در انحصار تجار نبود بلکه حکام و کارگزاران ایرانی بودند که به دادوستد می‌پرداختند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۴۲). در دوره ناصری و قبل از اعطای امتیازات، تجار و حکومت روابط نزدیکی با یکدیگر داشتند. پول تجار می‌توانست خزانه خالی مملکت را پر کند و حکومت می‌توانست به یاری آنها موجب قشون خود را بپردازد و از تجار حمایت کند. نمونه آن اعزام نیروی نظامی دولت برای یاری معین‌التجار برای سرکوب خوانین معترض بود (حاضری، رهبری، ۱۳۸۵، ص ۷۶). رابطه دو جانبه میان تجار و حکومت باعث بهره‌برداری از امکانات تجاری و گرفتن

پست‌های حکومتی و کسب امتیاز در مناطق مختلف کشور می‌شد. در دوره قاجار تجار و بازرگانان از چنان حمایتی برخوردار بودند که از مالیات معاف و فقط عوارض گمرکی پرداخت می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶، ص ۴۳).

با توجه به مطالب ذکر شده، تجار در دوره موردنظر که نیاز حکومت به سرمایه بیشتر شده بود، به‌عنوان طبقه ثروتمند جامعه، خود را در قبال اجتماع بدون تعهد نشان داده و شیوه زندگی حاکمان را در پیش گرفتند و به خرید مستغلات پرداختند. حاجی علی اصفهانی در تهران صاحب املاک و مستغلات فراوان شد و آقا محمدمهدی ارباب صاحب زمین‌های وسیع کشت نیشکر و تریاک بود. در نیمه دوم قرن نوزدهم، تجار و بازرگانان، به زراعت و اداره اراضی مشغول شدند. در اواخر قرن، تجار به سرمایه‌گذاری بر روی اراضی مزروعی روی آوردند و با فروش خالصجات حکومتی رفته‌رفته اراضی بسیاری به دست آوردند (فلور، ۱۳۶۶، ص ۱۵۵). برای نمونه در گزارش‌ها چنین آمده است: «چهار دانگ بندرگز را حاجی آقا امین‌الضرب از ورثه سردار امجد خریداری کرده بود» (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۱۰۰).

تجار با همه قدرت اقتصادی‌ای که داشتند مانند دیگر طبقات تولیدی زیرنظر حکومت مرکزی بودند و رئیس آنها عنوان حکومتی ملک‌التجار داشت. بیش از هر چیز قدرت آنها از نظارت بر بازارهای محلی و فعالیت در گردآوری مواد خام و واردات مصنوعات خارجی و رفع احتیاجات موردنیاز خارجی‌ان نشأت می‌گرفت (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۵۲).

۴-۱-۱. موانع تجارت

تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم طبقه مرفه جامعه محسوب می‌شدند، اما در راه بازرگانی و دادوستد مانند دیگر طبقات جامعه مشکلات زیادی داشتند. تجار نیز مانند گروه‌های دیگر اجتماعی از استبداد و ناامنی و به‌خصوص رقابت روسیه و انگلیس در امان نبودند. مشکل بزرگ تجار تعرفه گمرکی بود. بیشترین اعتراض بازرگانان به نظام غلط گمرکی بود که موقعیت آنان را نسبت به صادرکنندگان خارجی تضعیف می‌کرد (آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶، ص ۳۴۷).

عامل دیگری که در دادوستد مشکل ایجاد می‌کرد وضعیت حمل‌ونقل بود. ضعف در شبکه حمل‌ونقل و ترابری یکی از عوامل اساسی کندی تجارت است. در دوره قاجار انتقال و جابه‌جایی کالا از نقاط روستایی به شهرها و پایتخت در مقایسه با اروپا، بسیار سخت و دشوار بود. این امر باعث رواج کالاهای غربی به‌جای کالاهای ایرانی می‌شد، چراکه علاوه بر حمل‌ونقل، زد و بند در امور گمرکی و اخذ عوارض و راهداری باعث می‌شد کالاهای اروپایی

ارزان تر و آسان تر و با شرایط بهتر به فروش برسند؛ به خصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم به دلیل ورشکستگی دولت، بر میزان تعرفه‌های گمرکی و عوارض افزوده شد، در حالی که کالاهای بیگانه از پرداخت هرگونه عوارض گمرکی معاف بودند (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۵۲).

با افزایش کالاهای خارجی، تجار خواستار توقف ورود بی‌رویه کالاهای اروپایی شدند چراکه با ورود کالاهای خارجی، به خصوص روسی، تولید کالای ایرانی کاهش چشمگیری یافته و به تدریج رو به انحطاط می‌رفت. اما تلاش‌های تجار و اتحادیه‌های تجاری برای جلوگیری از کاهش تولیدات داخلی و ورود بی‌رویه کالاهای خارجی موفقیت‌آمیز نبود (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴).

فقدان امنیت مانع مهم دیگری در راه پیشرفت تجار بود. ژوهر در سال ۱۸۰۶ م. عدم ترقی تجار ایرانی را فقدان امنیت می‌داند. فقدان امنیت باعث می‌شد که تجار نتوانند تشکیل گروه بدهند و در عوض سرمایه‌های خود را به صورت طلا و نقره زیر خاک پنهان می‌کردند (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۵۸). برخی تجار ایرانی و ارمنی، به علت ناامنی به روس‌ها و انگلیسی‌ها پناه می‌بردند و بسیاری تحت‌الحمایگی آن دو دولت را برای حفظ جان و مال خود می‌پذیرفتند (رضاقلی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). ناامنی و بی‌بهرگی از حمایت دولتی، رسم تحت‌الحمایگی را به قدری افزایش داد که به طبقه تجار و مالکان ثروتمند نیز سرایت کرد و تنها نزدیک به هشتاد نفر از تجار در شهر تبریز که در طمع حکام و مأمورین دولتی بر جان و مال خود ایمن نبودند تابعیت روسیه را پذیرفتند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۴).

در آغاز، تحت‌الحمایگی جنبه دفاعی داشت؛ اما بعدها به صورت یک رسم و عادت درآمد. تجار هر جا ملکی داشتند یک نفر سالدات روس به عنوان مباشر خود قرار داده و مالیات نمی‌پرداختند و از وصول مالیات توسط دولت جلوگیری می‌کردند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۰). در بیشتر موارد، در مقابل معافیت مالیاتی تجار تحت‌حمایت بیگانه، دولت‌ها به عنوان گوناگون دست به ضبط اموال تجار می‌زدند (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۱۱۹).

بسیاری از تجار در اثر استبداد حکمرانان ولایات و عدم امنیت به تنگ آمده و به عریضه نوشتن به شاه اقدام می‌کردند. در یکی از عریضه‌ها چنین آمده است: «عمده امور به تجار بسته است اگر تجارت قوت داشته باشد می‌تواند رفع احتیاجات ممالک محروسه را از ولایات خارجه نماید، کارخانجات احداث نماید، معادن مفتوح کند، امتعه ممالک محروسه را رواج دهد» (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۴).

از اسناد چنین برمی‌آید که در قرن نوزدهم بنا به عوامل ذکرشده، تحرک اقتصادی کند بود

و تولیدات صنایع بسیار تنزل یافته بود: «مبلغ سالانه واردات و صادرات ایران از دو و نیم میلیون استرلینگ تجاوز نمی‌کند و اگر توجه شود که دولت دست کم نیمی از این مبلغ را از این مملکت وارد مملکت دیگر می‌کند معلوم می‌شود تجارت این مملکت بسیار کم است. اگر مملکت حالت آرامش پیدا کند دولت از پیشه‌ها و تولیدات حمایت نماید می‌توان مقدار این بازرگانی را به سه برابر رسانید ولی آن وقت هم مقدار تجارت آن قابل مقایسه با سایر ممالک نخواهد بود ... اگر دولت ایران به تشویق کشاورزی و تولیدات بپردازد خواهد توانست با صادراتش جوابگوی وارداتش باشد و تجارت را بدلخواه متعادل سازد ...» (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۰۲).

۴-۱-۲. سیاست تجاری روسیه

روسیه بعد از عقد عهدنامه ترکمنچای درصدد بهره‌برداری از آن برآمد و در پی ارزیابی‌های سیاسی خود، ابتدا راه تجاری پوتی را به باطوم و از آنجا به بادکوبه متصل کرد و با ایجاد خط آهن از مرکز روسیه به ولگا و حاجی‌طرخان و توسعه کشتی‌رانی در رودخانه مزبور به تشکیل خط تجاری بزرگی در دریای خزر دست زد. این اقدامات در مدتی اندک موجب برتری و انحصار تجاری روسیه در شمال ایران شد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۶).

قدرت سیاسی روسیه نیز در ایران به جایی رسید که در جهت مصالح اقتصادی، قدرتمندانه به کار گرفته شد. دولت روسیه، با اهرم سیاسی خود دولت ایران را مجبور می‌ساخت تا در مقابل هر قرارداد تجاری که با دیگر کشورها، به‌خصوص بریتانیا، امضا می‌شود امتیازی به همان نسبت به روسیه تعلق گیرد. دولت ایران نیز همواره نگران از امتیازدهی به انگلستان بود، به‌طوری که در زمان واگذاری امتیاز رودخانه کارون، امتیازی به همان نسبت به روسیه داده شد. اهداف روس‌ها از گرفتن امتیازاتی چون راه آهن، از نظر توسعه بازرگانی روسیه در ایران بسیار مفید و حائز اهمیت بود و گسترش بازرگانی روسیه عاملی برای به کار افتادن کارخانه‌های متوقف و نیمه‌متوقف روسی بود (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶).

با اجرای سیاست روسیه در نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد افزایش تجارت هستیم. از دلایل آن باید ساخت راه آهن ماوراءقفقاز را ذکر کرد، چراکه قبل از آن تجارت روسیه چندان موفقیت‌آمیز نبود (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۶۲). آنها با اتخاذ سیاستی جدید در تجارت توانستند در اواخر قرن نوزدهم بازار ایران را احاطه کنند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۷۸). روس‌ها با حمایت از تجارت و بازرگانی و تشویق بازرگانان و اتباع خود توانستند تجارت خود را توسعه دهند. تعیین تعرفه گمرکی جدید در روسیه و تشویق و اهدای جوایزی که به صادرات محصولات داخلی

خود می‌دادند نیز باعث رشد و سرعت بیشتر تجارت شد. در کنار موارد فوق می‌توان به بهبود حمل‌ونقل در دریای خزر و قفقاز و ماوراءقفقاز، و ارائه خدمات مالی بانک استقراضی روسیه نیز اشاره کرد که به رشد و گسترش سطح تجارت اتباع روسی در ایران انجامید (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱).

فتوحات پی‌درپی روس‌ها و سیاست متعاقب آن، که با مهارت بسیار تعقیب و اجرا می‌شد، باعث شد بخشی از سرزمین ایران با تهدید و فشار و برخی با عهدنامه از دست برود. با اشغال ماوراءالنهر، روستاهای زیادی به دست روس‌ها افتاد. روس‌ها با تصرف چراگاه‌های اتک در پایین کوه‌په‌داغ، به تدریج خود را به خراسان نزدیک کردند. هدف نهایی آنها پیشروی بیشتر برای نفوذ به درون ایران بود تا راهی به سمت خلیج فارس باز کنند. در واقع سیاست تجاری روس‌ها بخشی از اهداف سیاسی آنها بود (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۰).

رکود و بی‌رونقی تجارت در ایران به نفوذ بیشتر روس‌ها کمک بسیاری کرد. روسیه که در آغاز جاده ترانزیتی قفقاز را به روی کالاهای ایرانی به مقصد اروپا بسته بود، با تغییر در سیاست مالی خود توانست دادوستد و گردش پول را در این راه رایج و معمول سازد و با تخفیف در کرایه کشتی‌ها و اجناسی که به غرب می‌رفت کنترل بازارهای شمال را به دست گیرد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۶۵).

سیاست‌های بازرگانی مختلفی که روسیه با کمک وابستگی شدید حکومت قاجار به کار بست باعث شد حجم ورود کالاهای روسی به ایران از واردات دیگر کشورها فزونی یابد و بانک روس نیز با دادن اعتبار نامحدود به تجار روسی برای ورود کالا، آمار رسمی صادرات را بالا ببرد. بر اساس سیاست تجاری روسیه به غیر از روس‌ها کسی حق ایجاد شرکت بیمه و حمل‌ونقل را نداشت و بر اساس این طرح کالاهای ایرانی جز به وسیله شرکت‌های بیمه حمل‌ونقل روسیه حمل نمی‌شد (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳). اجرای سیاست‌های تجاری روسیه منجر به سود تجارت داخلی و خارجی روس‌ها شد و در مقابل، ایران را به سمت وابستگی بیشتر اقتصادی سوق داد.

۴-۱-۳. تجارخانه‌های ایرانی

در اواخر قرن نوزدهم برای نخستین بار در تاریخ اقتصادی ایران، تجار بزرگ با مشارکت یکدیگر شرکت‌های بازرگانی تأسیس کردند که بهترین نمونه آن کمپانی تریاک اصفهان بود. این شرکت به اهتمام محمدمهدی ارباب اصفهانی و مشارکت جمعی از تجار و با یاری و

کمک مشهدی کاظم امینه در سال ۱۸۸۵ م. در تهران به وجود آمد. محصولات این کمپانی به بازارهای لندن و هنگ‌کنگ صادر می‌شد. پس از آن، در سال ۱۸۸۸ کمپانی تجاری ایران با سرمایه یک میلیون روپیه به مدیریت محمدخان شفیع با مشارکت عده‌ای از تجار بوشهر تأسیس شد. هم‌زمان، شرکت اتحادیه، به‌منظور عملیات صرافی با مشارکت حاج مهدی کوزه‌کنانی و برادران و حاج سید مرتضی صراف و چهار تاجر دیگر تشکیل شد. شرکت منصوبه نیز در سال ۱۸۹۷ م. در یزد تأسیس شد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۸۳). چون در ایران تخصص در فعالیت‌های تجاری کمتر مورد توجه بود، بسیاری از تجار و شرکت‌ها، تجارت و صرافی را با هم انجام می‌دادند و مراکز تأسیس شده به تجارت خارجی و تهیه و تولید مواد خام اقدام می‌کردند. برخی از این تجارتخانه‌ها در زیر معرفی می‌شوند:

• **شرکت تومانیانس:** این تجارتخانه بیشتر با روسیه تجارت می‌کرد و آهن‌آلات و کالاهای مورد نیاز بازار ایران را وارد می‌کرد (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۶۳). شرکت تجاری تومانیانس فعالیتش را از یک دکان معمولی در تبریز شروع کرد. پسران تومانیانس ابتدا در امر بازرگانی فعالیت می‌کردند و سپس در آذربایجان شرکت تجاری تأسیس کردند و پس از مدتی کوتاه فعالیت‌های خود را در شهرهای شمالی ایران همچون انزلی و بارفروش (بابل) و رشت گسترش دادند. این شرکت نیز مانند سایر شرکت‌ها بعد از افزایش ثروت به سمت سرمایه‌گذاری در زمینه املاک و بانکداری روی آورد (پورمحمدی، آدینه‌وند، ۱۳۹۶، ص ۷). امور بانکداری تجارتخانه در ایران، با سرعت رونق گرفت و در مدت کوتاهی با بانک‌های مقتدری چون بانک شاهنشاهی که در ایران فعالیت داشتند در خرید و فروش ارزهای خارجی به رقابت پرداخت (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۷۸). البته بین مؤسسه تومانیانس و بانک استقراضی روس به‌ظاهر هیچ‌گونه رقابتی وجود نداشت. بخش عمده‌ای از فعالیت تجاری تومانیانس با روسیه و از راه دریای خزر بود. آنها با اجازه روس‌ها دو کشتی کوچک تجاری در دریای خزر به آب انداختند و بین انزلی و بادکوبه به کار حمل و نقل کالا مشغول شدند. این شرکت در دو بخش مربوط به ایران و روسیه فعالیت داشت. این مؤسسه توانست سهام بعضی شرکت‌ها را در روسیه خریداری کند. شعبه‌های شرکت در بادکوبه، حاجی‌طرخان، و مسکو دایر بود و با بعضی بانک‌های اروپایی ارتباط داشت (پورمحمدی، آدینه‌وند، ۱۳۹۶، ص ۱۰-۱۲). سرانجام شرکت تومانیانس در بحران‌های پس از جنگ جهانی اول گرفتار و بخشی از دارایی‌هایش در روسیه توقیف شد و در ایران نیز مردم سپرده‌های خود را درخواست کردند و کمک دولت نیز نتوانست به ادامه فعالیت آن کمک چندانی کند.

• **تجارتخانه جمشیدیان:** این تجارتخانه در سال ۱۸۸۷ م. توسط جمشید بهمن که بعدها به ارباب جمشید معروف شد تأسیس شد و در سال ۱۸۹۴ م. با همراهی و همکاری اردشیر زارع توسعه و رسمیت یافت (شاهدی، ۱۳۹۰، ص ۸). به دلیل جدیت و پشتکار در کار تجارت، خیلی زود مورد وثوق عامه ایرانیان قرار گرفت و اغلب اعیان و رجال مملکت نیز بدان توجه و نقدینه‌های خود را نزد آنان سپرده‌گذاری کردند. تجارتخانه مذکور به کار ملک‌داری نیز توجه داشت و املاک زیادی در تهران و خراسان و فارس خریداری کرد (نائیبیان، علیپور سیلاب، ۱۳۸۹، ص ۱۴). همچنین در حمل‌ونقل کشور در دوره قاجار نقش مهمی ایفا کرد و انواع کالاها را که شامل توپ‌های جنگی و فشنگ بود، به‌خصوص در جنوب کشور جابه‌جا می‌کرد. پشتوانه مالی و قدرت اقتصادی تجارتخانه امتیاز بزرگی برای آن محسوب می‌شد (نائیبیان، علیپور سیلاب، ۱۳۸۹، ص ۱۸). این تجارتخانه تا سال ۱۹۱۴ فعالیت داشت و دامنه فعالیت آن به نقاط برون‌مرزی مانند کشورهای روسیه، هند، فرانسه، لهستان، و انگلیس و بسیاری از دیگر کشورهای اروپایی نیز کشیده شده بود (شاهدی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

• **تجارتخانه جهانیان:** این تجارتخانه در سال ۱۸۹۴ م. توسط چهار برادر به نام‌های خسرو شاه جهان، پرویز، رستم گودرز، و بهرام که از مالکان شهری بودند، تأسیس شد. کار اصلی آن تجارت کالاهای کشاورزی و صدور پنبه بود. پس از رونق تجارت و بازرگانی و افزایش سرمایه وارد امور قرضه و صرافتی شد و در بیشتر شهرهای ایران شعبه داشتند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۷۸). این تجارتخانه به سرعت اعتماد مردم را جلب کرد و حتی دولت در دوره مظفرالدین شاه برای ادای قرض به روسیه از این تجارتخانه وام گرفت. این تجارتخانه نیز مانند تجارتخانه جمشیدیان در رقابت اقتصادی و تجاری با بانک استقراسی روس درگیر شد (نائیبیان، علیپور سیلاب، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

۴-۱-۴. تجارتخانه‌های روسی

در کنار تجارتخانه‌های ایرانی چندین تجارتخانه روسی نیز در ایران شروع به فعالیت کردند. در دوره قاجار حدود دو سوم تجارت ایران در اختیار روسیه بود و بازرگانان این کشور در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل، راه، و تأسیسات بندری و شیلات سرمایه‌گذاری کردند. بعد از عهدنامه ترکمنچای روس‌ها راهی ایران شدند و در شهرهای تجاری ایران تجارتخانه‌های متعددی ساختند. در بافروش (بابل) و رشت تجارت و حضور مداوم تجار روسی به میزانی رونق گرفت که مردم معمولی نیز با زبان روسی آشنا بودند. همجواری با دریای خزر و حق کاپیتولاسیون در

ایران از عوامل مهم تأسیس و توسعه تجارتخانه‌های روسی در ایران بود. علاوه بر این عوامل دیگری که در تأسیس شعبه‌های این شرکت‌ها نقش داشت، تأمین امنیت بازرگانان روسی و گشایش راه‌های تجاری شمال و گسترش کار در بندر انزلی در اواسط دوره ناصری بود.

- نخستین و مهم‌ترین این تجارتخانه‌ها کوکاروف بود که بازرگانان روسی در سال ۱۸۵۰ م. آن را تأسیس کردند، اما به دلیل رقابت با بازرگانان اروپایی موفقیت چندانی نداشت.
- دومین تجارتخانه کونشین نام داشت که از سال ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۹ م. کالاهایی به ارزش ۶۶۰ هزار روبل وارد ایران کرد، اما چون معادل صد هزار روبل ضرر کرد از تجارت با ایران منصرف شد.

- تجارتخانه مهم روس‌ها در عهد ناصری بانک استقراسی بود که علاوه بر کارهای بانکی به صادرات و واردات نیز می‌پرداخت و حالت واسطه را پیدا کرده بود (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵).

دفتر حمل‌ونقل ایران، علاوه بر حمل‌ونقل کالا و جابه‌جایی مسافر، فعالیت تجاری گسترده‌ای در جلفا، آستارا، رشت، بندرگز، تهران، و مشهد داشت. این شرکت در کنار کارگاه درودگری خود در رشت، کارگاه‌های تعمیر ابزار کار، تولید چرخ‌های دستی، آهنگری با دو کوره، کارگاه ساخت وسایل تراش آهن نیز تأسیس کرد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱).

شرکت کشتی‌رانی تجاری، دیگر شرکت روسی بود که علاوه بر فعالیت در دریای خزر، در بنادر خلیج فارس هم فعالیت می‌کرد. این شرکت به خط اُدسا- خلیج شهرت داشت. کشتی‌های این شرکت در سال، چهار سفر انجام می‌دادند. نمایندگان شرکت در شهرهای بوشهر، بندرعباس، بندرلنگه، و خرمشهر ساکن بودند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۱۱۸). شرکت روسی دیگر، شرکت خط کشتی‌رانی قفقاز - مرکوری در دریای خزر بود که در انزلی نمایندگی داشت و نماینده آن شخصی به نام کرنسکو بود (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۱۷). علاوه بر این تجارتخانه‌ها دو شرکت دیگر نیز در ایران فعالیت داشتند. یکی شرکت برادران ناپل بود که نفت روسیه را به ایران وارد می‌کرد و در انزلی، رشت، آستارا، همدان، و اصفهان نیز فعالیت تجاری داشت. دیگری شرکت آرمائف مسکو بود که در شهرهای همدان و تهران فعالیت می‌کرد و به صادرات صمغ و پوست و میوه‌های خشک از ایران به روسیه می‌پرداخت.

۴-۱-۵. تجارت داخلی

در تاریخ ایران، اغلب، تجار برای خود تجارت می‌کردند. آنها محصولات موردنیاز تجارت

خارجی را تهیه و توسط نمایندگان خود یا کاروان‌ها به خارج می‌فرستادند. بسیاری از آنها نمایندگانی در دیگر شهرهای داخلی و خارجی داشتند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۶۵). تجار داخلی نیز با شرکت‌هایی دادوستد داشتند که در تبریز و مناطق شمالی مستقر بودند. شیوه کار آنها بیشتر به صورت نقدی بود، ولی پس از مدتی اعتبار جای آنها را گرفت (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۳). دادوستد تجار ایرانی توسط دلانان صورت می‌گرفت که در زمینه‌های مختلف تخصص داشتند. آنها دسته‌بندی و صنف داشتند. تاجران ایرانی تا اواخر قرن نوزدهم تنها به دادوستد یک کالای خاص نمی‌پرداختند و در شهرهایی چون اصفهان، کاشان، شیراز، همدان، و یزد فعالیت می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۶۷).

البته آنها در تجارت داخلی نیز مانند تجارت خارجی با مشکلات راه و حمل‌ونقل مواجه بودند. یکی از مشکلات آنها مالیات‌ها و عوارض راهداری بود که در تمامی شهرهایی که کالاهای تجاری از آن می‌گذشت وصول می‌شد (سیف، ۱۳۷۳، ص ۳۱۰). بازرگانان خرده‌پا داد و ستد خود را در بازار انجام می‌دادند و در شهرهای خود در کاروانسراها دارای حجره‌هایی بودند که در آن به رتق وفتق معاملات خود می‌پرداختند. هر تاجر و بازرگانی مجبور به پرداخت حقوق گمرکی بود. علاوه بر آن تجار با عوارض دیگری روبه‌رو بودند که از آنها به باج تعبیر میشد. از سال ۱۲۸۹ ق. و با تشکیل وزارت تجارت و فلاحت، تجار از حمایت نسبی داخلی برخوردار شدند. تجار در داخل با اعضای حکومتی در ارتباط بودند، چرا که در ایران هرکس خواهان موفقیت بود باید دنبال رابطه با چنین افرادی می‌بود. تجار می‌توانستند از این طریق امنیت نسبی کسب کنند. رابطه امین‌الضرب با امین‌السلطان در اواخر قرن نوزدهم به خوبی روشن‌کننده این مطلب است (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۲۶).

رقابت میان دو کشور روسیه و انگلیس مانع توسعه شبکه ارتباطی لازم در ایران شد و تنها چند رشته‌راه در حوزه نفوذ این دو قدرت احداث شد. این خود مانعی بزرگ بر سر راه تجار داخلی در حمل کالا بود. حمایت روسیه و انگلیس از تجار خود و سرعت ورود کالاهای خارجی با قیمت ارزان در داخل، تجار داخلی را به ورشکستگی کشانید و در نتیجه تجار داخلی و خرده‌تجار را به دلالی تجارخانه‌های خارجی سوق داد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۶۸). حمایت نکردن دولت از تجار و بازرگانان داخلی و بومی و به وجود آوردن تجارت آزاد بیشتر شاخصه‌های صنعت بومی را از میان برد و امتیازات واگذار شده به بازرگانان خارجی، نه تنها تولیدات بومی بلکه بازرگانی داخلی را نیز از میان برد و تجار داخلی را به خارجیان وابسته کرد و یا به ترک تجارت کشانید (آبراهامیان، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

۴-۱-۶. تجارت و تأثیر آن بر صنعت

در پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، صنایع رشدی سست و آهسته داشت و از چهارچوب تولید ساده کالایی فراتر نرفته بود. صنایع سنتی که تاب پایداری در مقابل صنایع جدید و رقابت با آنان را نداشتند به کار خود پایان دادند و مبارزه و رقابت با کالاهای خارجی، به ورشکستگی صنایع بومی انجامید (کوزنتسوا^۱ و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴). از جمله دلایل آن وجود نواحی وسیع و فقدان آب و حمل و نقل غیرماشینی بود که خود را به شکل فقر روستاها و شهرها و تولید کم و عدم ارتباط آن با بازار نمایان کرد. در نتیجه بازار ملی رشد نکرد. اما در نیمه دوم سده نوزدهم، وضعیت راهها و حمل و نقل به طور نسبی بهتر شد و در اثر آن رشد سریع تجارت اتفاق افتاد و ورود کالاهای تولید اروپایی به داخل کشور افزایش یافت. این مسئله موجب اعتراض تجار، به خصوص تجار تبریز شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۰۱).

وفور صنایع روسی و سایر صنایع اروپایی و عرضه کالاهای مصرفی به بازار داخلی ایران صنایع بومی این کشور را به ورشکستگی کشاند و توان صادرات کالاهای صنعتی آن از بین رفت. از طرفی حمایت نکردن از صنایع و رقابت بی رحمانه شرکت‌های تجاری روسیه و انگلیس، امکان افزایش سرمایه صنعتی را در ایران از بین برد (انصاری رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۷۹).

سیر نزول صادرات ایران و افزایش بی‌رویه واردات و نتایج حاصل از این عدم تعادل در حوزه منسوجات به خوبی قابل مشاهده است. منسوجات که از اقلام صادراتی ایران بود به یکی از اقلام وارداتی کشور تبدیل شد، چراکه صنایع دستی محلی توانایی رقابت با فراورده‌های ماشینی اروپایی را نداشتند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۲). بسیاری از کانون‌های صنایع ملی همچون کارخانه‌های کاغذسازی، ریسندگی، کبریت‌سازی، قندسازی و شیشه‌سازی در اثر خسارت فراوان ناشی از رقابت با کالاهای خارجی بسته شدند (کوزنتسوا و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶). پیدایش وضعیت نیمه‌استعماری و وابستگی کشور به بازار جهانی باعث رشد بازرگانی خارجی شد و تجار داخلی با محدود شدن بازرگانی محلی به سمت بازرگانی خارجی روی آوردند. در حقیقت باید گفت که تجار خارجی محرکی برای دگرگونی اقتصاد سنتی شدند، چراکه گسترش بازار فروش مواد خام مانند تریاک و ابریشم و پنبه از سوی بازرگانان خارجی باعث تشویق صاحب سرمایه ایرانی برای گردآوری و صدور این محصولات شد. در این میان بازرگانی خارجی با وارد کردن مصنوعات خود و منسوجات نخی، با توجه به علاقه مردم به

مصرف این کالاها راهکار مناسب را به تجار ایرانی نشان داد، اما همان وضعیت نیمه‌استعماری و وابستگی به بازار جهانی، مانعی عمده در رشد سرمایه‌ صنعتی در کشور شد (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۷۵). برای مثال قبل از ورود کالاهای خارجی مردم از پوشاکی استفاده می‌کردند که از کارگاه‌های محلی تولید می‌شد ولی این تولید بومی قادر به رقابت با فراورده‌های ارزان قیمت کارخانه‌های اروپایی نبود. به این ترتیب، تولید صنایع محلی رو به کاهش و انحطاط رفت (سیف، ۱۳۷۳، ص ۸۲).

فقط در دوره کوتاه صدارت امیرکبیر، شاهد تحول در صنعت هستیم. امیرکبیر معتقد بود که صنایع جدید اروپا را باید با احداث کارخانجات در خود ایران رواج داد؛ به عبارت دیگر احتیاجات مادی جدید را که از لوازم تمدن تازه اروپا به شمار می‌رود، باید در داخل کشور ساخته شود و صنایع ملی را جزء مواد اساسی برنامه اقتصادی خود قرار دهند. امیرکبیر نه تنها تولید صنایع خارجی را در ایران متداول کرد، بلکه علاقه زیادی به توسعه و رونق صنایع ملی داشت و با صاحبان صنایع با احترام رفتار می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۵۷).

به غیر از دوره کوتاه صدارت امیرکبیر، پیشرفت آنچنانی در صنعت ملی ایران به وجود نیامد و در پایان سده نوزدهم با کاهش کارخانه‌های تولیدی روبه‌رو هستیم. ایرانیان انواع صنایع دستی از جمله منسوجات را از قفقاز و آسیای مرکزی تهیه می‌کردند، اما در سال‌های ۱۸۷۷ به بعد کار حمایت از تعرفه گمرکی که نزدیک به ۵۰ درصد برای تجار غیر روسی افزایش یافت، موجب توقف تجارت شد. در این سال‌ها بایست حقوق گمرکی را به طلا پرداخت می‌کردند و این مسئله بر تجار و کالاهای ایرانی تأثیر نامطلوب گذاشت. رشد سریع صنایع روسیه از این زمان به بعد، به خصوص در تولید منسوجات، موجب تنزل صدور منسوجات ایران به روسیه در سال‌های ۱۸۸۵ الی ۱۸۸۷ شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۶۷).

روس‌ها در زمینه منسوجات از انگلستان تقلید کردند و برای فروش محصولات از جایزه و سوبسید بهره بردند. آنها جایزه صادراتی پارچه‌های پنبه‌ای به ایران را از ۱/۵ روپل به ۵/۷۵ روپل در سال تغییر دادند و پارچه‌های پنبه‌ای روسی در ایالات مرکزی، ۲۵ درصد کمتر از قیمت بازار فروخته شد. آنها همچنین در تجارت روسی را اتخاذ کردند که در نتیجه آن عوارض پنبه خام صادراتی از ایران به روسیه عوارضی معادل ۱۰ درصد معمول را پرداخت می‌کردند. هر تاجری می‌بایست عوارض گمرکی برای ورود پنبه خام را پرداخت می‌کرد تا از جواز صادراتی بهره‌مند شود. در گزارش‌های روسی آمده است که کارخانه‌های روسیه طوری طراحی شده بودند که از پنبه‌های وارداتی ایران استفاده کنند و این امر به خودی خود صنایع داخلی ایران

را به ناپودی می‌کشانید (سیف، ۱۳۷۳، ص ۳۱۴). از نیمه دوم سده نوزدهم تلاش‌هایی برای تأمین کارخانه چه از طرف خارجیان و چه سرمایه‌داران داخلی اقدام شد، اما بی‌تجربگی و بی‌ثباتی و خصوصاً رقابت داخلی و اشکال تراشی روسیه و انگلیس اغلب اقدامات آنها بی‌نتیجه ماند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۷۹). در یک بررسی می‌توان گفت تنها صنایعی رشد یافت که برای بازارهای جهانی کالا تولید می‌کردند. این مسئله موجب شد صنایع ایران در مرحله اول به سرمایه خارجی وابسته شود و در مرحله دوم تحت اراده کارخانجات خارجی درآمد و با استثمار کارگران ایرانی همراه گردد.

۴-۱-۷. فعالیت روس‌ها در شهرهای تجاری تبریز، رشت و مشهد

در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۸ م. یکی از مراکز عمده بازرگانی ایران شهر تبریز بود. این شهر بر سر راه‌های تهران، تفلیس در شمال و طرابوزان در غرب قرار گرفته و ارمینان کالاهای خود را برای عرضه در بازارهای استانبول از این شهر خریداری می‌کردند. در سال‌های تغییر تعرفه گمرکی و تحریم روسیه در ایالات قفقاز، تعداد زیادی از تجار روسیه که با تجارت ایران در ارتباط بودند در تبریز مستقر شدند و تجارت با اروپا را تا اندازه‌ای در انحصار خود درآوردند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۷۱).

بعد از دهه ۶۰ میلادی شیوه متداول تجارت تغییر کرد. علت فزونی تجار اروپایی در این بازار نسبت به تجار ایرانی، برنامه‌ریزی و سازماندهی اروپاییان و شیوه تهیه کالای ارزان بود. بدین ترتیب، به علت سرمایه کم تجار ایرانی، در مقام رقابت با اروپاییان، فقط عده کمی توانستند از عهده کار تجارت برآیند و به آن ادامه دهند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۶۲). قبل از جنگ جهانی اول شهر تبریز از کاروان‌هایی که از هزاران قطار شتر تشکیل می‌یافت، مال‌التجاره‌هایی از قبیل توتون، بادام و غیره حمل می‌شد و صادرات از این راه در سال ۱۸۹۰ بالغ بر ۴۰ میلیون بود (پاولوویچ، تریا، ایرانسکی، ۱۳۵۷، ص ۲۱). در تبریز شعبه‌هایی از شرکت‌های اروپایی و ترک مستقر شده بودند که این شرکت‌ها به حساب خود کالا را وارد و یا در استانبول به تجار ایرانی می‌فروختند. در سال ۱۸۸۹ تجارت ایران فقط با روسیه ۵ میلیون منات بود که قسمت اعظم آن از تبریز بود. هرچه به اواخر قرن می‌رسیم تجارت افزایش می‌یابد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۴۸).

کالاهایی که به تبریز وارد می‌شد عبارت بودند از: پنبه، ماهوت، فلزات، شیشه، قند و شکر، چیت در مقابل از تبریز به‌جای این کالاها میزان قابل توجهی ابریشم صادر می‌شد. اجناسی که از استانبول به تبریز صادر می‌شد در ترکیه ۳ درصد حق گمرکی می‌داد. اگر این اجناس به نام یک غیرایرانی فرستاده می‌شد ۵ درصد عوارض می‌داد، اما رفته‌رفته نظارت بر اجناس خارجی از میان رفت و با عهدنامه ترکمنچای وضعیت تجارت به نفع اجناس خارجی شد و در تجارت تبریز نیز دگرگونی‌هایی عظیم رخ داد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۵۸).

به‌تدریج تجار خارجی به‌خصوص روسیه جایگاه مهمی در تبریز به دست آوردند. آنها در تبریز کنسول‌گری و شرکت تأسیس کردند. تبریز در سال‌های تسلط روسیه بر ایران نقش درهای تجارت را ایفا می‌کرد هرچند در نیمه دوم سده نوزده یک سوم تا یک چهارم تجارت ایران را به راه انداخت، اما این وضعیت نه‌تنها به نفع تجارت داخلی ایران نبود، بلکه بیشتر به نفع تجارت روسیه تمام شد. سه عامل افزایش تولید و صدور ابریشم، راه افتادن تجارت از طریق طرابوزان، و ورود تجار یونانی و سایر تجار در گسترش تجارت شهر تبریز مؤثر بودند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲).

از میان شهرهای شمالی، رشت از زمان شاه‌عباس صفوی تا عهد محمدشاه قاجار به بازرگانی مشهور بود و از هند و بخارا و روم و سودان ابریشم به آنجا می‌آوردند (ملگونوف، عزالدوله، ۱۳۶۳، ص ۱۷۸). گیلان به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خود و تماس نزدیک و دیرپایی که در طول قرن نوزدهم و بیستم با جهان داشت، توسعه خوبی یافت. کاروان‌ها از قزوین که به‌صورت انبار کالای ایران درآمده بود، در فاصله شش روز به رشت می‌رسیدند و از راه پیربازار که فاصله آبی مناسبی با بندر انزلی داشت، به آنجا می‌رفتند. در دوره ناصری به‌دلیل گسترش روابط با همسایه شمالی یعنی روسیه، تجارت رشت رونق بیشتری گرفت و مرکز مبادلات بازرگانان اروپایی شد (هادی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۷۴). ابریشمی که در رشت به عمل می‌آمد از قدیم‌الایام نسبت به سایر نواحی ایران، شهرت زیادی داشت و نسبت به ابریشم کاشان و یزد بسیار مطلوب‌تر و گران‌تر بود و از ارزش صادراتی بیشتری برخوردار بود و از این رو بیشتر به صادرات آن می‌پرداختند. علاوه بر ابریشم، انواع و اقسام غلات نیز از کالاهای عمده تجاری این شهر بود که به‌دلیل احتیاج از ایالتی به ایالتی دیگر صادر می‌شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۴۰۴).

با توجه به اسناد و مدارک کالاهای وارداتی با کشتی‌های کوچک بخار به گمرک غازیان در انزلی رسیده و از آنجا با یک نوع قایق‌های بادی بزرگ موسوم به کرجی از راه انزلی به

بندر کوچک پیربازار حمل و از آنجا به وسیله حیوانات بارکش به رشت وارد می‌شد (هادی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۷۵).

برخی اتباع روسیه به واسطه اقامت در شمال ایران و گیلان صاحب املاک و اراضی بودند. کنسول روس املاک زیادی را در ۱۶ روستای گیلان تحت اختیار خود داشت. تعداد اتباع مسلمان روسیه در رشت ۳۲ نفر و اتباع ارمنی روسیه را ۱۷ نفر آورده‌اند. آنها در فصل برداشت ابریشم مرتب در رفت‌وآمد بودند که این امر نشان از نفوذ روس‌ها در گیلان دارد. هریک از خدمه ایرانی اتباع روسیه، از حمایت روس‌ها برخوردار بودند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۲۱۰). تهیه احتیاجات قوای نظامی روسیه در ترکستان در تقویت تجارت روسیه و مشهد بسیار مؤثر بود. خراسان و مرکز آن شهر مشهد به دلیل نزدیکی به ماوراءخزر همواره بازار مناسبی جهت برآوردن احتیاجات روسیه بود، چراکه تجار خراسانی ملزومات مشتریان مسلمان آسیای میانه را که کم‌وبیش در وضع تمدنی و فرهنگی مشابهی با ایران بودند، تأمین و به قیمت ارزان‌تری نیز می‌فروختند.

به این ترتیب تجارت خراسان در سال‌های منتهی به ۱۸۸۸ با بهبودی و افزایش صادرات و واردات همراه شد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۵) و شهر مشهد از نظر تجارت یک منطقه استراتژیک برای روسیه درآمد. چراکه استقرار روسیه در این منطقه تهدیدی علیه هند محسوب می‌شد و اگر در امتداد سرحدات مستقر می‌شد دیگر نیازی به ورود به خط مرزی انگلستان و افغانستان نداشت.

از سوی دیگر تجارت خراسان می‌توانست برای لشکر عظیمی که روس‌ها در ترکستان مستقر کرده بودند بسیار مفید واقع شود. همچنین منابع طبیعی و مراتع و کشتزارهای در میان کوهستان‌های خراسان در تغذیه و تدارکات ارتش روسیه بسیار مفید بودند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۵). در نتیجه فعالیت‌های پی‌گیر روسیه و مراقبت در ایالات شمال شرقی ایران، تجارت ایران با روسیه که در سال ۱۸۸۳ برابر با ۳/۶ میلیون روبل بود، در سال ۱۸۹۰ صادرات روسیه به ۱۰/۹ میلیون روبل و واردات آن از ۷/۷ میلیون روبل به ۲۱/۷ میلیون روبل افزایش یافت (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۵۶).

۴-۱-۸. تجارت خارجی

تجار غربی به دو شیوه در ایران فعالیت اقتصادی می‌کردند. برخی به صدور مواد خام از ایران و وارد کردن کالاهای صنعتی به این کشور می‌پرداختند و گروهی از آنان به خصوص سرمایه‌داران

روسی، گذشته از امور بازرگانی به فعالیت صنعتی، کشاورزی و سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل و راه‌های ارتباطی گرایش داشتند. پس از الحاق سرزمین‌های قفقاز و آسیای میانه به امپراتوری تزارها، در نیمه نخست سده نوزدهم، بخش عمده مبادلات بازرگانی روسیه با ایالات شمالی به‌خصوص در شهر تبریز صورت می‌گرفت. تجار یونانی با حمایت روسیه و با تشویق بازرگانان و تجار قفقاز در تبریز تجارتخانه دایر و در شهرهای شمالی ایران اقامت پیدا کردند (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۵۰).

برنامه‌ها و سیاست‌های بازرگانی مختلفی که روس‌ها در جهت وابستگی شدید حکومت قاجار به کار بستند، باعث شد حجم ورود کالاهای روسی به ایران از واردات دیگر کشورها بیشتر شود. در سال ۱۹۰۱ حجم تجارت روسیه ۶۲ درصد کل تجارت ایران را در بر می‌گرفت. افزایش این حجم تجارت روسیه را باید در استقرار بانکی روسیه در ایران دانست. هیئت‌حاکمه روسیه در حفظ کامل منافع بازرگانان کشورش تلاش می‌کرد. حمایت روسیه از تجار و دادن وام‌های با اعتبار نامحدود و توزیع پول میان آنان، موجب افزایش چشمگیر آمار صادرات روسیه به ایران شد. سیاست روسیه در بازرگانی و تجارت با تأسیس شرکت بیمه حمل‌ونقل کامل شد. براساس عهدنامه شرکت، محصولات تجاری و بازرگانی ایران، تنها توسط شرکت حمل‌ونقل جابه‌جا می‌شد. تعرفه‌ای که شرکت دریافت می‌کرد در مقابل سرمایه شرکت قابل ملاحظه نبود. در عوض محصولات بازرگانی را به چارواداران خودشان که در محل داشتند می‌سپردند و حق راهداری توسط روس‌ها از تجار ایرانی گرفته می‌شد و این اقدامات موجب سود بیشتر شرکت می‌شد و بازرگانان ایرانی در این میان متضرر می‌شدند (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵).

عامل دیگری که تجارت خارجی را به نفع روسیه سوق داد، امتیازاتی بود که روس‌ها از ایران گرفته بودند. کسب امتیازات روس‌ها از ایران در اثر عهدنامه‌های گلستان ۱۸۱۳ و ترکمنچای ۱۸۲۸ علاوه بر مضرات سیاسی آن، تجارت ایران را نیز در اختیار آنان قرار داد و برای اتباع روسی چهارچوبی برای تجارت خارجی ایجاد کرد. تجار و بازرگانان دو کشور می‌توانستند در کشورهای یکدیگر رفت‌وآمد کنند و تعرفه ۵ درصدی گمرک به روس‌ها تعلق می‌گرفت که در بیشتر موارد با معاف شدن اجناس از پرداخت عوارض، مشکلاتی را در حقوق گمرکی اضافی داخلی و ترانزیتی ایجاد می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۹). روس‌ها در جهت افزایش تجارت خارجی خود بسیار محکم عمل می‌کردند به‌عنوان مثال در مورد راه‌آهن ماوراءخزر، شاهد ورود کالاهای اتریشی و آلمانی به شمال ایران هستیم و راه‌آهن موجبات

تسهیل حمل و نقل و افزایش حجم دادوستد کشورهای اروپایی به ایران را فراهم آورد. لذا سفیر روس زینوویف درباره وضع اقتصادی روسیه اصرار داشت در مورد کالاهایی که به صورت ترانزیت وارد ایران می‌شوند محدودیت ایجاد شود تا زمینه بازرگانی در شمال ایران برای تجار روس ایجاد شود. اعمال چنین اقداماتی و بستن تعرفه‌های سنگین برای کارهای ترانزیتی کار دامنه‌داری بود که روس‌ها برای تسلط بر ایران انجام دادند و نتیجه آن وارد شدن ضربه به بازرگانی خارجی شمال ایران بود (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۱۵۷).

از نتایج دیگر معاهده ۱۸۲۸ که در موفقیت تجاری روسیه نقش آفرینی کرد و راه را برای سرمایه‌گذاران خارجی باز گذاشت، حقوق کاپیتولاسیون بود. در نتیجه آن روس‌ها دیگر عوارض و راهداری که تجار محلی مجبور به پرداخت آن بودند و همچنین مالیاتی که سابق بر این به دلخواه از آنها می‌گرفتند پرداخت نمی‌کردند و این امر موجب شد تجار بومی هم در تشکیل بازار محلی و هم در تجارت خارجی از تجار روسی عقب بمانند. به‌طور مثال، تجار محلی در شش نوبت از انزلی تا اصفهان راهداری می‌پرداختند درحالی‌که تجار روسی از این راهداری معاف بودند. برخی معتقدند که در اثر تسلط سرمایه‌گذاری خارجی که از قبل کاپیتولاسیون به دست آمد، بیشتر محصولات کشاورزی و خشکبار و صنایع دستی در دست شرکت‌های خارجی و وابسته به آنها افتاد و سرمایه تجار محلی نقش کمی در صادرات داشت (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۶۱).

اقتصاد سنتی ایران با تجارت محدود نیمه دوم سده نوزدهم به ابتکار سرمایه‌داران غربی به خصوص روسی و اعمال نفوذ آنها، به بازار جهانی وابستگی یافت و در شرایط نیمه‌استعماری قرار گرفت. تجارت خارجی و وابستگی از طرفی موجب صدور مواد خام به بازار جهانی و از طرف دیگر موجب فراهم آوردن منابع مالی برای خرید فراورده‌های صنعتی کشورهای غربی شد که مشخصه بارز آن تجارت ابریشم خام گیلان بود (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۶۲). نماینده تجاری فرانسه در تفلیس در کنار گزارش‌های خود به نیاز روسیه به ابریشم خام و تهیه آن از گیلان اشاره می‌کند (حسنی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). در نیمه دوم سده نوزدهم، تغییرات اساسی در صدور محصولات به وقوع پیوست. تولید و صدور تریاک به شدت رو به افزایش گذاشت و درخواست تولیدات پنبه که به دلیل قحطی و جنگ‌های داخلی آمریکا بالا رفته بود، به خاطر تقاضای روسیه و سیاست تعرفه‌ای این کشور مورد تشویق قرار گرفت. در نتیجه موازنه صادرات به نفع روسیه قرار گرفت و به دنبال آن دولت روسیه برای محصولات چوب برنج و ابریشم نیز تعرفه تشویقی در نظر گرفت (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۸).

آمار واردات ایران از راه قفقاز - بادکوبه - آستارا در سال ۱۸۸۹ به ۸۸۱۹۲۰ لیبره و صادرات ایران از این راه به ۷۹۹۳۵۹ لیبره رسید. این ارقام نشان می‌دهد که سیاست تجاری روسیه تا چه اندازه در کاهش صادرات به خارج تأثیرگذار بوده است (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۹۱). یکی دیگر از عوامل شکست تجارت خارجی، حمایت نکردن دولت قاجار از تجار در تجارت خارجی بود، چراکه دولت به جای حمایت از منافع داخلی، برعکس آنچه که در روسیه اتفاق افتاد، در گروه‌بندی سیاسی غرب قرار گرفت. روسیه در دههٔ هشتاد، تجار روسی را به حال خود گذاشت تا بتوانند خود در بازار ایران مبارزه کنند، اما تلاش کرد تا موانع کار بازرگانی را مرتفع سازد. در سرحدات به بهبود وضع حمل‌ونقل پرداخت و سرحد قفقاز را امن و از طرفی خطوط کشتی‌رانی قفقاز-مرکوری، حمل‌پست بین باکو و بندر دریای خزر را تأمین کرد و با ایجاد راه‌آهن، تجارت خارجی ایران را به نفع روسیه برگرداند. این امر موجب هراس انگلستان شد و شاید بتوان گفت که امتیاز راه رویتز دلیلی برای ممانعت از پیشروی روس‌ها به مناطق هند و تأمین منافع راه‌آهن انگلستان و به خطر انداختن موقعیت تجاری روسیه بود (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۴۵-۴۷).

روسیه توانست از طریق امکانات راه‌آهن و حمل‌ونقل قیمت‌ها را پایین آورده و با پشتیبانی بانک از کالاهای روسی، واردات و صادرات پنبه و شکر را به ایران سرعت بخشد و باعث جلب توجه انگلستان در تجارت خارجی ایران شود (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۱۹). در گزارش یکی از سیاحان روسی چنین آمده است: «چیزی که مرا بسیار خوشحال می‌کند امتعه و اقمشه روسی بود ... قند ما بهتر از امتعه‌ها در ایران زمین به فروش می‌رسد و چیزی که در ولایات ما بیشتر به این مملکت نقل می‌شود همان قند است این مطلب را باید اظهار داشت که در خانه هر یک از فقرای ایران، قند زیادی مصرف می‌شود، بنابراین تجارت قند ما با ایران برای ما بسیار منافع دارد و از تجارتهای عمده مملکت محسوب می‌شود» (گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ قمری از سیاح ناشناخته روس، ۱۳۶۳، ص ۳۳).

۴-۲. گمرک در دورهٔ قاجار

گمرک در دورهٔ قاجار یکی از منابع مهم کسب درآمدهای دولت محسوب می‌شد. حقوق گمرکی بر اجناس وارداتی و صادراتی بنا بر رسم مالیات از بازرگانان و تجار داخلی و خارجی اخذ می‌شد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۶۵). سرجان ملکم اولین سفیری بود که با انعقاد قرارداد سیاسی و تجاری پای اروپاییان را مجدداً به ایران بازکرد. در اثر این قرارداد فتحعلی‌شاه در فرمانی به

اتباع انگلیسی اجازه ورود کالاهای انگلیسی را بدون پرداخت هرگونه مالیاتی صادر کرد (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۲۰). از آنجا که عوارض گمرکی در این دوره به عنوان نوعی مالیات محسوب می شد، تجار خارجی علاقه‌ای به تجارت با ایران از خود نشان نمی دادند و در نتیجه شاهد افزایش صادرات و کاهش واردات هستیم که این وضع با جنگ‌های میان روسیه و ایران و امضای عهدنامه ترکمنچای تغییر کرد.

عامل مهم دیگری که در دوره قاجار موجب تغییر امور گمرکی شد مسائل جهانی بود، چراکه این دوره مصادف با وقایع بزرگی مثل انقلاب صنعتی در عرصه جهانی و پیامد آن رشد گسترده تجارت جهانی و رقابت کشورها برای به دست آوردن بازارهای جدید بود. قاجارها نیز بدون اطلاع از تحولات جهانی و از دوره فتحعلی شاه به بعد، در گردونه روابط بین الملل قرار گرفتند. با وجود این تا قبل از دوره ناصرالدین شاه روابط دیپلماتیک یک طرفه بود، اما در دوره ناصری به دلیل مبادلات و معاملات بین المللی، دولت قاجار مجبور شد در امور تجاری تغییراتی ایجاد کند و نهادهای اقتصادی خاصی را به وجود آورد و رونق بخشد. ناصرالدین شاه در سال ۱۸۶۰ وزارت تجارت را تأسیس کرد و این نهاد در امور گمرکی و صادرات و واردات تأثیر مستقیم گذاشت (سعیدی نیا، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲-۱۱۳).

۴-۲-۱. شیوه کار گمرک در ایران

اداره گمرک در دوره قاجار به صورت اداری و قانونی اداره نمی شد بلکه هر ساله توسط شاه به یک نفر مقاطعه کار که در مزایده برنده می شد واگذار می شد (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۱۹). فرد مقاطعه کاری که گمرک را اجاره می کرد، در تصاحب آن مبلغ بیشتری می پرداخت و برای اینکه بتواند سود بیشتری به دست آورد و در مدت یک سال نیز متضرر نشود، به میل و اراده خود و با توافق و چانه زنی با بازرگانان و صاحبان کالا، کسب درآمد می کرد (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۹۸). در هر ولایت یا شهری گمرک به کسی که مبلغ بیشتر می داد اجاره داده می شد. وجهی که او می پرداخت، اضافه بر آن در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد به خود او می رسید، در سال ۱۸۸۹ دولت گمرک بوشهر را به مبلغ ۹۱۰۰۰ تومان به اضافه حق پیشکش ۵۰۰۰ تومان و حق مستأجر به اجاره واگذار کرد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۶۵).

این شیوه عمل دولت که یک سال درآمد گمرک را به مزایده واگذار می کرد و مأموران برنده مزایده را به حال خود رها و هیچ نوع نظارتی بر اعمال آنها نداشت، عاملی شد که تجارت داخلی نسبت به تجارت خارجی یا به عبارت بهتر تجار داخلی نسبت به تجار خارجی از توان

کمتری برخوردار باشند و از کار تجارت دلسرد شوند (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۱). اجاره گمرک فقط به مقاطعه‌کار ایرانی داده نمی‌شد بلکه خارجی‌ان نیز از آن بی‌نصیب نبودند. اجاره‌داران اغلب به پشتوانه دولت و قدرت سیاسی، از بازرگانان داخلی عوارض گمرکی بسیاری دریافت می‌کردند به طوری که بازرگانان داخلی چند برابر بازرگانان خارجی حق گمرک می‌پرداختند. اجاره‌داران گمرک به‌ویژه در نواحی مرزی درآمد بیشتری داشتند اما علاوه بر اجاره دادن گمرک افزایش قاچاق و تقلب در میان اجاره‌داران رایج بود و رقابت میان گمرکخانه‌ها زیاد بود. برخی اجاره‌داران گمرک برای منفعت بیشتر از اجناس اروپایی کمتر از ۳ درصد عوارض دریافت می‌کردند تا باعث طمع در میان بازرگانان شود. گاهی اوقات تجار و اجاره‌داران با یکدیگر تبانی می‌کردند. در بعضی مواقع اجاره‌داران برای اینکه در موقعیت خود بمانند با تجار کنار می‌آمدند و عوارض گمرکی را به حداقل خود می‌رساندند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۶۷؛ انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۳۳).

بنابر گزارش کنسول استرآباد «چون متصدیان اطمینان ندارند تا چند مدت بر مصدر کار باقی می‌مانند جهد بسیار دارند که در مدت تصدی آنچه مقدور باشد وجه مال فراهم کنند از این رو مأموران گمرک آماده‌اند اجناس را با مبلغی کم از عوارض مقرر گمرکی، از گمرکخانه خود ترخیص نمایند و بر این اساس چانه زدن میان تجار و اجاره‌داران مرسوم بود...» (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۸).

دولت نه تنها توان کنترل افزایش بهره‌برداری مقاطعه‌کاران را به دلیل ضعف ساختاری و اقتصادی و سیاسی نداشت، بلکه به جای حل مشکل و افزایش درآمد گمرکات و رسیدن به توسعه و ترمیم زیرساخت‌های مختلف حکومتی، درآمد حاصل از گمرکات را صرف مخارج حرمسرا و خانواده شاه می‌کرد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۵۶۸). کرزن ضمن انتقاد شدید از ترتیب امور گمرک، آن را بی‌قاعده و مایه اتلاف مالی دانسته و می‌نویسد: «اصلاح عاجل کاملاً ضروری است، سیستم اجاره‌داری که موجب مفاسد بسیاری است باید از بیخ و بن نابود شود و به جای آن ترتیب جمع کردن عواید بوسیله مأموران رسمی مؤظف چنانکه در همه کشورهای متمدن جهان مرسوم است، ... ایجاد شود» (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۵۰).

۴-۲-۲. گمرک و بازرگانان

عوارض گمرکی بازرگانان داخلی در دوره قاجار ۲ درصد بود که به منظور حمایت از آنان طرح‌ریزی شده بود، اما عوارض گمرکی داخلی بین شهری برای بازرگانان چنان بود که در

مجموع موجب افزایش قیمت کالاها و کاهش توان رقابتی آنان می‌شد. این در حالی بود که بازرگانان خارجی اگرچه در هنگام ورود اجناس، گمرکی بیشتری یعنی ۵ درصد می‌پرداختند، اما در داخل کشور هیچ‌گونه عوارض گمرکی دیگری نمی‌پرداختند و در نتیجه این امر موجب افزایش تجارت آنها می‌شد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۶۶). اخذ مالیات‌ها، عوارض راهداری و باج، باعث افزایش قیمت کالاهای ایرانی می‌شد. در مقابل، کالاهای بازرگانی خارجی، ارزان‌تر تمام شده و بازار به سمت این نوع کالاها کشیده می‌شد. در چنین وضعیتی بازرگان ایرانی چاره‌ای نداشت جز اینکه از همان ابتدا کالای خود را به بازرگانان خارجی واگذار کند (میرحسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲).

وضعیت نابسامان کشوری نیز در شیوه کار تأثیرگذار بود. حاکم ایالت یا ولایت بر اساس وضع کشور و نیاز حکومت و مقر فرماندهی مالیات می‌گرفت. برای مثال کالاهایی که از عثمانی به اصفهان می‌رسید از شهرهایی چون ایروان، نخجوان، مرنند، و تبریز به ترتیب عوارضی از ۱ درصد تا ۳/۴ درصد پرداخت می‌کرد تا اینکه به تهران برسد. در تهران، بر اساس ارزش کالا عوارض دیگری در نظر گرفته می‌شد (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۳). در چندین نقطه ایران دروازه‌های گمرکی برقرار بود که از آنجا کالاهای ایرانی به خارج و کالاهای خارجی به ایران وارد می‌شد. دو جاده در شمال ساخته شد یکی به طرابوزان و ارزروم و دیگری به شهرهای پوتی، تفلیس، و ایروان می‌رفت (میرحسینی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). بیشترین نارضایتی از وضعیت تعرفه گمرکی در بازار تبریز بود. در گزارش استیونس در سال ۱۸۵۱ آمده است که از هر بار اسبی که وارد تبریز می‌شد ۵ قران مالیات می‌گرفتند. بازرگانان برای کالاهایی چون شکر، چای، کاغذ و ادویه که زمانی از حقوق گمرکی معاف بودند از ۲ درصد تا ۴ درصد گمرک می‌پرداختند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۱).

تجار علاوه بر مواجهه با مسئله اخذ عوارض و مالیات، با مشکل نحوه ترخیص کالاها نیز روبه‌رو بودند. معمولاً ارزیابی مأموران گمرک نسبت به نرخ بازار سخت‌گیرانه بود. آنها کالاهایی را که قبلاً بازرسی شده بودند، باز کرده و دوباره ارزیابی می‌کردند. در این میان برخی از کالاها روزها در معرض باران و برف و عوامل دیگر قرار گرفته و تخریب و فرسوده و فاسد می‌شدند. اگر چنانچه تجار اعتراضی می‌کردند از طرف مأموران تهدید شده و چاره‌ای جز تسلیم نداشتند. از سوی دیگر تجار، به دلیل نبودن قانون مشخص در امور گمرک و اجاره دادن گمرک به افراد جدید، زیان فراوانی می‌کردند. تاجری که کالای خود را در گمرک به امانت گذاشته و عوارض آن را پرداخت می‌کرد در صورتی که مستأجر آن گمرک تغییر می‌کرد، مجبور به پرداخت مالیات

مجدد به متصدی جدید می‌شد؛ چراکه پرداخت مالیات قبلی مورد قبول مستأجر جدید نبود (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۲۶).

همچنین هر گمرکی که به اجاره در می‌آمد برای خود قانونی جداگانه داشت که تجار و بازرگانان می‌بایست از آن تبعیت می‌کردند. در گزارش یک سیاح روس از گمرکات شمال آمده است: «گمرک شمال به یک نفر به نام فرخ اجاره داده شده بود و او به یک نفر دیگر به نام اکبریاریان کرایه داده است. این دو نفر از جانب خود گمرکخانه را به یک ارمنی موسوم به پانیاس کرایه دادند. کار این ارمنی از روی عدم عدالت بود وی اجناس را بسیار زیاد قیمت می‌نمود و از هر تاجری که اجناس خود را روانه ایران می‌نمود پنج قران به اسم موجب برای نوکرهایش می‌گرفت» (گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ قمری سیاح ناشناخته روس، ۱۳۶۳، ص ۱۸). این عوامل موجب می‌شد که بسیاری از بازرگانان به‌منظور رهایی از این وضعیت نابسامان به تبعیت دیگر کشورها درآیند تا از حمایت آنان برخوردار شوند و یا با بازرگانان خارجی شریک گردند (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۲۲).

۴-۲-۳. گمرک و روسیه (تعرفه ۵ درصدی)

از زمان صفویه تا سال ۱۸۹۹ گمرک به اشخاص مختلفی اجاره داده می‌شد و هیچ‌گاه قوانین و مقررات خاصی بر آن مترتب نبود، اما بعد از قرارداد تجاری ضمیمه عهدنامه ترکمنچای در ۱۸۲۸ قرار شد که مال‌التجاره اتباع روس و ایران که به مملکت یکدیگر وارد یا صادر می‌شوند مانند سابق تعرفه ۵ درصدی فقط یک دفعه در موقع ورود یا خروج کالا دریافت شده و علاوه بر آن هیچ‌گونه حقوق گمرکی دیگری مطالبه نشود. در کنار این قرارداد سایر دولت‌ها نیز از حق دولت کامله‌الوداد استفاده کردند و تجار خارجی فقط یک بار صدی پنج جهت مال‌التجاره خود گمرکی می‌پرداختند (تیموری، ۱۳۳۳، ص ۳۹۲).

تجار روسی مانند تجار و بازرگانان دیگر کشورها، به‌دلیل بی‌نظمی گمرک ایران، دچار مشکلات و دردسرهایی بودند. از جمله این موارد می‌توان به اخذ عوارض گمرکی در بدو ورود کالا اشاره کرد. در حالی که در بیشتر کشورهای اروپایی تجار و بازرگانان بدون پرداخت مالیات کالاهای خود را وارد و در انبار گمرک نگهداری و هنگام ترخیص آن حق صدور یا ورود کالای خود را پرداخت می‌کردند. این رویه قابل اجرا نبود زیرا دولت و حکومت ایران به میل خود نوع نظام و قوانین گمرکی را در هر سال بین افراد مختلف به مزایده می‌گذاشت قابل اجرا نبود (فلور، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۱۹).

دولت روسیه در اثر قرارداد ترکمنچای با کسب موافقت ۵ درصدی حق گمرکی و معافیت از هرگونه مالیات دیگر، همچنین با گرفتن حق کاپیتولاسیون، تجار و بازرگانان این کشور را از بسیاری دیگر از حقوق و مزایا برخوردار کرد. از جمله روس‌ها مسئولیت فساد مال‌التجاره که در انبارهای گمرک ایجاد می‌شد را بر عهده کشور ایران گذاشتند. علاوه بر این سیاست روسیه در گمرک ایران بر این قرار گرفت که از کالاهای اولیه موردنیازی چون پشم، کتان، پنبه، پوست دباغی‌نشده، و دیگر مواد صادراتی تعرفه‌ای ناچیز گرفته شود و از صدور مصنوعات و منسوجات ایران که در کارخانه‌های ایرانی ساخته می‌شوند به روسیه ممانعت شود و یا عوارض سنگینی به آنها تعلق گیرد و این برای صادرکننده ایرانی مقرون‌به‌صرفه نبود. از طرفی عوارض واردات منسوجات روسیه به ایران ناچیز بود و این عمل، ورود آنها را به ایران راحت و آسان کرد و در نتیجه مصنوعات ایران توان مقاومت با کالاهای روسی را نداشت (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۱).

با تسلط روسیه بر گمرک ایران صنایع ایران که می‌توانست در توسعه کشاورزی مؤثر باشد به نابودی کشیده شد. با اجرای این تعرفه گمرکی تأثیر منفی بسیاری در تجارت داخلی و خارجی ایران گذاشته شد. درآمد گمرکات ایران به حداقل ممکن کاهش یافت و مجبور به وارد کردن کالاهای خارجی به‌خصوص روسی شدند. از این زمان به بعد بازار ایران پر از کالاهای روسی شد و بازرگانان روسی بازار ایران را در اختیار خود گرفته و سودهای کلان بردند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۸۰).

۴-۲-۴. تعرفه جدید ۱۹۰۳ م.

در سال ۱۹۰۱ قرارداد گمرکی جدیدی بین ایران و روسیه به امضا رسید. این قرارداد در زمان تصدی نوز بلژیکی در امور گمرکی ایران و به‌منظور افزایش درآمدهای گمرکی از کالاهای وارداتی تصویب شد. از آنجاکه کشورهای روسیه و عثمانی از حق کامل‌الوداد بهره می‌بردند، سایر کشورها نیز مجبور به متابعت از تعرفه جدید بودند. تغییر تعرفه در ایران موجب افزایش نرخ کالاهای اروپایی شد و روس‌ها به راحتی توانستند با آنها رقابت کنند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۹۹). پس از مذاکرات متعدد بین نوز بلژیکی از طرف ایران و گلوبف نماینده وزارت دارایی روسیه در اکتبر ۱۹۰۱ قرارداد امضا و در ۱۳ فوریه ۱۹۰۳ به اجرا درآمد. بر اساس آن تعرفه جدیدی جانشین نرخ ۵ درصدی مقرر در قرارداد ترکمنچای در ۱۸۲۸ شد. در این تعرفه جدید ابتدا نرخ جدیدی برای کالاهای وارداتی که بر اساس وزن حساب می‌شدند در نظر گرفته شد.

بهموجب آن تعرفه برخی کالاهای روسی کاهش و در مقابل تعرفه برخی کالاهایی که از اروپا وارد می‌شدند مانند پنبه و چای افزایش یافت. قسمت دیگر مربوط به برخی کالاهایی بود که به روسیه صادر می‌شد. در این قسمت گمرکی کالاهایی که به روسیه صادر می‌شد در همان حدود ۵ درصد سابق باقی ماند و تنها گمرکی کالاهای وارداتی اضافه شد (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰-۱۰۱).

تجارت روسیه با ایران بیشتر در زمینه کالاهای مورد لزوم و کمتر لوازم لوکس بود. تعرفه گمرکی جدید علاوه بر جلوگیری از ورود کالاهای لوکس، بیشتر از همه به بازرگانی غیر روسی لطمه می‌زد. تنها هدف روسیه این نبود، بلکه اصلاح و رفع عدم توازن تجارتي ایران نیز مدنظر آنها بود. با حذف یا کاهش تعرفه گمرکی ۵ درصد، کالاهای صادراتی تشویق به صدور می‌شدند و این به نفع روسیه بود، زیرا که ۶۰ تا ۷۰ درصد صادرات ایران را دریافت می‌کردند. به دنبال تغییر تعرفه گمرکی، سطح تجارت روسیه و ایران به سرعت افزایش یافت (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۱۰۱).

مشکلات مربوط به گمرک همچنان وجود داشت و مانند سابق تعرفه‌های گمرکی در بیشتر مواقع رعایت نمی‌شد و در نتیجه میان بازرگانان و مأموران گمرک درگیری به وجود می‌آمد. این مسئله دولت روسیه را به مداخله در امور اقتصادی ایران کشانید. گمرکات شمال بیشتر در حیطه اختیارات روس‌ها بود و آنها در مورد حقوق گمرکی که در شهرهای مختلف از انزلی تا مشهدسر از بازرگانان روسیه گرفته می‌شد به اعتراض می‌پرداختند. در یک نمونه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه ایران میرزا سعیدخان می‌نویسد: «جهت اینکه امنای اعلیحضرت شهریاری تازه قرار داده‌اند که رعایای روس از هر ولایتی که امتعه خود را حمل و نقل به سایر ولایات می‌نمایند، صد و پنج در گمرکخانه بندر آنجا بدهند، به این معنی که جوازی که از بندرات گیلان حاصل کرده‌اند جنسش نباید از راه مازندران حمل و نقل به سایر ولایات بشود ... مباشرین گمرکخانه بندرات در عمل آوردن قرارداد تازه امنای دولت ایران تقصیر کرده‌اند، می‌شود آنها را تنبیه نموده دخلی به معطل نمودن تجار تبعه روس ندارد ...» (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۹۵).

ایران در ردیف هشتم تا دهم بازرگانی روسیه قرار داشت، کشور روسیه نیز در توسعه تجاری خود با ایران، حتی به قیمت لطمه زدن به روابط سیاسی خود با دیگر کشورها تلاش می‌کرد. از سوی دیگر ایران مهم‌ترین خریدار برخی محصولات روسیه بود. در سایه حمایت دولت روسیه برخی صنایع این کشور در مواقع خاص و برای ثبات قیمت‌ها اضافه محصول خود را به بازار

ایران می‌فرستادند. در نتیجه، واردات ایران از روسیه همواره از واردات سایر کشورها بیشتر بود. از سوی دیگر ارقام صادراتی ایران نیز نشان‌دهنده وابستگی این کشور به بازار روسیه دارد. در یک مقطع زمانی بیش از نصف صادرات ایران را روسیه دریافت می‌کرد. برای مثال از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۳ صادرات ایران به روسیه از میزان ۱۶ میلیون روبل به ۵۴ میلیون روبل رسید. اقلام صادراتی ایران به روسیه شامل مواد غذایی، الیاف، پنبه، خشکبار، فرش، برنج، تریاک، پیله ابریشم، ماهی و محصولات آن، پوست و چرم، گوسفند و گاو زنده، کنیرا، و صمغ بود. تقریباً تمامی مواد صادراتی از ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ رو به فزونی بود. بعد از اجرای تعرفه گمرکی جدید در ۱۹۰۳ صادرات روسیه به ایران طبق آمار روسیه دو برابر و طبق آمار ایران سه برابر شد. در این میان بیشترین سهم صادرات روسیه به ایران مربوط به شکر و پنبه بود (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۴-۲-۵. وضعیت راه‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایل رکود تجارت و بازرگانی و حمل‌ونقل آسان کالا در دوره قاجار کمبود راه‌های تجاری و نامنی آنها بود. از آنجاکه رونق تجارت هر کشور در گرو امنیت و نحوه ساخت راه‌ها است، با شروع ضعف و انحطاط دولت صفوی راه‌های تجاری پراهمیت قرون ۱۶ و ۱۷ که به دست برخی شاهان این سلسله از جمله شاه‌عباس اول ایجاد شده بود و به جاده‌های شاه‌عباسی معروف بود، مورد بی‌توجهی قرار گرفته و نابود شدند. در مورد راه‌های دوره قاجار آورده‌اند: «در ایران همانطور که سازمان واردات دولتی به معنای حقیقی آن نیست متأسفانه تأسیسات دولتی نیز از قبیل جاده‌ها و پل و غیره وجود ندارد، این جاده‌ها در دوره صفویه بر اثر مرمت همیشگی موجود بود سلاطین صفوی با کمال دقت جاده‌های قدیم را تعمیر می‌کردند و پل‌ها و کاروانسراها بسیار موجود بود ... در این دوره یک راه جاده شوسه وجود ندارد ...» (گوبینو، بی‌تا، ص ۵۰).

پولاک در سفرنامه‌اش از ساخت یک جاده کوتاه نام می‌برد که از امامزاده هاشم در کنار سفیدرود آغاز و با عبور از وسط جنگل‌های گیلان به رشت می‌رسید. این جاده به اصرار کنسول روسیه در رشت بنا شده بود. وی یکی از عواملی را که باعث شد جاده‌سازی در ایران به فراموشی برود، سستی و ندانم‌کاری حاکمان دانسته و با انتقاد از حکومت قاجار، آن را حکومتی می‌داند که از میزان امکانات صادراتی مواد خام و محصولات صنایع دستی هیچ تصور

درستی ندارد و قادر نیست از قدرت تولیدی این مملکت به‌خوبی استفاده کند. دلیل دیگر این که دشمن نتواند به‌راحتی به مملکت سرازیر شود (پولاک، ۱۳۶۸، ص ۳۰۱؛ کرزن، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۰۳).

به‌دلیل بی‌توجهی دولت به راه‌ها، در بعضی موارد تجار خود به ترمیم جاده‌ها می‌پرداختند. حاج علی‌نقی کاشی چندین بار به تعمیر و دوباره‌سازی راه تهران به مشهد و کاروانسراهای آن اقدام کرد (اورسل، ۱۳۸۲، ص ۸۲). تلاش‌ها و کوشش‌های یک یا چند نفر تاجر ایرانی پاسخگوی احتیاجات نبود و از سوی دیگر عوامل خارجی نیز همان‌ندک اقدامات انجام شده در ایران را نابود کردند. راه‌اندازی ساخت راه‌آهن توسط امین‌الضرب، نتوانست ایران را در راه‌سازی، نظیر دیگر همسایگان خود در خاورمیانه معرفی کند. وجود راه مناسب علاوه بر اینکه باعث تسریع در انتقال کالاها و دادوستد و گردش پول و نقدینگی است، عامل جلوگیری از فساد بسیاری از کالاها نیز می‌شود. کاهش طول مدت توزیع کالاها، در کیفیت کالا اثر مستقیم دارد. یکی از عوامل دیگری که در ساخته نشدن راه‌ها تأثیرگذار بود عوامل طبیعی است. فلاتی بودن ایران و محصور شدن تمام شهرهای بزرگ در داخل کوه‌ها و گردنه‌هایی که به فلات منتهی می‌شوند از آن جمله است. البته در این دوره راه‌هایی هم که ساخته شد توسط روسیه و انگلستان ساخته شد. راه‌های شوسه شمال را روس‌ها ساختند و امتیاز و بهره‌برداری آن نیز در دست آنها بوده است. از جمله این راه‌ها، راه رشت-تهران، قزوین - همدان و جلفا - تبریز بوده است.

افراد علاقه‌مند به راه و راه‌سازی در عصر قاجار را به سه گروه عمده می‌توان تقسیم کرد. گروه اول عناصر محافظه‌کاری که در زندگی خود با شعار «شتاب آهسته» معتقد بودند که از راه کاروان‌رو جان و مال مردم از تجاوز مصون خواهد بود و در حال حاضر تغییر یا ساخت جاده ارابه‌رو بین مراکز عمده تجاری از بنادر بحری به‌مراتب بهتر است، مشروط بر اینکه محدودیت‌های اجحاف‌آمیز که در کار بازرگانی موجود است رفع شود. گروه دوم کسانی بودند که با پیشرفت تدریجی راه و راه‌آهن سازی موافق بودند. آنان خواهان اجرای آن در مناطقی بودند که امکان کسب سود مالی بیشتر باشد و بعدها در مناطق دیگر نیز رایج شود. گروه سوم افرادی هستند که خواهان تغییرات سریع در ساخت‌وساز راه‌های جدید و برداشتن هرگونه مانع از سر راه تجارت و بازرگانی بودند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۲۲). البته راه‌سازی در دوره قاجار، به‌خصوص در مسیر شمال - تهران بعد از سفر ناصرالدین‌شاه به شمال آغاز شد و دستور تغییر راه جاده‌های شوسه را صادر کرد. در خاطرات اعتمادالسلطنه در مورد وضع بد راه‌ها و اجازه

صدور ساخت راه توسط ناصرالدین شاه آمده است: «در سابق که این راه جدید را شاه نساخته بود عبور قافله و غیره در این راه زیاد بود از عراق خشکبار به آمل می‌آوردند و از آمل برنج به عراق می‌بردند به واسطه بدی راه مال‌التجاره نمی‌توانستند بیاورند، چرا که راه سابق به قدری تنگ بود که قاطر و پیاده نمی‌توانستند عبور کنند...» (آل داود، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

۴-۲-۶. راه‌های ارتباطی

• **انزلی-رشت- قزوین:** روس‌ها بر تمام راه‌های ارتباطی شمال ایران احاطه داشتند. مناطق ساحلی خزر به لحاظ تجارت ابریشم و وجود بنادر صادراتی آن اهمیت خاصی داشتند. روس‌ها نیز با نفوذ گسترده خود در منطقه وضع ممتازی در گیلان و رشت و مازندران به دست آوردند. اتباع روسی و ارمنی در این مناطق سکونت داشته و حتی چندین دهات را در اختیار خود داشتند. برخی نیز با سوءظن به حضور روسیه در منطقه نگاه کرده و معتقدند که روس‌ها می‌خواستند با ورود به این نواحی و وارد کردن نیروهای نظامی در رشت یا بندرگز بدون مانع و از طریق راه‌های ارتباطی شمال به هندوستان حمله کنند (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۰۲).

در تمامی ارتباطات داخلی و خارجی مناطق شمال ایران، روس‌ها حضور فعال داشتند. رشت از جمله مناطق مهم و برای روس‌ها قابل دسترس بود. نفوذ روس‌ها در منطقه موجب بهبودی و احداث راه‌های زمینی این منطقه به‌ویژه راه شوسه قزوین - رشت - انزلی در دوره ناصری شده است (رابینو، ۱۳۶۹، ص ۵۲). در حالی که پیش از دوره ناصری بدی جاده‌های گیلان به حدی بود حمل کالاهای روسیه از انزلی به تهران به‌ویژه در ایام بارانی سال غیرممکن بود (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۱۵؛ پولاک، ۱۳۶۸، ص ۳۰۰). تا اینکه با اصرار کنسول روسیه جاده امامزاده هاشم به رشت احداث و خیلی سریع باعث تحول در مبادلات کالا و گسترش تجارت دریایی و تجارت خارجی و به‌عنوان یک مسیر پیشرفته نوین برای عبور و مرور مسافران و کالا شد. بعد از ساخت و توسعه راه انزلی - رشت - تهران تجارت روس‌ها افزایش چشمگیری یافت (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۷۶).

• **بندرگز - استرآباد:** راه بندرگز - استرآباد - شاهرود از دیگر راه‌های تجارتهای شمال کشور است که در دوره موردنظر در انحصار روس‌ها بود. راه دیگر، راه عشق آباد - مشهد می‌باشد که به راه آهن ماوراءخزر در عشق آباد متصل می‌شود این راه نیز در اختیار روس‌ها بود ولی قبل از احداث راه آهن ماوراءخزر که در طی ده سال ساخته شد راه بندرگز - استرآباد جاده اصلی واردات

روسیه به منطقه شمال شرقی ایران بود. از آنجا که حمل و توزیع کالا از خراسان تا هرات ادامه داشت، اهمیت راه بندرگز به شاهرود و مشهد دو چندان بود. بعد از افتتاح خط آهن ماوراء خزر، تجارت بندرگز از میان رفت و ارقام مربوط به تجارت آن بسیار ناچیز گردید.

• **قفقاز - تبریز:** روسیه از سه راه به طور مستقیم خود را به تبریز نزدیک می کرد. یکی از این سه راه، راه ارتباطی از ایالت قفقاز روسیه از پوتی تا تبریز بود (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱). این راه برای مردم قفقاز ایجاد کار می کرد و تجارت ایران - روسیه را گسترش می داد و به همین دلیل همواره مورد توجه مقامات روسیه قرار داشت. تجارت این راه در سال ۱۸۸۲ به پنج میلیون روبل می رسید و در حدود پانزده هزار حیوان بارکش سه بار در سال برای حمل پانصد هزار پوپ کالا در این راه رفت و آمد می کردند (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۵۳).

• **طرابوزان - تبریز:** راه دومی که روسیه را به تبریز نزدیک می کرد راه طرابوزان به تبریز بود. این راه کاروانی کالاهای تجاری غیرروسی را حمل و نقل می کند و برای اینکه از حقوق گمرکی باطوم و کرایه حمل بار راه آهن ماوراء خزر اجتناب کند، از بندر طرابوزان شروع و از جاده های ناهموار و دشوار به تبریز می رسد. این راه در زمانی که روس ها راه ترانزیت آزاد از راه قفقاز را بستند با استقبال بیشتری همراه شد.

راه دیگر طرابوزان - تفلیس - تبریز است که صادرات و واردات روسیه و حمل و نقل از آنجا صورت می گرفت (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۶). برقراری حقوق گمرکی بر امتعه ترانزیتی از طریق گرجستان بین سال های ۱۸۳۱ و ۱۸۴۶ توسط روسیه و رشد مشکلات جاده بغداد، ارزان تر شدن حمل و نقل کشتی رانی در دریای سیاه و ارائه تسهیلات بندری به تجار موجب برقراری تجارت از این راه گردید (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۹). راه تجاری طرابوزان - تبریز گرفتار رقابت بین روسیه و انگلیس شد و در نتیجه تجارت راه خشکی روسیه با آذربایجان افزایش یافت (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۱۱).

• **آستارا - تبریز:** راه سوم فرعی به تبریز راه آستارا است که روس ها در این راه نیز درگیر تجارت بودند. ارقام تجارت روسیه در این راه تجاری در سال ۱۸۸۹ واردات به میزان ۵۲۴۰۴ لیبره و صادرات به میزان ۱۹۸۷۱۶ لیبره بوده است. در اینجا نیز به واسطه وضع انحصاری روسیه در دریای خزر و سیستم عوارض خط آهن روس، قسمت اعظم تجارت در دست روس ها متمرکز بوده است (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۷۳).

۴-۲-۷. حمل و نقل و روسیه

روس‌ها از ابتدای ورود به ایران و به‌منظور توسعه سیاست‌های خود با مسئله راه و حمل و نقل مواجه شدند. لذا تمام تلاش خود را به جاده‌سازی اختصاص دادند و در طی سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۱۰ بیش از ۶۰۰ کیلومتر جاده در ایران احداث کردند که مهم‌ترین آن از تهران به انزلی به طول ۳۷۹ کیلومتر و قزوین به همدان به طول ۲۴۳ کیلومتر بود (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۹). روس‌ها به خوبی از اهمیت راه‌ها باخبر بودند و می‌دانستند که هرگونه ارتباط و حمل و نقل با تسهیل راه امکان‌پذیر خواهد بود. در اوایل قرن نوزدهم به دلیل مشکلات حمل و نقل و مشکلات فرهنگی و حقوقی دیگر، تجار روسی علاقه‌ای به مسافرت به ایران از خود نشان نمی‌دادند. در طی این سال‌ها به دلیل وضع بد حمل و نقل و ناامنی تجار نمی‌توانستند کالاهای خود را به سرعت انتقال دهند. با بهبود وضعیت حمل و نقل و همچنین امن شدن منطقه قفقاز در اواخر دهه ۱۸۶۰ روسیه به اهداف خود جهت توسعه در سرحدات شمالی ایران نزدیک‌تر شد. در این سال‌ها خطوط کشتی‌رانی قفقاز - مرکوری دریای خزر و هم راه کاروانی قفقاز تنها راه‌های حمل و نقل روسیه با مناطق شمالی ایران فعال شدند. ساخت و توسعه راه موجب تقویت تجارت روسیه و کاهش هزینه حمل و نقل کالا شد. نام تمامی ایستگاه‌های حمل و نقل به زبان روسی نوشته شد و افراد روسی مأمور وصول عوارض راه‌ها شدند. نگرهبانی و نگهداری راه‌ها به عهده افراد روسی بود و تمامی کارگران زیر نظر آنها فعالیت می‌کردند (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۴۳ و ۹۵). سیاست روسیه این بود که با در اختیار گرفتن بازارهای ایران و تسلط اقتصادی به اهداف سیاسی خود نزدیک شود. این سیاست در متن گزارش یکی از سیاحان روسیه به‌خوبی آشکار است. او می‌نویسد: «روس‌ها نبایستی منتظر تجار ایرانی برای عقد تجارت بنشینند بلکه باید با در اختیار گرفتن راه‌های ایران از سوی شمال به داخل کشور نفوذ کرده و بازارهای آن از رشت به قزوین و از آنجا تا تهران را در تسخیر کالاهای خود قرار دهند» (گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ قمری سیاح ناشناخته روس، ۱۳۶۳، ص ۷۵).

روسیه به‌منظور گسترش تجارت و تقویت راه‌ها و حمل و نقل به ایجاد شرکت حمل و نقل در ایران اقدام کردند. البته در کنار شرکت‌های حمل و نقل روسی، تجار ایرانی نیز دست به تشکیل شرکت‌های مشابهی زدند که به‌عنوان نمونه شرکت امین‌التجار در سال ۱۸۸۰ را باید نام برد که با خرید چند قایق و کشتی تجاری شروع به کار کرد. از دهه هشتاد به بعد شاهد رشد تأسیس شرکت‌های داخلی متعددی هستیم. شرکت حمل و نقل دیگری در سال ۱۸۹۰ توسط حاج عبدالرحیم و معاونت حاج میرزا عبدالرزاق در شیراز افتتاح شد. اما به دلیل رقابت‌های روسیه

و انگلیس به ورشکستگی کشیده شدند (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۱). پس از ساختن راه‌های شوسه جدید، تولیدات روسیه وارد ایران شد و کالاهایی که از آسیای صغیر و خلیج فارس وارد می‌شد را تحت‌الشعاع خود قرار داد. با نفوذ و تأثیر روسیه و انگلیس اقتصاد سنتی سابق تدریجاً از میان رفت و شهرهای مهم تجاری ایران جان تازه‌ای گرفتند (ایوانف، ۱۳۵۷، ص ۱۹). اما داشتن کلیه حقوق حمل‌ونقل در ایران، روس‌ها را از نظر تجارت بر ایران مسلط گردانید به طوری که شرکت حمل‌ونقل، مشخصات تمامی چاروادارها، مردم عادی و محصولات آنها را در طول سال در اختیار خود داشت. مردم برای ارسال محصولات خود، به‌طور مستقیم نام و نشانی خود را در دفاتر شرکت ثبت می‌کردند. شرکت مزبور خود را مجاز می‌دانست که از هر محصول حق راهداری بگیرد و این مسئله همیشه بین کارکنان و ماموران شرکت درگیری به وجود می‌آورد (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۵).

روس‌ها علاوه بر تشکیل شرکت‌های حمل‌ونقل، سیاست کاملی در مقابل راه‌آهن پیش گرفتند و آن هم تحت تأثیر نیروهای متقابل قرار داشت. صنعتگران روسیه به دنبال راه‌حل جدیدی بودند تا هزینه حمل کالا به ایران را کاهش دهند و راه‌آهن چیزی بود که منافع استراتژیکی آنان را تأمین می‌کرد، ولی دولت روسیه نگران بود که راه‌آهن در جنوب و غرب، رقبای خارجی آن کشور همچون انگلستان و آلمان را قادر سازد تا ایران را پر از کالاهای ارزان و مرغوب خودشان سازند. مهم‌تر اینکه تصور می‌کردند ایجاد راه‌آهن، راه را برای رخنه سیاسی و نظامی رقبای روسیه هموارتر خواهد ساخت. علاوه بر اینها، کمبود سرمایه و احتیاج روز افزون برای پول به‌منظور سرمایه‌گذاری در راه‌آهن محلی و سایر طرح‌ها، دولت روسیه را بر آن داشت تا تمام قدرت خود را به کار گیرد تا در ایران مانند عثمانی از پروژه‌های راه‌آهن سازی جلوگیری کند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۲۶۹). از طرف دیگر بازرگانان روسی به بازار ایران دلبسته شده بودند و ساختن هرگونه راه‌آهن را به ضرر مصالح خود می‌دیدند. روس‌ها معتقد بودند تا هنگامی که دولت حق نظارت بر نرخ‌های راه‌آهن را برای خود حفظ نکرد بازرگانی روسیه آسیب خواهد دید و نباید به کمپانی‌ها و سهامداران دیگر اجازه ساخت راه‌آهن را داد، چراکه منافع سهامداران به منافع تجاری روسیه صدمه خواهد زد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱).

به هر حال رقابت روسیه و انگلیس موجب شد که در ساختن راه‌آهن در ایران خلل ایجاد شود و اگر امتیاز راه‌آهن از دولت قاجار گرفته شد در جهت موازنه مثبت در موازات امتیازات مقابل انگلستان بود. روس‌ها در مقابل هر نوع امتیاز راه‌سازی به دولت اعتراض می‌کردند. از جمله این موارد پیشنهاد بلژیکی‌ها به ناصرالدین شاه در سال ۱۸۸۸ به‌منظور توسعه راه‌آهن

بود که با واکنش شدید روسیه مواجه شد. دالگورکی سفیر مختار روسیه در تهران به شاه اولتیماتوم داد در صورت قبول آن در عرض ۲۴ ساعت ایران را ترک خواهد کرد. به دنبال آن ناصرالدین شاه رونوشتی از توافق سری بین خود و روسیه را به ولف بلژیکی داد و عنوان کرد راجع به راه آهن حاضر نیست با کسی یک کلمه حرف بزند (انتتر، ۱۳۶۹، ص ۶۳).

بر اثر رقابت‌های موجود، هیچ‌کدام از دو کشور نتوانستند در ساختن راه آهن در ایران به موفقیتی دست یابند. در سال ۱۸۸۸ گروهی از تجار اقدام به ساخت راه آهن از خزر تا دریای عرب کردند و موافقت اولیه با بانک فرانسه نیز ایجاد شد، اما یک سال بعد از امضای قرارداد ناصرالدین شاه با روسیه، کار ساخت راه آهن ملغی شد. در تعهدنامه میان ناصرالدین شاه و دولت روسیه آمده است:

«به ملاحظاتی این که اولیای دولت اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اظهار داشتند که اجرای تعهدی که در خصوص ساختن راه‌های آهن به توسط کمپانی‌های روسیه در خاک ایران در ماه رجب ۱۳۰۶ نموده‌اند، اشکالاتی برای آنها حاصل شده است که پیشرفت ندارد ... دولت علیه ایران تعهد می‌نماید که تا مدت ده سال آتیه از تاریخ امضای همین قرارداد، نه خود راه‌آهنی در خاک ایران بسازند و نه اجازه و امتیاز ساختن راه آهن به کمپانی یا اشخاص دیگر بدهند و بعد از انقضای مدت ده سال، ما بین طرفین در باب تحدید امتداد فوراً مذاکره خواهد شد» (قاضیها، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱).

در نبود راه آهن، انگلستان از طریق رودخانه‌ها و روس‌ها از جاده‌های احداثی خود کالاها را به ایران وارد یا خارج می‌کردند و این توافق بزرگ‌ترین مانع در راه رشد اقتصادی ایران بود که دولت و درباریان نیز با آنها همراهی می‌کردند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۳۸). در همه اسناد و مدارک میان روسیه و ایران در زمینه ساخت راه، حتی توافق دو کشور در زمینه امتیاز ندادن به کشور دیگر، چیزی که مورد توجه قرار نگرفت منافع و اختیارات زمامداران ایران در سرنوشت کشور بود. هریک از کشورهای روسیه و انگلیس برای گرفتن امتیازات راه آهن سعی فراوان می‌کردند و در سر راه کشور موانع گوناگون به وجود می‌آوردند. دالگورکی برای گرفتن امتیاز راه آهن تلاش زیادی می‌کرد و این امر باعث هراس ولف می‌شد.

در مجموع این رقابت‌ها هیچ نفعی را برای ایران در برداشت. نفوذ روس‌ها چنان زیاد شده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست در مقابل اراده آنها عکس‌العملی نشان دهد. دولت نیز امتیاز راه و جاده را به کسانی می‌داد که در جهت منافع روسیه عمل می‌کرد. ناصرالدین شاه در مسافرت خود به فرنگ، راه‌های مناسب آن دیار را دیده بود و به ساخت راه در ایران علاقه نشان می‌داد،

اما به علت عدم توان مالی و عدم داشتن متخصصین ناچار بود ساختن راه را به خارجیان بسپارد. در سال ۱۸۹۳ راه انزلی به قزوین را به شرکت حمل و نقل ایران واگذار کرد (انصاری رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۷).

افرادی که دست به کارآفرینی زده و در جهت گسترش راه و حمل و نقل کشور کوشش بسیار می کردند به شیوه های مختلف مورد آسیب این رقابت ها قرار گرفتند. حاج امین الضرب تاجر سرشناس عهد ناصری که بانی ساخت راه آهن آمل - محمودآباد بود، انحصار حمل و نقل کالاهای صادره و وارده بین شمال و تهران را به دست گرفت و خواست راه تجاری تازه ای به سوی پایتخت بکشد. وی حتی چند مهندس بلژیکی نیز استخدام کرده بود، اما اختلاف میان امین الضرب و بلژیکی ها از یک طرف و کارشکنی آشکار بیگانگان موجب عدم موفقیت ساخت راه آهن شد (فشاهی، ۱۳۶۰، ص ۲۶۰).

روس ها به منظور صدور کالاهای خود خط راه آهن سراسری قفقاز و ازسوی دیگر خط آهن ماوراءخزر را ایجاد کردند و نفوذ خود را در ایالات شمالی ایران افزودند. از لحاظ سیاسی، مجاورت خط راه آهن و پایه گذاری دستگاه اداری روسیه در عشق آباد با ارتباط پیوسته و ارسال دسته دسته هدایا به این طرف مرز همراه شد و رفته رفته خانات مجاور ایران را دست نشانده و نماینده خود کرد (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۰۴). احاطه روسیه بر راه آهن قفقاز و ماوراءخزر باعث شد ارتباط با نواحی دریای خزر اهمیت سوق الجیشی پیدا کند و بر نفوذ نظامی آن کشور در خراسان افزوده شود. صادرات روسیه به خراسان با توجه به وضع طبیعی آن نشان از این حقیقت دارد که تجارت صادراتی روسیه بیشتر از هندوستان است (کرزن، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۹۰). ایران با داشتن فواصل طولانی بین شهرها و روستاها، رودخانه های غیرقابل کشتی رانی و نوار ساحلی کم عرض و دور بودن مراکز مسکونی و تولیدی از یکدیگر، نیاز مبرمی به راه آهن داشت، ولی همواره از لحاظ خطوط راه آهن در فقر تدارکاتی بسر می برد.

۴-۲-۸. حمل و نقل دریایی و روس ها

یکی از راه های حمل و نقل بین ایران و روسیه همواره راه دریایی بوده است. استان های شمالی ایران با تولید محصول ارزشمند و استراتژیک ابریشم و به دلیل واقع شدن در کنار دریای خزر همواره از مراکز مهم تجارتی با روسیه محسوب می شدند. در سفرنامه ملگونوف آمده است که اولین کشتی بادی روسی در سال ۹۶۳ ق. / ۱۵۵۶ م. در ساحل جنوبی دریای خزر نمایان شد. به دلیل دوری گزیدن حاکمان وقت گیلان و مازندران از تجار فرنگی، حضور تجار خارجی

منجر به رونق تجارت نشد (ملگونوف، عزالدوله، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱). همان گونه که پیش تر گفته شد اولین کشتی رانی در دریای خزر در ایام پتر کبیر صورت گرفت و کشتی بخار در سال ۱۲۶۲ ق. / ۱۸۴۶ م. در دریای خزر به راه افتاد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۴۳). در این زمان اگر چه این سواحل در دست روسیه بود ولی تجار روسیه از احوال آن مناطق آگاهی چندانی نداشتند و لذا در آن مناطق فعالیتی نمی کردند. شرکت مسکوی با فرماندهی التون انگلیسی برای تجارت با ایران چندین اقدام انجام داد و باب دوستی روسیه و ایران را فراهم کرد، اما هر دفعه آشوب و فساد داخلی و خارجی مانع گسترش و رونق تجارت شد. رونق اندک تجارت ایران و روسیه به تلاش های کارکاریف و تورناو در نواحی شاهرود و بسطام و استرآباد و ایجاد تجارتخانه های آنان برمی گردد (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۰۱-۱۰۲). البته این رونق تجارت به دستگیری و کمک ایرانیان صورت امکان یافت زیرا رفت و آمد در داخل ایران با موانع عمده ای همراه بوده است (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۱۳۴). دولت ایران به موجب معاهده گلستان (۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م.) حق ایجاد و نگهداری کشتی جنگی در دریای خزر را از دست داد. چندین سال بعد، ناصرالدین شاه قاجار که در فکر تأسیس نیروی دریایی بود با توجه به ماده هشتم قرارداد ترکمنچای در اجرای این خیال با مانع روبه رو شد (رائین، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۷۶۷).

با توجه به تسلط حمل و نقل آبی روسیه بر ایران، رفت و آمد روس ها در شمال تسهیل و تجارت با توجه به آمارهای موجود افزایش یافت. طبق ماده هشتم قرارداد ترکمنچای (۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸) ایران نه تنها از حق کشتی رانی خزر محروم شد، بلکه تأسیس شرکت های کشتی رانی سایر دول در این دریا و نیز فروش سهام کمپانی های کشتی رانی خزر به خارجیان نیز ممنوع شد. دولت روسیه توانست با در اختیار گرفتن حمل و نقل شمال، واردات و صادرات این مناطق را در کنترل خود نگاه دارد. آمار و ارقام نشان می دهد آنچه از طریق کشتی از آبراه های منتهی به ایران می گذشت اضمحلال و نابودی تولیدات و مصنوعات ایران را به همراه داشت و چرخ های تولیدی کارخانه ها را به نابودی کشاند و از طرفی با خروج مواد اولیه، سرعت این نابودی مضاعف شد (انصاری رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۴۹۶). برخی با صراحت واگذاری کشتی رانی در سال ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ را اشتباه بزرگ ایرانیان دانسته اند (مکنزی، ۱۳۵۹، ص ۱۵۱).

در سال ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ میزان تجارت دریایی روسیه از سواحل خزر به ۴۱۵۰ تن با کشتی بخار و ۶۴۵۰۰ تن با کشتی های بادبانی رسید. روس ها تلاش می کردند که یک مرکز بازرگانی برای کالاهای خود در استرآباد ایجاد نمایند. به همان اندازه که استفاده کشتی های روسی از دریای خزر افزایش می یافت استفاده کشتی های ایرانی از آن کاهش می یافت (عیسوی، ۱۳۶۲،

ص ۲۴۶). روس‌ها مخالف هر نوع گسترش و توسعه در حمل‌ونقل دریایی بودند، نمونه بارز آن در اعتراض به کشتی‌رانی رودخانه کارون است که با مخالفت روس‌ها مواجه شد، چراکه تهدیدی بر منافع سیاسی و اقتصادی روس‌ها بود. با آنکه ناصرالدین‌شاه، امین‌السلطان را جهت دلجویی نزد دالگورکی فرستاد، اما دولت روسیه به تهدیدات خود ادامه داد. روس‌ها بر این عقیده بودند که کشتی‌رانی کارون باعث پیشرفت بازارهای ایران و کمکی بر بهبود حمل‌ونقل آن کشور خواهد شد و بریتانیا قصد دارد در این قرن برتری خود را به اثبات برساند. آنها ولف را متهم کردند که موجب کاهش ترقی و پیشرفت بازرگانی و تجارت روسیه و پریشانی خاطر روس‌ها شده است. حتی روزنامه‌های روسی مانند «ریمیا» صراحتاً در استقلال داخلی ایران دخالت کرده و دولت روسیه را تشویق به جلوگیری از چنین رویدادهایی می‌کردند (انصاری‌رنانی، کرمانی، ۱۳۸۰، ص ۵۱۳). به دنبال آن روس‌ها سعی خود را معطوف به گرفتن امتیازاتی در شمال ایران کردند. آنها با تکمیل راه‌ها در حمل‌ونقل شمال به مقابله با اقدامات بریتانیا در جنوب پرداختند. برای حمل‌ونقل اجناس از سواحل غربی دریای خزر به دریای سیاه و ارسال به طرابوزان و استانبول و تبریز تسهیلاتی از جمله بیمه کالا ایجاد کردند (عیسوی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۰).

۴-۳. تعیین رژیم حقوق تجاری و گمرکی

تعیین حقوق تجاری و گمرکی بنادر و سواحل از دیگر موارد و مباحث مهم و مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر است. سابقه تعیین رژیم حقوقی تجاری و گمرکی بین ایران و روسیه تزاری به قرارداد گلستان برمی‌گردد. نخستین بار در فصل هشتم این قرارداد از نحوه رفت‌وآمد تجار دو کشور ایران و روسیه بدین شرح سخن به میان آمده است:

«در باب آمد و شد قوافل و ارباب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده می‌شود که هر کس از اهالی تجار به خصوص به ثبوت اینکه دوست رعایا و ارباب معاملات متعلق به دولت بهیه روسیه و تجار متعلق به دولت علیه ایران می‌باشند، از دولت خود یا از سرحداران تذکره و یا کاغذ راه در دست داشته باشند از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کس هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته به امور معامله و تجارت اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند».

در ادامه همین فصل از قرارداد آمده که در صورت بروز اختلاف بین تجار دو طرف دعوا به همراه وکیل خود به نزد حاکم رفته امور خود را حل و فصل نمایند و همچنین دولت‌ها در دادن

تذکره راه به تجار و عبور از خاک خود هیچ مضایقه‌ای نکنند. همچنین برای نخستین بار در فصل نهم قرارداد مزبور درباره عوارض گمرکی بدین شرح توافق شد:

«باج و گمرک اموال تجار طرف دولت بهیه روسیه که به بنادر و بلاد ایران می‌آورند از یک تومان مبلغ پانصد دینار در یک بلده گرفته از آنجا با اموال مذکور به هر ولایت ایران که بروند چیزی مطالبه نگرند و همچنین از اموالی که از ممالک ایران بیرون بیاورند آنقدر زیاده به عنوان خرج و توجیه و اختراعات چیزی از تجار روسیه با شر و شلتاق مطالبه نشود. به همین نحو در یک بلده باج و گمرک تجار ایران که به بنادر ممالک روسیه می‌برند و یا بیرون بیاورند بدستور گرفته اختلافی به هیچوجه نداشته باشد» (ساکما، سند ۲۴۰/۸۰۳۸؛ آلبوم بیوتات ۱۵۸؛ طباطبایی‌مجد، ۱۳۷۳، ص ۸۱-۸۲).

در فصل دهم معاهده ترکمنچای که در سال ۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۸ به امضای دولت‌های ایران و روسیه رسید، مجدداً روابط تجاری و گمرکی و نحوه تردد تجار دو کشور مورد توجه قرار گرفت. در این فصل توافق شد تا دو دولت ایران و روسیه به کنسول‌ها و حامیان تجاری دو کشور اجازه دهند هرکجا که مصلحت تجارت اقتضا کند ساکن شده و از حمایت و احترام و امتیاز لازم بهره‌مند گردند. همچنین قرار شد تا یک مقاله‌نامه تجاری ضمیمه معاهده ترکمنچای شود و به تصویب رؤسای دو کشور برسد (ساکما، سند ۲۹۵/۷۲۶۷؛ آلبوم بیوتات ۱۵۸ و ۱۳۹). در فصل اول مقاله‌نامه تجاری که هم‌زمان با عهدنامه ترکمنچای به امضای دولت‌های ایران و روسیه رسید و ضمیمه قرارداد مزبور شد، به اتباع روسیه اجازه داده شد که می‌توانند در تمامی نقاط ایران آزادانه به تجارت مشغول بوده و نیز به سرزمین‌های همجوار آن تردد کنند. همچنین در مقابل آن به تجار ایرانی هم اجازه داده شد که مال‌التجاره خود را به روسیه وارد کرده و به فروش برسانند و یا به خارج از آن کشور حمل کنند (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۵۲). به این ترتیب حق تجار ایرانی برای واردات کالا به روسیه از طریق دریای خزر و یا مرزهای زمینی که از ایران جدا شده بود، به رسمیت شناخته شد (میرفندرسکی، ۲۰۰۱، ص ۲۶). فصل اول مقاله‌نامه به این شرح است:

«چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل می‌شود بهره‌مند دارند لهذا باین تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکره متعارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران می‌توانند تجارت کرد و کذالک به مملکت‌های مجاور دولت مذکوره می‌توانند رفت و به همین نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران به مملکت روس

می‌توانند برد و معاوضه و بیع نمود و خرید کرده متاع دیگر برون برد و از هر گونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری باتباع دولت‌های کامله‌الوداد اوروپا داده می‌شود بهره‌مند خواهند شد...» (ساکما، سند ۲۹۵/۷۲۶۷؛ آلبوم بیوتات ۱۵۸ و ۱۳۹).
از نکات خیلی مهم و اساسی این مقاوله‌نامه تجاری تعیین رژیم حقوقی تجاری و گمرکی است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. داشتن تذکره متعارف و معمول برای تجار و بازرگانان (فصل اول)
۲. اجازه اقامت و تجارت در هر کجایی که مصلحت تجاری باشد (فصل اول)
۳. تجار حق واردات و صادرات به دو کشور را دارند. (فصل اول)
۴. تجار از حقوق و امتیازاتی که به اتباع دولت‌های کامله‌الوداد داده می‌شود برخوردارند. (فصل اول)
۵. اموال منقول و غیر منقول اتباع روس در ایران در صورت فوت به دولت روسیه و یا به شرکای او و در صورت نداشتن اقوام و شریک تجاری به وکیل یا کارگذار و یا کنسول روسیه تسلیم خواهد گردید. (فصل اول)
۶. هرگونه بروت و ضمانت نامه و عهدهای تجاری بین تجار طرفین به صورت مکتوب نزد حاکم ولایات و کنسول روسیه ثبت و ضبط شده تا در هنگام اختلاف بین طرفین دعوی بر طبق عدالت تحقیقات لازم صورت گیرد (فصل دوم).
۷. در صورتی که یکی از تجار روسیه یا ایران مفلس شود با نظارت وکلا یا کنسول‌ها به طلبکاران او حق داده می‌شود که از اموال او مطالبه کنند (فصل دوم).
۸. از هرگونه کالایی که توسط اتباع روسیه و ایران وارد یا صادر می‌شود تنها یک بار تعرفه گمرکی پنج درصدی گرفته شود و بعد از آن هیچ‌گونه گمرکی دریافت نشود (فصل سوم).
۹. دولت روسیه متعهد می‌شود چنانچه بخواهد قانون تازه‌ای درباره گمرک تصویب کند بر میزان پنج درصدی گمرک با ایران چیزی اضافه ننماید (فصل سوم).
۱۰. در صورت وقوع جنگ بین دولتین ایران یا روسیه با کشوری دیگر اتباع دو کشور همچنان اجازه عبور و مرور در خاک یکدیگر خواهند داشت (فصل چهارم).
۱۱. به اتباع روسیه اجازه داده می‌شود در خاک ایران مسکن و انبار جهت کالاهای خود اجاره نمایند و یا به ملکیت خود درآورند (فصل پنجم).
۱۲. کارگزاران دولت، وکلا و کنسول‌ها و مترجمان دولت‌های روسیه و ایران می‌توانند اشیاء ضروری و معیشتی و لباس‌های خود را بدون هرگونه گمرکی و عوارض دیگر وارد کنند (فصل ششم).

۱۳. اگر کسانی از اتباع ایران نزد وکیل یا کنسول و یا تجار روس به خدمت مشغول شود مانند تبعه روسیه از او حمایت می‌گردد و در صورت ارتکاب جرم و اثبات آن از سوی حاکم یا وزیر و یا هر بزرگی دیگر در واگذاری او مضایقه نخواهد شد (فصل ششم) «ساکما، سند ۲۹۵/۷۲۶۷؛ آلبوم بیوتات ۱۵۸ و ۱۳۹».

فصل‌های هفتم و هشتم و نهم این مقاله‌نامه اگر چه مربوط به مسائل حقوقی و جزایی اتباع روسیه بود، اما در حقیقت نوعی رژیم کاپیتولاسیون را بر کشور ایران تحمیل می‌کرد. بر اساس آن کلیه اختلافات میان اتباع روسیه و یا میان اتباع روسیه و اتباع ممالک دیگر در صورتی که طرفین راضی باشند مطابق قوانین دولت روسیه و با رسیدگی و حکم مأموران سیاسی یا کنسولی دولت روسیه صورت می‌گیرد و در اختلاف میان اتباع روسیه و ایران، موضوع در محاکم ایران و تنها با حضور مأموری از سفارت یا کنسولگری روسیه قابل رسیدگی خواهد بود. چنانچه شخص مقصر شناخته شد و حکم علیه او صادر گردید به وزیر مختار یا شارژدافر یا کنسول روسیه سپرده خواهد شد که به روسیه فرستاده و در آنجا بر اساس قوانین آن کشور مجازات شود (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۵۳؛ ساکما، سند ۲۹۵/۷۲۶۷؛ آلبوم بیوتات ۱۵۸ و ۱۳۹).

این مقاله‌نامه تجاری تقریباً تا پایان حکومت تزاری در روابط تجاری دو کشور ایران و روسیه برقرار بود. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و سقوط حکومت تزاری فصل دیگری در روابط تجاری بین دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و بیش از هر چیزی تحت تأثیر عهدنامه مودت ۱۹۲۱ قرار می‌گیرد. در نخستین نامه‌ای که کمیساریای ملی امور خارجه دولت شوروی در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ به دولت ایران ارسال کرد ضمن اعلام رسمی اصول سیاست خارجی شوروی نسبت به ایران همه قراردادهایی که دولت تزاری بر ایران تحمیل کرده بود لغو شد. بر اساس آن تمامی وام‌ها، امتیازات، خطوط تلگراف، راه‌ها و بانک استقراضی با همه شعب و متعلقات ارضی به ملت ایران واگذار شد. حق قضاوت کنسولی اتباع روسیه لغو و کشتی‌رانی در دریای خزر آزاد اعلام شد. مهم‌ترین مباحث در تعیین رژیم تجاری بین دو کشور نیز در خصوص حق تصرف در عواید گمرکی، تلگرافی، پستی و مالیاتی از دولت روسیه سلب و به دولت ایران واگذار شد. همچنین حق عبور و مرور و حمل هرگونه کالای تجاری به صورت ترانزیت از خاک روسیه به هر مکانی آزاد اعلام شد. حتی دولت شوروی متعهد شد شرایط حمل کالاهای تجاری ایران را با وسایل نقلیه شوروی از قبیل راه‌آهن و یا کشتی و امثال آن فراهم کند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۴۵، سال ۳۴، ش ۲۲، ص ۶-۷)

پس از تأخیر زیاد به موجب بی‌اعتنای دولت ایران و جدی نگرفتن این نامه در ابتدای کار دولت شوروی، در نهایت در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ / ۶ فروردین ۱۳۰۰ قرارداد مودت را امضا کرد. بر اساس فصل ۱۹: «دولتین معظمین متعاهدتین بعد از امضای این عهدنامه هر چه زودتر به تجدید روابط تجارتي خواهند پرداخت و ترتیبات صادرات و واردات مال التجاره و پرداخت قیمت آنها و حقوق گمرکی و میزان آن را که دولت ایران برای مال التجاره روسیه معین خواهد کرد در قرارداد جداگانه تجاری که توسط کمیسیون مرکب از نمایندگان طرفین منعقد خواهد شد تعیین خواهد گردید». در فصل بیستم نیز آمده است: «دولتین معظمین متعاهدتین ذی‌حقتد که مال التجاره خود را از حدود ایران یا از خاک روسیه به طور ترانزیت به خاک دولت ثالثی عبور بدهند ولی باید عوارض ترانزیتی مال التجاره مزبوره بیش از میزان مأخوذه از مال التجاره ملل کامله‌الوداد نشود» (حسام‌معزی، ۱۳۲۴، ص ۴۳۵؛ مکی، ۱۳۵۷، ص ۲۵۱-۲۸۳).

در این بین نمایندگان مجلس چهارم ایران اصرار می‌کنند که مواردی چون ترانزیت واردات کالا از کشورهای دیگر هم به مفاد قرارداد اضافه شود تا اینکه دولت ایران بتواند اجناس و کالاهای موردنیاز خود را از اروپا و از طریق نزدیک‌ترین راه تجاری وارد کند (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹). نماینده اتحاد شوروی به‌صورت کتبی این مورد را می‌پذیرد، اما در قرارداد تجاری ۱۹۲۴ مجدداً تنها برای کالاهای صادراتی ترانزیت آزاد در نظر گرفته شد و مورد موافقت طرفین قرار گرفت.

در قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی ۲۵ مارس ۱۹۴۰ ضمن پذیرش رسمی ترانزیت آزاد صادرات کالا از طریق خاک روسیه به ممالک دیگر، واردات کالا به استثنای اسلحه و مهمات جنگی از طریق خاک روسیه از ممالک دیگر تصریح و مورد موافقت قرار می‌گیرد (نوازی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹).

همان‌گونه که اشاره شد با تغییر حکومت در روسیه از رژیم تزاری به جمهوری سوسیالیستی، تجارت خارجی این کشور انحصاری شد و دولت جدید مشغول تدوین اصول تجارت شرق شد. از سوی دیگر امور مربوط به تجارت و بازرگانی از طریق یک سازمان تجاری دولتی از ارگان‌های وابسته به دولت شوروی سوسیالیستی صورت می‌گرفت و این سیستم دولتی محدودیت‌های زیادی برای بازرگانان و تجار آزاد کشورهای شرقی و از جمله ایران فراهم می‌کرد (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۳۸۸).

یکی از موارد مهم در روابط تجاری، نقض قرارداد ۱۹۲۱ توسط اتحاد شوروی و اعمال تعرفه اروپایی بود. دولت اتحاد شوروی، در داخل کشور خود دو قسم تعرفه تجاری را به اجرا

گذاشت. یکی از آنها به تعرفه آسیایی ۱۹۰۳ و دیگری به تعرفه اروپایی ۱۹۱۹ معروف شد. تعرفه آسیایی ۱۹۰۳ با اینکه برخی مفاد آن به ضرر تجار ایرانی بود، موردقبول قرار گرفته و روابط تجاری با آن برقرار سابق ادامه یافت، اما پس از چندی با کالاهای ایرانی به محض ورود به خاک شوروی بر طبق تعرفه اروپایی رفتار شد. تعرفه اروپایی به میزانی بود که تجار ایرانی بایستی تمامی کالاهای خود را در ازای آن واگذار کرده و از تجارت دست بکشند. این عمل اتحاد شوروی با اعتراض تجار و دولت ایران مواجه و عریضه‌ها و گزارش‌های زیادی از مناطق مختلف به ادارات گمرکی و وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه ارسال شد (ساکما، سند ۲۴۰/۶۲۶۰۰). در عریضه تجار مشهدسر به ریاست گمرکات مازندران آمده است:

«ریاست محترم گمرکات مازندران دام اقباله - با کمال احترام خاطر آن ریاست محترم را مسبوق میداریم از قرار معلوم دولت مطبوع و کارکنان اولیاء امر بکلی صرف نظر از ایران و ایرانی نبوده‌اند که به هیچ وجه برای حفظ حقوق این یک مشت مردم از پا در رفته حاضر نشده بلکه از همه حیث ما را بخود برگزار نموده که از هر طرف نقصان اقتصادی و تجارتی که از طرف داخله و خارجه به این یک مشت مردم از پا در رفته از تجار و غیره هجوم آور شده و از طرف دیگر دولت مطبوع ما هم کومک مادی و معنوی برای نقصان اقتصادی میفرمایند آیا جهت چه هست که تجار روس و نیشتروک و سانترسایوز باید به تعرفه قدیم در ایران گمرک داده و تجار مفلوک و از پا در رفته ایران باید به تعرفه جدید گمرک بدهند آخر ظلم پایه و حدی دارد چه طور میشود که تجار روس یک پراخود نطف وارد نموده سیصد تومان گمرک میدهد تجار ایرانی باید در یک پراخود سه هزار تومان گمرک بدهد آیا میتواند تجار ایرانی در جلو خارجه با این تفاوت گمرک آنهم در خاک پاک خودمان تجارت کنیم... استدعا داریم که عین عریضه ما را بریاست کل گمرکات ایران بطهران داده تا بلکه بوسیله ایشان بمقامات عالیه پیش نهاد فرمایند تا بلکه ما هم در جلو این تفاوت گمرک که هستی ما را تهدید می نماید رفع فرمایند. امضا عموم تجار مشهدسر. توضیحاً بعرض میرسانیم از قند و شکر هم تجار روس میدهند یکمن سه شاهی از تجار داخله یکمن دو قران می گیرند» (ساکما، سند ۲۴۰/۶۲۶۰۰).

در سوم اسفند ۱۳۰۱/۲۳ فوریه ۱۹۲۳ مستوفی الممالک نخست وزیر به همراه وزیر امورخارجه به سفارت شوروی رفته و با شومیاتسکی سفیر شوروی ملاقات کردند. در این ملاقات قرار شد تا از کالاهایی که از ۱۵ نوامبر تا اول مارس آن سال در گمرک مانده بود حقوق گمرکی آنها بر اساس تعرفه آسیایی گرفته شود (منشورگرگانی، ۱۳۲۶، ص ۱۸۸). به دنبال آن وزارت امورخارجه مطلب زیر را به گمرکات شمالی از جمله آذربایجان اعلان می نماید:

«حسب الامر اولیای دولت علیه اداره گمرکات مأمور است که باطلاع عموم حضرات آقایان تجار محترم برساند که دولت جمهوری شوروی روسیه من بعد از امتعه ایران که بروسیه حمل می‌شود حقوق گمرکی را از قرار تعرفه گمرکی آسیایی اخذ خواهد نمود ۹/حوت/۱۳۰۱» (ساکما، سند ۲۴۰/۶۲۶۰۰). با توافق به عمل آمده مشکل تعرفه حل شد، اما گمرک شوروی در اجرای آن مشکلات دیگری برای تجار ایجاد کردند. در اسناد عرایض سال ۱۳۰۱ اشخاص مختلف از تاجر و بازرگان از ایجاد تغییرات گمرکی و اجحافتی که به مال التجاره‌ها تعلق می‌گرفت شکایت کردند. از جمله این عرایض تلگرافی است که رحمت‌الله آستارابی و عیسی قلی‌اف رشتی به مجلس شورای ملی نوشته و در آن از اختلاف تعرفه گمرکی ۱۹۰۳ و ۱۹۱۹ و اخذ پول نقد از تجار ایرانی بابت مابه‌التفاوت به عنوان ودیعه شکایت کرده و خواهان رسیدگی شدند. به موجب عرایض مزبور گمرک شوروی مطابق تعرفه ۱۹۱۹ از تجار روسیه به عنوان ودیعه قبض و از تجار ایرانی وجه نقد دریافت کرده و پس از اجرای دوباره تعرفه ۱۹۰۳ قبض‌های تجار روس را برگردانده ولی در بازگرداندن وجوه نقدی تجار ایرانی تعلق و امتناع می‌کند (ساکما، سند ۲۴۰/۳۷۷۶۸).

از دیگر موارد نقض قرارداد تجاری جلوگیری از تجار ایرانی جهت ترانزیت صادرات از خاک اتحاد شوروی به دیگر ممالک خارجی بود. این امر در کنار حمل ماهی بدون قرارداد و پرداخت وجه از ایران به اتحاد شوروی، ضبط ماشین‌آلات و ادوات صید ماهی در بندر انزلی و حسن‌کیاده و سفیدرود و حمل ماهی‌های صیدشده بدون پرداخت دیناری به دولت ایران و تحویل ندادن بندر انزلی به ایران از جمله مواردی بود که در روزنامه ایران سال ۱۳۰۲ ش. منعکس شد (روزنامه ایران، ۱۳۰۲، ش ۱۱؛ منشورگرگانی، ۱۳۲۶، ص ۱۹۰).

در سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵ شاهد رونق بی‌سابقه بازار تجارت و بازرگانی ایران و اتحاد شوروی هستیم. شاید اتخاذ شیوه جدید مبارزه با امپریالیسم بریتانیا از سوی دولتمردان اتحاد شوروی در این قضیه بی‌تأثیر نبود. اتحاد شوروی بر آن بود تا از طریق ایجاد پیوند و توسعه روابط اقتصادی بازرگانی و تجاری از ایران همسایه‌ای مستقل و غیر وابسته از انگلستان برای خود دست‌وپا کند. در سال ۱۹۲۵ ایران توانست مقام بزرگ‌ترین صادرکننده کالاهای تجاری به شوروی را در میان کشورهای آسیایی از آن خود کند. به طوری که از ۱۱ میلیون روبل مبادلات تجاری بین کشورهای آسیایی و اتحاد شوروی ۷/۵ میلیون روبل آن به مبادلات با ایران اختصاص داشت. از طرف دیگر هم در ده ماهه اول سال ۱۹۲۵ در حدود ۷۵ درصد نفت موردنیاز ایران نیز از سوی روسیه تأمین می‌شد.

۴-۴. بحران تجاری و پیدایش نهضت اقتصاد

تغییر سیاست اقتصادی اتحاد شوروی در سال ۱۳۰۴ ش. / ۱۹۲۶ و تصویب مقررات جدید اخذ اجازه صدور کالا به شوروی موجب کاهش شدید ترانزیت کالا به آن کشور و در نتیجه بحران اقتصادی در میان بازرگانان ایرانی شد (ترابی فارسانی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲). اگرچه دولت اتحاد شوروی افزایش بیش از حد حجم مبادلات تجاری خارجی و اجرای سیاست اقتصادی نپ و طرح پنج‌ساله صنعتی کردن کشورش را از دلایل کاهش حجم واردات کالا به آن کشور می‌داند، اما تحلیلگران معتقدند که این سخت‌گیری برای تجار ایرانی بیشتر به‌عنوان سلاحی سیاسی به‌منظور به‌کارگیری این افراد به نفع اتحاد شوروی از قبیل فعالیت‌های جاسوسی در مسیر سیاست مخفی آن کشور بوده است (ذوقی، ۱۳۶۸، ص ۳۹۱).

اجرای قوانین خاص انحصار تجاری در روسیه امکان هرگونه مبادله تجاری را برای تجار ایرانی با آن کشور دشوار کرده و تعدد خریداران کالاهای ایرانی را فقط به یک مرکز دولتی منحصر می‌کرد. انحصار تجارت موجب می‌شد که روس‌ها کالاهای ایرانی را ارزان خریداری کرده و کالاهای خود را گران‌تر بفروش برسانند. برخی تجارتخانه‌های روسی مانند ونشتورک و سانترسایوز که مجری سیاست‌های اقتصادی شوروی بودند تمامی معاملات تجاری را تحت‌اختیار خود درآورده و با امکانات ویژه‌ای که دولت شوروی به آنان داده بود از جمله صدور تمامی اجناس روسی که حمل آن برای سایرین ممنوع بود، معافیت در پرداخت ۱۰ درصد گمرک روسیه، استفاده رایگان از راه‌آهن و کشتی برای حمل‌ونقل اجناس، در دست داشتن دواير دولتی به‌خصوص گمرک و حمل‌ونقل شهری، تمامی تجارت شمال ایران را در اختیار این تجارتخانه قرار می‌داد. مداخلات تجارتخانه‌های مزبور در اعلام ممنوعیت موقتی، واردات برخی کالاها از قبیل قند و شکر، آرد، چینی‌آلات، منسوجات و برنج را در انحصار آنان قرار می‌داد. ناتوانی تجار ایرانی در رقابت با این تجارتخانه‌ها موجب شد تا علاوه بر استمداد از دولت، به تجار بانفوذی چون حاج امین‌الضرب متوسل شوند. روزنامه *ایران* صفحاتی را به شکایات تجار ایرانی از اخذ مبالغ کلان گمرکی از تجار ایرانی و همچنین لزوم صدور جواز برای کالاهای ایرانی و الزام گمرک شوروی در مقابل صدور مال‌التجاره از ایران و مطالبه خرید کالای روسی اختصاص می‌دهد (روزنامه ایران، ۱۳۴۰، ش ۱۱۱۴ و ۱۱۱۷، ص ۲).

وزارت فواید عامه در مکاتبات خود با وزارت خارجه ضمن اسفناک خواندن تجارت شمال می‌نویسد که با امتیازات و تسهیلاتی که دولت شوروی به تجارتخانه‌های ونشتورک و سانترسایوز داده است با فرض آزاد بودن تجارت، رقابت تجار ایرانی با آنها عملاً غیر ممکن خواهد بود. اداره

گمرک نیز در ضمن گزارش‌های متعدد خود از وضعیت تجار ایرانی برای صدور کالا به روسیه، شرایط را اسفبار توصیف کرده و اعلام نمود که هم‌زمان با این مشکلات، گمرکات بادکوبه و قفقاز برای اجناس ایرانی تعرفه اروپایی را نیز اعمال می‌کنند: «اداره کل گمرکات قفقاز به گمرکخانه بادکوبه امر صادر کرده اگر مال‌التجاره وارده از ایران باسم مکاره نباشد و تجار باسم خود وارد کنند باید تعرفه اروپا را تأدیه نمایند...» (ساکما، سند ۶۲۶۰۰/۲۴۰).

پس از اعتراضات تجار انزلی و گیلان، تجار تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور نیز به این روش دولت شوروی در مواجهه با تجار ایرانی و ممانعت از ترانزیت کالاهای ایرانی از خاک شوروی دست به اعتراض زدند. عده‌ای از تجار گیلانی در دی ۱۳۰۵ برابر با ژانویه ۱۹۲۷ در پاسخ به شرایط بحرانی پیش‌آمده تشکیلاتی به نام جمعیت نهضت اقتصاد ایجاد کردند و از سایر تجار نیز درخواست کردند به این نهضت بپیوندند. پیدایی نهضت اقتصاد حاکی از تبلور انسجام و اتحاد طبقاتی تجار و ظهور خواسته‌های گروهی آنان بوده است. آنان به‌خوبی منافع گروهی یکدیگر را دریافته و به‌شکل کاملاً تشکیلاتی و منظم با شبکه‌های خود در شهرها و مراکز مختلف کشور ارتباط پیدا کردند (ترابی فارسانی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۲). روزنامه *حبل‌المتین* با مقدس نامیدن اقدام تجار به ترغیب و تشویق نهضت اقتصاد و انتشار درخواست‌های آنان پرداخت (روزنامه *حبل‌المتین*، ۱۳۴۵، ش ۹، ص ۷-۸).

با وجود مذاکرات و رفت و آمدهای نمایندگان دو کشور و تجار گیلانی این وضعیت تا اوایل دوره پهلوی ادامه یافت. آنان در اعتراض به وضعیت تجارت با شوروی و مذاکراتی که با نمایندگان تجارتی شوروی در گیلان صورت گرفت، تصمیم گرفتند که دیگر با مؤسسات تجاری شوروی در ایران به‌هیچ‌وجه معامله نکرده و تا زمانی که اقدامات دولت برای تعیین نرخ اجناس و دیگر مشکلات تجاری ایران با نمایندگان شوروی منجر به نتیجه مطلوب نشد به رویه خود مبنی بر خودداری از هرگونه معامله و تجارت ادامه دهند. نهضت اقتصاد گیلان با تمامی تجار مرکز و ایالات و ولایات از طریق تلگراف ارتباط برقرار کرد. در پی این اقدام اتحادیه تجار همدان ضمن تأیید نظریات نهضت اقتصاد گیلان در بیانیه‌ای خطاب به مقامات کشور بر لزوم صنعتی شدن و تقویت کارخانه‌های نساجی، تقویت محصولات زراعی موردنیاز کارخانه‌های مرتبط با محصولات زراعی تأکید کردند. نهضت اقتصاد قزوین نیز با حضور ۶۴ نفر از تجار تشکیل و طی بیانیه‌ای ضمن حمایت خود از نهضت اقتصاد گیلان از کسری صادرات ایران نسبت به واردات و عملکرد انحصارطلبانه مؤسسات تجاری شوروی شکایت نمودند (مختاری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳-۱۶۹).

تجار خراسان در حمایت از تجار سایر مناطق نهضت اقتصاد خراسان را تشکیل دادند و در اعلامیه‌ای از ورود مال‌التجاره‌های روسی از طریق شرکت‌ها و تجارتخانه‌های روسی به داخل ایران و عدم‌اجازه صدور کالاهای ایرانی به خاک روسیه شکایت کرده و خواهان رسیدگی نمایندگان مجلس شورای ملی به قرارداد تجاری با شوروی شدند (ساکما، سند ۲۹۳/۵۴۹۴). نهضت اقتصاد در بابل (بارفروش) مازندران به‌منظور حمایت از تجار ایرانی در تاریخ ۱۳۰۵/۱۱/۱۵ تشکیل شد و در تاریخ ۱۳۰۵/۱۲/۱۲ با صدور بیانیه‌ای ضمن برشمردن فشارهای تجار و شرکت‌های تجاری شوروی و ازدیاد واردات کمرشکن، خواهان برچیدن شعبات تجاری شوروی و منع ورود و صدور هرگونه مال‌التجاره از بنادر شمالی کشور شد (نوری، ۱۳۸۸، ص ۲۹۴-۲۹۷).

در تهران نیز جمعیت نهضت اقتصاد مرکز تشکیل و با تجار سایر نقاط کشور همراه و همگام شد. آنان بر لزوم بستن مرزها بر روی واردات و تسریع در روند انعقاد قرارداد تجاری با شوروی تأکید کردند. در بیانیه‌ای که این نهضت در تهران منتشر کرد به کثرت واردات و لزوم جلوگیری از صادرات به شوروی و همچنین در نامه دیگری به شخص شاه از فشارهای اقتصادی به تجار شمال و وضعیت نامطلوب عده‌ای از تجار و لزوم مساعدت دولت به آن‌ها را مطرح کردند (ساکما، سند ۲۹۳/۵۵۱۵ و ۲۱۰/۲۵۹۰؛ روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۴۵، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۵-۲۶).

تجار در شهرهای تبریز، ارومیه، خوی، مرنده، و آستارا نیز نهضت اقتصاد تشکیل شده و با صدور اعلامیه و بیانیه و ارسال تلگراف به مجلس شورای ملی و ریاست وزرا از علت تعلق مجلس در وضع قانون مقابله‌به‌مثل در برابر دولت شوروی سؤال کرده و لزوم انعقاد هرچه زودتر قرارداد تجاری را متذکر شدند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۴۵، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۲۸).

در اصفهان اتحادیه اصناف این شهر به حمایت از نهضت اقتصاد اعلام کرد از خرید اجناس خارجی خودداری و به کالاهای وطنی قناعت خواهد کرد و حاج شیخ نورالله اصفهانی در زیر اعلان اتحادیه اصناف بیانیه‌ای با عنوان اسلام در خطر است منتشر و ضمن تأیید نظرات اتحادیه مزبور از ورود کالاهای خارجی سخت انتقاد کرد (ساکما، سند ۳۹۱/۱۱۴۲).

دولت وقت ایران در پی این اعتراض‌ها وعده داد تا در سریع‌ترین زمان منافع تجاری کشور و تجار را در مذاکرات خود با دولت شوروی سوسیالیستی تأمین کند. در نخستین اقدام دربار و دولت به‌منظور تسریع در روند انعقاد قرارداد تجاری با شوروی، سرانجام علیقلی‌خان انصاری در سفری تقریباً شش‌ماهه به مسکو موفق شد مذاکرات مربوط به قرارداد تجاری بین ایران و

اتحاد شوروی را به انضمام چهار قرارداد دیگر شامل قراردادهای تأمینیه و بی‌طرفی که به نام استحکام دوستی برای طرفین تعهدات متقابل در خصوص عدم تعرض و عدم مداخله در امور داخلی و عدم مشارکت در اتحادها و معاهدات سیاسی و همچنین تحریم و محاصره اقتصادی که بر ضد طرف دیگر باشد مقرر می‌کرد، قرارداد استفاده از شیلات سواحل جنوبی بحر خزر که ترتیبات و شرایط کار کمپانی مختلط ایران و شوروی را در امور مربوط به شیلات به مدت ۲۵ سال تعیین می‌کرد و همچنین ریاست هیئت‌مدیره کمپانی به نماینده ایران تعلق می‌گرفت، مبادله یادداشت درباره نگهداری بندر پهلوی و ابنیه آن از طرف دولت ایران و قرارداد گمرکی که تعرفه قراردادی در روابط تجاری بین دو کشور را مقرر می‌دارد و همچنین بر رعایت اصل معامله متقابل کامله‌الوداد در تعرفه‌ها و مسائل گمرکی تأکید دارد، به سامان رسانده و در ۸ مهر ۱۳۰۶ به امضا برساند (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴؛ روزنامه کوشش، ۱۳۰۶، ش ۱۰۰، ص ۲؛ ساکما، سند ۲۴۰/۵۰۹۶۳). از نکات مهم قرارداد تجاری بین ایران و اتحاد شوروی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. «تعیین ترتیب اجرای مبادله جنسی بین دو کشور. به این ترتیب میزان پنجاه میلیون منات روسی برای واردات مال‌التجاره وطنی ایران به اتحاد شوروی معین می‌شود. توافق شد در حدود این مبلغ برای تجار ایرانی برای واردات مال‌التجاره ایران به اتحاد شوروی و صادرات مال‌التجاره اتحاد شوروی به ایران به طریقی که معادل ۹۰ درصد واردات اجناس ایران، اجناس شوروی صادر شود.»

۲. در ضمن یادداشت‌های مبادله‌شده پیش‌بینی شده که ممکن است بر مقدار صادرات ایران به اتحاد شوروی افزوده شود. همچنین در تجارت با اتحاد شوروی مزایایی اساسی برای تجار ایرانی پیش‌بینی شده و تجار ایرانی را در یک سلسله از مسائل مهمه در ردیف و وضعیت متساوی با تشکیلات دولتی و تعاونی اقتصادی شوروی قرار داده‌اند.

۳. به تجار ایران اجازه ترانزیت صادراتی آزاد از خاک شوروی به ممالک ثالث و همچنین ترانزیت واردات در حدود صورت‌های مخصوصی از ممالک ثالث که اتحاد شوروی روابط تجاری با آن‌ها دارد داده می‌شود. این قرارداد برای تجار ایرانی در امر اجرای ترانزیت یک سلسله تخفیفات و مساعدتهایی پیش‌بینی کرده است» (روزنامه کوشش، ۱۳۰۶، ش ۱۰۰، ص ۲؛ ساکما، سند ۲۹۰/۲۰۰۲).

در قرارداد گمرکی منعقد شده بین ایران و اتحاد شوروی در ۸ مهر ۱۳۰۶ برابر با اول اکتبر ۱۹۲۷ موارد زیر مورد موافقت و مبنای رژیم حقوقی گمرکی دو کشور قرار گرفت:

۱۱. به استثنای حداقل حقوق گمرکی و مالیات‌های مضروبی و اضافی یا هرگونه عوارض ورود و صدور که از اجناس متشابه یک مملکت ثالثی در موقع ورود یا صدور اخذ می‌شود یا خواهد شد هیچ حقوق گمرکی مالیات‌های مضروبی و اضافی یا عوارض ورودی و صدوری دیگری یا بیشتری از محصولات ارضی و صنعتی شوروی که مستقیماً از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد ایران می‌شود دریافت نخواهد شد. به همین شکل به استثنای حداقل حقوق گمرکی و مالیات‌های مضروبی و اضافی یا عوارض دیگر ورودی و خروجی که از اجناس متشابه یک مملکت ثالثی گرفته می‌شود یا خواهد شد از محصولات ارضی و صنعتی ایران که از این کشور به سمت اتحاد جماهیر شوروی وارد و صادر می‌شود هیچ‌گونه حقوق گمرکی و مالیات‌های مضروبی و اضافی و عوارض دیگری یا بیشتری دریافت نخواهد شد.

۲. محصولات ارضی و صنعتی ممالک اتحاد شوروی و همچنین ایران در موقع ورود به خاک یکدیگر حقوق گمرکی معینی را علاوه بر حقوق شانس‌سری پمپاژ و انبارداری و عوارض متشابه دیگر را که به موجب نظامنامه گمرکی مقرر شده پرداخت خواهند نمود.

۳. نرخ‌های تعیین شده در قرارداد حد اعلاای حقوق گمرکی است و در هر موقع ممکن است تخفیف و یا ملغی شود.

۴. نسبت به مال‌التجاره‌هایی که بر طبق مقررات قانونی وارد خاک طرفین می‌شود پس از پرداخت حقوق و عوارض قانونی در تحت هیچ عنوانی نباید با اجناس متشابه داخلی و یا با اجناس متشابه دیگر کشورها برخورد شود.

۵. در خصوص ضمانت و ترتیب دریافت حقوق گمرکی و سایر مرسومات ورود و خروج مال‌التجاره هر یک از طرفین متعهد می‌شود که طرف دیگر را از کلیه امتیازاتی که حالیه به دولت ثالثی اعطا نموده یا بعدها خواهد نمود برخوردار سازد.

۶. دو دولت توافق کردند که قیمت اجناس جهت تعیین حقوق گمرکی در صورتی که تعرفه از روی قیمت اجناس باشد مساوی خواهد بود. قیمت مزبور در هیچ موردی کمتر از قیمت عادلانه فروش کلی اجناس متشابه در محل یا در موقع ورود نخواهد بود. پس از وضع ده درصد و مبالغی که بابت حقوق و عوارض این نوع جنس در موقع ورود دریافت می‌شود.

۷. اگر چنانچه قیمت‌گذاری اجناس به پول خارجی صورت گیرد مظنه تسعیر پول خارجه به پول داخلی از روی آخرین نرخ معاملات بانک‌های محلی قبل از تقدیم اظهارنامه گمرکی خواهد بود.

۸. تصدیق مبدأ جنس جهت ارائه به دوایر گمرکی را برای ایران اتاق‌های تجارت و یا دوایر

گمرکی صادر و تصدیق اجناس اتحاد شوروی را کمیسر ملی تجارت و شعبات آن صادر می‌نمایند.

۹. این قرارداد به مدت ۵ سال مجری خواهد بود.

۱۰. دولت شوروی تعهداتی که دولت ایران در عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ درباره قرارداد گمرکی داشته را خاتمه یافته محسوب می‌دارد» (ساکما، سند ۵۰۹۶۳/۲۴۰).

در اقدامی دیگر دولت با انتشار قانون انحصار تجارت خارجی به کمک تجار شتافت. این قانون در روز چهارشنبه ششم اسفند ۱۳۰۶ از سوی مجلس شورای ملی به این شرح به تصویب رسید. ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی یا دائمی میزان واردات و صادرات مزبور به دولت واگذار می‌شود و دولت می‌تواند تا تصویب متمم این قانون از ورود مال‌التجاره خارجی به خاک ایران جلوگیری نماید (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۰). این اقدامات دولت برای مدت زمان اندکی موجب آرامش و خوشحالی تجار گردید. در برخی شهرها تجار و مردم به شادمانی پرداختند، (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵ و ۱۳۱). اما در کمتر از یک سال دوباره شکایت و نگرانی از عملکرد تجار شوروی و شعبات بانک ایران و روس از سوی تجار آغاز شد.

حکومت بارفروش در گزارش ۱۶ بهمن ۱۳۰۷ درباره تجارت در مازندران و نارضایتی تجار بواسطه مداخلات عوامل شوروی می‌نویسد: «علت اصلی آن هم سیاست تجارته روسیه کنونی و مجری و عامل قوی این نیز شعبه بارفروش بانک روس پرس می‌باشد. قلت سرمایه تجار مازندران و فقدان بانکی که حامی تجارت این خطه باشد موجب این امر شده است. لذا در خواست تشکیل فوری شعبه بانک ملی در بارفروش را داریم تا رفع بحران اقتصادی و جلوگیری از افلاس عمومی سکنه به عمل آورده شود» (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷-۱۱۹). حکومت گیلان نیز در گزارش ۱۹ اسفند ۱۳۰۸ می‌نویسد که ظاهراً بانک شوروی (روس پرس) با تنظیم تعهدنامه‌ای از فقر و استیصال تجار سوء استفاده کرده و با تحمیل آن موجب غرق شدن هر چه بیشتر تجار و تجارت در نواحی شمال کشور شد (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹-۱۲۰). همچنین در گزارش دیگری در نهم دی ۱۳۱۱ از مخالفت و اعتراض تجار گیلانی می‌نویسد: «در اواسط ماه گذشته بعضی از تجار رشت و بندر پهلوی به این حکومت اظهار داشتند که در تهران نهضتی بر علیه روس‌ها شروع شده و تلگرافاتی رسیده که خرید و فروش مال موقوف شود ... آنها را به ترک معاملات انفرادی با مؤسسات تجارته شوروی تشویق می‌نمود. تجار

اینجا حضوراً مشکلات و معایب دادوستد خود را با مؤسسات تجارته شوروی تشریح و حاضر شدند مانند تجار تهران اتفاق نموده بین خود تشکیلاتی قائل شوند و به ترک معاملات انفرادی با مؤسسات شوروی اقدام نمایند» (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴-۱۳۸). بلافاصله جمعیت تجار بندر پهلوی اعلامیه‌ای صادر کرده و از وخامت اوضاع تجارته و ضعف قوای اقتصادی تجار ایرانی و اقدامات و کارشکنی‌های مؤسسات تجارته شوروی و بانک روس سخن گفته و خواستار مسدود نمودن باب دادوستد و هرگونه معامله تجاری با شوروی و مؤسسات وابسته به آن شدند (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸-۱۴۰).

رئیس اتاق تجارت بارفروش در نامه‌ای در خصوص کارشکنی کمیساریای روس در امر تجارت می‌نویسد: «بر طبق تلگرافی که از تجار ایرانی مقیم باکو راجع به اوضاع اقتصادی و عدم ایفای مؤسسات شوروی به مواعید خود واصل گردیده و خودمان هم مشاهده می‌نماییم در چهارم خرداد شرحی به وزارت اقتصاد ملی عرض و اینک تجدید می‌نماییم که توجه مخصوص به تجارت شمال و رفتار عمال شوروی بفرمایند. فعلاً خریدار، فروشنده، عمال حمل و نقل، تعیین کننده نرخ ارقام مال‌التجاره و اختیاردار کل یک کمیساریا می‌باشد. بدیهی است مراعات اصل مؤدت را نموده هر موقع اشکال جدیدی ایجاد می‌نمایند. گاهی از حمل مال‌التجاره موجود در بنادر خودداری، گاهی عوض مال‌التجاره را مطابق مواعید خود نمی‌پردازند. در نتیجه تجارت برنج، خشکبار، میشت تیماج، مرکبات و غیره که اقلام درجه اول صادرات مملکت را تشکیل می‌دهد امروزه به صفر رسیده و یک اختناق اقتصادی در سرتاسر شمال تولید شده اگر این وضعیت ادامه داده شود اصل فلاحه نقصان کامل و موضوع تجارت از بین رفته منجر به ورشکستگی عموم خواهد شد. لذا اتاق تجارت بارفروش استرحاماً تقاضا می‌نماید که دولت علیه در سرحدات تشکیل کمیسوین سرحدی و سندیکات برای مبادله جنس با دولت شوروی بدهند تا از فقر اقتصادی ممانعت به عمل آید. عبدالمجید مجیدی ۱۳۰۹/۳/۱۲» (نوری، ۱۳۸۸، ص ۳۱۱-۳۱۲). شکایت‌های متعدد دیگری نیز از سوی تجار شمال کشور به مجلس شورای ملی فرستاده شد (طاهراحمدی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۶-۳۱۷).

گسترش دوباره نهضت اقتصاد در شهرهای مختلف کشور از همان ابتدا موجب نگرانی و آشفتگی مسئولین سیاسی و اقتصادی شوروی در ایران بود. در بهمن ۱۳۰۸ آرانسون، رئیس تجارت شرق اتحاد شوروی، از تهران به رشت رفته و با دعوت از تجار رشت و انزلی خواهان رسیدگی به وضعیت تجارت با شوروی شد. اقدام او با مخالفت حاکم گیلان مواجه و از او خواسته شد تا در حضور نمایندگان اتاق تجارت رشت و انزلی و به صورت رسمی مذاکرات

صورت گیرد. نهایتاً در این مذاکرات نمایندگان تجار علل مخالفت و نهضت خود را به اختصار بیان کردند. مواردی همچون نابرابری نرخ اجناس شوروی و ایران، فروش غیر عادلانه اجناس انحصاری تجار شوروی به تجار ایرانی به گونه‌ای که قیمت آن در بنادر شمال گران‌تر از قیمت آن در مناطق مرکزی و دیگر ولایات از جمله این دلایل بود (ساکما، سند ۲۹۰/۷۱۴).

در تلگراف رمز تبریز به وزارت داخله مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۰۹، ژنرال قنسول شوروی در تبریز در ملاقاتی که با حاکم این شهر داشت صریحاً نگرانی خود را از تصویب قانون انحصار تجارت خارجی مصوب دولت ایران در حمایت از تجارت مصنوعات داخلی، اعلام نمود: «وی اظهار کرد که اگر در اجرای این قانون نظر خصوصی و تبعیض نشود و فقط به جهت تشویق و حمایت مصنوعات داخلی باشد از طرف دولت شوروی کاملاً استقبال خواهد شد زیرا بهبودی اول اقتصاد ایران امال دیرینه و اسباب مسرت ماست و الا اگر این ترتیب مربوط به جریاناتی باشد که بر ضد اقتصادیات شوروی در اروپا تجهیز شده اسباب تأسف بوده و دولت شوروی با وسائل مربوطه مجبور به دفاع خواهد شد...» (ساکما، سند ۲۹۳/۳۷۶۳).

در سند محرمانه حکومت گیلان و طوالش به وزارت داخله مورخ ۹ دی ۱۳۱۱ از ملاقات پیکالف کنسول شوروی در رشت با حاکم گیلان آمده است که کنسول شوروی از رویه‌ای که تجار گیلانی علیه مؤسسات تجارتی شوروی اتخاذ کردند و با صدور اعلامیه در سطح شهر به مقابله با تجارت شوروی می‌پردازند، اعتراض نموده و خواهان رسیدگی شد (ساکما، سند ۲۹۳/۳۷۶۳).

به دنبال این اعتراضات و بحران مجدد اقتصادی و تجاری بین دو کشور ایران و اتحاد شوروی و نقض عهدهایی که از سوی دولت شوروی صورت می‌گرفت، در ۴ شهریور ۲۷/۱۳۱۴ اوت ۱۹۳۵ عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی در هجده ماده و یک پروتکل اختتامیه بین نمایندگان دو کشور - باقر کاظمی وزیر امور خارجه، و اعلم رئیس کل تجارت ایران، و چرنیخ سفیر فوق‌العاده و نماینده مختار اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و مشتاک نماینده تجارتی اتحاد جماهیر شوروی در ایران - به امضا رسید (ساکما، سند ۲۴۰/۱۰۸۹۳). این قرارداد با تغییراتی اندک مجدداً در ۵ فروردین ۱۳۱۹ برابر با بیست و پنجم مارس ۱۳۴۰ به امضای نمایندگان دو کشور رسید و مبنای تجارت بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی تا زمان سقوط و فروپاشی این کشور قرار گرفت. امضاکنندگان این قرارداد وزیر خارجه ایران مظفر اعلم و صادق وثیقی نماینده وزارت بازرگانی و از سوی اتحاد شوروی ماتوی فیلیمونو سفیر کبیر این کشور در ایران و پتر ایوانوویچ الکسیوف نماینده بازرگانی شوروی در ایران بودند. مواد مربوط به تجارت

و بازرگانی در این قرارداد شامل شانزده ماده است. مواد این قرارداد از جمله موارد مهمی است که مبنای تعیین رژیم حقوقی تجارت و بازرگانی و امور گمرکی بین دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفته و تا پایان عمر اتحاد شوروی و فروپاشی این همسایه شمالی ادامه یافت. شرح این مواد به قرار زیر است:

«۱. از محصولات طبیعی و صنعتی که مبدأ آن خاک یکی از دو کشور متعهد باشد حداقل حقوق گمرکی و سایر عوارض که در تعرفه گمرکی و قوانین کشور وارد کننده پیش بینی شده یا در آینده وضع خواهد شد، گرفته خواهد شد.

۲. هر یک از دو کشور ایران و اتحاد شوروی موافقت کردند که به طرف متعاقد خود رژیم کامله‌الودادی مطلق در موارد زیر را واگذار نماید.

الف: در شرایط گرفتن حقوق گمرکی و عوارض و اضافات مالیاتی

ب: در استفاده از انبارهای گمرکی و سایر انبارهای عمومی برای کالاها و تنظیم ورود و نگهداری کالاها در بنادر و خروج از آنها

ج: در طبقه‌بندی گمرکی و تفسیر تعرفه‌های معمول در مقررات و تشریفات و وظایف و پرداختها

د: در تحمیل عوارض داخلی به کالاها یکی از طرفین در خاک گمرکی طرف دیگر متعاقد، عوارضی که مربوط به تولید و ساخت، گردش و مصرف، حمل و نقل کالاها می‌شود.

۳. هر یک از دو طرف موافقت کردند که نسبت به واردات و صادرات به خاک یکدیگر هیچگونه تحدیدات و یا ممنوعیت‌هایی که نسبت به عموم کشورهای دیگر معمول نمی‌گردد مجری ندارند مگر در تحدیدات و ممنوعیت‌هایی که به مناسبت نظم عمومی و امنیت دولتی و بهداشت و مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و بدون استثنا برای تمامی کشورها در نظر گرفته می‌شود.

۴. نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در ایران جزو سفارت این کشور محسوب گردیده و این اجازه را دارد از تمامی حقوق سیاسی و سفارتی برخوردار گردد. همچنین این اجازه را دارد تا در شهرهای تبریز و مشهد و بندر پهلوی دارای شعباتی باشد.

۵. اتحاد جماهیر شوروی مسئولیت هرگونه معاملات تجاری را که در ایران بوسیله نمایندگی تجاری اتحاد جماهیر شوروی که مقر آن در تهران بوده و جزو سفارت کبرای این کشور و حافظ منافع آن نسبت به امور تجاری است، به عهده می‌گیرد اما مسئولیت معاملات دیگر مؤسسات اقتصادی اتحاد شوروی بر عهده خود آن مؤسسات می‌باشد.

۶. بازرگانان و صاحبان صنایع و اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی که مطابق قوانین ایران تشکیل شده‌اند در موقع عملیات اقتصادی خود در خاک اتحاد شوروی در شرایطی که قوانین شوروی انجام آن فعالیت را مجاز دانسته باشد، نسبت به شخص و اموال خود از همان رژیم مساعدی که در حق اشخاص حقوقی و اتباع دولت کامله‌الوداد اجرا می‌شود بهره‌مند خواهند شد. همچنین بنگاه‌های دولتی اقتصادی اتحاد شوروی و سایر اشخاص حقوقی که بر اساس قوانین این کشور اهلیت حقوقی را دارند در موقع انجام عملیات اقتصادی در خاک ایران و در صورت مجاز بودن عملیات اقتصادی نسبت به شخص و اموال خود از همان رژیم مساعد برای اتباع دولت کامله‌الوداد برخوردار خواهند بود.

۷. نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در ایران و بنگاه‌های اقتصادی شوروی می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات مربوط به بازرگانی خارجی (انحصار تجارت خارجی). همه گونه کالاهای ایرانی را بجز کالاهایی که صدور آن از ایران ممنوع است به طور آزاد و بدون مشکلات و موانعی برای صدور به شوروی خریداری نماید.

۸. اتحاد جماهیر شوروی حق خواهد داشت در حدود سهمیه‌هایی که برای هر سال اعتبار قرارداد بازرگانی و بحریمایی معین خواهد شد کالا وارد ایران کند. فهرست این کالاها با تعیین سهمیه آن همه ساله از طرف نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در ایران با وزارت بازرگانی ایران تنظیم خواهد شد.

۹. دولت ایران به نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی در ایران در انعقاد قراردادهای بازرگانی با ادارات و شرکت‌های دولتی مساعدت لازم را خواهد نمود. دولت شوروی از طرف خود موافقت می‌نماید که مجموع ارزش کالاهای وارده و صادره اتحاد شوروی که مطابق قراردادهای مربوط به دولت ایران و ادارات و شرکت‌های نامبرده به ریال فروخته شده از مجموع ارزش کالاهایی که از دولت ایران و ادارات و شرکت‌های نامبرده به ریال خریداری و از ایران صادر شده و یا به دولت ایران و ادارات آن فروخته شده و وارد این کشور شده است کمتر نباشد.

۱۱. نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در ایران و دیگر بنگاه‌های اقتصادی شوروی در موقع گرفتن پروانه برای وارد کردن کالا به ایران مطابق سهمیه‌های سالیانه از ارائه گواهینامه صدور کالای ایرانی معاف می‌باشند. وزارت بازرگانی ایران پروانه وارد کردن کالاها را که از روی سهمیه‌های سالیانه پیش بینی گردیده بدون مانع به نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در ایران و بنگاه‌های اقتصادی شوروی خواهد داد.

۱۲. دولت ایران موافقت می‌کند که تحدیدات ارزی جاری و تحدیداتی را که ممکن است در

آینده در مدت اعتبار این قرارداد وضع شود در صورتی که این گونه مقررات مانع از اجرای این قرارداد شود را در مورد مؤسسات اقتصادی شوروی برقرار نکند و همچنین در تمام مدت اعتبار این قرارداد حق داشتن تلمبه‌های بنزین و انبارهای نفت و سایر مؤسسات مربوط به تجارت نفت را مطابق مقررات و قوانین ایران تأمین نماید.

۱۳. نظر به منافع تجارتي ایران و موافقت ماده ۲۰ عهدنامه مودت ۱۹۲۱ طرفین معاهده حق ترانزیت آزاد از خاک خود برای محصولات طبیعی و صنعتی به مقصد هر کشور ثالثی را به کشور متعاقد دیگر منظور خواهد کرد.

۱۴. اتحاد جماهیر شوروی به شرکت‌های تجارتي و تجار ایران حق صدور آزاد را به هر مقصدی که باشد برای محصولات طبیعی و صنعتی که از ایران به خاک آن کشور وارد شده و به فروش نرسیده اعطا می‌نماید. محصولات متعلق به شرکت‌ها و تجار ایرانی که وارد خاک شوروی شده و حقوق گمرکی پرداخت کرده‌اند در موقع خروج از منطقه گمرک اتحاد شوروی حقوقی که از آن‌ها گرفته شده مسترد می‌شود. البته به شرطی که اجناسی که صادر می‌کنند همانی باشد که وارد کرده‌اند. همین حق و حقوق را دولت ایران به مؤسسات و ادارات اتحاد شوروی خواهد داد.

۱۵. اتحاد جماهیر شوروی ترانزیت آزاد را از خاک خود به ایران برای محصولات تجارتي و حتی غیر تجارتي اعطا می‌کند به شرطی که مبدأ آن محصولات کشورهایی باشند که با اتحاد شوروی عهدنامه یا مقاوله‌نامه تجارتي یا قرارداد تجارتي منعقد کرده باشند. البته اسلحه و مهمات جنگی حق ترانزیت آزاد از خاک شوروی را نخواهند داشت.

۱۶. در مقابل، دولت ایران نیز ترانزیت آزاد به اتحاد شوروی نسبت به محصولات طبیعی و صنعتی به کشورهای که با ایران قرارداد یا مقاوله‌نامه تجارتي دارند به استثنای اسلحه و مهمات جنگی اعطا خواهد کرد.

۱۷. مقرر گردید در خصوص ترانزیت و حمل مسافری و پاکاژ و کالا و سایر کالاها به وسیله راه‌های آهن و به‌طور کلی از راه خشکی و آبی و هوایی، هریک از طرفین متعاقد معامله دولت کامله‌الوداد را به طرف متعاقد دیگر اعطا کند» (ساکما، سند ۲۴۰/۸۲۹۹؛ روزنامه کوشش، ۱۳۱۹، س ۱۸، ش ۴۲۶۳، ص ۴-۶).

سخن پایانی

از زمان‌های بسیار دور دو اصل مهم بر دریاها حاکم بوده است: یکی حق دولت‌های ساحلی برای حفظ و حراست از نوار ساحلی خود، و دیگری آزادی کشتی‌رانی و ماهیگیری در دریای آزاد آن‌سوی مناطق ساحلی. لازم به ذکر است که همواره برخی کشورها تلاش می‌کردند تا مناطق بیشتری از دریاها را به تملک خویش درآورند. در سابقه تاریخی دریای خزر نیز اقوام ساکن در اطراف آن ضمن تلاش برای حفظ سواحل خود به دنبال گسترش مناطق مورد بهره‌برداری ماهیگیری و تجارت در آن‌سوی سواحل بودند. دریای خزر با داشتن تالاب‌ها، خلیج‌ها و مصب رودخانه‌های متعدد و به‌واسطه ارزش زیستی برای گونه‌های کمیاب و دیگر ویژگی‌های متنوع زیستی منحصر به فرد از اهمیت اکولوژیکی برخوردار است. همچنین این دریا به دلیل قرار گرفتن در مسیر شرق به غرب و شمال به جنوب و همسایگی با کشور روسیه و مناطق نفت‌خیز قفقاز از اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و اقتصادی زیادی برخوردار و مورد توجه است. با پیدایش ملت‌ها و دولت‌های بزرگ ملی دو کشور ایران و روسیه به‌عنوان دو همسایه همواره بر سر سواحل و تجارت و ماهیگیری در دریای خزر با یکدیگر به رقابت می‌پرداختند. پس از دو دوره جنگ‌های ایران و روسیه و عقد معاهدات یکجانبه و تحمیلی گلستان و ترکمنچای برای مدتی طولانی تنها دولت روسیه تزاری با بهره‌گیری از قدرت نظامی حق تصاحب بر دریا را برای خود محفوظ دانست و کشور ایران از داشتن حق کشتی‌رانی و ایجاد نیروی دریایی در دریای مزبور محروم شد و این حق در انحصار روس‌ها قرار داشت.

بعد از پیروزی انقلاب بلشویکی در اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و به ابتکار دولت انقلابی یادداشتی رسمی در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ صادر و برای دولت ایران فرستاده شد و در آن یادداشت کشور انقلابی روسیه شوروی از تمامی امتیازاتی که در زمان حکومت تزاری به دست آمده و

مغایر با حق حاکمیت ایران بود، صرف نظر نمود. در یادداشت دوم روسیه شوروی در ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ معاون وزیر خارجه این کشور مجدداً و به طور رسمی ضمن تأکید بر مواد یادداشت پیشین از تمامی امتیازات خصوصی و عمومی، امتیاز اداره گمرک، امتیاز پست و تلگراف در ایران و قروض ایران به روسیه به دنبال عهدنامه ترکمنچای، صرف نظر نمود. همچنین دولت روسیه شوروی کلیه راه‌های آهن، تجهیزات بندری و راه‌های شوسه و تأسیسات مشابه در ایران که یا به دولت روسیه تعلق داشت و یا به وسیله روس‌ها برپا شده بود را به دولت ایران واگذار کرد و مهم‌تر از همه حقوق کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی اتباع روسیه) را لغو نمود.

دو سال بعد، علیقلی‌خان انصاری ملقب به مشاورالممالک از سوی دولت ایران مأموریت یافت تا با انعقاد عهدنامه‌ای، مذاکرات و مراسلات مربوط به روابط دو کشور ایران و کشور جدید با نام اتحاد شوروی سوسیالیستی را قطعی و رسمی نماید. اتحاد شوروی از قبل تمایل خود را نسبت به انعقاد عهدنامه مزبور بر پایه مواد شانزده‌گانه پیشنهادی تروتسکی و چیچبرین کمیسرهای خارجه دولت اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرده بود. به این ترتیب عهدنامه موسوم به مؤدت ایران و اتحاد شوروی سوسیالیستی در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ برابر با ۸ اسفند ۱۲۹۹ در مسکو به امضای نمایندگان دو کشور رسید. فصل جدیدی از روابط ایران و اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد که تا فروپاشی آن کشور در ۱۹۹۱ ادامه یافت.

با توجه به اسناد و مدارک آرشیوی و بر اساس معاهدات متعدد بین ایران و روسیه شوروی سه نظام حقوقی همواره در دریای خزر موردنظر و توافق دو کشور ایران و روسیه بوده است. این سه نظام حقوقی عبارت‌اند از:

۱. نظام حقوقی کشتی‌رانی

۲. نظام حقوقی ماهیگیری و شیلات

۳. نظام حقوقی تجارت و بازرگانی

ترتیبات مربوط به امر کشتی‌رانی در نخستین معاهدات مشترک بین دو کشور و همچنین معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ اگر چه به نظر در خدمت منافع اتحاد جماهیر شوروی سابق منظور شده بود، اما همواره مبتنی بر اصل برابری رفتار بین کشتی‌های حامل پرچم طرفین بوده است. بنادر طرفین نیز شرایط پذیرش و تردد کشتی‌ها و عوارض بندری و معافیت‌های احتمالی را به صورت یکسان اخذ و اعمال می‌کردند. با توجه به اینکه در آن برهه ایران فاقد نیروی دریایی در دریای خزر بوده و در عوض دولت شوروی از نیروی دریایی مهمی برخوردار بود، در امر کشتی‌رانی عدم تفکیک بین کشتی‌های تجاری و ناوهای جنگی و تسری اصل آزادی

کشتی‌رانی بدون هیچ گونه محدودیتی به هر دو نوع از کشتی‌ها و همچنین اعمال این امر در تمامی پهنه آبی دریای خزر از جمله آب‌های نزدیک به سواحل و بنادر می‌توانست خطرانی را برای امنیت و استقلال سیاسی دولت ایران در پی داشته باشد.

بخش عمده‌ای از قراردادهای و معاهدات ایران و روسیه در زمینه ماهیگیری و شیلات و نحوه بهره‌برداری شرکت‌ها و تجار روسی از منابع آبی در سواحل و رودخانه‌های شمال ایران اختصاص دارد. از ابتدای قاجاریه به دلیل ضعف ایران در کشتی‌رانی و صیادی صنعتی، شیلات و ماهیگیری سواحل و رودخانه‌های شمال ایران در قالب امتیاز و اجاره‌نامه به شرکت‌ها و تجار روسیه برای مدت معین و در قبال مال‌الاجاره سالانه واگذار می‌شد. پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و لغو تمامی امتیازات و قراردادهای تحمیلی روسیه تزاری شیلات و ماهیگیری سواحل و رودخانه‌های شمال ایران برای نخستین بار به صورت مشترک مورد بهره‌برداری دو کشور ایران و اتحاد شوروی قرار گرفت. به منظور بهره‌برداری بهتر و حفظ و حراست از ذخایر آبی دریای خزر آیین‌نامه‌ها و نظامنامه‌های صید و صیادی در دو کشور به تصویب رسید. در این قراردادها و نظامنامه‌ها چند اصل حقوقی مورد توجه جدی طرفین قرار گرفت. نظارت دقیق بر فعالیت‌های صید و صیادی و تنظیم قوانین و مقررات مربوط به آن، اعمال محدودیت‌ها و ممنوعیت صید و صیادی در برخی از فصول سال شیلاتی، اعمال جرایم و مجازات‌های مناسب جهت صیادان متخلف و غیرمجاز و قاچاق انواع ماهی، مدیریت ذخایر آبی در مناطق سه‌گانه دریا، مرداب‌ها و تالاب‌ها و رودخانه‌ها از جمله آن اصول است. در زمینه بهره‌برداری از منابع جاندار دریای خزر با اینکه طرفین در بند ۴ ماده ۱۲ معاهده ۱۹۴۰ مبادرت به ایجاد منطقه انحصاری صید مختص کشتی‌های ماهیگیری خود به عرض ۱۰ مایل در مجاورت ساحل هر یک از طرفین کرده بودند، اما در عمل صیادان اتحاد جماهیر شوروی که از تجربه و ابزارهای صید پیشرفته‌ای برخوردار بودند عملیات صید خود را منحصر به ۱۰ مایل ساحلی نکرده و به مناطق دیگر نیز گسترش دادند.

سابقه تعیین رژیم حقوقی تجاری و گمرکی بین ایران و روسیه به قرارداد گلستان در ۱۲۲۸ ق. ۱۸۱۳/م. بر می‌گردد. برای نخستین بار در این قرارداد به نحوه رفت‌وآمد تجار دو کشور، داشتن اجازه‌نامه رفت‌وآمد از طریق دریا و خشکی، مدت اقامت و نحوه حل و فصل دعاوی حقوقی تجار در دو کشور پرداخته شد. برای اولین بار درباره عوارض گمرکی در فصل نهم این قرارداد توافق حاصل شد که عوارض دو طرف یکسان اخذ شده و اختلافی نداشته باشد. در قرارداد ترکمنچای نیز ضمن تأیید مفاد قرارداد گلستان، به کنسول‌ها و حامیان تجاری دو

کشور اجازه داده شد که هر کجا که مصلحت تجارت اقتضا دارد ساکن شده و از امتیازات لازم برخوردار شوند. از نکات مهم این قرارداد تجاری برخورداری تجار و بازرگانان دو کشور از حقوق و امتیازات اتباع دولت‌های کامله‌الوداد بوده است. این وضعیت تا انقلاب روسیه ادامه داشت.

با انقلاب شوروی فصل دیگری در روابط تجاری دو کشور شروع شد. از مهم‌ترین نکات مطرح‌شده در رژیم حقوقی تجارت و بازرگانی در این مقطع، حق تصرف در عواید گمرکی، تلگرافی، پستی و مالیاتی که در اختیار دولت روسیه تزاری بود از دولت روسیه سلب و به دولت ایران واگذار شد. نکته مهم دیگر حق عبور و مرور و حمل هرگونه کالای تجاری به صورت ترانزیت از خاک طرفین به هر کشور دیگری و واردات کالا به استثنای اسلحه و مهمات جنگی از طریق خاک روسیه آزاد اعلام گردید و مورد موافقت قرار گرفت.

یکی از مسائل مهم در سال‌های پس از انقلاب شوروی در روابط تجاری بین دو کشور، اقدام دولت اتحاد شوروی در اجرای قوانین خاص انحصار تجاری در خاک روسیه بود که در پی آن امکان هرگونه مبادله تجاری آزاد را برای تجار ایرانی با آن کشور دشوار و یکسویه کرده بود. ناتوانی تجار ایرانی در رقابت با تجارتخانه‌های مورد حمایت دولت شوروی موجب پیدایش نهضت اقتصاد در شهرهای بزرگ و تجاری ایران گردید. با وجود مذاکرات و رفت و آمدهای متعدد نمایندگان دو کشور این وضعیت تا نیمه اول حکومت رضاشاه ادامه یافت. در نهایت در سال ۱۳۰۶ ش. قرارداد گمرکی بین دو کشور امضا و تعرفه قراردادی در روابط تجارتی مقرر و رعایت اصل معامله متقابل کامله‌الوداد در تعرفه‌ها و مسائل گمرکی مورد موافقت دو کشور قرار گرفت. این رویه در قراردادهای ۱۳۱۴ و ۱۳۱۹ ش. مجدداً مورد تأکید قرار گرفت و علاوه بر آن نحوه تعیین ترتیب اجرای مبادله اجناس بین دو کشور، اجازه ترانزیت صادراتی آزاد از خاک دو کشور، اجرای تخفیفات و مساعدت‌های لازم در امر ترانزیت کالاهای طبیعی و صنعتی، خودداری از اجرای تحدیدات و یا ممنوعیت‌هایی که نسبت به عموم کشورهای دیگر معمول و اجرا نمی‌گردد، در نظر گرفته شد. علاوه بر موارد فوق می‌توان به نکات زیر هم اشاره کرد:

۱. در اسناد موجود در چند مورد به عدم واگذاری هرگونه امتیاز بهره‌برداری از دریای خزر به کشور ثالث مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. در اسناد موجود همواره دریای خزر دریای ایران و روسیه (شوروی) بوده و بهره‌برداری از آن به صورت مشترک و مشاع مورد توافق بوده است.

۳. معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی چه آنها را معاهدات شخصی و یا عینی و یا سرزمینی بین دو کشور مزبور بدانیم در هر صورت طبق اعلامیه آلماتی

و بر اساس حقوق جانشینی دولت‌ها از کشور پیشین به کشورهای جانشین ادامه پیدا کرده، مورد پذیرش و توافق دیگر کشورهای ساحلی دریای خزر بوده و رسماً تعهدات قراردادهای اتحاد شوروی را برعهده گرفته‌اند.

۴. بهره‌برداری از منابع زیربستر دریای خزر نیز حکایت جداگانه‌ای دارد. نظر به اینکه در زمان انعقاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی به‌علت نداشتن تکنولوژی لازم مطرح نبوده، معاهدات فوق نیز ترتیباتی را در این خصوص پیش‌بینی نکرده و هیچ‌گاه مورد مذاکره و مناقشه دو کشور نبوده است. آنچه تعیین رژیم حقوقی جدید را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، افزایش سریع استفاده و بهره‌برداری از منابع دریایی و ناکافی بودن معاهدات و قراردادهای موجود است. به وجود آمدن مسائل جدید در نحوه بهره‌برداری از منابع دریایی، تخلیه زباله‌ها، آلودگی‌های نفتی ناشی از عبور و مرور کشتی‌ها، حفاری در فلات قاره، پیشرفت تکنولوژی و فناوری‌های نوین در اکتشاف از منابع اعماق دریا، خطرات ناشی از آلودگی سواحل و مناطق ماهیگیری و محیط‌زیست دریایی از اواخر دهه شصت میلادی داشتن یک رژیم حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای بین دولت‌ها را ضروری نمود.

فهرست منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*. ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نی.
- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آذری، علاءالدین (۱۳۸۶). دریای مازندران در گذر تاریخ. *فصلنامه علمی تخصصی تاریخ* [دانشگاه آزاد اسلامی، واحد محلات]، س ۱، ش ۴، بهار، ص ۵-۳۸.
- آقایی، بهمن (۱۳۸۵). *فرهنگ حقوق بین‌الملل*. تهران: گنج دانش.
- آقایی، بهمن (۱۳۸۴). *مجموعه مقالات حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران*. تهران: گنج دانش.
- آل داوود، سیدعلی (۱۳۸۹). راه و راه‌سازی در عصر قاجار. *نشریه فرهنگ مردم*، ش ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان، ص ۲۲۴-۲۳۴.
- ابن‌اسفندیار، بهاء‌الدین محمدبن حسن (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه خاور.
- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک جدید ایران پس از جنگ سرد. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۳۹، اسفند، صص ۱۱-۱۹.
- احمدی‌پور، زهرا؛ حسینی سادات‌محله، زهرا؛ میرزایی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی عوامل منازعه و همکاری در منطقه ژئوپلیتیکی خزر (پتانسیل‌های همگرایی و واگرایی). *دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۷، ش ۱ (پیاپی ۱۴)، بهار و تابستان، ص ۱-۲۰.
- احمدی، بهزاد؛ میررضوی، فیروزه (۱۳۸۳). *راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی*

- و قفقاز جنوبی. تهران: ابرار معاصر تهران.
- اسماعیل پور روشن، علی اصغر؛ عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸). تحلیلی بر ماهیت حقوقی دو قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بر سهم ۵۰ درصدی از دریای خزر. *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی/ صحیح*: فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، س ۲، ش ۱ (پیاپی ۵)، زمستان، ص ۶۳-۷۰.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجار*. تهران: زمینه.
- اطاعت، جواد؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۸). ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه خزر. *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، س ۲، ش ۳، زمستان و بهار، ص ۱-۲۲.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۶). *دریای مازندران: پژوهش در جغرافیای طبیعی، نام و پیشینه تاریخی رژیم حقوقی، محیط زیست و اقتصاد*. تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر.
- امین بیدختی، علی‌اکبر؛ شریفی، نوید (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رونق گردشگری و سرمایه اجتماعی در مناطق ساحلی دریای خزر. *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، س ۷، ش ۱۷، بهار، ص ۱۲۱-۱۴۹.
- انتنر، مروین. ل. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی ایران و روس (۱۹۱۴-۱۸۲۸)*. ترجمه احمد توکلی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- انصاری رنای، قاسم؛ کرمانی، قنبرعلی (۱۳۸۰). *تجارت در دوره قاجاریه*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). *سفرنامه قفقاز و ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایوانف، میخائیل سرگی یوویچ (۱۳۵۷). *انقلاب مشروطیت ایران*. ترجمه آذر تبریزی. تهران: شبگیر: ارمغان.
- بدیعی، ربیع (۱۳۶۱). *جغرافیای مفصل ایران*. تهران: اقبال.
- بریمانی، احمد (۱۳۵۶). *دریای مازندران*. تهران: دانشگاه تهران.
- بلدسو، رابرت و بوسچک (۱۳۷۵). *فرهنگ حقوق بین‌الملل*. ترجمه بهمن آقایی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- پاولوویچ، میخائیل؛ تریا؛ ایرانسکی (۱۳۵۷). *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه محمدباقر هوشیار. تهران: امیرکبیر، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- پژومان، سید هادی (۱۳۸۴). *نظام حقوقی دریای خزر*. *مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال*,

- س ۱، ش ۱، بهار، ص ۶۷-۸۸.
- پورکاظمی، محمد (۱۳۸۷). منابع دریای خزر و کنوانسیون محیط‌زیست. *دو فصلنامه مطالعات اوراسیایی مرکزی*، س ۱، ش ۱، زمستان و بهار، ص ۱-۲۰.
- پورمحمدی املشی، نصرالله؛ آدینه‌وند؛ مسعود (۱۳۹۶). واکاوی نقش و جایگاه کمپانی برادران تومانیانتس در وضعیت اقتصادی و تجاری ایران عصر قاجار. *فصلنامه گنجینه اسناد*، س ۲۷، ش ۳ (پیاپی ۱۰۷)، پاییز، ص ۶-۲۹.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۲). *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*. تهران: کتابفروشی خیام.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا (۱۳۷۲). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- تاجبخش، احمد (۱۳۳۷). *تاریخ روابط ایران و روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم*، تبریز: کتابفروشی دنیا.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۱). روابط تجاری ایران و شوروی و تشکیل نهضت اقتصاد در اوایل عصر پهلوی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. دوره ۲، ش ۳۱ و ۳۰، پاییز و زمستان، ص ۱۴۳-۱۷۲.
- تکمیل‌همايون، ناصر (۱۳۸۰). *سرگذشت دریای مازندران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۳). *عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*. تهران: اقبال.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۷۲). *تاریخ روابط ایران و روس*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- جهان‌آرا، ناصر (۱۳۹۰). *تاریخ روابط تجاری ایران و شوروی از انقلاب اکتبر تا سقوط رضا شاه ۱۳۳۰-۱۲۹۶*. آمل: وارث‌وا.
- حاضری، علی‌محمد؛ رهبری، هادی (۱۳۸۵). بررسی ماهیت طبقاتی تجار در دوره قاجاریه. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۱، بهار، ص ۶۶-۹۲.
- حسام معزی، نجفقلی (۱۳۲۴). *تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا از هخامنشی تا تحولات اخیر*. تهران: چاپخانه علمی.
- خانی، محمدحسن؛ کریمی‌پور، داوود (۱۳۹۲). *دریای خزر و ملاحظات ژئواکونومیک شرق و*

- غرب. دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، س ۶ ش ۲ (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان، ص ۴۰-۲۱.
- حسنی، سیدرحمان (۱۳۸۶). پژوهشی درباره چوب و تجارت آن در عصر قاجار از راه دریای خزر با تکیه بر اسناد. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۳۱، تابستان، ص ۱۱۴-۱۴۴.
- حسنی، سیدرحمان (۱۳۹۲). پژوهشی در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۸۲۸-۱۹۵۳). فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، س ۲۳، دوره جدید، ش ۱۷ (پیاپی ۱۰۷)، بهار، ص ۶۹-۹۷.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۰). تاریخ ایران باستان (اشکانیان). جلد ۵، تهران: به دید، قلم آسیا.
- خوداکف، الکساندر (۱۳۷۴). چارچوب حقوقی همکاری‌های منطقه‌ای در دریای خزر. ترجمه مهرداد محسنین. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره دوم، ش ۱۰، صص ۱۴۹-۱۵۶.
- دلاواله، پیتر (۱۳۴۸). سفرنامه پیتر دلاواله (بخش مربوط به ایران). ترجمه شجاع‌الدین / شجاع‌الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دمیرچی‌لو، مجتبی (۱۳۸۷). نگاه ایرانی به سیر تحولات رژیم حقوقی دریای خزر. دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، س ۱، ش ۱، زمستان و بهار، صص ۲۱-۴۶.
- دونایووا، لینا (۱۳۷۷). بررسی موضع ایران در قبال نظام حقوقی دریای خزر. ترجمه پروین معظمی‌گودرز. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی، س ۷، دوره ۳، ش ۲۳، پاییز، ص ۱۱۵-۱۲۲.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸). تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۲۵-۱۹۰۰. تهران: پازنگ.
- رابینو، یاسنت لویی (۱۳۶۹). فرمانروایان گیلان مجموعه چهار گفتار در پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان. ترجمه محمدتقی پوراحمدجکتاجی و رضا مدنی‌کاشانی. رشت: گیلکان.
- راثین، اسماعیل (۱۳۵۶). دریانوردی ایرانیان. ۲ جلد، تهران: جاویدان.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۶۵). ایران و ترکان در روزگار ساسانیان. تهران: علمی و فرهنگی.
- رضاقلی، علی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نخبه‌کشی: قائم‌مقام، امیرکبیر، مصدق، تحلیل جامعه‌شناختی برخی از ریشه‌های تاریخی استبداد و عقب‌ماندگی در ایران. تهران: نی.
- روزنامه‌ایران: (۱۳۰۲) شماره ۱۱؛ (۱۳۴۰) شماره‌های ۱۱۱۴ و ۱۱۱۷؛ (۱۳۰۶) شماره ۶۷۷
روزنامه حبل‌المتین: (۱۳۴۵) سال ۳۴، ش ۲۲؛ (۱۳۴۵) سال ۳۵، شماره ۲۱-۲۲؛ (۱۳۴۵) سال

- ۳۵، شماره ۹؛ (۱۳۴۵) سال ۳۵، شماره ۱۴ و ۱۵.
- ۹- روزنامه کوشش: (۱۳۱۷) ۲۱ بهمن ماه، شماره ۳۰؛ (۱۳۱۹) سال ۱۸، شماره ۴۲۶۳؛ (۱۳۰۶) شماره ۱۰۰؛ (۱۳۱۷) ۱۹ بهمن ماه، شماره ۳۹.
- ۴- روزنامه وقایع/تفاهیه: (۱۲۷۶) شماره ۴۶۳، ۴؛ (۱۲۷۲) شماره ۲۷۳، ۴.
- ۵- زون، ای.س. (۱۳۸۴). خزر در سه قرن. ترجمه علی شمس، ویرایش شاداب شاهینی. تهران: مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر.
- ۶- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران). اسناد شماره:
- آلبوم بیوتات ۱۵۸، شماره بازیابی ۲۹۵/۸۰۳۸؛ آلبوم بیوتات ۱۳۹، شماره بازیابی ۲۹۵/۷۲۶۷ و ۲۴۰/۲۰۰۸؛ ساکما، ۲۴۰/۱۰۸۹۳؛ ۲۴۰/۱۰۸۹۳؛ ۲۴۰/۱۱۴۲؛ ۲۹۱/۱۱۴۲؛ ۲۴۰/۱۶۲۳۸؛ ۲۴۰/۱۷۵۱؛ ۲۴۰/۱۸۱۲۰؛ ۲۴۰/۱۸۱۲۰؛ ۲۴۰/۲۰۰۹؛ ۲۴۰/۲۵۹۰؛ ۲۱۰/۲۵۹۰؛ ۲۹۳/۳۷۶۳؛ ۲۴۰/۳۷۷۶۸؛ ۲۴۰/۴۱۵۶۱؛ ۲۹۵/۷۲۶۷؛ ۲۹۰/۷۱۴؛ ۲۴۰-۶۸۵۳؛ ۲۴۰/۶۲۶۰۰؛ ۲۴۰-۵۷۰۹؛ ۲۹۳/۵۵۱۵؛ ۲۴۰/۵۰۹۶۳؛ ۲۴۰/۸۰۰۸؛ ۲۴۰/۸۲۹۹؛ ۲۴۰/۹۳۸۸۷؛ ۲۴۰/۱۰۸۹۳؛ ۲۴۰-۱۲۰۷۱؛ ۲۴۰-۲۰۰۲؛ ۲۹۰/۲۰۰۲؛ ۲۴۰-۲۰۷۳۱؛ ۲۴۰-۲۴۰؛ ۲۴۰/۵۰۹۶۳؛ ۲۴۰/۵۰۹۶۳؛ ۲۹۳/۵۴۹۴؛ ۳۶۰-۷۶۵۰؛ ۳۶۰-۸۵۰۲؛ ۲۴۰-۸۵۰۲؛ ۲۴۰/۱۰۸۹۳؛ ۲۴۰-۳۵۱۴۵؛ ۲۹۷-۳۵۱۴۵؛ ۲۴۰-۵۷۰۹؛ ۲۴۰-۶۷۷۹؛ ۲۴۰/۶۲۶۰۰؛ ۲۴۰-۶۷۷۹.
- ۷- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰). تاریخ ایران. ۲ جلد، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی. تهران: افسون.
- ۸- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). سفرنامه مادام کارلا سرنا: آدم‌ها و آیین‌ها. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- ۹- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله (۱۳۸۸). تحولات تاریخی گمرک ایران و رونق اقتصادی در دوره قاجاریه. دو فصلنامه تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)، دوره ۳، ش ۱ (پیاپی ۶۳/۵)، زمستان، ص ۱۰۳-۱۲۷.
- ۱۰- سون، لویی بی و دیگران (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل دریاها. ترجمه محمد حبیبی مجنده. تهران: انتشارات جنگل: جاودانه.
- ۱۱- سیف، احمد (۱۳۷۳). اقتصاد در قرن نوزدهم. تهران: چشمه.
- ۱۲- شاهدی، مظفر (۱۳۹۰). رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجاریه. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۲، ش ۴۶، بهار، ص ۱۴۹-۱۵۸.
- ۱۳- شیخ‌الاسلامی، محمدجواد (۱۳۶۹). افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار. تهران: کیهان.

- شیخ نوری، محمدا میر (۱۳۸۹). *فراز و فرود اصلاحات در عصر امیرکبیر*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صادقیان، نادعلی (۱۳۸۶). *مروری بر نظام حقوقی دریای خزر از دریچه اسناد و معاهدات*. *فصلنامه گنجینه اسناد*، دوره ۱۷، ش ۳ (پیاپی ۶۷)، پاییز، ص ۴۵-۶۲.
- صفری، مهدی (۱۳۸۴). *ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه. وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و نشر.
- طاهر احمدی، محمود (۱۳۷۴). *اسناد روابط ایران و شوروی (در دوره رضا شاه ۱۳۰۴-۱۳۱۸ هـ ش)*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۹). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران: از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*. تهران: امیرکبیر، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی: فرانکلین.
- طباطبایی مجد، غلامرضا (۱۳۷۳). *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۲). *ژئوپلیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. تهران: گوتنبرگ.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). *جستارهای تاریخ اجتماعی ایران*. ۲ جلد، ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰). *اسناد روابط ایران و روسیه*. تهران: وزارت امور خارجه.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۹۱). *اسنادی از روند اجرای معاهده ترکمنچای*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ زارع گاریزی، افسر (۱۳۷۹). *تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و چشم‌انداز همکاری‌های منطقه*. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۵۵، پاییز، ص ۱۹۱-۲۰۵.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱). *روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴*. پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کالیستف؛ دپ و دیگران (۱۳۶۱). *تاریخ روسیه شوروی*. ترجمه حشمت‌الله کامرانی. تهران: چاپ و نشر بیگوند.

- کامران، حسن؛ و دیگران (۱۳۸۸). رژیم حقوقی و تحدید حدود دریای خزر. *فصلنامه جغرافیا (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره جدید، س ۷، ش ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان، صص ۲۵-۴۶
- کامران، حسن؛ و دیگران (۱۳۹۲). منطقه خزر؛ عرصه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. *فصلنامه جغرافیا (نشریه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره جدید، س ۱۱، ش ۳۹، زمستان، صص ۷۸-۱۰۴
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۷). *ایران و قضیه ایران*. ۲ جلد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
- کستلر، آرتور (۱۳۶۱). *خزران*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۴). *شهریاران گمنام*. تهران: دنیای کتاب.
- کوزنتسوا، ن. ا. ل. م، کولاگینا؛ و. و، ترویتسکوی (۱۳۸۳). *پژوهش‌هایی در تاریخ نوین ایران*. ترجمه سیروس ایزدی و میتراذات ایزدی. تهران: ورجاوند.
- گرانتوسکی؛ و دیگران (۱۳۵۹). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*. ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: پویش.
- گزارش ایران به سال ۱۳۰۵ قمری از سیاح ناشناخته روس (۱۳۶۳). ترجمه سیدعبدالله، تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: کتابخانه طهوری.
- گوینو، کنت دو (بی‌تا). *سه سال در ایران*. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. تهران: فرخی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۶۶). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- لاکهارت، لارنس (۱۳۸۳). *انقراض سلسله صفویه*. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی و فرهنگی.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۲). *غرب و شوروی در ایران سی سال رقابت ۱۹۱۸-۱۹۴۸*. ترجمه حورا یآوری. تهران: ابن سینا.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۷۷). *نگاهی به اهمیت اقتصادی جهانگردی در جهان معاصر*. *مجله اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره ۱۳۷ و ۱۳۸، بهمن و اسفند، صص ۲۰۸-۲۱۵
- مختاری‌اصفهانی، رضا (۱۳۸۰). *اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف*. (ج ۱). تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

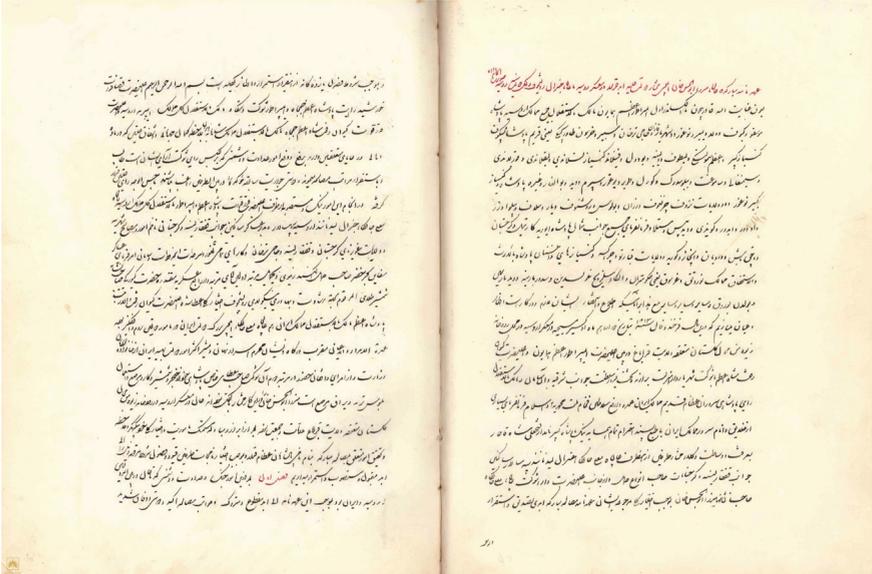
- مستقیمی، بهرام (۱۳۸۴). *حفظ محیط زیست دریای خزر، راهکارهای دیپلماتیک*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۸). *مروج‌الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۳). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- مکنزی، چارلز فرانسیس (۱۳۵۹). *سفرنامه شمال*. ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: گستره.
- مکی، حسین (۱۳۵۷). *مختصری از زندگانی سلطان احمد شاه*. تهران: امیرکبیر.
- مسلمانیان قبادی، رحیم؛ مسلمانیان قبادی، بهروز (۱۳۸۷). *اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجار*. ویرایش و توضیحات حسین احمدی. تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.
- ملگونوف، گریگوری؛ عزالدوله، عبدالصمد (۱۳۶۳). *سفرنامه ایران و روسیه، نواحی شمالی ایران*. به کوشش محمد گلبن و فرامرز طالبی. تهران: دنیای کتاب.
- منشور گرگانی، م. ع (۱۳۲۶). *سیاست دولت شوروی در ایران از ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۶*. تهران: چاپخانه مظاهری.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۰). *حاکمیت ملی و رژیم حقوقی دریای خزر*. [مجله] چشم‌انداز ایران، ش ۹، تیر و مرداد، ص ۱۲-۱۷.
- میرحسینی، سیدمحسن (۱۳۸۶). *مطالعه‌ای درباره جایگاه گمرک در مناسبات تجاری دوره ناصری با تکیه بر گمرک یزد*. *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، ش ۳۳، زمستان، ص ۱۲۵-۱۴۳.
- مینایی، مهدی (۱۳۸۶). *درآمدی بر ژئواستراتژی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۸۷). *سازمان اداری حکومت صفوی، تعلیقات مینورسکی بر تذکره‌الملوک*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ناظمی، مهرداد (۱۳۸۱). *بررسی رژیم حقوقی دریای خزر*. *فصلنامه مجلس و راهبرد (مجلس و پژوهش)*، س ۹، ش ۳۵، پاییز، ص ۲۳۱-۲۵۲.
- ناظمی، مهرداد (۱۳۸۱). *دریای خزر و حقوق بین‌الملل: گزینه‌های متفاوت با توجه به آرای دیوان بین‌المللی دادگستری*. *مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری*

- اسلامی، ش ۲۶ و ۲۷، ص ۱۴۷-۳۴۸.
- نائیبیان، جلیل؛ علیپور سیلاب، جواد (۱۳۸۹). تجارتخانه‌های زرتشتیان در دوره قاجار. فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، س ۴۶، دوره ۲، ش ۴ (پیاپی ۸)، زمستان، ص ۱۵-۳۴.
- نوازی، بهرام (۱۳۶۹). عهدنامه مودت ایران و شوروی. تهران: نشر همراه.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷). روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه. تهران: سمت.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۳). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران همراه با یادداشت‌های تفصیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۳). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ه.ق. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۸۴). ایران و جهان از مغول تا قاجاریه. تهران: هما.
- نوری، مصطفی (۱۳۸۸). اسناد مازندران در دوره رضا شاه (مجلس ششم تا دوازدهم شورای ملی). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نیکیتین، ب. (بی تا). ایرانی که من شناختم. ترجمه بهرام فره‌وشی. تهران: معرفت.
- والتر، کلنل (۱۳۶۳). تاریخ روسیه از پیدایش تا ۱۹۴۵. ترجمه نجفقلی حسام معزی. تهران: کتابفروشی حافظ.
- وثوق‌زمانی، ابوالفتح (۱۳۶۴). تاریخچه شیلات و ماهیگیری در شمال ایران. مجله آبریان، دوره ۶، ش ۴، تیر، ص ۲۴-۲۷.
- هادی‌نژاد، فاطمه (۱۳۹۲). اوضاع اجتماعی و اقتصادی رشت از اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۵). [مجله پژوهش‌های علوم انسانی دانشگاه اصفهان]، س ۵، ش ۲۴، ص ۷۳-۹۶.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹). روضه‌الصفای ناصری در ذکر پادشاهان دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه. قم: کتابفروشی مرکزی.
- هرمیداس‌باوند، داوود (۱۳۸۰). رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۷، ش ۳۶، زمستان، ص ۷-۳۸.
- هرودوت (۱۳۶۲). تاریخ هرودوت. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
- هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۶). تجاوزه‌های پیاپی روسیه به ایران پیش از جنگ‌های ایران و روس. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۲۱، ش ۷ و ۸ (پیاپی ۲۳۵ و ۲۳۶).

- فروردین و اردیبهشت، ص ۶۲-۷۳.
- هیلنبراند، رابرت (۱۳۸۴). *معماری ایران در دوره صفویان*. در تاریخ ایران دوره صفویان، تهران: جامی.
- یزدانی، مجید (۱۳۷۵). رژیم حقوقی حاکم بر دریاها و بسته با نگرشی بر دریای خزر. *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، س ۵، ش ۱۴، تابستان، ص ۱۴۵-۱۶۶.
- یوسفدهی، هومن (۱۳۹۳). *رجال گیلان در عصر ناصری*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- Aliyev, Kamal Makili(2014). "*Caspian 'Sea' and Its International Legal Status*" The Caspian Sea Chessboard. Geo-Political, Geo-Strategic and Geo-Economic analysis, edited by Carlo Frappi, Azad Garibov, pp:27-39.
- Farrokh, Kaveh (2011). *IRAN AT WAR 1500-1988*. Oxford. Publishing Osprey.
- Mirfendereski, Guive (2001). *A Diplomatic History of the Caspian Sea, Treaties, Diaries and other stories*. Palgrave Publishers Ltd (formerly Macmillan Press Ltd).
- Perry, J. R. (1975). "*Forced migration in Iran during the seventeenth and eighteenth centuries*", Iranian Studies, Vol 8 (4), PP:199 -215.

پیوست‌ها

۱. سواد عهدنامه گلستان ۱۲۲۸ ق. / ۱۸۱۳ م.
(ساکما، آلبوم ۱۳۹ بیواتات سلطنتی، سند ۲۲۶۷/۲۹۵)

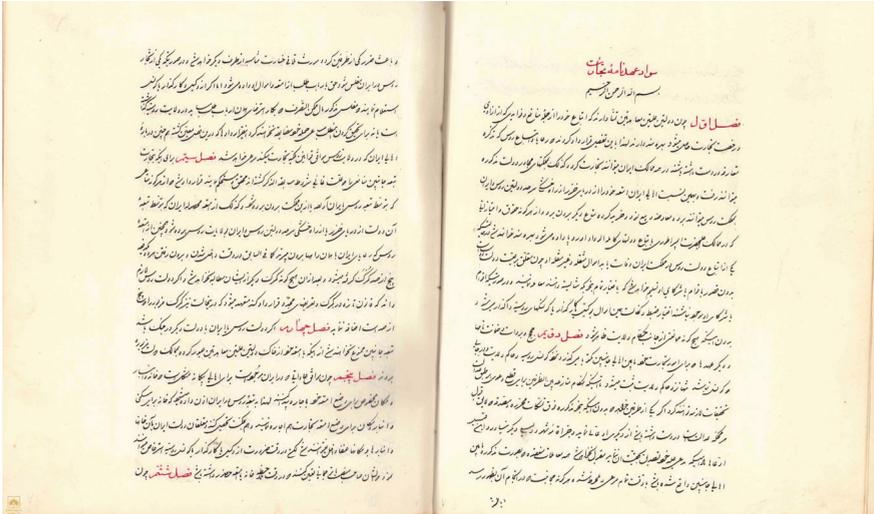


تصویر ۱-۱

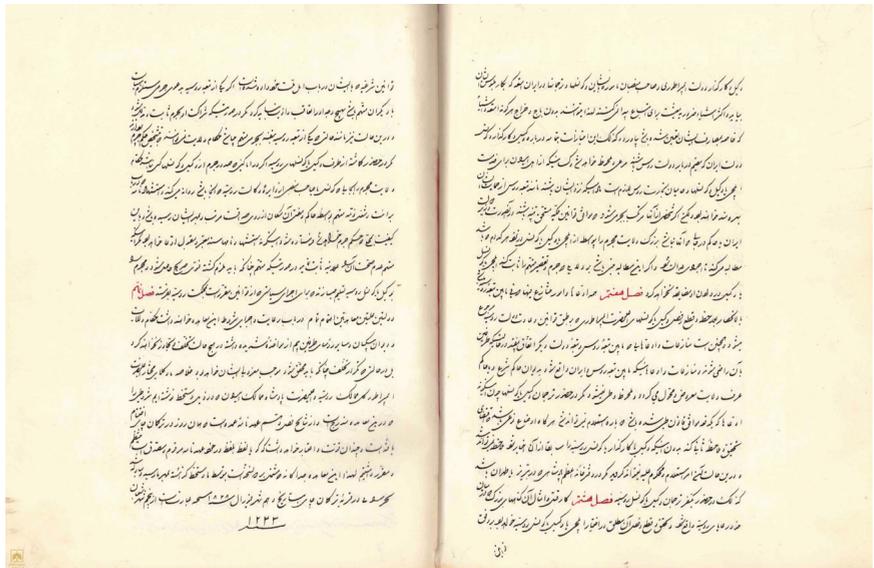


تصویر ۲-۱

۳. سواد عهدنامه تجارتي پیوست عهدنامه ترکمانچای ۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م. (ساکما، آلبوم ۱۳۹ بیواتات سلطنتی، سند ۲۹۵/۷۳۶۷)

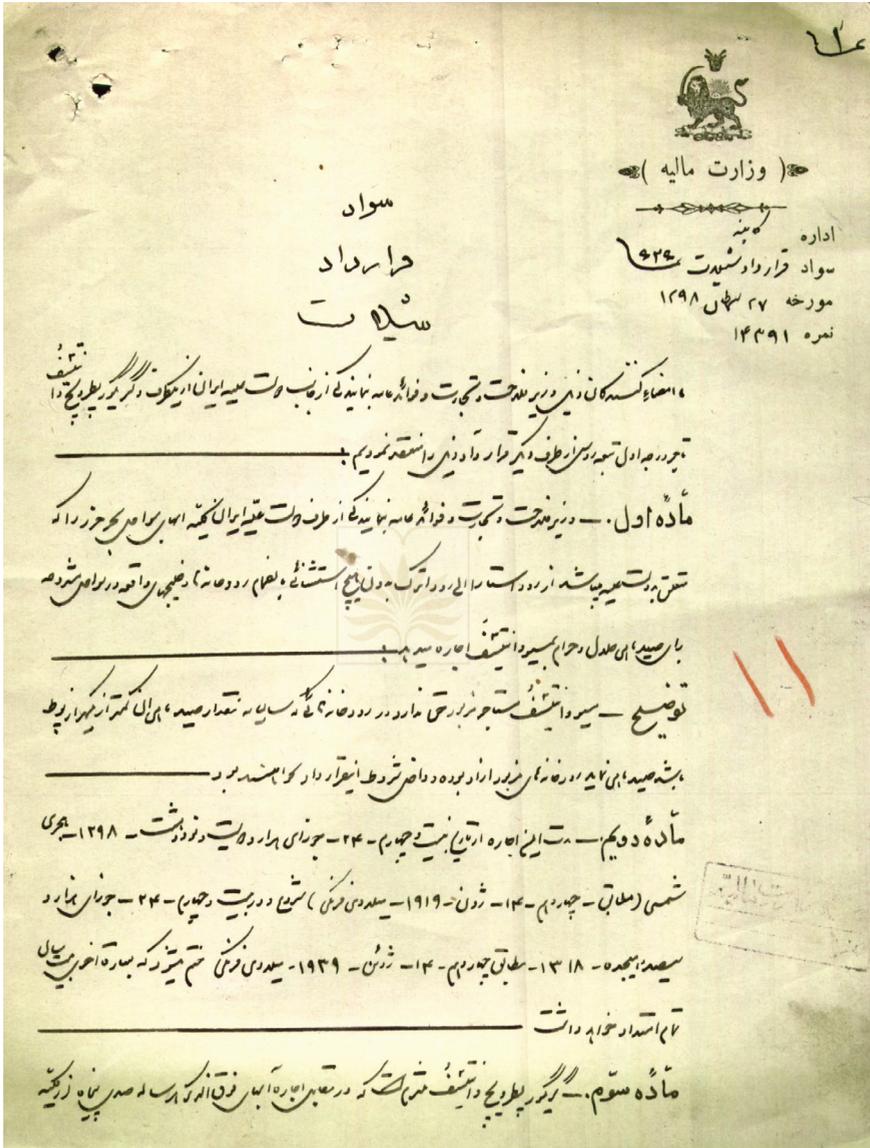


تصویر ۱-۳



تصویر ۲-۳

۴. سواد قرارداد بین ایران و وانیتسف تاجر روسیه ۱۲۹۸ ش. / ۱۹۲۰ م.
(ساکما، سند ۶۷۷۹/۲۴۰)



تصویر ۴-۱



وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمبره

منافع حاصله از مشیت تهرود در البرج ذمه تر خود بر دولت عمده امانی دالدار ۲۰۰۰۰ ریال و صد اقسام است عمده از این باب
بقوار ذمه این می شود: سال اولی ۱۰۰۰۰ ریال و در سال دوم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال سوم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال چهارم ۱۰۰۰۰ ریال
و در سال پنجم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال ششم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال هفتم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال هشتم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال نهم ۱۰۰۰۰ ریال
و در سال دهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال یازدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال دوازدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال سیزدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال چهاردهم ۱۰۰۰۰ ریال
و در سال پانزدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال شانزدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال هجدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال نوزدهم ۱۰۰۰۰ ریال و در سال بیستم ۱۰۰۰۰ ریال

تربت در حق دولت در سال بقوار ذمه

۱) سید ذمیف الی الاماره بابت زمین اقسام دولت در سال ۱۰۰۰۰ ریال و در سال ۱۰۰۰۰ ریال و در سال ۱۰۰۰۰ ریال و در سال ۱۰۰۰۰ ریال و در سال ۱۰۰۰۰ ریال
۲) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۳) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۴) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۵) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۶) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۷) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۸) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۹) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)
۱۰) در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف (در کج در تاریخ بیت دسم - ۲۳ - جوی چهاردهم - ۱۴ - ژانویه سید ذمیف)

۱۰
تاریخ
۱۳۰۲

۲۳



وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

شده که در هر ماه در این مبلغ خالص سه درصت علیه بیشتر از مبلغ تعیین آن سال که میسر د استوف تسهیل است که آن
تعداد را از مبلغ مبلغ بنام شود در این تعیین نماید که در ضمن آنکه، و پس از آنکه اقسام برسی عملی خواهد بود تا آنکه تمام
عده کارس از این درصت میسر می خواهد داشت که بجهت تسهیل حساب در صورت اظهارات مستاجرین است که در این باره رسید
موردی خود در دفتر تجارتیه در حسابت سالیانه او بجهت آورد

توضیح - مبلغ خالص بیست از کل کتب و بیانات و مبلغ غیر صید و تجارت، این دستجات آن را از مبلغ یکصد فارغ جاریه از
تجیر صحاف ادار و بهره و در بار در دفتر بزرگتر است

دین خود خارج جاریه غیر ماضی خواهد بود که ششماه و درگاه آنها در جبهه و در آواش و در نام بصورت اولی که در بار بجهت آوردن
محمولت صید نوزاد شود

امرای در شایسته که بطریق فوق جرد خارج جاریه غیر محرب بزرگ نصف ستم در دست و نصف دیگر ستم بجهت جواز دهد
ماده چهارم - جسم خارجی که ۱۷۰ بجهت تسهیل حساب که از سرایه خود باید بردارد و جرد خارج تسهیل محسوب
ناید بقوار بزرگ

این باب است که در صورتی که تسهیل بجهت برسد
ب این کیفیت است و خارج امداد در ستم اینست و باینست از قبیل همین چوبه باران که گریه - نمانی، استوف است
این باران آفندگی که در این ستم از اینست و باینست از اینست - در بار اوست که در اینست

۹





وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

دخولت من ایستگه در وزارت

باسم - محرم الله به شین دولت ایران - اینتریکس فخره دولت داد است راجحه بکادیم در سرباه صندت کابری
نظاره در بعضی نواحی و صدها منزلت عملت زاننده اجراء و اذاعه انیه امدار در بطور کلی تمام انیه و تمشیت که بر بار کبار اذاعه
عمر صیده ای لزوم باشد و خطه متناجر مستعد که باین ترتیب دیشترت صیده ای بهر فرج توجه در بار اذاعه اصله است
صیده در عمر صیده ترتیب ای ایملان در این دولت ان صیده ای خارجه بر مقدار سرمایه و مساعی لزوم است متصافیه
نمایه دیکه انیه و تمشیت دولت در صیده ای دیکارت ان که فراموش نماید برانی متناجر سالیان تیره میزند بود از جهت
نزیت در برتر داشته باشد

در اخر ارسال عمل متناجر صورت صیده ای که از این انیه و تمشیت ترتیبی که در فرجه است بر سینه کبیر شایسته ای
بدست دیکه ترتیب خواهد داشت دولت صیده ای دارد که صورت منور را با دفتر تجارته اوسطه بقره نموده در صورت
ان تحقیقات لزوم نموده اند

ماده پنجم - در کتبات طم الاماره برگاه در سرمد مقورن در این قاره داد و دیه لشکر دولت صیده ای است
سید که در متناجر منور را به بیع صدها شتر در بزم در کتبات صیده ای نماید چنانچه در این دست نیز از
بیاضت ان قطعی الاماره در ذی ان استکف در زد دار نموده بر نیاید است صیده ای خواهد داشت
که این معار داد در نسخ و لغو نماید

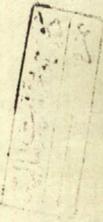


(وزارت مالیه)

اداره
سواد
مورخه
نمره

ماده ششم - انواع الدت و اوردات و پیشه و کشتیها و دیگر کاسهها و کوهها و تره و زنگ و خوب الدت و رخت نیا
 و دیگر کسبه و پیشه ها که مستحق برجا آمدن بر اساس قوانین و عهدهای صیانت در خارج ایران و در داخله و مستحق بار باره هر صید مستحق
 از حقوق کمرگه و دیگر عوارض منسوب خواهد بود و در این مورد در این عهدهای است و در این مورد در این عهدهای است که اداره کمرگه
 و در این مورد در این عهدهای است و در این مورد در این عهدهای است و در این مورد در این عهدهای است و در این مورد در این عهدهای است
 صید که از طرف مستاجر از ایران خارج خواهد شد از حقوق کمرگه و عوارض دیگر آزاد خواهد بود

ماده هفتم - در انحصار دولت ایران اجاره و اوردات اجاره در این کسبه اجاره نامه حقوقی است که در این کسبه اجاره نامه حقوقی است که در این کسبه
 قیسه آنها بحسب نوع اجاره و در هر اجاره است نصف دار کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 خود بر وجهی است که باید بدو عرض ملک طلق است و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 بسته خواهد بود در صورت عدم تجدید اجاره با بسته بر این است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 در نسبت به وقت از این کسبه است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 تعیین نموده و آنچه قیمت آن مینماید بر این کسبه است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 ماده ششم - پس از انحصار دولت پس از آنکه اجاره بر کسبه است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 سه ماهه نماید بر مستعد است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره
 پس از آنکه اجاره بر کسبه است که در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره و در این کسبه اجاره





وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

و امر است که هرگاه در هر صورتی که در این خصوص است پس از انقضای مدت پنجاه روز بعد از تاریخ
تاریخ استماع در رسیدگی که در این خصوص است و در صورتی که در این خصوص است و در صورتی که در این خصوص است
میرا کار را در این خصوص است

ماده نهم - کسیکه اراضی را در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است
طرح است می‌ایمان باشد، باقی تمام مدت این قرار داد است و در این خصوص است و در این خصوص است
بدست می‌دهد و در هر صورتی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است
طریق دقیق است و در هر صورتی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است

در صورتی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است
که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است
تاریخ دقیق است و در هر صورتی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است

توضیح - اراضی که بطریق فوق خریداری شده است و در این خصوص است و در این خصوص است
اراضی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است

ماده دهم - هرگاه در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است
فردی که در این خصوص است و در این خصوص است و در این خصوص است





(وزارت مالیه)

اداره
سواد
مورخه
نمبره

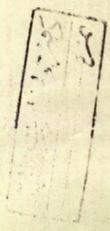
بنامه حضرت ذوالکلیف ای مدنی اجازه مستخدمه در تفریق دست جرحی دارد اینجانب بصیرت بهم را بر طبق قراردادلی تصدیق
امورین محلیه ریختن نماید. بر این وجه اگر از آنکه ترقه تمام که مکتب پیشین است جرحی دست جرحی ای بخیرمانی خود
کتابی بر این دفتر خواهد داد

ماده دوازدهم - دست جرحی دارد بر این اجای عیلت و خطت بر این دادار است خود کرده که کن مسخفین تمام
قراردلی صید زکات میوه تقاضا نماید بر این جهت حقوق مقرره و ذوق الاده آنها بجهت رایس خواهد بود که تا تیره برنج
عمر شیدت محسوب دارد

ماده دوازدهم - زمین بهمین ضایع شده و اعراض صورت آنها بدین و در ذوق نه تفریق دست جرحی است
تفاوتها را در صرح از مملد داری و در از این بر این در زیر خاک موقن سازد

ماده سیزدهم - دست جرحی است همه سه در رودخانه صید بر این پایه راجح ای مدنی است از این جهت
- ۱۴ - در این ایست بر این پایه راجح ای حرام است از چهارم - ۱۳ - توبه ای ایست بر این پایه تفسیر نماید
ماده چهاردهم - محض حفظ حقوق وضع شده بر تمام سواد مستخدمه در این جهت این اذنه است صید در موق
ذوق الاده است علیه از این که سادست ضایع شده است که لغز نه بجهت اولین امر کلی صادر خواهند فرمود
و دست جرحی این سید بند که در صدد و شتر در مستاجر خود کرده که ای مدنی اجازه داد تمام بصیرت نماید بر این وجه صید شتر
ایست صید در این بوسیله قراردادلی صید دیه بر این پایه تفسیر نماید

۵



۹



وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

کسب و کار به این ترتیب انجام پذیرد که کلیه حقوق معین اینکار در خارج این کشور مشایبه اصل و کسب و کار به این ترتیب
نقطه در وقت معین اینک را در وقت که به جزو این خواهد داد در اینجهت حسن نظمه داده و از آنجا که نه می شود جزو دیگر

سپس به

ماده پنجم - صید ماهی در این کشور مشایبه اصل و کسب و کار در وقت معین اینک را در وقت که به جزو این خواهد داد در اینجهت حسن نظمه داده و از آنجا که نه می شود جزو دیگر
ماده ششم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است

اداره و اجرت آنها مشایبه اصل و کسب و کار در وقت معین اینک را در وقت که به جزو این خواهد داد در اینجهت حسن نظمه داده و از آنجا که نه می شود جزو دیگر

ماده هفتم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است
ماده هشتم - در صورتیکه مطابق قانون و طبق اصل و کسب و کار در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است
داد و ستاد و در حدوده بر طبق قانون معین اینک در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است
علیه داد و ستاد

ماده نهم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است
ماده دهم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است

ماده یازدهم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است
ماده بیستم - مساجد و مدارس که در وقت معین اینک در مکانی در حفظ انحصار کاروان صید ماهی بر آنجا است



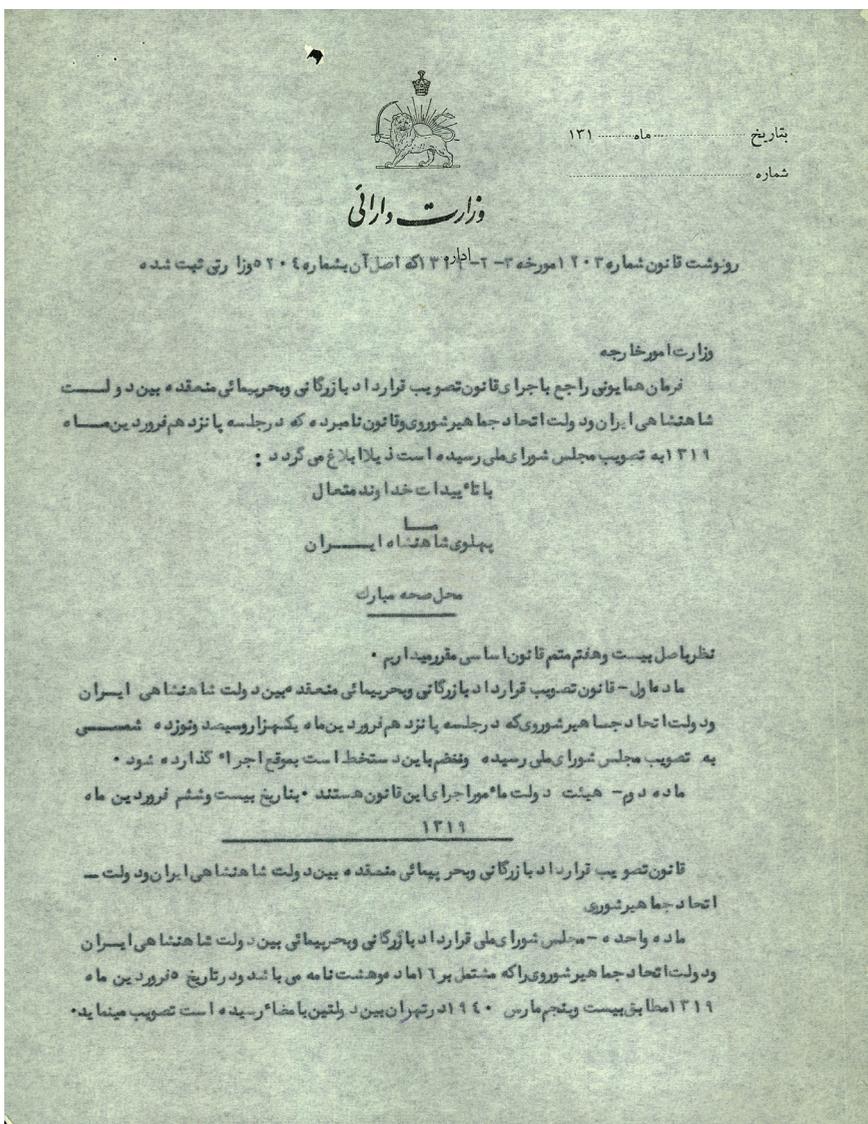
وزارت مالیه

اداره
سواد
مورخه
نمره

مخصوص معین میژد که مراتب او از طرف سلطنت شش هزار تومان بر بدهه ستا بر خواهد بود که این نیز نفعه گمانی نماند
 جز در مواردی که در محراب نماند که در حقیقت در این یک از امورات انار در کجایه متعجب نخواهد داشت
 ماده بیست و نهم - کتبه مواد این قرار داد از اجزای اجرت و کتبه از طرف دولت مقرر نظارت در اجزای آنها
 پیدایشه سران، پنج - ۵ - و دوازده - ۸ - که کتبه آنها معین است در صورت تخفیف از اجزای این مواد
 کتبه نوراً مراتب را بدست میده اطلع داده و بمتعجب نیز احتیاط خواهد کرد اگر متعجباً اعتراض را قبولی دارد و در
 مرفوع تخفیف را اصدع خواهد کرد هرگاه آن اعتراض را وارد نداند بطور کلیت یا تعیین در نفعه معین از طرف دولت
 معین دست بردار نفعه معین است که از طرف آن در نفعه معین معین میژد، بطور است طریق نسبت به تهر و درای
 صدیقین با کثرت از این امور خواهد بود و در صورتی که تخفیف تعیین نماند است بر متعجب که در موارد
 ماده بیست و نهم - بر این اقصاء است این قرار داد هرگاه دولت معین نخواهد آن این تجدید اصابه نماند است
 ترتیب زیاده در صورتی که در شرایط سیر و استیفاء تا هم تمام رسد او حق تقدم خواهد داشت
 ماده بیست و نهم - این قرار داد بزبان فارسی در نسخه عمیده، رشته و امضا و شتره و در نزد هر یک از طرفین
 یک نسخه آن موجود خواهد بود و از طرفین لغت امروزی در طهران تاریخ ختم بیست و نهم - ۱۲۷۰ بیج سرکلان

همالسه قریب ۱۲۹۸

۵. قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی بین ایران و
اتحاد شوروی سوسیالیستی ۱۳۱۹ ش. / ۱۹۴۰ م.
(ساکما، سند ۸۲۹۹ / ۲۴۰)





تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت دارائی

تصاریف و باقره‌الکلیه
و محسوسات بین دولت شاهنشاهی ایران و

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران از یکطرف و هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف دیگر تراضیاتی مابیند روابط بازرگانی بین دو کشور را توسعه بدهند تصمیم با انعقاد قرارداد بازرگانی و حسنیمانی نموده و برای این مقصود اختیار داران خود را بشرط زیر تعیین نمودند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران:

جناب آقای مظلّم‌العلم وزیر امور خارجه و جناب آقای صدیق کفیل وزارت بازرگانی
هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی:

جناب آقای ماسوی قیلیمونتسیر کبیرا اتحاد جماهیر شوروی در ایران و آقای پترویا نوبیچ الکسییوف نماینده بازرگانی شوروی در ایران.

نامبردگان پس از ارائه اختیارنامه‌های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مقررات زیر توافق حاصل نمودند:

ماده اول - از محصولات طبیعی و صنعتی که میدان خاک گمرکی یکی از طرفین متعهدین باشد در موقع ورود به خاک گمرکی طرف متعهد دیگر خداتل حقوق گمرکی و سایر عوارضی که در تعرفه گمرکی و قوانین کشور واردکننده پیش‌بینی شده یا خواهد شد گرفته می‌شوند در هر صورت میزان حقوق گمرکی و عوارضی نامساعد تر و زیاده‌آمیزی نخواهد بود که از محصولات کمی میدان کشور ثالثی باشد گرفته میشود.

همچنین محصولات طبیعی و صنعتی که میدان خاک گمرکی یکی از طرفین متعهدین بود و از آنجا بمقصد خاک گمرکی طرف متعهد دیگر صادر میگردد در موقع صدور و ورود رژیم گمرکی دیگری نامساعد تری واقع نخواهد گردید که نسبت باین تبیل محصولات صادره به کشورهای ثالث معمول میگردد.



بتاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واری

اداره - ۴ -

بازنماید *

ماده ششم - نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران بنام دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عمل میکند دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئولیت هرگونه معاملات بازرگانی را که بنام نمایندگی بازرگانی بوسیله اشخاصی که از طرف نمایندگی مزبور اختیار دارند صورت گرفته یا تضمین شده باشد بعهده می‌گیرد *

برای رسمی شناختن معاملات بازرگانی که نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران منعقد ساخته یا تضمین نموده است باید اسناد معامله یا ضمانت نامه سبوطه امضا یا شخص را داشته باشد که دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا کمیسرهای ملی بازرگانی خارجی با آنها برایشان را اختیار داد و او این اشخاص یا ذکرا اختیاراتی که با آنها واگذار گردیده از طرف نمایندگی بازرگانی شوروی در (مجلس) ایران اعلان شده باشد بطوریکه در ماده پنج این قرارداد پیش‌بینی شده است * تمام معاملات بازرگانی که نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران در خاک ایران منعقد یا تضمین نموده است در صورتیکه در سبوطه معامله رسیدگی بوسیله حکمیت قید نشده باشد تابع صلاحیت محاکم ایران و قوانین ایران می‌باشد *

چون بموجب این ماده مسئولیت معاملات را که نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران در خاک ایران منعقد یا تضمین نموده است دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بعهده دار می‌باشد مقررات مربوطه بنامین قضائی و اجرایی مقدماتی قرارهای صادره از طریق قضائی یا اداری نسبت به‌هاوی که بر علیه نمایندگی بازرگانی اقامه می‌شود مجری نخواهد گردید *

نقطه تصمیمات قطعی قضائی که قانوناً قابل اجرا شده و مربوط باختلافات ناشیه از معاملات که نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مطابق مقررات قسمت دوم این ماده آنرا امضا یا تضمین نموده باشد بطور اجبار نسبت به نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مجری خواهد شد *

تصمیمات مزبوره فقط نسبت باموال و حقوق نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران که مربوط به معاملات مذکوره در این ماده است و همچنین نسبت به سایر اموال نمایندگی بازرگانی که در ایران موجود است اجرا خواهد شد *

ولی اجرای اجباری تصمیمات قضائی که در قسمت فوق‌الذکر این ماده پیش‌بینی گردیده باشد شایانیکه مطابق اصول



بتابیح ماه ۱۳۱

شماره

وزارت‌داری

اداره

عمومی بین‌المللی خارج‌الملکتی محسوب‌و همچنین یا شیانیکه برای عملیات اداری نمایندگی بزگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران لازم است شامل نخواهد بود .

ماه ده هفتم - مسئولیت معاملات با بزگان که بدون ضمانت نمایندگی یا بزگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران از طرف یکی از بنگاه‌ها یا اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجام‌بگیرد که مطابق قوانین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دارای حقوق اشخاص حقوقی متقبل‌باید شد فقط بمبند بنگاه مربوطه خواهد بود مسئولیت این معاملات متوجه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا نمایندگی بزگانی او در ایران و یا بنگاه‌ها یا اقتصادید بگزگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نخواهد بود .

معاملات با بزگانی که از طرف بنگاه‌ها یا نمایندگید در ایران منعقد شده در صورتیکه در سند معامله رسیدگی بوسیله حکمیت قید نشده‌باید تابع صلاحیت محاکم ایران و قوانین ایران خواهد بود .

ماه ده هشتم - با بزگانان و ریاب‌صنایع و اشخاص طبیعی و یا اشخاص حقوقی ایرانی که مطابق قوانین ایران تشکیل شده یا شند موثقی که عملیات اقتصادی خود را در خاک اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مستقیماً یا بوسیله اشخاصی که انتخاب نموده‌اند انجام‌میدهند در شرایطی که قوانین شوروی انجام‌بگیرند عملیات را مجاز دانسته است نسبت به شخص و اموال خود از همان رژیم مساعدیکه در حق اشخاص حقوقی و اتباع دولت کامله الوداعی میشود بهره‌مند خواهد شد .

بنگاه‌ها و دولتی اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و سایر اشخاص حقوقی شوروی که مطابق قوانین شوروی دارای اهلیت حقوقی هستند و همچنین اشخاص طبیعی از اتباع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مرتع انجام عملیات اقتصادی خود در خاک ایران در شرایطی که قوانین ایران انجام‌بگیرند عملیات را مجاز دانسته است نسبت به شخص و اموال خود از همان رژیم مساعدیکه در حق اشخاص حقوقی و اتباع دولت کامله الوداعی میشود بهره‌مند خواهند بود .

اتباع و اشخاص حقوقی هر یک از طرفین متعاهدین متساوی‌امثل اتباع و اشخاص حقوقی داخله حق دارند آزادانه بمرورجه از محاکم برای احقاق و دفاع حقوق خود مراجعه نمایند و در هیچ مورد از این حیث در وضعیت نامساعدتر از وضعیت اتباع و اشخاص حقوقی دولت کامله الوداعی واقع نخواهند گردید .

۴



تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واری

اداره ۶

ولی مسلم است که هیچیک از مقررات بین‌المللی قرارداد اهمیت‌تواند شرکت‌های بازرگانی و سایرینگانه‌های اقتصادی یکی از طرفین متعاهدین را مجاز نماید که در سایر کشورها یا مخصوصاً در آنجا که طرف متعاهد دیگر شرکت‌هاست ادعا میکند که شرایط عملیاتشان در خاک وی بموجب امتیازنامه‌ها یا مخصوصاً تنظیم گردیده یا خواهد بود.

ماده نهم - ۱- نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران و دستگاه‌های اقتصادی شوروی می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات مربوطه به بازرگانی خارجی ایران همه گونه کالاها یا ایرانی را بشیراز کالاها نیکه حد و آناً از ایران مطابق مقررات دولت تمام کشورها منوط است بطور آزاد و بدون مشکلات و موانع برای صادرات و تجارت و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خریداری نمایند.

۲- اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حق خواهد داشت در حدود سهمیه‌ها نیکه برای ارسال اعتبار قرارداد بازرگانی و بحریمانی معین خواهد شد کالاها را وارد ایران بنمایند فهرست این کالاها یا تعیین سهمیه آن همه ساله از طرف نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران با وزارت بازرگانی ایران تنظیم خواهد شد.

برای سال اول اجرای این قرارداد فهرست هر مورد در حین امضای قرارداد تنظیم و در رساله‌ها بعد از آغاز ارسال اعتبارات و لیبراتی مرتب خواهد شد.

در موقع تهیه فهرست‌های فوق‌الذکر برای سال‌ها بعد حفظ سهمیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نسبت به هر یک از کالاها و مندرجه در سهمیه عمومی که در فهرست سال اول پیشین پیش گردیده یا اقل‌تأه می‌سند خواهد شد.

نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران می‌تواند در فهرست کالاها نیکه دولت ایران اجازه ورود آنها برای سال جاری اقتصادی داده است کالاها دیگری را نیز داخل نماید که در فهرست مزبور ذکر نشده باشد میزان این کالاها را نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران با وزارت بازرگانی ایران معین خواهد کرد و وزارت بازرگانی ایران پیش‌ترها در مربوطه نمایندگی بازرگانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را بطور مساعد تلقی خواهد نمود.

سهمیه هر یک از کالاها یا وارداتی که در فهرست قید گردیده ممکن است در ظرف سال در نتیجه



تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واران

-۸-

اداره

- بازرگانان و شرکتهای غیردولتی برپال فروخته میشود از مجموع ارزش کالاها نسیکه از بازرگانان و شرکتهای مذکور برپال خریداری و یا تمام دجما هیرشوروی سوسیالیستی صادر شده است اقل کمترین باشد.
- ۵- نمایندگی بازرگانی اتحاد دجما هیرشوروی سوسیالیستی در ایران و ننگا هما اقتصاد دیشوروی در موقع گرفتن پروانه برای وارد کردن کالاها با ایران مطابق سهمیه های سالانه از ارائه گواهینامه صدور کالاها با ایرانی محافظت میبایند.
- وزارت بازرگانی ایران پروانه وارد کردن کالاها را از روی سهمیه های سالانه که در بند (۲) این ماده پیشبینی گردیده بدون مانع بنماید که بازرگانی اتحاد دجما هیرشوروی سوسیالیستی در ایران و ننگا ههای اقتصاد دیشوروی خواهد داد. • نهرست مذکور در بند فوق در حکم پروانه کلی خواهد بود.
- ۶- دولت ایران موافقت مینماید تا ارز را که نملاجاری است و تعدادی را که ممکن است در مدت اعتبار این قرارداد دوشع شود در صورتیکه اینگونه مقررات مانع از اجرای امین قرارداد بشود نسبت به ننگا ههای شوروی محمول ندارد.
- ۷- دولت ایران بنماید که بازرگانی اتحاد دجما هیرشوروی سوسیالیستی در ایران و همچنین به ننگا ههای اقتصاد دیشوروی حق خواهد داد در تمام مناقسه هائی که ادارات ایران برای خرید مصالح و لوازم از خارجسه اعلان میکنند با استفاده از شرایطی که برای همه اشترک کنندگان مقرر میشود اشترک نمایند.
- ۸- دولت ایران موافقت مینماید که بنماید که بازرگانی اتحاد دجما هیرشوروی سوسیالیستی و ننگا ههای اقتصاد دیشوروی در مدت اجرای این قرارداد در حق بدهد که مطابق قوانین و مقررات موجود در ایران بپ های بنیترین نصب نموده و همچنین مخزنهای نفت و سایر بنگاهانیکه برای تجارت نفت و مشتقات آن میباشد بسازد.
- ۹- موافقت حاصل است که هر ششماه کمیسیون متساوی اعضاء مرکب از اختیارداران وزارت بازرگانی ایران و نمایندگان بازرگانی اتحاد دجما هیرشوروی سوسیالیستی در ایران نتیجه عمل تجارت در دوره ششماه گذشته اجرائی تراد با بازرگانی و سرمایهائی را برای تطبیق دادن جریان تجارت بین طرفین با روح و مفهوم این قرارداد مورد مطالعه قرار دهد.
- ماده دوم- ۱- با در نظر گرفتن محتای بازرگانی ایران و موافقت ماده (۲۰) عهدنامه مورخه ۲۶ تیریه



تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت دارائی

-۱-

اداره

۱۲۱ امتعقد بین ایران و جمهوری متحدہ شوروی سوسیالیستی روسیہ و برای تصریح مدلول آن اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی ترانزیت آزاد را از خاک خود برای محصولات طبیعی و صنعتی ایران بمقصد هر کشور ثالثی مہد ہند از طرف خود ایران ترانزیت آزاد را از خاک خود برای محصولات طبیعی و صنعتی اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی بمقصد هر کشور ثالثی مہد ہد .

۲- بملاوہ اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی بشرکتہا یا بزگانسی و بزگانان ایران حق صد و آزاد را بہر مقصدی کہ باشد برای محصولات طبیعی و صنعتی کہ از ایران بخاک او وارد گردیدہ و در آنجا بفروش نرسیدہ اعطا میکند . ہرگاہ معلوم شود محصولات کہ شرکتہا یا بزگانسی و بزگانان نامبرہہ صادر میکنند همان است کہ وارد کردہ اند حقوق گمرکی کہ در موقع وارد کردن محصولات پرداختہ اند در حین خروج از خاک گمرکی اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی بشرکتہا یا بزگانسی و بزگانان ایران مسترد خواہد گردید .

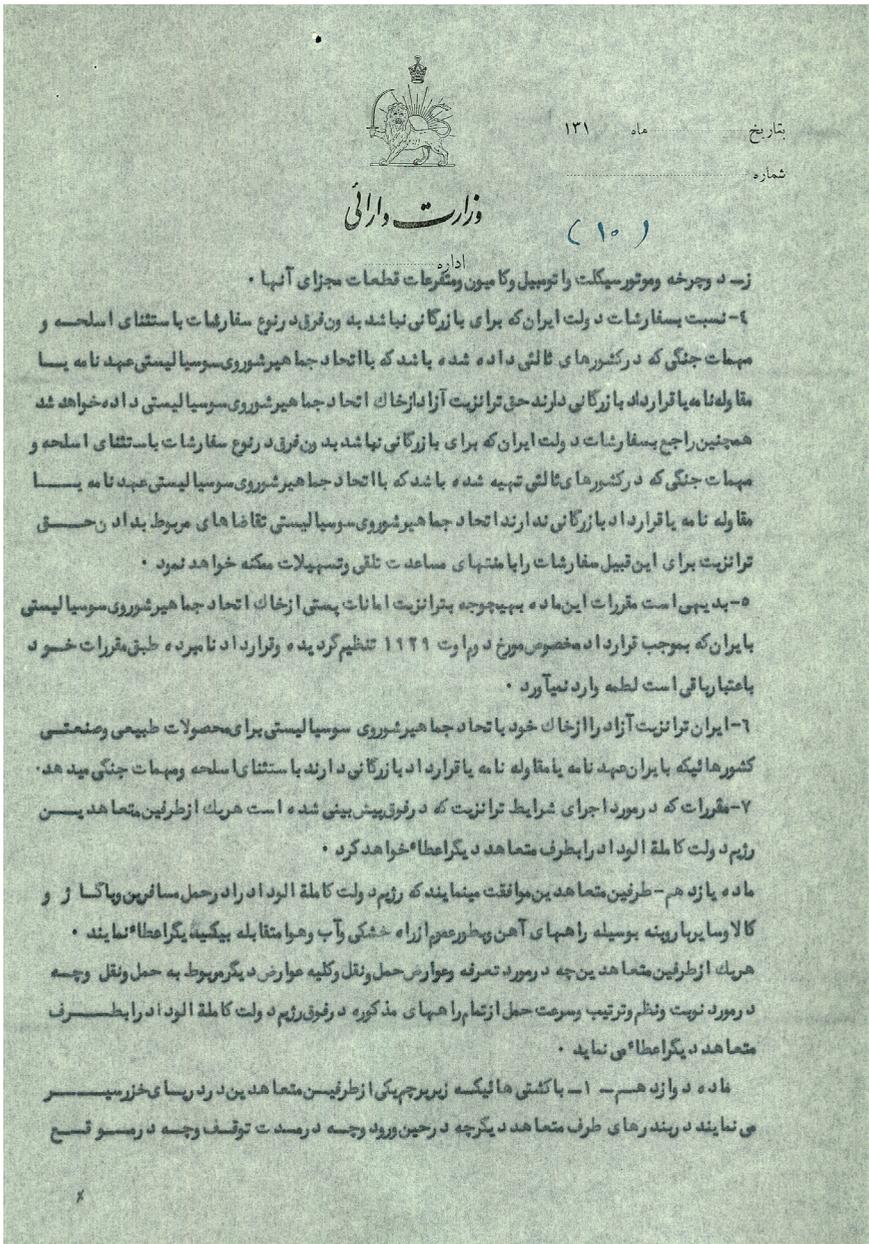
ہمین حقوق نیز از طرف دولت ایران بہ ہنگامہا و ادارات اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی کہ تجارت دارند اعطا میگردد .

۳- اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی ترانزیت آزاد را از خاک خود با ایران برای محصولات طبیعی و صنعتی مذکورہ در ذیل کہ مبادیان محصولات کشورہائی باشد کہ با اتحاد جماہیر شوروی سوسیالیستی ہمدنامہ یا مقلولہ نامہ یا قرارداد بازرگانی داشته باشند مہد ہد :

الف- ماشین آلات و ابزار و مصالح برای کارخانجات ہمچنین برای یتگا ہنہا یگشاہری ماشین آلات و ابزار و مصالح برای ساختن ونگا ہداری خانہ ہا و یتگا ہا - ماشین آلات و ابزار و ملزومات و مصالح برای تاسیس راہ ہمسایہ و وسائط نقلیہ از ہر تیبیل و استفادہ از آنہا و برای احتیاجات یتگا ہنہا یگشاہری ہام المنفعہ .

- ب- دوا از ہر تیبیل و آلات جراحی و اعضا ی مصنوعی بدن .
- ج- کاشف و مشہجات .
- د- تخم نوتان .
- ہ- چای .

آلات و ادوات روشنائی و گرم کردن .





تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واری

-۱۲-

اداره

خروج از حریت مثل کشتهای کشوری رفتار میشود .

- ۲- کشتهای هزبوره عوارض بندری دیگر نخواهند پرداخت جز آنچه قانوناً برای کشتهای کشوری وضع گردیده انهم بهمان شرایط و با همان معاقتها .
- در موقع گرفتن عوارض هزبوره اشیا مذکور ذیل جزو کالای وارده یا صادره محسوب و منظور نخواهد شد .
- الف - باکامسائیرین که تسمتی از بارها شده مقصود از بارها علاوه بر بسته ها کوچک دستی کلیه اشیائی است که بموجب قنن یا کاز حمل می شود .
- ب - سوخت و آذوقه برای مستخدمین و سر نشینان و لوازم تنجیهیات کشتی یا بنداز که برای سیرلانها شد بشرط اینکه لوازم هزبوره برای گذارشتن در بند را ز کشتی خارج نشود .
- ج - بارها تنیکه بملکت رسیدن صد معیکشتی و یا در مواقع توقف های اتفاقی دیگر در بند را ز کشتی خارج شده باشد بشرط اینکه این بارها برای فرستادن به بند مقصد و بار می کشتی گذارده شود .
- د - بارهایی که با کشتیهائی حمل میشوند که ظرفیت آنها کمتر از ستمن ونیم باشد .
- ه - بارهایی که ز کشتی به کشتی دیگر نقل میشوند برای اینکه حمل آنها در دریا ادامه داده شود .
- ۳- کاپوتای کشتیهای کشوری طرفین متعاهدین اختصاص دارد معیناً اموال نقلت حاصل شده است که هر یک از طرفین متعاهدین یک کشتی فیکه زیر پرچم طرف دیگر سیر مینماید حق کاپوتایز را برای حمل و نقل مسافر و بار در دریا می خردند .
- ۴- صرف نظراً از مقررات فوق هر یک از طرفین متعاهدین ما هیچکس را در آبهای ساحلی خود تصادد و حمل دریا می کشتهای خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ میدارند که واردات آنها بیجا میبند شده از طرف کارکنان کشتیهائی را که زیر پرچم او سیر مینمایند از تخفیفات و مزایای خاصی بهره مند سازند .
- ۵- کشتیهائی که در دریاها غیر از دریا می خورند زیر پرچم یکی از طرفین متعاهدین سیر مینمایند در آبهای کشوری و بندرهای طرف متعاهدین دیگر از حیث شرایط کشتی رانی و هرگونه عوارض از همان حقوق و مزایائی که در این مورد به کشتیهائی دولت کمالاً لودا دامتاً میگردد بهره مند میشوند .
- ۶- کشتهای میدک کن که کشتی دیگری را بطوریکه میکشند از پرداخت عوارض بندری (از هر تن ظرفیت کشتی) معاف نمیشوند .



تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت دارائی

اداره ۳۳۰۰۰۰۰۰

ماده سیزدهم - طرفین متعا هدین بر طبق اصولی که در عهدنامه مورخ ۲۶ تیریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری متعده سوسیالیستی شوروی روسیه اعلام گردیده است موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتیهای جز کشتیهای متعلق بایران یا با آنها در جمعا هیس شوروی سوسیالیستی یا متعلق باتباع وینگا های بازرگانی و حمل و نقل کشوری یکی از طرفین متعا هدین که زیر پرچم ایران یا پرچم آنها در جمعا هیس شوروی سوسیالیستی سیر می نمایند نمیتوانند وجود داشته باشند .

ماده چهاردهم - تصد یقننامه های طرفین کشتی که از طرف مقامات صالحه طرفین متعا هدین پس کشتیهای که زیر پرچم ایران یا با آنها در جمعا هیس شوروی سوسیالیستی در دریای خزر سیر می نمایند داده می شود و مقامات نامبرده از طرف هر یک از دولتین متعا هدین در صورت متعا هدین دیگر اعلام میگردند درین باره و در وقتین متقابلت رسمیت خواهد داشت کشتیهاییکه دارای تصد یقننامه های مزبوره هستند درین باره در طرف متعا هدین بگرمورد معاینه جدید واقع نخواهند گردید و نیز درین باره طرفین متعا هدین در دریای خزر تصد یقننامه هایی که راجع بقابلت سیر کشتی و میزان نشست کشتی در آب و سایر اسناد نفی کشتی رانی که از طرف مقامات مذکوره در فوق به کشتیها داده شده است متقابلت رسمیت شناخته خواهد شد .

ماده پانزدهم - طرفین متعا هدین موافقت می نمایند که راجع باقدمات بعد از آنکه باید نسبت بسه کشتیهای هر یک از طرفین درین باره در طرف دیگر در دریای خزر حمل آید مقررات قرار داد صحنی بین المللی که در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۲۱ در ریاس امضا شده با رعایت قیودی که هر یک از طرفین متعا هدین در موقع امضای آن قرار داد نموده اند بجزی گردند .

ماده شانزدهم - این قرار داد بتصویب خواهد رسید .

این قرار داد برای مدت سه سال منعقد گردیده و از روزی که نسخ مصوبه یک در اسرع اوقات در مسکو بحمل خواهد آمد دارای اعتبار خواهد بود .

ولی قرار داد از تاریخ امضای آن بطور موقت اجرا خواهد شد تا صله مدت بین امضای قرار داد و مبادله نسخ مصوبه جزء مدت سه سال فوق بحسب خواهد گردید .

هرگاه یکی از طرفین ششماه پیش از انقضای مدت سه ساله مزبور نسخ قرار داد را اعلام ندارد قرار داد خود



تاریخ ماه ۱۳۱

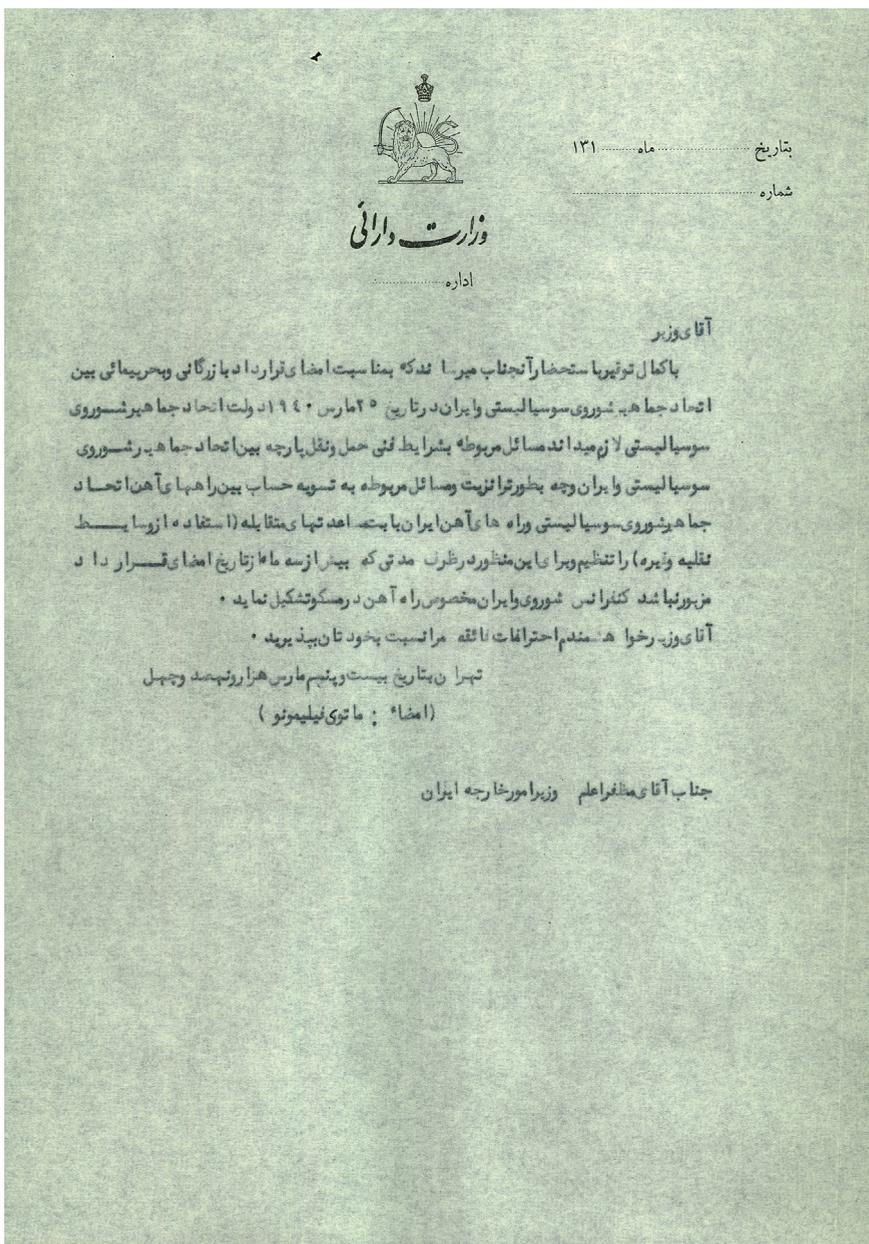
شماره

وزارت عالی

اداره ۱۳۰

- بخود پرایمدت غیرمیشی تمدید شد * محسوب خواهد شد *
- درایتمسورت میتوان قرارداد درادهرموقع باخطا رشمما * قبل نسخ نمود *
- این قرارداد در دستسخه وهرنسخه بزبان فارسیروس نوشته شده وهردو متن دارای اعتبار مساوی میباشد *
- متعلقه شده است در تهران بتاريخ پنجم فروردین ماه ۱۳۱۶ امضا بق ۲۵ مارس ۱۹۴۰ اعلیهذا
- اختیاردارای نامبرده در فوق این قرارداد را امضا و مهر خود مهور نمودند *

امضا : ماتوی نیلیهونو امضا : مظنراهم
پترالکسیوف : صادقی و شیش





تاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واری

اداره

آقای سفیر کبیر

با کمال توقیر وصول نامه آنجناب مورخه ۲۵ مارس ۱۹۴۰ را که بمضمون ذیل است تاجید می‌نمایم .

(..... بمناسبت امضای قرارداد بازرگانی و بحرییمانی بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایران در تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی لازم می‌داند مسائل مربوطه بشرايط نفی حمل و نقل پارچه بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایران و چه بطور تراتزیت و مسائل مربوطه به تسویه حساب بین راه‌های آهن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و راه‌های آهن ایران بابت مساعدت‌های معتدله (استقاده از وسائط نقلیه و سیره) را تنظیم و برای این منظور در طرف مدتیکه پیش از سه ماه از تاریخ امضای قرارداد مزبور نباشد کفرا نوس شوروی و ایران مخصوصاً راه آهن در مسکو تشکیل نماید .

با تمایل احتراماً شعرا می‌داند که دولت ایران از طرف خود موافقت مینماید مسائل مندرجه در نامه آنجناب را تنظیم و در کفرا نوس ایران و شوروی مخصوصاً راه آهن که برای این منظور در مسکو در طرف مدتیکه پیش از سه ماه از تاریخ امضای قرارداد بازرگانی و بحرییمانی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ نباشد تشکیل خواهد شد اشتراک نماید .

آقای سفیر کبیر خواهشمندم احتیاجات فائقه بران نسبت بخودتان بپندیرید .

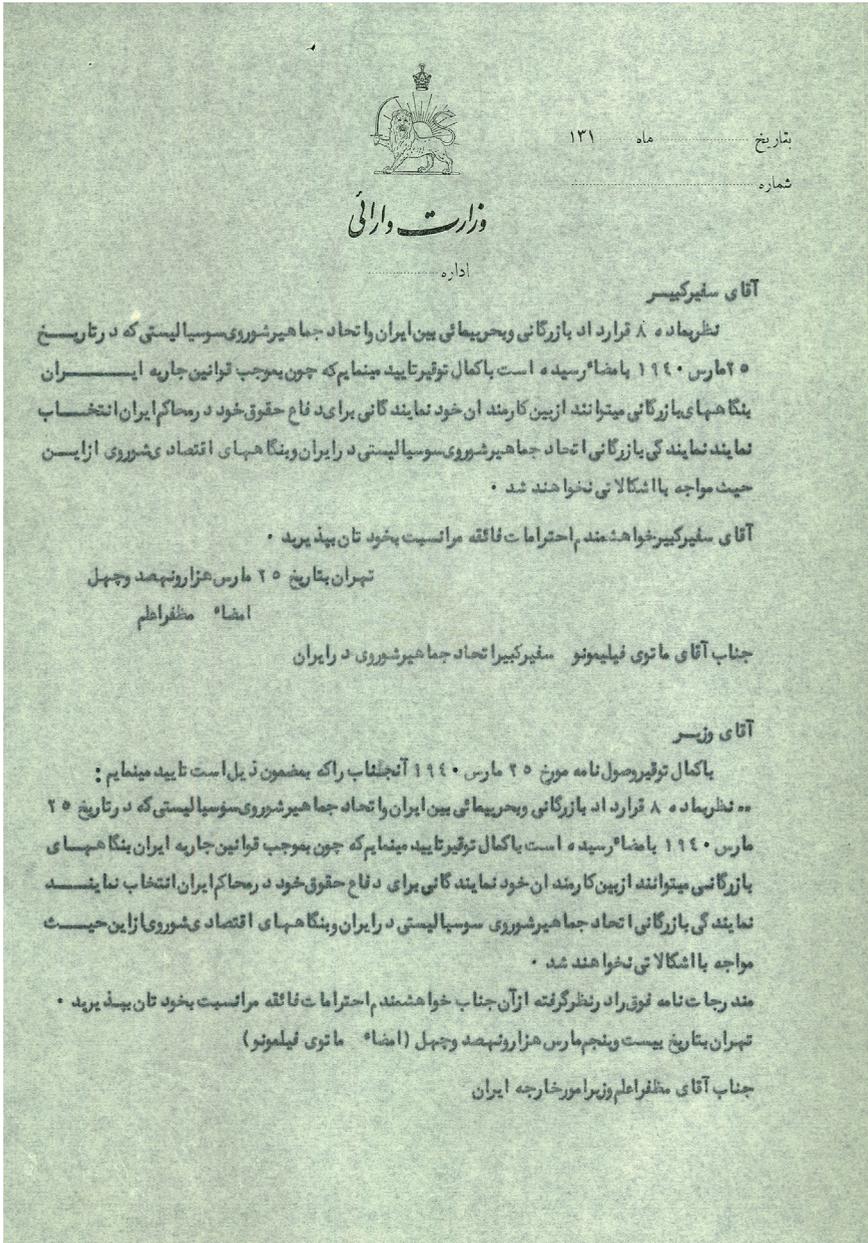
تبران بتاريخ ۲۵ مارس هزار و نهمصد و چهل

(امضاء مظفر اعلم)

جناب آقای مامانویلیسمونو

سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران

اجازه می‌باشد که قرارداد بازرگانی و بحرییمانی منمقدمه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی پیشین بالا در جلسه ۱۵ فوروردین ماه ۱۳۱۱ داده شده است . رئیس مجلس شورای ملی . حسن اسفندیاری





بتاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت‌داری

اداره

آقای وزیر

بانتهايت توفیر مراتب زهرا با ستحضار آنجیاب میرساند :

نظربا اینکه دریای خزر که طرفین متعا هدین آنرا دریای ایران و شوروی میدانند برای طرفین متعا هدین دارای اهمیت خاصی میباشد - دموافقت حاصل است که دولتین اقدامات لازمه را بعمل خواهند آورد تا اتباع کشورهای ثالث که در کشتیهای طرفین متعا هدین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت هستند از خدمت و توقف خود در کشتیها و بنا در برای مقاصد یکی که خان ازجد و وظایف خدمتی محوله بآنها باشد استفاده ننمایند .

آقای وزیر خواهشمندم احترامات ناقصه مراتب نسبت بخودتان بپذیرید . (امضا) : ماتوی فیلیچونو
جناب آقای مظفر اعلم وزیر امور خارجه ایران

آقای سفیر کبیر

با کمال توفیر وصول نامه مورخ ۱۵ مارس ۱۹۰۹ آنجناب را که بمضمون ذیل است تا ابید مینمایم :

• نظربا اینکه دریای خزر که طرفین متعا هدین آنرا دریای ایران و شوروی میدانند .
• برای طرفین متعا هدین دارای اهمیت خاصی میباشد دموافقت حاصل است که دولتین اقدامات لازمه را بعمل خواهند آورد تا اتباع کشورهای ثالث که در کشتیهای طرفین متعا هدین و در بندرهای واقع در دریای خزر مشغول خدمت هستند از خدمت و توقف خود در کشتیها و بنا در برای مقاصد یکی که خان ازجد و وظایف خدمتی محوله بآنها باشد استفاده ننمایند .

مدرجات نامفوق را در نظر گرفته خواهشمندم احترامات ناقصه بخودتان بپذیرید . تهران
بتاریخ بیست و نهم مارس هزار و نهمصد و چهل ((امضا)) مظفر اعلم))

جناب آقای ماتوی فیلیچونو سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران



بتاریخ ماه ۱۳۱

شماره

وزارت واری

اداره

آقای سنیرکبیر

باکمال توفیر باستحضار آن جناب میرساند که دولت ایران رضایت میدهد بشرط معامله متقابلسه ترتیب ذیل را نسبت بحمايت علامت بازرگانى مجرى بدارد :

۱- اشخاص حقوقى و طبيعى هر يك از طرفين متعا هد پن که دارای بنگاههاى صنعتى و بازرگانى ميباشند در خاک طرف متعا هد دیگر از همین حمايتى که اتباع و اشخاص حقوقى طرف مذکور نسبت بحلا تم بازرگانى آن استاده میکنند بهره مند خواهند بود مشروط بر اینکه نامبردگان مراسم و مقررات جارى در خاک آن کشور را رعایت نمایند .

۲- طرفین متقابل متعهد میشوند در کشور خود د آتیه علامت بازرگانى را که بعنوان اسم نوعى ميباشد از کالاهای مورد مصرف عموم واقع شده باشد بر رسمیت شناخته و به ثبت نرسانند .

طرفین متقابل یکدیگر را راجح بترتیب تصدیق امضای اسنادی که با د ارات ثبت علامت بازرگانى ارائه میشود با همان تیت این اسناد از هرگونه تصدیق کنسولی مطلع مینمایند .

مقررات مذکور در فوق شامل کلیه بنگاههاى صنعتى و بازرگانى خواهد بود .

اعمال این بنگاههاى مندرج مشمول وقت یا اتحادیه ها یا اشخاص باشد .

آقای سنیرکبیر خواهشمندم احترامات نا تقه مرا نسبت پخود تان بپذیرد .

شهران بتاریخ بیست و پنجم مار س هزار و نهصد و چهل

امضاء : مظفر اعلم

جناب آقای ها توی لیلیمونو سنیرکبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران .

نمایه

- آبسکون (منطقه): ۴۳
 آذربایجان (جمهوری): ۱۱، ۱۲، ۲۵، ۲۷، ۳۵، ۴۲، ۴۳، ۴۸، ۵۱، ۵۴، ۶۷، ۱۲۹، ۱۴۰
 آراکلی، هراکلیوس: ۶۰، ۶۱
 آران (جمهوری آذربایجان): ۲۴، ۲۸، ۴۲
 آرانسون (رئیس تجارت شرق): ۱۴۸
 آزارینس، فونویچ: ۸۶
 آستارا: ۲۵، ۲۶، ۸۲، ۸۳، ۸۸، ۸۹، ۱۱۰، ۱۱۹
 ۱۲۹، ۱۴۴
 آستاراخان: ۲۴، ۲۶، ۴۳، ۴۴، ۴۸
 آسیای صغیر: ۱۳۱
 آغامحمد قاجار، شاه ایران: ۵۹، ۶۰
 آلانها (اقوام): ۴۲
 آلتون، جان: ۷۳، ۱۳۴
 آلکساندروسک ← بندر آلکساندروسک
 آلمانی: ۱۲، ۱۵۶
 آلمان: ۴۶، ۱۳۱، ۱۳۵
 آمریکا: ۱۲، ۳۳، ۳۴، ۱۱۸
 آورامف، سیمون: ۴۸، ۵۰، ۵۱
 آیین‌نامه‌های شرکت شیلات ایران و شوروی:
 ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲
- ابراهیم بیگ (صدر اعظم عثمانی): ۵۱
 ایریشم: ۲۵، ۲۶، ۳۸، ۴۴، ۴۷، ۴۹، ۷۲، ۱۱۲
 ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۳
 ایرکسین (دریا سالار): ۴۹
 آتریش: ۴۶
 اتک (روستا): ۱۰۷
 احمد پاشا: ۵۳
 احمدخان مغول: ۴۳
 ارباب اصفهانی، آقا محمد مهدی: ۱۰۴، ۱۰۷
 ارباب جمشید ← جمشیدیان، جمشید
 اردبیل: ۲۵، ۵۳، ۵۴
 ارزروم: ۲۷، ۱۲۲
 ارمنستان: ۲۷، ۴۱، ۴۲، ۴۶، ۵۱، ۵۵
 ارومیه: ۴۱، ۵۱، ۱۴۴
 ازبک‌ها: ۵۵
 استانبول: ۴۶، ۵۱، ۵۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۵
 استرابون: ۲۱
 استرآباد: ۲۶، ۴۵، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۸۵
 ۸۷، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۴
 استرمان (نماینده تزار روسیه): ۴۸
 استیونس: ۱۲۲

انصاری، میرزا مسعود: ۸۴	اسرائیل: ۳۳
انگلستان: ۴۴، ۶۱، ۷۷، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۷،	اسماعیل میرزا (فرزند شاه سلطان حسین): ۵۴
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۱	اشرف افغان: ۵۱، ۵۲، ۵۳
انوشیروان ← خسرو ساسانی اول، شاه ایران	اشکانیان: ۴۱، ۴۲
اورسک (شهر): ۲۹	اصفهان: ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶
اورلف (سرگرد روسی): ۵۳	۱۰۴، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۴۴
اوری، اسرائیل: ۴۶، ۴۷	اصفهان، علی: ۱۰۴
ایتالیا: ۴۶	اصفهان، نورالله: ۱۴۴
ایران (روزنامه): ۷۷، ۱۴۱، ۱۴۲	اعتمادالدوله، اسماعیل بیگ: ۴۸، ۵۲
ایروان: ۵۱، ۶۲، ۷۵، ۱۲۲	اعلم، مظفر: ۶۹، ۷۰، ۱۴۹
ایروانی، عباس بیات: ۸۳	افغانستان: ۱۱۶
ایوان چهارم، تزار روسیه: ۴۳، ۴۴	افغانی، میروسیس: ۴۷
ایوان سوم، تزار روسیه: ۴۳	الکساندر اول، تزار روسیه: ۶۲، ۷۳، ۷۴
بابل: ۲۵، ۲۷، ۳۸، ۹۲، ۹۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۴	الکسیوف، پترایانوویچ: ۷۰، ۱۴۹
بایلسر: ۳۸	الیزابت اول، ملکه انگلستان: ۴۴
بادکوبه: ۲۵، ۷۶، ۱۰۸، ۱۱۹، ۱۴۳	الیزابت پتروونا، امپراتریس روسیه: ۷۳
بارفروش (بابل): ۲۵، ۲۶، ۳۸، ۵۹، ۱۰۸، ۱۰۹	امان‌الله‌خان (سردار محمود افغان): ۵۰
۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸	امپریالیسم: ۱۴۱
بازرگانان ونیزی: ۴۴، ۷۲	امتیاز رویتز: ۸۶، ۱۱۹
باکو: ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۷	امتیاز شیلات: ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹
۶۰، ۶۱، ۱۱۹، ۱۴۸	۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۲
بانک استقراضی روس: ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۸	امیرکبیر، میرزا تقی‌خان: ۸۴، ۱۱۱، ۱۱۳
بانک ایران و روس: ۱۴۷	امین‌السلطان، علی‌اصغر: ۸۷، ۸۸، ۱۱۱، ۱۳۵
بانک روس‌پرس: ۱۴۸	امین‌الضرب، محمد حسن بن محمد حسین: ۱۰۴
بانک شاهنشاهی: ۱۰۸	۱۱۱، ۱۳۳
بانک فرانسه: ۱۳۲	امینه، کاظم: ۱۰۸
بانک ملی: ۱۴۷	انصاری، علیقلی‌خان (مشاور الممالک): ۹۱، ۱۴۴
بخارا: ۴۷، ۱۱۵	۱۵۴

بندر گوریو: ۲۵	برخوردارخان (فرستاده شاه تهماسب دوم): ۵۳
بندر مشهدسر ← مشهدسر	بریتانیا: ۱۳۵، ۱۴۱
بندرعباس: ۱۱۰	بسطام: ۱۳۴
بندرگز: ۲۳، ۲۷، ۸۵، ۱۰۴، ۱۲۸، ۱۲۹	بصره: ۷۳
بندرلنگه: ۱۱۰	بطلمیوس: ۲۱
بوشهر: ۱۱۰، ۱۲۰	بکوویچ (فرمانده روسی): ۲۵، ۴۷
بومشناسی: ۱۵۳	بلاش اشکانی اول، شاه ایران: ۴۲
بهشهر: ۲۳	بلژیکی‌ها: ۱۳۳
بیات ایروانی، عباس: ۸۳	بندر استرآباد: ۲۶
بیگلروف، میروویچ ملیک: ۸۶	بندر اشرف: ۳۴
پاپ: ۴۶	بندر انزلی: ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۹
پاریس: ۸۳	۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۹۶، ۱۰۸
پاسکوویچ، ایوان: ۶۲	۱۱۰، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳
پاکور اشکانی (برادر بلاش اشکانی): ۴۲	۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۵
پانیاس: ۱۲۳	بندر آستارا: ۲۵
پتر کبیر ← پتر اول، تزار روسیه	بندر آستاراخان ← بندر آسترخان (روسیه)
پتر اول، تزار روسیه: ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴	بندر آسترخان (روسیه): ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۳
پل اول، تزار روسیه: ۶۴	۴۷، ۴۹، ۸۶، ۱۰۶، ۱۰۸
پل رود: ۲۷	بندر آکساندروسک: ۲۴
پلوتارک: ۲۱	بندر بادکوبه ← بادکوبه
پوتی (منطقه): ۱۲۲، ۱۲۹	بندر بارفروش ← بارفروش
پورنیف (بازرگان روسی): ۴۷	بندر پهلوی ← بندر انزلی
پولاک، یاکوب ادوارد: ۱۲۶	بندر پیربازار: ۱۱۵، ۱۱۶
پهلوی (خاندان): ۱۴، ۱۴۳	بندر حاجی طرخان ← بندر آسترخان (روسیه)
پیکالف (کنسول روسی): ۱۴۹	بندر حسن کیاده: ۸۲، ۸۹، ۱۴۱
تالاب انزلی ← مرداب انزلی	بندر دربند ← دربند
تالش: ۲۷، ۶۰، ۷۵	بندر غازان ← قازان (روسیه)
	بندر فرح‌آباد ← فرح‌آباد (ساری)

تبریز: ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۶۲، ۶۶، ۱۱۱، ۱۱۲،	تورماسوف (فرمانده روسی نیروهای مقیم قفقاز):
۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۵،	۶۱، ۷۴
۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۰	تورناو: ۱۳۴
تجارتخانه جمشیدیان: ۱۰۹	التون، جان: ۷۳، ۱۳۸
تجارتخانه جهانیان: ۱۰۹	تهماسب صفوی اول، شاه ایران: ۴۴، ۴۵
تجارتخانه روسی: ۱۰۹	تهماسب صفوی دوم، شاه ایران: ۴۷، ۴۸، ۵۰
تجارتخانه سانترسایوز: ۱۴۰، ۱۴۲	۵۲، ۵۳، ۵۴
تجارتخانه کوشین: ۱۱۰	تهمورث خان ← گرجی، تهمورث خان
تجارتخانه کوکاروف: ۱۱۰	تیرداد اشکانی، شاه ایران: ۴۲
تجارتخانه ونشتورک: ۱۴۰، ۱۴۲	جزیره آشوراده: ۲۳، ۲۴، ۲۹، ۴۵، ۸۵
ترکمانچای (منطقه): ۶۲	جزیره پریگونکی: ۳۰
ترکمنستان: ۱۱، ۱۲، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۵	جزیره پیچوژونوک: ۳۰
ترکیه: ۲۷، ۳۴، ۱۱۵	جزیره تراب گوده: ۲۳
تروتسکی: ۱۵۴	جزیره چتریخ بوگورنی: ۲۹
تعرفه: ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۴۰،	جزیره چچن: ۲۹، ۳۰
۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۶	جزیره چلکن: ۳۰
تعرفه ۱۹۱۹ (اروپایی): ۱۴۰، ۱۴۱	جزیره دووانی: ۳۰
تعرفه ۱۹۰۳ (آسیایی): ۱۲۴، ۱۲۵	جزیره ژیلوی: ۳۰
تفلیس: ۵۱، ۶۱، ۶۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹	جزیره شیلوی ← جزیره ژیلوی
تفنگچی باشی، احمد: ۵۵	جزیره قلم گوده: ۲۳
تمیجان (روستا): ۵۳	جزیره کولای: ۳۰
تنکابن: ۸۶	جزیره گلوگاه: ۲۳
تنگه پیربازار: ۹۶	جزیره میان پشته: ۲۲
تنگه سوسر: ۹۶	جزیره نور: ۹۷
تنگه کلویر: ۹۶، ۹۷	جزیره نوور: ۲۳
تنگه کولور ← تنگه کلویر	جزیره یایچنی: ۳۰
تنگه نور: ۹۶	جلفا: ۲۶، ۱۱۰، ۱۲۷
تورسک (استان): ۲۹	جمال بیگ ← التون، جان

- جمعیت نهضت اقتصاد مرکز (تهران): ۱۴۳، ۱۴۴
- جنکینسون، آنتونی: ۴۴
- چالوس: ۲۷
- چرنیخ، اس: ۶۹، ۸۰، ۱۴۹
- چهار تپه ← جزیره چتریخ بوگورنی
- چیچرین (نماینده شوروی): ۷۷
- چین: ۳۳
- حاجی ابراهیم (هیئت افغانی): ۵۲
- حاجی عباس (مباشر شیلات): ۸۵
- حاجی میرزا آقاسی ← بیات ایروانی، عباس
- حاجی طرخان ← بندر آسترخان (روسیه)
- حبل‌المتین (روزنامه): ۱۴۳، ۱۴۴
- حسین صفوی، شاه ایران ← شاه سلطان حسین صفوی
- حقوق تجارت: ۱۰۳، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶
- ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۵
- حقوق شانسلری: ۱۴۶
- حقوق گمرکی: ۱۶، ۴۷، ۸۹، ۹۴، ۱۰۳، ۱۱۱
- ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۹
- ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲
- حمل و نقل جاده‌ای: ۱۳۰
- حوضه آبریز دریای خزر: ۲۷، ۲۸، ۲۹
- خراسان: ۲۸، ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۶۰، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۶
- ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۴
- خرمشهر: ۱۱۰
- خرزها (اقوام): ۴۲، ۴۳
- خسروساسانی اول، شاه ایران: ۴۲
- خلیج انزلی: ۲۲، ۲۳
- خلیج آقراخان: ۲۲، ۲۳، ۲۹
- خلیج بالخان: ۲۳
- خلیج بهنمیر: ۲۳، ۹۷
- خلیج حسینقلی: ۲۳، ۲۸
- خلیج قره‌بغاز: ۲۲، ۲۳
- خلیج قره‌بازگل ← خلیج قره‌بغاز
- خلیج کایداک ← خلیج کمسومولتس
- خلیج کراسنوودسک: ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶
- خلیج کمسومولتس: ۲۲، ۲۴
- خلیج گرگان: ۲۳، ۲۸، ۲۹
- خلیج گیزلار: ۲۲
- خلیج منقشلاق: ۲۲
- خلیج غازان قلی ← خلیج حسینقلی
- خلیج فارس: ۳۵، ۳۶، ۱۱۰، ۱۳۱
- خلیج قزل‌آقاج: ۲۲، ۲۳
- خوی: ۱۴۴
- خیوه (ازبکستان): ۴۷، ۵۰
- داغستان (روسیه): ۲۴، ۲۸، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۰
- ۵۱، ۵۷، ۵۸، ۷۲
- دالگورکی (سفیر مختار روسیه): ۸۳، ۸۵، ۱۳۱
- ۱۳۲، ۱۳۵
- دامغان: ۵۲
- دربند: ۲۴، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۷
- ۶۰، ۷۲، ۷۳
- دریا بیگی، ابراهیم‌خان: ۸۴
- دریانوردی (حقوق): ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵
- ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۲، ۸۷، ۸۸
- دریای سیاه: ۲۲، ۴۲، ۷۶، ۱۲۹، ۱۳۰
- دریایی، میرصادق: ۸۴
- دلاواله، پیترو: ۷۲

رود ولگا (روسیه): ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۶۵، ۱۰۶	دماوند (منطقه): ۳۸
رود هراز: ۲۷	دوبوناک، مارکی: ۵۱
رود چشمه کیله: ۲۷	دیلم: ۴۳، ۵۴
رودخانه سمور ← رود سامور	راتیشف (اعضای تیم مذاکره کننده روسی): ۷۴
رودسر: ۵۳	راه آهن: ۲۴، ۷۷، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳
روس (قوم): ۴۳	۱۳۸، ۱۴۲
روم: ۴۲، ۱۱۵	راه‌های شوسه: ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۵۴
رومانوف (سلسله): ۴۴، ۴۵	رستم خان اول (والی گرجستان): ۴۵
رومیانتسلف، نیکولای پیترویچ: ۷۴	رشت: ۲۵، ۲۶، ۳۷، ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۵
ریمیا (روزنامه): ۱۳۵	۵۷، ۵۹، ۶۷، ۷۳، ۸۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴
زارع، اردشیر: ۱۰۹	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۴۷
زندیان: ۷۳	۱۴۸، ۱۴۹
زینل بن ابراهیم: ۵۳، ۵۴	رود اترک: ۲۳، ۲۸، ۸۲، ۸۸، ۹۲
زینل خان ← زینل بن ابراهیم	رود ارس: ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۸۵
زینوویف (سفیر روسیه): ۱۱۸	رود امبا: ۲۹
ساسانیان: ۴۱، ۴۲	رود اورال: ۲۹
سالیان (منطقه): ۲۳	رود بابل: ۲۶، ۹۲، ۹۸
سپهسالار، حسین بن نبی خان (مشیرالدوله): ۸۲	رود پسیخان: ۲۷
۸۵، ۸۶، ۸۷	رود تجن: ۲۷
ستاره ایران (روزنامه): ۹۱	رود سامور: ۲۸
سرای (شهر): ۴۲، ۴۳	رود سیحون: ۴۳
سرجان ملکم ← مالکوم، جان	رود قره‌سو: ۲۸، ۹۲، ۹۸
سفیدرود: ۲۷، ۲۸، ۹۵، ۹۸، ۱۲۶، ۱۴۱	رود کارون: ۷۷، ۱۰۶، ۱۳۵
سکاها (اقوام): ۴۱، ۴۲	رود کور ← رود کورا
سلجوقیان: ۴۳	رود کورا: ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۶۲
سلطان محمد خدابنده صفوی: ۴۴	رود کوروش ← رود کورا
سلوکیان: ۴۱	رود گرگان: ۲۷، ۲۸، ۹۲، ۹۸
	رود نکا: ۲۷، ۲۸

شرکت امین‌التجار: ۱۳۰	سوجایف: ۸۵
شرکت برادران ناپل: ۱۱۰	سودان: ۱۱۵
شرکت بیمه حمل‌ونقل: ۱۱۷	سوف ماهیان: ۹۵، ۹۹، ۱۰۱
شرکت تومانیانس: ۱۰۸	سویمونف: ۵۰
شرکت حمل‌ونقل ایران: ۱۳۳	سوئد: ۴۹
شرکت حمل‌ونقل حاج عبدالرحیم: ۱۳۰	سیبری: ۲۱، ۳۵
شرکت شیلات ایران و شوروی: ۸۲، ۹۶، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱	سیستانی، ملک محمود: ۵۲
شرکت مسکوی: ۴۴، ۷۲، ۱۳۴	سیسیانف (ژنرال): ۶۱، ۶۲
شرکت منصوریه: ۱۰۸	شافیروف، بارون: ۵۵
شروان: ۴۵	شاه تهماسب صفوی دوم، شاه ایران ← تهماسب صفوی دوم، شاه ایران
شفیع، محمدخان: ۱۰۸	شاه تهماسب صفوی، اول ← تهماسب صفوی اول، شاه ایران
شکور (منطقه): ۶۲	شاه جهان، بهرام: ۱۰۹
شلمان‌رود: ۲۷	شاه جهان، پرویز: ۱۰۹
شماخی (شهر): ۴۶، ۵۰	شاه جهان، خسرو: ۱۰۹
شوره‌گل (ایالت): ۷۵	شاه جهان، رستم: ۱۰۹
شومیاتسکی (سفیر شوروی): ۱۴۰	شاه جهان، گودرز: ۱۰۹
شیپوف (سرهنگ): ۴۸، ۵۰	شاهرود: ۲۳، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۴
شیراز: ۵۳، ۱۱۱، ۱۳۰	شاه سلطان حسین، صفوی: ۴۶، ۴۷، ۵۳
شیروان: ۴۸، ۵۱، ۷۷	شاهسون ← طایفه شاهسون
شیلات: ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۷، ۹۰	شاه عباس صفوی، اول ← عباس صفوی اول، شاه ایران
صابرآباد: ۲۸	شاه عباس صفوی، دوم ← عباس صفوی دوم، شاه ایران
صراف، مرتضی: ۱۰۸	شاه عباس صفوی، سوم ← عباس صفوی سوم، شاه ایران
صفویان: ۱۴، ۱۶، ۳۴، ۳۸، ۴۴، ۸۲، ۱۲۳، ۱۲۶	شاه ایران
صومعه نصارای گرجی: ۵۷	شاه عباس صفوی، سوم ← عباس صفوی سوم، شاه ایران
صیدال‌خان، محمد: ۵۲، ۵۳، ۵۴	شاه ایران
طایفه شاهسون: ۵۴	شبه‌جزیره ماه روز: ۹۷
طایفه شقاقی: ۵۴	شرکت آرمانف مسکو: ۱۱۰
طایفه قوانلو (قاجار): ۵۲	

- طبرستان: ۴۳
 قرار داد ایران و روسیه شوروی، ۱۹۲۱ م ←
 معاهده مودت ۱۳۵، ۱۲۹، ۱۲۲، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۳۵
 عباس صفوی اول، شاه ایران: ۳۴، ۴۴، ۷۲، ۱۱۵،
 ۱۲۶
 عباس صفوی دوم، شاه ایران: ۴۵
 عباس صفوی سوم، شاه ایران: ۵۳، ۵۴
 عباس میرزا قاجار: ۶۱، ۶۲
 عثمانی: ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵،
 ۷۳، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۳۱
 عراق: ۱۲۸
 عربستان: ۴۱
 عشق آباد: ۱۲۸، ۱۳۳
 علوی، حسن بن زید: ۴۳
 عمر سلطان (هیئت افغانی): ۵۲
 عمراتلو، محمد: ۶۰
 عمیدالملک (حاکم گیلان): ۸۵
 عین الدوله، عبدالمجید میرزا: ۸۸
 غازان (کازان) ← قازان (روسیه)
 غازان قلی (خلیج) ← خلیج حسینقلی
 غازیان: ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۱۱۵
 فتحعلی قاجار، شاه ایران: ۶۱، ۱۱۹، ۱۲۰
 فرانسه: ۴۶، ۵۱، ۶۱، ۹۴، ۱۰۹، ۱۱۸
 فرح آباد (ساری): ۳۴، ۵۹
 فریزر (نویسنده): ۲۶
 فیلمونو، ماتوی: ۷۰، ۱۴۹
 قاجاریه: ۲۶، ۳۸، ۵۲، ۵۹، ۶۰، ۸۱، ۸۷، ۱۰۳،
 ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۶،
 ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۵۵
 قازان (روسیه): ۴۳، ۷۷
 قرار داد ایران و روسیه شوروی، ۱۹۲۴ م: ۱۳۹
 قرار داد ایران و روسیه شوروی، ۱۹۲۷ م: ۶۹، ۷۹،
 ۹۱، ۹۴، ۱۴۵
 قرار داد ایران و روسیه شوروی، ۱۹۳۵ م: ۶۹، ۷۰،
 ۷۷، ۸۰
 قرار داد ایران و روسیه شوروی، ۱۹۴۰ م: ۶۷، ۷۰،
 ۷۱، ۸۰، ۸۲
 قرار داد بازرگانی و بحر پیمایی ← قرار داد ایران
 و روسیه شوروی، ۱۹۴۰ م
 قرار داد صلح (کارلوویتز): ۴۶
 قرار داد صلح نیشناد: ۴۹
 قرار داد گلستان ← معاهده گلستان
 قرار داد وانتیسف: ۸۸، ۸۹
 قرایوسف: ۸۵
 قره باغ: ۶۲، ۷۵
 قزاقستان: ۱۱، ۱۲، ۲۴، ۲۵، ۲۹، ۳۵
 قزوین: ۳۷، ۳۸، ۵۴، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳
 قفقاز: ۱۴، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۴، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴،
 ۴۷، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۲، ۷۳،
 ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۹
 ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۵۳
 قوام الدوله، میرزا عباس خان: ۸۷
 قیزل آغاج ← خلیج قزل آغاج
 کابوتاژ (حقوق): ۷۰، ۸۰، ۹۴
 کاپیتولاسیون: ۸۷، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۵۴
 کاترین دوم، تزار روسیه: ۶۰، ۷۳
 کاترین کبیر ← کاترین دوم

- کاراخان، لومیفائیلویچ: ۹۱
 کاشان: ۱۱۱، ۱۱۵
 کاظمی، باقر: ۶۹، ۱۴۹
 کاکاریف: ۱۳۴
 کالوشکین (سفیر روسیه): ۷۳
 کامران میرزاقاجار: ۸۲، ۸۷
 کامله‌الوداد: ۷۹، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۵
 ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶
 کامسومولتس ← خلیج کمسومولتس
 کایداک ← خلیج کمسومولتس
 کپور: ۹۵، ۹۹، ۱۰۱
 کپورچال (منطقه): ۲۳، ۹۷، ۹۸
 کراسنودسک ← خلیج کراسنودسک
 کردستان: ۵۱
 کرزن، جرج ناتانیل: ۱۲۱
 کرگان‌رود: ۲۷، ۸۳
 کرمانشاه: ۴۸، ۵۱، ۵۳
 کریمخان زند: ۷۳
 کشتی‌رانی (حقوق) ← دریانوردی (حقوق)
 کشتی‌رانی قفقاز-مرکوری: ۲۶، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۳۰
 کفتانیکوف (مستأجر شیلات): ۸۳
 کلمه (ماه): ۹۵، ۹۹، ۱۰۱
 کمسومولتس ← خلیج کمسومولتس
 کمونیسیم: ۳۵
 کمیساریا: ۱۳۸، ۱۴۸
 کندومینیوم ← مشاع
 کنوانسیون‌ها: ۱۴، ۱۵، ۶۵، ۶۶
 کوپه‌داغ (منطقه): ۱۰۷
 کورا ← رود کورا
 کوزه‌کنانی، مهدی: ۱۰۸
 کولای ← جزیره کولای
 گالیتسین، سرگئی: ۵۵، ۵۶
 گدویچ (ژنرال): ۶۲
 گرجستان: ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۱، ۵۵، ۵۹، ۶۰
 ۶۱، ۱۲۹
 گرچی، تهمورث‌خان: ۴۵
 گردشگری زیست محیطی: ۳۷
 گرگان (خلیج) ← خلیج گرگان
 گرگین‌خان (والی گرجستان): ۶۱
 گلستان (روستایی در جمهوری آذربایجان): ۶۲
 گلوبف (نماینده روسیه): ۱۲۴
 گمرک: ۱۷، ۵۵، ۷۰، ۷۱، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵
 ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵
 ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵
 ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶
 گنجه: ۶۰، ۶۱، ۶۲
 گوریو ← بندر گوریو
 گیزلار ← خلیج گیزلار
 گیل (ناحیه): ۴۳
 گیلان: ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳
 ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۷۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۱۵، ۱۱۶
 ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۴۷
 ۱۴۸، ۱۴۹
 لاهیجان: ۵۰، ۵۱، ۵۳
 لزگی‌ها (اقوام): ۴۷، ۷۲
 لنکران (منطقه): ۲۳

- لنگرود: ۲۷، ۷۳
 لواشف (ژنرال): ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵
 لهستان: ۴۶، ۱۰۹
 لیزانف، مارتین: ۹۵
 لیانازوف، اسپان مارتینوویچ: ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۸
 لیانازوف، گئورگی: ۸۸
 مازندران: ۲۵، ۲۶، ۳۴، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۷۶، ۸۶، ۸۷، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۷
 ماسوله: ۲۷
 مالکوم، جان: ۱۱۹
 مانوشکین (سرگرد روسی): ۵۰، ۵۱
 ماهاجقلعه (مرکز داغستان): ۲۴
 ماهی سوف ← سوف ماهیان
 ماهیگیری: ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۸۲، ۸۸، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲
 مبلغان کاتولیک: ۴۶
 محمد قاجار، شاه ایران: ۸۱، ۸۳، ۱۱۵
 محمد ولی بیگ (مستأجر قرارداد شیلات): ۸۴
 محمدخدابنده، صفوی: ۴۴
 محمود افغان: ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴
 محمودآباد: ۱۳۳
 مرداب انزلی: ۲۵، ۲۶، ۳۸، ۷۷، ۸۶، ۹۶، ۹۷
 مرند: ۱۲۲، ۱۴۴
 مستوفی، حسن: ۱۴۰
 مستوفی، میرزا محمد: ۵۵
 مستوفی‌الممالک ← مستوفی، حسن
 مسعودی، علی بن حسین: ۴۳
 مسکو: ۴۴، ۶۹، ۹۱، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۴۴، ۱۵۴
 مسکوی ← شرکت مسکوی
 مشاع: ۱۵، ۷۱
 مشاورالممالک ← انصاری، علیقلی‌خان
 مشرسکی، بوریس: ۴۸
 مشهد: ۵۲، ۵۶، ۱۱۰، ۱۱۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۰
 مشهدسر: ۲۵، ۳۸، ۸۹، ۹۲، ۱۲۵، ۱۴۰
 مصدق، محمد: ۸۱
 مظفرالدین قاجار، شاه ایران: ۱۰۹
 معاهده ترکمانچای: ۶۷، ۶۸، ۷۵، ۷۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۴
 معاهده رشت: ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۷
 معاهده سن‌پترزبورگ: ۴۸، ۵۲، ۶۷
 معاهده گلستان: ۶۱، ۶۷، ۷۴، ۷۵
 معاهده گنجه: ۵۵، ۵۶، ۶۷، ۸۲
 معاهده مودت: ۱۲، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۸، ۸۸، ۹۰، ۹۱، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۴
 مقاله‌نامه: ۱۵، ۶۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۵۲
 ملکه آنا، امپراتریس روسیه: ۵۵
 ملگونوف، گریگوری: ۱۳۳
 ملیک بیگلروف، لوآراساب: ۸۶
 ملیک بیگلروف، میروویچ: ۸۶
 منقشلاق ← خلیج منقشلاق
 منگلی گرای: ۴۳
 مؤتمن‌الملک، میرزا سعیدخان: ۸۲، ۸۷
 مورچه‌خورت: ۵۲
 مهماندوست: ۵۲
 میان‌پشته ← جزیره میان‌پشته

- میان محله ← جزیره میان‌پشته
 میرزا آقاخان نوری، نصرالله بن اسدالله: ۷۶
 وایتسیف ← قرارداد وایتسیف
 وایکینگ‌ها: ۴۳
 میرزا آقاسی ← ایروانی، عباس بیات
 وترانی (ژنرال): ۴۹
 میرزا ابوطالب (مستأجر قرارداد شیلات): ۸۵، ۸۴
 وثیقی، صادق: ۷۰، ۱۴۹
 میرزا اسمعیل (مستأجر قرارداد شیلات): ۸۴
 وزارت تجارت و فلاحات: ۱۱۱، ۱۲۰
 میرزا کاظم (نماینده مختار ایران): ۵۹
 وقایع اتفاقیه (روزنامه): ۷۶
 میرزا محمد اسماعیل (هیئت افغانی): ۵۲
 وکیل الدوله ← نادرشاه افشار
 میرزا موسی (والی گیلان): ۷۴
 ولف (بلژیکی): ۱۳۲، ۱۳۵
 میشل (نماینده دولت فرانسه): ۴۷
 ولگا ← رود ولگا (روسیه)
 نادر افشار، شاه ایران: ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۷۲، ۷۳
 نادرقلی بیگ ← نادر شاه افشار
 ولنگای میانه (استان): ۲۹
 ولینسکی، آرتمی: ۴۷، ۴۹
 ونشتورک ← تجارتخانه ونشتورک
 ناصرالدین قاجار، شاه ایران: ۷۷، ۸۲، ۸۶، ۸۷
 وودروف (فرمانده روسی): ۷۳
 نپ (سیاست اقتصادی اتحاد شوروی): ۱۴۲
 وینوویچ، گراف: ۵۹
 نخجوان: ۷۵، ۱۲۲
 هانوی، جوناس: ۷۳
 نظامنامه‌های شرکت شیلات ایران و شوروی ←
 هخامنشیان: ۴۱
 آیین‌نامه‌های شرکت شیلات ایران و شوروی
 هرات: ۱۲۹
 نکا ← رود نکا
 هراز ← رود هراز
 نوز، جوزف (بلژیکی): ۱۲۴
 هرودوت: ۲۱
 نهضت اقتصاد: ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۶
 هشترخان آسترخان (روسیه) ← بندر آسترخان
 نهضت اقتصاد بابل: ۱۴۴
 (روسیه)
 نهضت اقتصاد خراسان: ۱۴۴
 همدان: ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۴۳
 هندوستان: ۴۶، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۳
 هنگ‌کنگ: ۱۰۸
 هیووخستره مادی، شاه ایران: ۴۱
 یایچنی ← جزیره یایچنی
 واسکروسنسکی، پطروویچ: ۸۸
 وایتسیف، گریگور پطروویچ: ۸۸